

12/21/5



۱۲۰	۹۱
۲	۱
کتاب	نمبر

جغرافیای عالم

معنی جغرافیا این است که بیان وضع و حالات ارض است و این علم را سه قسم است -

(۱) متمتیکل جیاگرافی یعنی جغرافیا کی که بموجب علم ریاضی است بیان می کند زمین و قاعده نجوم یعنی بودن ارض یکی از جمله اتم متخیره و اندازه و ترکیب و محل آن که نسبت بسایر متخیره در چه مقام واقع است یعنی بعد آن از آفتاب چیست -

(۲) فیزیکی جیاگرافی یعنی جغرافیا کی که بیان میکند وضع طبیعی و تقسیم سطح ارض آب و هوا خاک بر اقلیم از آنرا و آنچه بالطبع در هر زمینی و اقلیمی از آن حاصل میشود -

(۳) پلینیکل جیاگرافی یعنی جغرافیا کی که بیان میکند ارض را بموجبی که در قبضه مختلف موانع طوایف است و نیز بیان میکند در هر یک از اوقوعه و ائین حالات و طباع و مناها بخلق هر یک از آن ممالک -

اول متمتیکل جیاگرافی

با جمله متمتیکل جیاگرافی می آموزد ما را که این زمینی که ما بر آن قامت داریم کیست است از جمله اتم متخیره و جسمی است بالطبع خنک که دوران دارد و بر جسم دیگری بسیار گرم و در محل وقوع و بعد از آن آفتاب است و ما را تقسیم است نسبت بسایر متخیره -

جیاگرافی یعنی جغرافیا کی که بیان میکند زمین و قاعده نجوم یعنی بودن ارض یکی از جمله اتم متخیره و اندازه و ترکیب و محل آن که نسبت بسایر متخیره در چه مقام واقع است یعنی بعد آن از آفتاب چیست -

فیزیکی جیاگرافی یعنی جغرافیا کی که بیان میکند وضع طبیعی و تقسیم سطح ارض آب و هوا خاک بر اقلیم از آنرا و آنچه بالطبع در هر زمینی و اقلیمی از آن حاصل میشود -

پلینیکل جیاگرافی یعنی جغرافیا کی که بیان میکند ارض را بموجبی که در قبضه مختلف موانع طوایف است و نیز بیان میکند در هر یک از اوقوعه و ائین حالات و طباع و مناها بخلق هر یک از آن ممالک -

با جمله متمتیکل جیاگرافی می آموزد ما را که این زمینی که ما بر آن قامت داریم کیست است از جمله اتم متخیره و جسمی است بالطبع خنک که دوران دارد و بر جسم دیگری بسیار گرم و در محل وقوع و بعد از آن آفتاب است و ما را تقسیم است نسبت بسایر متخیره -

جغرافیای عالم

صوت و شکل زمین گوی مانند کردی است چنانچه بغت یونانی میگویند پلینیت استفسار اند
 که کس که ایگویی مانند قابل میکنند و نمیتوانند که غالباً از دیدن جبال و اطلال عظیم گمان میکنند که
 زمین بی ترکیب نامر است و چون ملاحظه محاری و براری سطح را نمایند چنان نظرشان می شود
 که ارض سطح است بی هیچ وجه ارتفاع جبال سطح براری براری ارض از کردیت خارج نیست
 و گفته یلین قاطعه و ادله با بره معلوم شده است که زمین کردی است -
 (۱) آنکه چون آفتاب ماه و سایر ستاره کردی با عقل حکم میکنند که زمین نیز باید کردی باشد -
 (۲) آنکه سائنه در سرفوت ماه دیده شده همواره مدور نموده است از این معلوم
 می شود که زمین کردی است -
 (۳) آنکه در هر کجای که شخصی بایست افتخ کرد اگر دایره مشاهده میکند و خود را در وسط آن
 نقطه می بیند چون انحال در هر کجای عالم بر همین منوال است ظاهر میشود کردی بودن ارض -
 (۴) آنکه چون کشتی بجانب کسی آید ابتدا گل آن نظر ناظمی آید آنگاه رفته رفته تنه آن کشتی
 دیده میشود و حال آنکه اگر زمین کردی نیست برعکس این مشاهده میشود -
 (۵) آنکه کردی بودن ارض بحساب و پیچایش نیز ظاهر و ثابت شده و در این صورت چنین
 باین ملاحظات معلوم کرده اند کردی بودن ارض را و نه فقط کردی بودن آن را بطور اجمال بر
 معلوم کرده اند بلکه تحقیق نموده اند که زمین بکلی کردی و مدور نیست چون گوی بلکه چنانچه
 در طرفین شمال و جنوب آن چیزی کاسته است که محسوس نمی شود -
 زمین همواره در گردش است و گردش آن بر دو قسم است گردش که بر محور خود می کند

که آیت انچه

سطح آفتاب و انچه

که کل چوب در کشتی
 در این صورت است

جغرافیائی عالم

و گردش که بگرد آفتاب می کند - اما گردش که بگرد خود می زند زمان آن گردش است
که گردش روزی باشد می گویند که مدت واقعی آن ۲۴ ساعت و ۵۶ دقیقه و ثانیه است
و در این صورت در حوالی خط استوا در هر ساعتی زمین یک هزار میل گردش می کند و روز
و شبی که حاصل می شود از این حرکت شبان روزی است که زمین می گدازد و مغرب و مشرق
اما گردش که زمین می کند بگرد آفتاب یکبار در سال است که می نامندش گردش سالی
که از آن حاصل می شود فصول و هر یک از اینها یکبار در هر یک از این فصول در میان روز و
زمان واقعی این دوران بگرد شمس ۳۶۵ روز است و ۶ ساعت و ۹ دقیقه و ۱۰ ثانیه
و اندازه مسافتی که ارض طی می کند بگرد شمس در این حرکت در هر ساعتی بیش از ۱۲۰۰۰
میل است - اگر زمین بطور کمال مدور و گردی بود از هر طرفی قطرش مساوی بودی
و لیکن چون ماربشی شکل است آن قطری که از آن واقع است در طرف شمال و جنوب اندکی
مسافت کمتر است از اقطار دیگر آن مثلا اگر خطی بکشند از جنوب ایشمال کمتر خواهد بود از آن
خط یا خطوط دیگری که مصلوب بکشند بالای آن مانند خط استوا که از مشرق است به مغرب یا
باطراف دیگر آن و مخمین به تحقیقات درست یافته اند که قطر زمین از مشرق به مغرب در خط استوا
۲ - ۳۵ میل است از شمال به جنوب ۲ - ۲۸۹۹ میل است بعبارة دیگر
۲۶ میل فرق دارد -

باجمله باین حساب گرد اگر زمین قریب ... ۲۵ میل است سطح آن میل مربع قریب ... ۱۹۶ میل و تمام زمین اخصیت جسامت و قطر قریب ... ۲۶ میل کیوسیک است

ملک ساز اور دانشور کی وفات کی
صلو بہ یارین شکر ہے۔
آشمال

شرق
غرب
جنوب
شمال

از اینجور طرف مشرقی و مغرب است
شهری و در شمال مغرب است
از اینجور طرف مشرقی و مغرب است

مسامحہ کی بات نہ کرو اور عرض مطلق و
محکم ہو کہ یہ سب کچھ سچ ہے۔

جغرافیای عالم

حدود و مناطق ارض

بجز متحد کردن دیمایش دانستن اکنه و اراضی و غیر ذلک منجمین حدود و منطقه‌های مختلف قرار داده
در زمین - حدود اصلی و اجماع دو قطب است و هشت حد -

اما دو قطب دو نهایت و نوک محور زمین است که زمین همواره بگرد آن در گردش است یکی را
میگویند قطب شمالی و دیگری را قطب جنوبی - اما هشت حد مشرق است و مغرب شمال جنوب

و وسط مشرق و جنوب و وسط جنوب و مغرب و شمال و وسط شمال و مشرق - و شرق
(یا مشرق) انطرف از افق را میگویند که آفتاب از آن طالع میشود - و غرب یا مغرب انطرف را میگویند

که آفتاب در آن غروب میکند - جنوب انطرف را میگویند از افق که چون نیم روز میشود آفتاب محاذی
صورت ناظر است و شمال انطرف را میگویند که محاذی جنوب است - اگر کسی بخوبی خود را که ساکن است

حدود اوقات را بخوبی میتواند دریافت زیرا که آنیکه ابتدای ساعات و وقت را از نیم روز یا نیم شب
میگیرند اول طلوع را ساعت ۶ می‌شمارند و چون آفتاب بوسط مشرق و جنوب میرسد ساعت ۹ حساب

میکند و چون محاذی جنوب میرسد ساعت ۱۲ یعنی ظهر می‌شمارند و این قاعده در هر کجای از عالم
بکار می‌آید مفید است - و همچنین آن نشاندن با ستاره شمال که یک ستاره ایست برابر محاذی قطب شمالی

و این ندان ستاره است که در بنات انعش است که جدی نام دارد زیرا که جدی محاذی واقعی نیست با شمالی
و دانستن این ستاره اکثر در شب بسیار مفید است منطقه‌ای که جغرافیا دانان استعمال میکنند

اینهاست خط استوا خط هریدین و خطوط پرتل - اما منطقه یا بزرگ است چون خط استوا و خطوط
هریدین یا کوچک است مانند خطوط پرتل - خط استوا خطی است مفرغ بگرد زمین برابر و بدون کم و زیاد

جغرافیای عالم

خط شمال و جنوب بنا بر این زمین منقسم است به قسمت مساوی بواسطه خط استوا یکی آنکه در شمال خط
 مذکور است که در یامندش نصف شمالی یکی آنکه در جانب جنوب آن خط است که میگویندش نیمه جنوبی و در
 خط استوا خط اصلی است که از آن خط القیسی و شمالی و جنوبی را حساب میکنند. همه منطقه را از آنجا که
 باشد و خواه ضخیم در ۳۶۰ درجه تقسیم کرده اند و هر درجه را در ۶۰ دقیقه و هر دقیقه را در ۶۰ ثانیه علامت
 و هر کجا دیده شود این است (۵) علامت دقیقه این است (ر) و علامت ثانیه این است (در) مثلاً
 ۲۵ ۱۵ ۱۰ بیت درجه و پاترزه دقیقه و دقتانیه است بمی از هر منطقه ۱۸۰ درجه است و هر یکی از آن
 منطقه ۹۰ درجه و باید دانست که هر چند هر دایره را اعم از آنکه بزرگ باشد یا کوچک ۳۶۰ درجه فرض کرده اند
 مگر آنکه اندازه فست را از خط استوا میگیرند و در اینصورت هر درجه در خط استوا بحساب جغرافیا و اما شصت میل
 هر یک درین خط نصف النهار را میگویند و آن خط عظیمی است مدور که از میان دو قطب شمال و جنوب میگذرد
 و خط استوا را قطع میکند و کره ارض را منقسم به دو نیمه میازد شرقی و غربی. خاصیت این مرزین
 این است که نصف النهار هر کجای عالم را که در طرف شمال و جنوب خط استوا است مشخص میکنند و دیگری که در
 حواصط آن واقع است در نصیوت میتوان بر سه باب یک فرض نمود که غالباً ۲۴ مرزین فرض شده و تقریباً اند
 پر لیل خطوطی را میگویند که واقع شده اند در دو جانب خط استوا و آنکه پرل میگویند بجهت آن است که
 فاصله فیما بین هر دو خط مساوی است آنکه کوچک تر اند از خط استوا بعلا آن است که هر قدر شمال
 و جنوب نزدیک میشود و اگر دگر زمین کم شود و لهذا آن خطوط هم کوکثر میشوند. هر دو مقام و مکانی که
 در شرق و غرب است در تمام عالم اگر محاذی یکدیگر واقع اند و یک پرل (خط) واقع اند و هر دو مقام
 و مکانی که در هر کجای عالم در مختلف حال واقع شده اند بحسب بعد از خط استوا با شمال و جنوب یکدیگر

جغرافیای عالم

یکدیگر پر لپه‌های مختلف دارند بنابراین عدد پرل مجید و بی شمار شود مگر چهار از این پرلها محض

و نام خاصی دارند و مسافت شان نیز مساوی است که اینها باشند

(۱) تراپیک آف کنسر که واقع است ۲۳° و ۲۴° در شمال خط استوا

(۲) تراپیک آف کپریکارن که واقع است ۲۳° و ۲۴° در جنوب خط استوا

(۳) آرکتیک سرکل که واقع است ۲۳° و ۲۴° نزدیک قطب شمال

(۴) انترکتیک سرکل که واقع است ۲۳° و ۲۴° نزدیک قطب جنوب - این چهار

خط روی زمین را منقسم می‌سازد پنج هوای خاص

(۱) تارید زرن (یعنی نطق حراق) که در جانب شمال محدود است به تراپیک آف کنسر

و در جانب جنوب تراپیک آف کپریکارن که خط استوا در وسط واقعی آن واقع است

(۲) نارون تمپریت زرن (یعنی نطق معتدل شمالی) که کشیده میشود از تراپیک آف کنسر

تا به آرکتیک سرکل

(۳) سوت تمپریت زرن (نطق معتدل جنوبی) که کشیده میشود از تراپیک آف کپریکارن

تا به انترکتیک سرکل

(۴) نارت فریجید زرن (نطق بارو شمالی) که مشتمل بر تمام آن قسمت از زمین که

در شمال آرکتیک سرکل واقع است

(۵) سوت فریجید زرن (نطق بارو جنوبی) که مشتمل است بر تمام آن قسمت از

زمین که در جنوب انترکتیک سرکل است

خطای عالم

لنتیو و دلاخجیتو

این الفاظ یا نامها شامل جغرافیا قبل از آنکه کروی بودن زمین معلوم گردد و هنگامیکه
 گمان میرفت که طول زمین از شرق به غرب بیش بود و از طول آن از شمال به جنوب و چونکه
 همواره خلق لفظ عرض را استعمال میکنند بدان طرف سطح خیری که از طول آن کمر است و
 طول را استعمال میکنند بر آن طرف سطح خیری که از عرض آن بیشتر است لهذا لفظ عرض را
 لنتیو و آفریقا و دلاخجیتو را در جهت مساحت و درازی شمال و جنوب ارض و لفظ
 طول یا لالانجیتو را در جهت مساحت و درازی مشرق و مغرب آن - خط استوا را
 و عمده ایست که لنتیو را از آن گرفته و بشمارند و که زمین را منقسم میسازد و حصه برابر سادی که هر یک
 از آنها از خط مذکور گرفته میشود تا منتهی میشود به قطب شمال و جنوب که هر یک از آن شش است
 بر عرض ۹۰ درجه مسافت - آن عرض که در طرف شمال واقع است میانندش لنتیو و شمال
 و آن عرض که در جانب جنوب است میانندش لنتیو و جنوبی - هر چند احتمال میرود که این لنتیو
 مکانی را بالای سطح زمین مع ذلک هنوز آنگهی کامل این محلیت آن مکان جهت کشش مکانی در
 لنتیو ۹۰ است و شمال می در کدام محل خاص از آن مایا یک که آن مکان را پیدا کنیم معلوم نیست
 این اشکال منوع میشود باختیار کردن یکی از مریدین یا را که اگر از زمین افرا گرفته اند و فرض کردن آن
 مریدین اول نگاه آن مکان نسبت به مریدین میگویم که چند درجه است و طرف شرقی یا غربی
 این مریدین منقسم میسازد و لالانجیتو و زمین را بدو حصه مساوی که هر یک از آنها شش است بنویسند
 یکی را میخوانند لالانجیتو و شرقی و دیگری لالانجیتو و غربی و قرار او شمار را لالانجیتو و جنوبی

۷ جغرافیای عالم

این است که بیشماره آنرا از درجه ۰ الی درجه ۸۰ و شرق فینراز ۰ الی درجه ۱۸۰ و غرب

دوم فیکل جیاگرافی

فیکل جیاگرافی ظاهر می‌آید که زمین محل سکونت و زیست بنی نوع انسان است و نیز ظاهر می‌آید تقسیم و تحدید و جای وقوع و اقلیم و سوا و بیابانش طبیعی و امثال ذلک آب و خاک کی که سطح ارض مشتمل است از آنها - تمام سطح ارض مشتمل است از آب و خاک -

اما آب

تقسیم - سطح آبی که در کره زمین را فرا گرفته قریب سه چندان سطح زمین است و عمده واقع شده است در جنوب و آنچه تحدید کرده اند تمام سطح ارض مشتمل است بر ۱۷۹ میلیون میل مربع که ازان ۱۴۵ میلیون زمین است و ۱۴ میلیون آب - اگر دو نقطه یا قطب قرار دهند هر دو مجاوی هم یکی در وسط محیط در جائیکه آب بسیار است و یکی در وسط زمین جائیکه خاک بسیار است پس خطی در میان حقیقی آن کشند حصه اول تقریباً تمام آب است حصه ثانی تقریباً تمام طبیعت و عنصر - آب مشتمل است بر سه عنصر و کیفیت طبیعی -

(۱) جوهریت و روحانیت دارد که ازان بخار حاصل میشود و ابر -

(۲) جریان و ثابتیت دارد و بعلمت آنکه دریا است و آب گیر است و جوی و غیر ذلک -

(۳) جسمیت دارد و زیر که منجمد میشود و یخ و تگرگ ازان حاصل میشود - اما مرقه آب بر سه

قسم است سنگین و غلب و معدنی - آنچه در محیط است از قسم سنگین است و آنچه در چاهها و چشمهها است از قبیل غلب است و آنچه که در ته در مجاورت معدنیات بوده و از آنها گاس و نمک حاصل میشود

جغرافیای عالم

آنها را میخوانند آب معدنی - اما در رنگ آب شور غالباً سبز رنگ است و هر آبی که در دریای شور
از این باشد اتفاقی است و نسبت ارد یعنی جهات اسباب خاصی - و رنگ آبهای معدنی مختلف است
با اختلاف رنگ آن شئی که مجاور یا آنهاست - اما اعتدال آب گرمی سردی چنان است که بموجب
هر حادثه که رخ دهد از درجه انجماد بدرجه جوشیدن میرسد مثلاً ترمومتر که اتحادی از ماده گرمی سوزی است
میشود ۲۱۲ درجه از برایش تعیین کرده اند که در آن درجه آب باید بجوش آید چون آن آلت بدرجه ۳۲
قرار میگيرد آب منجمد میشود و این حساب اعتدال گرمی آب دریا از ۱/۴ ۳۹ درجه کمتر میشود -

حرکت - یک حرکتی همواره وجود دارد آب محیط را چنانچه در هر کجای عالم که دریائی است آب
آن در حرکت است و این حرکت مدامی بواسطه حرکت روزینه زمین است و حرارت شمس -
اما اثر حرکت زمین دوران آن از مغرب به شرق این است که بطاقت نماید که آب یا بجانب مغرب
حرکت است این حرکت بیشتر در خط استوا محسوس میشود و در انجا حرکت زمین بیش است آب میل
بجانب ارد مثل اینکه هرگاه کاسه آبی در دست کسی باشد و راه برود آب آن کاسه میل ارد بطرف ضد
و مخالف حرکت آن یعنی اگر بریزد از جانب پیش رونمیریزد بلکه بطرف عقب میریزد - اما اثر حرارت
شمس این است که همواره آن جوانب ارض که محاذی آن هستند بخارا از آنها متصاعد است در نهایت
آبی که پیوسته بخار میشود و در هوا داخل میگردد و آبی بجای آن می آید از قعر دریا و لهذا بالای آب همواره کثرت
ولیکن حرارت آفتاب را یک اثر دیگر نیز هست در خط استوا و آن این است که پیوسته آب میکشاید
و از یک گیر جدای سازد و موجب آن میشود که آب دریا بدو جانب شمال و جنوب در حرکت باشد -

انقسام آب - آبی که شامل است از یک حصه عظیم سطح ارض را لباینا مندرش دریا و اگرچه دریا

جغرافیای عالم

در یاد واقع یک آب است که انقسام نمی پذیرد و انقسام آن غیر ممکن است مگر بواسطه سهولت در
 رجوع به آن پنج قسمت عظیم تقسیم شده که هر یک از آن محیطی می خوانند بنامی خاص که اینها باشند
 (۱) پسفیک (۲) آتلانتیک (۳) ایندین (محیط هندوستان) (۴) ارکتیک
 (۵) انترکتیک - اما محیط پسفیک - این محیط را که مردم جزئی و فرس می خوانند -
 محیط عظیم فرا گرفته است بیش از یک ثلث سطح کره ارض را پوشیده شده است از ارکتیک هر کل
 در شمال تا خط انترکتیک هر کل در جنوب و از جانب ایشیا و استرلیا و جانب مغرب تا بامیر کاثر
 خط استوا از وسط این محیط میگذرد و آنرا تقسیم به دو قسمت میکند که یکی را می خوانند محیط پسفیک شمالی
 و دیگری را محیط پسفیک جنوبی - مساحت این محیط را مختلف تخمین کرده اند و در این اوقات
 تازگی حساب کرده ۶۷۸۱۰۰۰۰ (یعنی ۶۷ میلیون و ۸۱۰ هزار) میل مربع است - این محیط را
 دریایای عظیمی نیست که دویده باشند در وسط ارض مگر چند دریای دار دو هر چند عظم محیط است و
 آرام ترین همه مگر چند آن مفید نیست یعنی از برای تجارت آمد و شد و در این محیط جزایر بسیار است
 در دو جانب خط استوا اغلب کوچک مگر بعضی از آنها بزرگترین جزایر عالم هستند - اگر چه کما کان
 این محیط را دریافت نتوانست اند مگر بعضی از جایهای آنرا دریافتند که بیش از ده میل عمیق بوده -
 محیط آتلانتیک - وجهه تسمیه این محیط این است که قریب دارد به کوه طلسمی در جانب شمال
 مغرب افریقا - این محیط اهرم و معروف تر و عمیق تر و بهمانک تر از همه محیطهاست - فرق این
 با سایر محیطها این است که بالنسبه باریک تر از همه است و قوت جریان آن بیش از همه جزایر آن
 از همه ساحل خشکی آن بیش از همه - عمده شعب این محیط که از آن جدا شده و داخل ارضی نیامی

۱۰۰۰

۱۰۰۰

۱۰۰۰

۱۰۰۰

۱۰۰۰

جغرافیای عالم

میشوند اینها هستند (۱) دریای مدیترانه و (۲) دریای مفرق و (۳) دریای
(۴) دریای آز و (۵) دریای بالتیک مع دو خلیج تنبیا و فنیکند. اما در طرف دنیای
که طرف مغرب بوده باشد فقط خلیج کشیک است و بجزه بدش عرض و طول این محیط مختلف
تخمین نموده اند از ۲۵ الی ۵۰ میلین مربع دانسته اند و با عقایدی از جغرافیایان سرسبز
موجود ۳۵۱۹۵۰۰۰ میل مربع است یا عبارت اخری پنج یک تمام کره ارض نهایت عرض
۴۱۰۰ میل است از شرق بغرب و اقل عرض آن قریب ۲۱ میل است.

محیط ایندیا - باین نسبت این محیط را میخوانند محیط هندوستان که سه طرف آن دریاهاست
و این محیط کشیده میشود از ایران و هندوستان در طرف شمال و میرود به اترکنتیک سرکل در جنوب
جنوب و از استرلیا در طرف شرق تا افریقا و محیط آلتنتیک در طرف غرب - شعب عمده این
محیط دریای بنگاله است و دریای عربستان و خلیج فارس و دریای احر - گرمی و حرارت این محیط
از سایر محیطها بیش است بنابراین بخار آن نیز بیش است از سایر محیطها و در این محیط چند جزیره بسیار
عمده است و مساحت این محیط ۲۹۲۱۹۰۰۰ میل مربع است.

محیط اترکنتیک - این محیط را محیط شمال و محیط منجمد میگویند زیرا که بیشتر آن در قریب
واقع است و قریب به دوازده درجه و اگر دآن بقدر ۲۴۰۰ میل است و مساحت آن تخمین
کرده اند ۵۶۹۲۰۰۰ میل است و این محیط فقط بیک اه بسیار عریضی در وسط ناوی
و گرین لند ملحق میشود و محیط آلتنتیک عرض و طول این محیط بالفعل بر بنده معلوم نیست -
محیط اترکنتیک - مشتمل است بر تمام آبی که در جنوب اترکنتیک سرکل واقع است.

جغرافیای عالم

سطح این محیط را تحدید کرده اند قریب میل مربع است. اگرچه آبهای این محیط با سوا
محیط با پیوستگی و اتصال دارند مگر بواسطه انگیختن بسیاری در این محیط است از سوا درجه تقسیم و درجه
امکان بیشتر فتن نیست نیز بواسطه طوفانهای عظیم و بادهای بسیار سخت سرد. هر چند که با زمین
محیط با چندان تقصیر و وجود این محیط نشده مع ذلک خبر داده اند دریا نوردان که در این محیط زمینهای
غلیظه مرتفع و کوههای آتش بار بسیار است که مدام برف بر آنهاست از بی آدم یک نفس اینجا یافت نشود
نامهایی که در جغرافیا مصطلح است

قبل از آنکه شروع شود بیان این نامها ظاهر میسازم بنده که در اینجا و در هر جا که لغتی نامی مصطلح
از برای چیزی باشد که بنده بدانم و شنیده باشم یا در کتابی دیده باشم یا بتوانم جعل کنم همانرا خواهم نوشت
والا همانکه در لغت انگریزی است منو لیسیم. چون آب دریا داخل زمین میشود و شعبه شعبه میگردد و
اشکال مختلفه بهم میرساند هر شعبه و صورت شکلی از آنرا بنامی میخوانند مثل محیط بحر خلیج
بی لنگرگاه کریک رُعد فرت استواری استریت چنل -
محیط - و حقیقت آن آب غلیظی را میگویند که تمام زمین را فرا گرفته و قریب سه ربع زمین را شامل است
بحر آب بزرگی را میگویند و در اصطلاح جغرافیا دانان آن شعبه و شاخ از محیط را میگویند که کم و زیاد
زمین گرداگرد آنرا فرا گرفته - خلیج آب پهن یا دریای باریکی را میگویند که مسافت بعدی یا بسیار
در طبلن ارض دیده است مانند خلیج فارس - بی دریائی را میگویند که در شکم ارض در شده است بین
بگردان مانند هلال یا کمان کشیده شده - کریک گوشه یا کنج دریا را میگویند - رُعد (یعنی رسته)
جائی یا راهی را میگویند در دریا که محل پناه از باد و طوفان است و کشتی میتواند بسلامت از آن بگذرد

کریک

رُعد

چنل

استواری

استریت

کریک

جغرافیای عالم

قوت و بهر رودی را میگویند که آب آن داخل میشود در دریا - استریت را همایی میگویند از محیط که واقع است در میان زمین - خیل استریت بزرگ عربین میگویند - نتیجه مختلف هوا و باد و طوفان موجب بعضی حوادث میشود محیط مثل کرنیت و ویو و بیکو و هر چه که موج و تلاطم باشند - اما کرنیت جریان حرکتی را میگویند از آب که واقع میشود بعضی از جایهای یا و این چنان است که بعضی از جایهای دریا مانند رود و سیل متحرک است این بر دو قسم است یکی آنکه بسیار با قوت حرکت میکند و یک جانب و آن است گاهی از جریان نمی آید نیز و بادی که برخلاف آن می آید دیگری آنکه فقط بواسطه وزیدن هوا پدید می آید و آن بالای دریا است - اما ویو موجی را میگویند که بلند میشود و باد آنرا در می برد و محو می سازد - بیکو تلاطمی را میگویند که در وسط دریا پیدا میشود بواسطه طوفان -

سرج موج عظیم را میگویند -

نتیجه جذب شمس و قمر آب محیط جاذبه و بهم میرساند و آن بلند شدن و فرو شدن آب محیط است و شیب و شیب آن آب باقی که بر شکل این از آنجا می آید جمع میشوند و تالابها و دریاچه ها مجدداً بیکدیگر و بدینا از معبر و با آبگیر یا دریاچه آب بسیاری میگویند که جمع میشود در جایی که کم و زیاد محل وسیع و عمیق است غالباً آب آن شوره تالاب و سطح آبگیری است غالباً کوچکتر از دریاچه است آب آن شیرین است همراه شیرین از آن یعنی مجرای رود آب جاری بزرگی را میگویند که غالباً از کوهها فرو می آید چشمه های آن در کوهستان است از دیگر مجاری کوچک که چک هم آب در آن جریست آخر منتهی میشود بدریا یا آبگیری -

کنش مجاری است که دستی می برند بجهت گذشتن کشته و غیره -

جغرافیای عالم ۱۵

(۲) اما زمین

تقسیم - اندکی زیاده از ربع سطح ارض زمین است که عمده آن مشتمل است بر دو قطعه عظیم غربی و یکی جدا از یکدیگر که میان آنها را کانتمیننت - آن قطعه که اکبر است و کشیده شده است بجانبال و مشرق و جنوب مغرب آن زمین مندونیای تیمیم - در این کانتمیننت یونیا واقع شده است بر عظیم ارض که از قدیم الایام معلوم بوده است بر کرسی که یورپ و اسیا و افریقا بوده باشند قطعه دیگری که کوچکتر است میان منش و نیای جدید کشیده شده است از شمال جنوب که تمام ملک امریکا بوده باشد که حصه چهارم زمین است این دنیای جدید یکی جدا افتاده است از دنیای قدیم بواسطه محیط اتنتیک در طرف شرق و محیط پسفیک در طرف جنوب -

تمام آن زمینی که باقی مانده است در طرف جنوب و مشرق دنیای قدیم شمرده میشود و حصه پنجم ارض که مشتمل بر ملیشیا و استرالیسیا و میکرونیشیا و پلینیشیا و سایر زمینهای انترتیک - آن زمینهای خردی که افشانه شده اند بالای سطح تمام دریای عالم آنها را مینا مند جزایر -

نامهایی که در جغرافیه استعمال شده است یا مض

زمینی که سطح کره ارض افراشته منقسم شده است در میان آبهای عالم قسمتیهای بزرگ و کوچک که امتیاز دارند از یکدیگر براساسهای خاصی که بوده باشند کانتمیننت و ایلمنت - هر چند که در واقع کانتمیننت بیش از دو نیست که دنیای قدیم و دنیای جدید بوده باشند مگر جغرافیا دانان بواسطه آنکه نام جدا گانه داشتند لازم آمد که نام مذکور را اطلاق و استعمال نمایند برای حصه های عظیمه ارض بنام یورپ و اسیا و افریقا و امریکا شمالی و امریکا جنوبی و استرالیای اعظم و کانتمیننت میخترند

استرالیای اعظم

استرالیای کوچک

استرالیای میانی

استرالیای جنوبی

استرالیای شرقی

استرالیای غربی

جغرافیای عالم

ایلمند - جزیره را میخوانند و جزیره قطعه زمینی را میگویند که با تمامه محاط باشد با آب - جزیره کوچک که در وسط دریا باشد میخوانند ایلمند - جزیره کوچکی که در وسط رودی باشد میخوانند ایالت چند جزیره که در یکجا جمع شده باشد مانند خوشه انگوری میخوانند از کینیک زمینهای بزرگی که اکثر اطراف آنها را آب گرفته و از اراضی عظیمه خیری دور و بیگانه افتاده اند آنها را میخوانند - پنینسوله و اینتمس (۱) پنینسول زمینی را میگویند که تقریباً تمام آنرا آب گرفته - (۲) ایتمس زمین باریکی را میگویند که در وسط دو زمین بزرگ هست مثل گردن - مختلف صوری که ساحل بزمینی راست باین نامها میخوانند کشتور و کشت و شتر و کیپ و امثال ذلک - کشتور فقط خطی است که بنظر ناظمی آید از گرد و در زمین یعنی خطی که جدا میشود از افق یا کشت خطی است که فی الواقع جدا میسازد زمین را از دریا - شتر رویکتر است از کشت بدینا مثلاً جایی که شخصی بایستد و در زیر قدش آب دریا باشد کیتپ نوک زمین را میگویند - قشیب فرازی که بر روی زمین هست باین نامها میخوانند کوه - تل - زمین مرتفع - کوستان - دشت - زمین پست - بادی - و امثال ذلک - اگر چه اینها بر اکثری از خلق معلوم است مگر بطوری که در خبرافیا استعمال دارد معلوم است - کوه مقداری است از زمین که از سطح ارض مرتفع است و چندان فاصله از بر زمین ندارد و خود که از ۲۰۰۰ فوت بهر فاصله دیگر بلند است نهایت ارتفاع کوه را قله میخوانند - وسط کمر میگویند - پایان آنرا بنج و پایان میخوانند - آنحضه از آنرا که مشرب میرود امنه میگویند - هرگاه باریک و تیز باشد نوک مینامند - هرگاه مسلسله از این اراضی مرتفعه (یا جبال) بیک جانب

مجلس

2/10/21

عبدالرشید

محرم الحرام

عربی

۲۵

05

27

١٢

سرور سواد است

سید بنفیل

کیمیو سواد

جغرافیای عالم

یک جانبی کشیده شود و بخواند سلسله جبال هر رشته از آنها که به طرفی روان میشود آنرا میخوانند
 شعبه یا شاخه جبال - چون سلسله متعددی از این جبال پهلوی یکدیگر جمع میشوند آنرا میگویند
 رشته از جبال - چون جبال متعددی با آنکه قله آنها از یکدیگر جدا باشد بچ و بنیان آنها یکدیگر پیوسته و
 تا یک مسافتی کشیده است آنها را میگویند زنجیری از جبال - راهی که از وسط سلسله از جبال میرو آنرا
 میگویند معبر و اکثر درایران میگویند گردنه - قله مرتفعه بعضی از این جبال مذکوره از قدیم الایام همواره
 پوشیده است ببارف و بخی و بهین منوال باقی است - بعضی از جبال بسیار مرتفعه است که فرویت اند
 در زمینی آنها داخل جمیع سلسله جبال نیستند و آنها را نمیتوان خواند سلسله جبال یا بین گو جبال
 تعلق و قرابت دارند اکثری از کوههای آتش نشان آنها کوههایی هستند که بشکل قالب تندیال
 رفته اند و رؤس آنها را منافع و ثقبهائی است که پیوسته از آنها آتش و دود و خاکستر و چیزهای سوخته
 بیرون می آید و باطراف و جوانب آنها مانند سیل روان میشود و از بعضی از این جبال آتش نشان است
 و گل گرم بیرون می آید و از بعضی گرد و آنچه متصاع میشود و با این گونه جبال لازم و ملزوم افتاده است
 زمین لرزش یعنی هر کجا که از اینگونه جبال بوده باشد غالباً در آنجا زمین لرزش میشود -

تل نیز زمین مرتفعی را میگویند که در جانی واقع است مگر ارتفاع آن گاهی به ۲۰۰۰ فوت نمیرسد
 نسبت باراضی گرد اگر حول حوش حوش و فرق تل از جبل نه نقطه بار تعلق است بلکه نیز تیز
 و شکل است - زمین مرتفع را که آنرا میخوانند پلته و تپیل لند، زمینی را گویند که بلند باشد تا
 یک اندازه از سطح دریا که سطح آن هموار و یکسان باشد مانند میز - بعضی از اینگونه زمینها سر
 هموار است و برخی دیگر شیب فراز بهم دارند و ملها و دریا نیز در آنها واقع است - یکی از بزرگان

در زمین
 شیب

جغرافیای عالم^{۱۸}

علم جغرافیا لفظ پلتورا استعمال میکنند بر زمینها کی که در فضا یک امتیازی داشته باشند
سایر زمینهای اطراف خود در آب و هوا و برآمدن گیاه و غیره دزینی را که از ۱۲۰۰ فوت
کمتر فضا داشته باشد پلتونمی خوانند -

دشت زمینی را میگویند که بکلی است بلند می نام هوای نداشته باشد - دشتبای غلیمت نام دشتی
موجب اقتضای مکانیت آب هوا یا محض صحرائی لم نیرع اند که بذات بعضی از جایهای آنها چند
دختی و اندک آبادی یافت میشود مانند بیابانهای عربستان امثال آن یا اینکه سرسبز و معمورترین
قسمتهای عالم اند مانند دشت بابل و عراق عرب و دشت ترکستان و غیره -

تقسیم نباتات بموجب علم جغرافیا

باستانی چند قطعه زمین که لم نیرع افتاده اند نباتات فوق گرفته است تمام قطعات کره ارض را -
بهترین وضعی که بتوان مقرر نمود از برای تقسیم محل و میدان مختلف نباتات در روی ارض این است
که زمین را بر هفت زون یا اقلیم فرض نماییم (۱) زون خط استواء که در آن میروید انگونه نباتاتی که
خاص است مع آن هوای گرم را مثل درخت پالم و نباتات و بهترین اقسام چوب و ادویهجات خوشبو
مانند لادن و میخک و اسپینی و امثال فلک - (۲) زون تراپیک که در آن شکوفه و امثال فلک
میروید چنانچه فلک هندوستان واقع است در همین زون یا اقلیم - (۳) زون نیمه اتریک
که اقلیم سوم بوده باشد در این اقلیم میروید انجیر و پسته و از انگونه نباتات - (۴) نیمه پرتین
که در آن گیاهانی یافت میشود چنانچه ایران اخل این اقلیم واقع است - (۵) زون سرد معتدل که
در آن درخت بلوط و گندم میروید - (۶) فزون زون (۷) اقلیم مجید یعنی اقلیم ششم که در آن زیت فر

دشت زمینی را میگویند که بکلی است بلند می نام هوای نداشته باشد - دشتبای غلیمت نام دشتی موجب اقتضای مکانیت آب هوا یا محض صحرائی لم نیرع اند که بذات بعضی از جایهای آنها چند دختی و اندک آبادی یافت میشود مانند بیابانهای عربستان امثال آن یا اینکه سرسبز و معمورترین قسمتهای عالم اند مانند دشت بابل و عراق عرب و دشت ترکستان و غیره -

جغرافیای عالم

۱۹

دخت فرمید (۱) پیکر زمین (زمن قطب) یعنی قلمب منقسم که در قطب واقع است که در آن میرید خطین و ماس
ولیکن چونکه هوا تغییر و تبدیل بهم میرساند بهم بواسطه ارتفاع زمین هم بواسطه بعد مسافت از خط استوا
بنابر این اگر ما بخوابیم دست آیم میوه و گلهای اقلیم چهارم را فقط باید بالا رویم به جبال تاریده زمین
یعنی خط استوا چون کوستان الپس واقع است در وسط ارضی یا قلمبی که در آن انگور میروید که آنجا هم
هوا معتدل است و آنجا میتوانیم حاصل نمود نباتاتی را که در اقلیم ششم یافت میشوند - بعبارة اخری
ما ملاحظه میکنیم که میوه یا حب یا نباتاتی در ایران میروید و در هندوستان هم میوید و حال آنکه میوه که در شیراز
میروید در اصفهان نمیشوین بواسطه همین فضا و سردی و گرمی زمین و هواست پس اگر ما صورتی شیم
از کوههای عالم و در آن ظاهر سازیم اعتدال هوا را در هر جایی که از آنها آنگاه بر ما معلوم خواهد شد از
ارتفاع زمین یا جبال را در نباتاتی که در هر قلمب میروید - و باید دانست که همین حالت که در جبال شمال
خط استواست در جانب جنوب هم هست زیرا که در آنجا هم زمین هست مگر کسانیکه در میان با ذکر کرده اند
از اقلیم عالم گمان کرده اند که در جانب جنوب خط استوا زمین عمارت نیست -
که گفته ازین و حالت عظیم که ذکر کردیم نسبت دارند باب و هوا دیگر حالاتی هستند که نسبت دارند
بخاک و رطوبت و امثال آن لک که هر چه محدد و یعنی خفیف اند مگر و اثر کم از دو حالت نخستین میشوند
بهر حال از اتحاد گرمی و رطوبت کیفیتی حاصل میشود که مناسب برای از نباتات است پس پنج
نباتی که در خط استوا در جنوب و شمال و هندوستان ازین قبیل جاها میروند که بهای آنها باغی است می
چندان امتیاز دارند که در هیچ جای دیگر عالم بان امتیاز و خوبی نمیروند - امریکای بواسطه آنکه رطوبت بسیار
دارد خیلی عجیب تر و مخصوص تر است بجهت و زمین بسیار از نباتات از اناناس بواسطه گرمی و

۲۰ جغرافیای عالم

در جانب شرق است خشک میکند شیره اشجار و نباتات را و معطر و خوشبو میسازد و آنها را دین کیفیت
در اشجار و نباتات امریکا و جزایر دریائی حاصل نیست مانند قهوه عربستان چای چین و دارچینی سیلان
ولیکن خردمندی انسان بان مایه است که بجهت نباتات را در جاهای میرویانند که اگر محنت و خرد
او نبود گاهی در آنجا دانه می روئیدند.

تقسیم جانور بموجب جنس و افراس

جانور نیز تا بیک اندازه و حد خاصی تابع قانون انقاسمی است شبیه بقانون انقسام نباتات مگر آنکه
پیداشدن بعضی از جانوران در جاهای سردتر ممکن است و قسم خویش هم چنانچه در این اماکن که بسیار
سرد است چهارپایان بسیار عجیبی متنازع یافت می شود مانند رین ویر (که قسمی است از آهو)
و خرس و روباه قطبی یعنی شمالی - طیور که در این اقالیم یافت میشوند عمده اردک بسیار حیسانی است
و همچنین اقسام دیگر مرغابی ها - بجانورهای اقسام و انواع بسیاری جانوران است که شبیه اند
بجانوران ببری مانند نهنگ و کرس و سیل و امثال فلک - در اقالیمی که هوادر آنجا با اعتدال
بیش است عدت و اختلاف و اقسام حیوانات نیز بیش است مگر بالنسبه بجانورانی که در اقالیم
اول و دوم هستند که هوای آنجا بسیار گرم است بی آزار تراند و نیز برای استعمال انسان مفیدتر -
آیدیم با اقالیم اول و دوم که قریب خط استوا باشند در این اقالیم هر نوعی از حیوان بیش است بجهت
عدت و کثرت و هم بحسب قوت و هیبت مثلاً در این اقالیم حشرات الارض و هوام و کرم و مار و طیور
عظیم بجهت و طویل القامه قوی بسیار است مانند ماری که در هندوستان است که مینامندش بجا
که از ۳۰ الی ۴۰ فوت طول آن است و نیز مار دیگری که در امریکا است که مثل میخوانندش بجهت

۲۱ جغرافیای عالم

بجهت آوازی که میکنند همچنین در این قایم یافت میشوند و اگر گداز انواع و اقسام بهایم و سباع قوی و پیکل سهنداک دیگر.

گذشته از این اقسام عامی که شد بعضی حیوانات اند که خاص اند و اراضی خاصی را که در دیگر خاکها پیدا آنها ممکن نیست و اگر چه بسیاری از مقامات این خصوصیت میتوان نسبت ادب اقباضی شکل و آب و هوا مع ذلک سببهای دیگر است که بیان آنها شکل است. - پیل مثلاً منحصر است بجزایر و فرقی هندوستان - رسی که طایریت بزرگ خاص است مزمینی را در خوب امریکا - شتر مرغ و زرافه منحصر بجزایر افریقا - و گنگو و منحصر است باسترلیا - و همین قاعده جاری است در حالت جانوران و ماهیان دریا که بعضی از آنها در دریا و در جای خاصی یافت میشوند مثلاً انیکه صدف که آنهم یک نوع جانوری است در دریا و در بحرین یافت میشود - بعضی از جانوران هستند که گاه گاهی از جایی بجای نقل مکان میکنند و اراضی و مسافات بعید را طی نمایند بجهت تحصیل خوراک گذشتن بچای و درختی و دیگر از جانوران میباشند که در هر جایی بودن آنها ممکن است آنهم یا انیکه خانگی اند مانند سگ و گاو و گوسفند و بز و اسب و خر و خوک و گربه و یا انیکه جنگلی هستند مانند و باه و خرس و خرگوش و غیره و چرخ است حالت کرم ها که نمیدانیم که در همه جا هستند و یافت می شوند - هنوز در میان آن جانورانی که در هر جایی یافت می شوند معلوم شده است که بعضی آب و هوا خاص است بجهت نشو و نما و بعضی از آنها مثل انیکه انواع و اقسام کرم ها در قد و حبه تخفیف می یابند و کوچکتر میشوند چندانکه از بهای کرم بجانب بهای هر دو پیش میروند و برخلاف خرس و نهنگ و موش بزرگ عظیم حبه میشوند هر قدر که قطب شمال و جنوب نزدیکتر میشوند - کوساله و گوسفند تعلق دارند بهای معتدل اند و هر طرفی از قطب و خط استوا که

۲۲ جغرافیای عالم

پیشتر روند از حیثه شان کاسته میشود یعنی نه گرمی مناسب آنهاست نه سردی - مگر سعی کوشش
انسان چنان است که این انقصاصی که کردیم از برای جانوران را تخفیف تغییر و تبدیل میدهد بعضی
از آنها که مودی هستند معدوم و بر طرف میکنند بعضی دیگر که مفید اکل استعمال اند پرورش میدهد
نگاهداری میکند و کشت و زراعت هم بعضی از جانوران را از خوراک طبیعی خود باز میدارد و برخی را
خوراک آماده میکند و باید ملتفت این معنی بود که طوفانی که ترقی کرده و علم و ادب و تربیت یافته اند
هر دو نبات و حیوان را بمالک و اوطان خود برده تربیت کرده اند و طبیعت ثانوی بخشیده اند -

تقسیم انسان

الحسنه و النعمه و النعمه

انسان یافت میشود در هر یکی و در هر هوایی مثلاً در کنار رود و در سنگال قریب خط استوا جسم او سبک است
حرارتی را که عرق یعنی جوهر شراب را بجوش می آورد و نیز در اکتیک سرکل تحمل میکند هوای را که
زیق در آن منجمد میشود - قوه عاقله و غیره نیست که در هوای لباس پوشاک خود را فراتر از آن
ترتیب میدهد و از این بالا تر خردمندی و دانش او بپایه یالیت که در هر جا و مقامی کمال
و مشرب خود را آماده و مهیای سازد بهر نحو که ضرورت پرورش تن و در کار و مناسب باشد -
در جایی که آب منجمد شود در آنجا نه کشت را موسم است و نه در او مقدار زیادی از حیوانی افزون
می برون میکند که از هر قسم خوراک حار تر است حال کوفی که در وسط خط استوا که تخم مرغ می بندد
گذران میکند بر لطف و ملایم تقسیم از نباتات و منبری آلات -

معتدل ترین ارضی و اقلیم زمین چنین می نماید که مناسب ترین هر ارضی باشد بجهت تربیت و
پرورش نبی آدم چنانچه اکل صوت و اتم شکل نبی نوع انسان یافت شده است در وسط کره کره

جغرافیا علی علم

بزرگترین حصه های ارض یعنی قایلیم و اراضی که واقع اند میان دسیای مدترین و دریای اسود دریا سیپین
یا قایلیم (باین حساب نصفی از ممالکی است که بموجب عقیده ما مردم اقلیم سوم و چهارم واقع است که این ربع
شامل نیست) از این حد اقلیم هر قدر دورتر رویم صوت و شکل انسان از انسان سلوبی که باید داشته باشد
می افتد از آن خوبی و ناسبی که او را است نقص می پذیرد. و باید دانست که این اقلیمی که ما اشارت کردیم
کردیم همان اقلیمی است که گمان فته و عقیده خلق بر آن است که محل جبوط آدم بوده و نیز جایی که کجاست
او بر او مقرر شدند و نیز جایی که در آن بمقام اصلی و جای رجعت خود معاودت نمود. در این وقت این
مقام اراده نامیست که تا بیخ آدم و انقلاب و افتراق و اختلاف ذرّیه او را بیان کنیم و باید دانست که
اختلاف ذرّیه آدم در زمانی شده است که قبل از تاریخ است مانند دیگر چیزها و حقایق قدیمه در پرده
تخامانده است مگر خبری دریافت خواهد شد در این کتاب از وضع و ترکیب و شکل و صورت فرزندان
در هر کجای کره ارض. بهترین نمونه با سه و صورت قومی است که ایشان امیخو اند اهل کاکشیا
یعنی هرکس را که می گویند. این است از خلق را که شکل تخم مرغ است و صوت منقسم شده است به قسمت
مساوی با وسطه و چشم و یک بان با اعتدال خطی که در میان چشم میگذرد اگر تجدید شود و خط مساوی
از اضلاعی از آن نبود و میشود که فاصله میان هر یک بحساب اشکال اقلیمی ۹۰ درجه می باشد و بلند است
و منور و اعضا همه یکدیگر متناسب با هم اند و در این شکل یافت میشوند همان است که خواسته اند از انسانی زیبا
و همان است که شخص وجود انسان را در خوبصورتی و موزونیت تجلیم میدهد. اهل یورپ که دخل افریق
و ذات شموده شده اند غالباً و صوت از این فرق و پوست ترانه گرد و سخنان بندی قوت بیش از اندکی بصوت
و اعتدال در جوا ایشان کمتر در جسم است و بیشتر در روح. چون از این خاک سرزمین تجاوز نموده قدم

۲۴ خبر فی عالم

مغرب کرجستان نیم لاتی می شود با اعراب و کر که بلاد آند اقصای وسط شمال مغرب فرقی است این
 قوم پیشانی اندکی بقلب مایل است سر اندکی از حد اعتدال بلندتر است - مردم بربری که در بعضی
 شمال در همان حد و ساکن اند چیزی هم بر این شکل مزید کرده اند و آن این است که اندکی لب و بان
 شان بیرون مایل است و فی الجمله هم لون شان تاریک است - چون بوسط افریقا قدم نهیم لب
 و بان عظیم بجهت خشن نظری آید و پیشانی عقب افتاده و موی سر مانند شمر بره چیده است پوست بخت
 سیاه و رنگی دومی همان است - امکی پیشتر رفته قوم با تفت بنظری آید در بعضی وقایع
 از فرقه قبل الذکر یک پایتاده گرد اقصای خاک افریقا دیده میشود قومی که آثر لثمن میخوانند
 از فرق مذکوره هست تراز صوت انسانی خارج تراند - اگر از کرجستان گرفته روی بجانب شرق
 گذریم مشاهد میکنیم که خوبصوتی و زیبایی و تناسب بهمان و تیره روی نقصان از چنانچه پوست با
 مغولستان ای نیم که گاهی ننگ است صورت پهن صاف و بیک در هم چیده و مغز مسطح و چشم کج
 و بالا کوتاه است - اقصای این شته و خط بلاد جنوب استرلیا است که باشند آن در سیتین
 درجه صورت و شکل انسانی است - و امریکای تیره ما همین قاعده کلی را ملا خط می کنیم چنانچه صورت
 از بزرگان رومای شمال امریکای نیم که اگر چه پر سرخ و نسبت بان انسانی که قبل ازین که کردیم
 بانان نزدیکترست مگر که در عارض او سخوانی است کران بیرون دیده و گوشه شپانش برآمده
 با جملہ صوت او چندان هست بلند می خشنود و او که در اقصای انسانی انداخته - در وسط امریکا
 همه اینها را بهیچ وجه مذکوره ضاعت است چون با اقصای جنوبی امریکای جنوبی میسریم مشاهد
 می کنیم که بهرین اشیاء در شکل و صورت باشند گمان آن مری زمین است -

له ایش
 سه توشن

۲۵ جغرافیای عالم

باید دانست که این میانائی که اکنون ذکر رفت و خصوص صور و اشکال اصناف خلقی که در تمام جهان هستند موجب یازده صوفی است که از اصناف مذکوره در جغرافیای همیبر صبا نقش است که در این کتاب نقش آن صورت ممکن نیست مگر از بیان آنها چیزی نفهم خوانندگان در محالیه هر سعی و کوششیک میشود و بدو که بنی نوع انسان که اکنون در صفحه ارض پراکنده اند صنف صنف نمایند و اصناف آن را معدود کنند و پیافیده و غیر ممکن است و این شعبه علم تاکنون بدایت و آغاز است یعنی از صاحبان این علم وضع و ترکیب مقرر شد انسان اختیار کرده و خاصه قرار داده اند و بجهت اینکار و باین موجب خلق عالم را بر پنج صنف مقرر نموده اند اول کرجی و دوم مغول سوم زنگی چهارم امریکائی پنجم ملائی - اما طریقه دیگر است بهتر ازین و آن اینست که خلق عالم را بر سه صنف تقسیم کنند (۱) سفید یعنی کرجی که فرا گرفته است ممالک یورپ و مشرق اسیا و شمال افریقا را و اکنون پراکنده شده است در جانب شمال بعضی از ممالک یورپ و امریکا و کلبه ها در هر گوشه و قسمت جهان - (۲) زرد یعنی مغول که فرا گرفته است طرفهای شرقی اسیا را و پراکنده شده است در شمال یورپ امریکا و بعضی از جزایر محیط پسیفیک - (۳) سیاه که فرا گرفته است وسط ممالک جنوبی افریقا را و بسیاری از جزایر محیط را و سواحل شرقی استرالیای ولیکن ظاهر است که در هیچ جای عالم کماکان نمیتوان این ذات با و اصناف را از یکدیگر جدا ساخت و امتیاز داد زیرا که همه در هم و مفرج شده اند یا اینکه مکرر قبایل و طوایفی از یکی جدا گردیده و یکی دیگر نقل کرده اند یا اینکه بر سیل ملک گیری و جهان کشائی یکی دیگر رفته اند و بهر صورت احتمال یافته باینکه بگیرد و باید دانست که اقسام و اصناف خلق را بحسب اصول لغت و زبان باید پنج فرق

۱- کرجی و سفید
 ۲- زرد و سیاه
 ۳- سیاه و سفید

۲۶ جغرافیای عالم

دانت بعبارة آخری انیکه لغت اینها همه در اصل یک نوع نسبتی با یکدیگر داشته و از یک قبیله بوده
 اول لغت ایندو یورپین است یعنی لغتی که اهل هندوستان و اهل یورپ بان متکلم اند که اصل
 و ماده آن سنسکرت است بلکه ماده قدیمی تر آن لغت زند است - و دوم لغت سمیتیک است
 یعنی لغتی که میگویند تعلق دارد به سام ابن نوح و اولاد او که اصل و ماده زبانی است که اهل شام
 و عرب و یهود و قوم روم و اهل ممالک شمالی افریقا بدان متکلم اند - سوم لغت تورانیان است
 که اصل و ماده زبانی است که اهل ممالک شمال و وسط اسیا و شمال یورپ بدان متکلم اند و
 لغت تمام االی امر یکاهم در اصل و ماده اشتقاق باین لغت راجع است چهارم لغت چینی است
 که تمام مردم چین بدان متکلم اند و مردم شرقی ملک اسیا مثل اهل خا و ماچین و غیره و پنجم لغاتی است
 که مردم افریقا یعنی قبایل و طوایفی که در جنوب صحره سکونت دارند باینها متکلم اند -

سوم پیت سیکیل چیا گرنی اصول تعریف عاتق اریستیدیل جغرافیا

تا هنگامیکه خلق روزگار میگذرانند فقط میوه و برگ و بار درختان و به نبات زمین و شکار و خوش
 صحرا و طوایر و ماهی و دریای هیچ وجه کم از بهائم و حیوانات نیستند و چون اندکی در حالت زندگی
 به ازیں باشند با دین نشینان و ایلیاتند که بسر می برند به نگه داری حیوانات و می نشینند در چادر
 که باسانی آنها را حرکت و نقل می دهند بجا های دیگر چون لازم آمد که چراگاه جدیدی بدست آرند
 مگر این سلسله را از ان سلسله چندان فرقی نیست و این هر دو منف از خلق همواره پرانگنده و سرگردانند
 در صحرا و جدا افتاده اند از سایر خلق - مگر نخستین قدمی که مقرر شده است از برای میدان عرصه زندگی

ست ایندو یورپین یعنی هندی

تورانیان

شرق آسم جهان شام و غیره

عرب و دیگران که در اصل باشند

نسب است با اولاد و غیره و شام

۲۷ جغرافیای عالم

و اولین درجه که معین کرده اند از برای تربیت یافتن و فحش و عادت انسانی گرفتن و اولاد آدم
 زراعت است که آنها را مقید میسازد که در جانی اقامت گیرند و مداومت نمایند آنگاه قانونی
 در کار دارند که حفظ و حراست اموال ایشان نماید و قدرت شان بختی که اولاد و احفاد زیاده
 از خود باقی گذارند چون چنین شد لازم افتاده است ایشان را موصفت بسیاری از هنرهای مختلفه
 زیرا که کسبی لازم نیست که زراعت نماید و چون کسی که زیاده از اندازه خوراک خود و عیال خود
 از کشت و ترخ خود حاصل می آید آنچنانچه از ان باقی میماند لازم دارند و طالب اند که با اشیاء
 دیگر معاوضه نمایند و مباد که کند لازم می آید که تجارت و معامله در کار باشد و تجارت جاری میشود
 و لیکن هنوز گروهی را که زراعت میکنند و هنری آموزند و تجارت می نمایند میخوانند شان جنگلی نامند
 بعلمت آنکه فاقد اند لغت و قانون و علمی را که مکتوب باشد لهذا این اہم لازم دارند که حاصل کنند
 چون این کمال را حاصل آورند آنوقت شمرده میشوند در شمار مردم و طوایف تربیت یافته هر چه
 تربیت هم از حیثیت طبیعت و هم از حیثیت درجه بغایت اختلاف و کم و زیاد دارد -
 و میان خلقی که بی نهایت تربیت یافته اند شغل و پیشه بسیار و متعدد است و شاعلی آن مثل
 نیز بی حساب اند مگر باید ایشان را بر چند صنف عظیم قرار داد اول صنف حاصل کننده که عبارت از
 تمام کسانی هستند که از خاک و آب حاصل می آورند هر گونه متاعی که عموم خلق را لازم و مفید است
 مثل غلات و حبوبات و میوه ها و گیاهان و کنگره ها و غیره و دوم صنف پیشه وریاگان
 یعنی کسانی که اشیاء خام را بنا بر نیاز و میسازند و بکار در می آورند - سوم صنف تجار یعنی
 کسانی که در گردش در می آورند و میخرند و میفروشند در میان قومی متاع و اشیائی را که در میان آن

۲۸ جغرافیای عالم

قوم ساخته و پرداخته شده است و آنچه زیادی باشد لزوم و صرف آن قوم را معاوضه میکنند
با چیزهای حاصل شده و ساخته و پرداخته طوائف دیگر و داخل این صنف اند و کانداران و
ملکان و دولّان و کشتی سازان و حمالان و غیره چهارم سپاهیانند که شامل آنها هستند و
کسانی که بند و بست و نظم و نسق امور خلق بهست ایشان است پنجم که انجیرین و صاف و با
اهل شرع و حکما هستند و کسانی که فاضل عالم اند و میان قومی که حرفه ایشان این است که وسعت
دهند میدان و سعه علم و فضل را و افزایش دهند دانش و بنفش او و مذهب سازند خلق را -

اقسام مختلف حکومتها و ریاساتی که صورت وجود دارند در هر یک از ممالک عالم ازین قسم
خارج نیستند ما که کلی یعنی ریاستی که حکومت با سلطان پادشاهی باشد اریستکراتیک
یعنی ریاستی که حکومت با امرا باشد و ما که ترکیک یعنی ریاستی که حکومت با خلق باشد - اما ریاستی
که پادشاهی مطلق العنان دارد که مالک است بر جان و مال رعیت خود آنرا میخوانند و سپاتیک
این پادشاه دعوی میکند که ظل الله است و پادشاهی را از خدا و شمشیر دارد و اقتدار او را هیچ حدی
نیست هر چه بخواهد میکند - ریاست ابرسالیوت میگویند هنگامیکه گمان میرود که پادشاهی سلطنت
را با مضار و رضای رعیت یافته و حکومت میکند بر وفق یک قانون مقرری - ریاست لیمیتید
میگویند یعنی محدود هنگامیکه حکومت و فرمانروائی هر چه باشد کم و زیاد جاری است بر وفق
مجالس شوری و مصلحت مبنی اجتماعی که وکلا و گماشتگان اند از جانب بعضی از اصناف مخصوص
اما اریستکراسی درجانی جاری است که فرمانروائی در قبضه اقتدار عاظم و اکابر قوم باشند -
اما ما که ریاستی میگویند که امر فرمانروائی در قبضه اجتماعی است که خلق آنها را برگزینند که

۱۰۰ مکر پادشاه مانک

۱۰۱ پادشاهی -

۱۰۲ اریستیکریل فوسوب پادشاهی

۱۰۳ اریستیکریل ریاست امرا

۱۰۴ اریستیکریل فوسوب پادشاهی

۱۰۵ دیکراسی

۱۰۶ دیکراسی

۱۰۷ اریستیکریل ریاست امرا

۱۰۸ اریستیکریل فوسوب پادشاهی

۲۹ جغرافیای عالم

که وکلای آنها باشند - این قسم حکومت اخیر باز بر سه قسم است یکی آنکه خالص باشد یعنی خلق خود مقرر و مشخص میسازند فرمانروایان خود را دیگر آنکه خلق نواب قرار میدهند که فرمانروایان را برایشان اختیار کنند - قسم سوم اینکه خلق بشخصه یا با واسطه میسازند قواعده و قوانین خود را اختیار میکنند از امرای شهر یا بزرگان و ده بکدز میان یک سنه فاسی از خلق که از قدیم مقرر شده اند بموجب قانون ملک -

چون ملکی را پادشاهی هست میخوانندش کنینگ و دم چون چند ملک تابع یک پادشاه است تمام آن ممالک را میخوانند امپیر و چون یاست دما کر تیک باشد مگر یک شخصی که پادشاه باشد گنیده میشود بجهت اینکه حاکم بالاستقلال باشد آن حکومت را میخوانند ریپبلیک یعنی حکومت چو یک سلطنت و ریاستی دیگر هم هست که چند ملک در یاست بالاستقلال با یکدیگر متحد میشوند یکی را بر خود میگزینند که نگه داری کند و حراست و حفاظت نماید در حست آسایش و امنیت ملک و دولت و ملت را و این نوع ریاست یا با اتحادیست که جمهوری باشد مانند ملک یونانیست اشتیت (در امریکا) یا اتحاد دول و سلاطین است بموجب مختلف قوانین و اصول متمدن جزئی و استوینر است -

انقسام خلق در مذاهب عقاید

شرایع و مذاهبی که در آنها یک خدای واحد را ستایش میکنند در عالم است - یکی یهود - اسلام
اول سه شعبه عظیم مذهب عیسوی اینها است

(۱) کلیسای رومن کنلیک که در آن یک کن قدرت و اعتراف عیسو بدو پسر است

ملک و ملک نم - کنلیک پادشاهی

۵۵ پیر

۵۵ امپیر
بهرین کنلیک بلان ملک زرتشت

۵۵ ریپبلک - باو دانت

۵۵ یونانی
یعنی از مذاهب عیسوی است

۵۵ کلیسای کلیسای یونان

۵۵ عیسوی
یعنی عیسوی و یهودی

جغرافیای عالم

بر تمام عیسویان - این عقیده و مذهب جاری است عمده در جنوب ملک یورپ و آن
قسمتهای امریکا که خلقش از مالک اسپین پرنگال و فرنجلیافته و آنجا با سکونت گزیده اند -
(۲) کلیسای یونان که در آن انکار است از ریس یون پپ - این مذهب و
عقیده جاری است عمده در شرق یورپ ملک و س -

(۳) مذهب پرتستمنت که در آن طرق و شواع عجیب است این مذهب مطلقاً
امتیاز و افتراق دارد از مذاهب فوق باینکه عقیده در آن عمل نمودن است بر وفق قوانین
و شرایع کتاب مقدس (توریه و انجیل) مگر در این مذهب بعضی از فروعات اختلاف است
و مخصوصه فرقی که درین مذهب اند در طریق عبادت کردن اختلاف نشان میشود است از
فروعات مذاهب و شرایع شان این همه اختلاف بر وفق ترجمه و تادیلی است که هر قوم
از ایشان میکنند از آیات و فقرات کتاب مقدس - این مذهب بیشتر جاری است
در جانب شمال و مغرب یورپ و شمال امریکا -

ووم - مذهب یهود است که صرف توحید است پیروان این مذهب معتقد بر پنج
کتاب آسمانی نیستند بلکه بر موسی و انبیای بنی اسرائیل نازل گشت که در کتاب قدیم (یعنی
توریه) جمع و ثبت است - معتقدین این مذهب تقسیم مکانیتی نیست در جغرافیا زیرا که
در هر کجای عالم پراکنده اند -

سوم - مذهب اسلام است که آن هم صرف توحید است اساس آن بر این کلمات است
که شَهِدَانِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَشَهِدَانِ مُحَمَّدٌ الرَّسُولُ اللَّهُ اَلْکَلِمَةُ هُوَ لَیْسَ مِنْ دِیْنِهِ فَمَنْ

عقیده و مذهب

جغرافیای عالم

ودعا و صفا و خلوص و صوم و خیرات و زیارات - پیران این مذهب همواره مشغول بوده اند
به شعب متعدد و مختلفه و طریق و رویه ایشان مکرر مقرر بوده است بجنگ و تنازعهای بسیار پرا
خطرناک و همواره وضع و صورت دین و دولت و امور دینی و ملی با یکدیگر آمیخته و متحد بوده است
و با آنکه لفظ اسلام معنی صفا و صلح و سلامتی است پیران آن همواره در جدال اند - این مذهب
فرا گرفته است عربستان که از همه بنا ظاهر گشت و تمام ممالک ترک طرف شمال افریقا و ایران را -
شرایع و مذاهبی که در آنها خدایان متعدده ستایش میشوند و جاری هستند اینها هستند -
اول - مذهب برهمنی یعنی مذهب هندو که بیک خدای عظیم و اکبر قائل اند پیران آن که موسوم
به پیر برهمنها مع ثواب و دکلائی و که برهنها و یشنا و سینوا بوده باشند و ۳۳
میلین خدایان کوچک کوچک - کتب مقدسه ایشان و دوا هست این قوم معتقد اند به تناسخ
و تغییر و تبدل روح و منشعب اند بذاته های مختلف که بکلی اختلاط و متزاج شان غیر ممکن است
و عبادت خود را در معابد بجای می آورند که مشتمل است بر رسوم و امور بسیار سخت یعنی ریاضات جاگنده
دوم - مذهب بودا است که مذهب اهل چین است و ماچین و تبت و خطا و ختن و غیره که
پیران آن چند نفر خدا را قائل اند که بصورت بشر جهان آمده اند و خاتم و آخرین ایشان گاداما
بوده که متعدده صور و تمایل از ان ساخته اند و معبود خود قرار داده پیش آنها میکنند - اگر چه از جمله اصول
عقاید برهمن مذهب تناسخ است ولیکن اجازه نیست که پیران آن مختلف الطرق و ذواتهای گونه گون باشند
و انسان یا ضات عبادات شاقه در این مذهب نیست که در مذهب هندو هست - لکن که بزرگترین
علمای تمار و تبت است بر عزم اهل ممالک مذکوره که بر همین مذهب اند صورت مجسم بودا است

مذهب برهمنی

مذهب بودا

مذهب بودا

مذهب بودا

مذهب بودا

جغرافیای عالم

یعنی لباس انسانی در بر گرفته بقا جسمانی در آمده مگر مذہب اهل مالک که در یک شعبه است از مذہب بودا -
سوم - مذہبی است که دنیا مندرش کافوشن این مذہب منحصر است عمده بملاک چین که در آن آسمان
دزین با جن و شیاطین انجم و جبال وغیره معبود اند و پرستش میشود مگر آنکه در این مذہب اصنام ساخته یا
ترشیده وغیره نیست و نه هم علما و اهل شرع هستند -

چهارم - مذہب مغان است یعنی دین زردشتی که عمده اصول آن پرستش آتش است -
این مذہب بیشتر وجود دارد در ایران و ممالکی که محدود است بدریای قلمزم -

پنجم - بت پرستی است عموماً که در آن اقسام جسام و اشیا ی سروج را مانند خدا پرستش میکنند چنین بتی
که این مذہب فقط یافت میشود میان مردمی که خالص جنگلی و بیسواد هستند و باید عدد اصنام مذکور
مطابق باشند بعد و افراد و آحاد و عباد آنها - در بسیار از جاها یکی از جمله امور و رسوم این مذہب یعنی
بت پرستی قتل قربانی انسان است و دیگر اعمال و افعال ممنوعه قبیحه از این قبیل -

تعداد خلق

ابتدا باید دانست که هر چه نیکه در آن پای عدد تخمین نمیتوانی بد بطور یقین نمیتوان معین و مشخص نمود
بهمان تخمین باید معین کرد زیرا که چند جغرافیا در نز و بنده است که نمیتوان بطور یقین بگویم و تعداد خلق که ام
صحیح است هیچک صحیح نیست و در خصوص خلق عالم بقدر ۱۳۰ میلیون نفس اندواز انجلی پیران
هر یک از مذاهبی که ذکر رفت بموجب ذیل است - عیسوی قریب ۴۰۰ میلیون - یهود ۵۰ میلیون - مسلمان
۵۰ میلیون - هندو ۸۰۰ میلیون - و در مذہب بودا ۴۰۰ میلیون - و سایر مذہب ۵۰ میلیون

والله عالم بحقائق الامور

مملکت یورپ

جغرافیای یورپ

هر چند مملکت یورپ کوچکترین حصه‌های غلبه کرده خاک است بجز مملکت استیرلیا مع ذلک و دو
ترین و معمولترین و قوی‌ترین و باوالتش و تربیت یافته‌ترین همه است و از حیثیت وضع و شکل و کیفیت
جغرافیا در هر گوشه از این مملکت دریائی در وسط معموره آن دیده و سطح این مملکت مشتمل است
بر نمایشات فرج افرا و در هر جانبی از آن و غلیمی و آن است که در همه آنها ممکن است مسافرت نمود
و بواسطه این مملکت در غایت اعتدال است و مناسب بطبیعت و مزاج انسان و موافق جهت
ظهور و بروز جوهر و قابلیت آدمی و هر چند خاکش چندان حاصل خیز نیست مگر رحمت و هنرمند مخت
کنندگان و زارعین در آن بیفایده و رایگان نمی‌ماند.

مساحت - از قرا که بنحیه اند مملکت یورپ از مشرق بمغرب که طول آن واقع شده
۴۰۰ میل است و عرض آن که از شمال بجنوب است ۴۰۰ میل و مساحت آن میل مربع

جغرافیای یورپ

جزایر یونان را اگر دانم واقع اند ۳۹۰۰ میل است - سوریا یونانی که در وسط این مملکت دیده
واقع شده اند - (۱) دریای اژه ایست که در قسای شمال آن واقع است و شعبه ایست از بحیر
ارکیتیک که وسعت آن ۳۸ هزار میل مربع است - (۲) دریای بلتیک است که متعلق است
به بحیر اطلانتیک و وسعت آن ۳۴ هزار میل است - (۳) دریای مدیترانه ایست که بزرگترین
شعبه اطلانتیک است طول آن ۲۴۰۰ میل است و قریب یک میلیون میل مربع است -

(۴) دریای خزر است که ۱۰۰ میل طول آن است ۸۰ میل عرض آن و از سطح خلیج اسلامبول
اتصال می یابد به دریای آزوف - (۵) دریای آزوف است که ۱۰۰ هزار میل مربع است و این
دریا بواسطه آنکه همواره در آن بادهای تند بسیار سخت می وزد و در حدود آن غلغله و زلزله بسیار
و چه تشدید شده است و میان مسلمانان بخصوص ترکان عثمانی بسیار ترسناک است و در حدود
و آن بسیار خطرناک است - (۶) دریای قلمر است که در واقع در پیچیده یاب و در حدود آن
و بزرگترین جهان است و اگر گرفته است ۳۰۰۰۰ میل مربع جای دارد و این دریای قلمر در حدود
همه دریاهای گره ارض فروتر افتاده چنانچه ۳۰۰ فوت از سطح دریای آزوف

سطح - و مملکت یورپ جبال و تلال و دشت بسیار دارد و در کمال ارتفاع آن ۱۵۰۰۰
در این مملکت هیچ کوهی نیست که عبور از آن غیر ممکن باشد و هیچ چشمه
صوت گیر و ولند هیچ جانی از این مملکت بی حاصل و خالی از فایده نماند
کوه کشیده است بالای سطح این مملکت مگر طول همه این کوهها
واقع شده و حدی گشته است فیما بین یورپ و ایشیا و طول آنها

۳۵ جغرافیای یورپ

البرز است که متعلق است بکوه کالس که کشیده است مابین دریای سود و دریای قزقم و ارتفاع آن
 قله ۱۵۲۶ فوت است و الکته - جبال آتش نشان این مملکت است بیکار و خاموش اند غالباً در ارضی
 و همه واقع شده اند مثل ملک فرانس و اسپین و جزئی و آنها که در کار و تحرک اند یعنی مشتعل اند بخوبی از آنها
 تمام در جزایر واقع اند - آنچه از این جبال آتش نشان معروف اند اینها هستند (۱) و مسو و کس
 است که در ساحل غربی ملک ایتالیا واقع شده و نوک آن بالا رفته است بار ارتفاع ۳۰۰۰ فوت -
 نوشته اند که نخستین زلزله که در این کوه شد در سال ۱۶۹۱ عیسوی بود که دو شهر عظیم الشان رومیان را در خاک
 فرو برد و نهان داشت با مخلوق آنها یکی سر کتو کتیم و دیگری پامپوتی - کیفیت آن این است که چون
 این زلزله واقع شد از سر این کوه خاکستر و چیزهای سوخته بیرون فرو آمد و این هر دو شهر را فرو برد و زمین
 بقدر ۱۰۰ فوت - شهر آولین را در سال ۱۶۳۸ عیسوی قسمتی از زیر خاک بیرون آورد و کم از آنجا عمارت
 بیشتری بود که ده هزار نفر در آن می توانستند مجتمع شد - اما شهر دومین که پامپی باشد چنان مفقود و لاگشت
 که از محل وقوع آن بجای احدی آگاهی نبود تا اینکه بطور اتفاق خود بخود در سال ۱۶۸۹ ظاهر و موهب گشت -
 (۲) اتنا است که بجانب شرقی جزیره سیسیلی واقع شده و بزرگترین همه جبال آتشن است چنانچه
 ۹۰۰ میل مربع زمین را گرفته و این کوه را می نویسند که از سال ۷۶۷ عیسوی الی ۱۸۶۸ عیسوی ۹۰۰ مرتبه
 متزلزل شده - (۳) استرا امپلی است اتم در جزیره کوچکی قریب سیسیله که همواره مشتعل است و چون
 اشتغال دارد - اتمبار - در مملکت یورپ آنها بسیار عظیم است مگر از آنها دور و عظیم تر از اینها
 که در جنوب ملک روس واقع است و اتصال دارد به دریای قزقم و دیگری ویوتسب که از ملک عثمانی متعلق
 میشود و میر و تا ملک جرمی - رود آولین که ولکا باشد ۲۰۰ میل طویل و بیش از پنج ملک میل مربع

۳۶ جغرافیای یورپ

زمین را فرا گرفته یعنی آب این مقدار از زمین اخل بآن میشود و زمین که جنوب باشد ۴۳۰ میل طول و آب ۱۰۰۰ میل مربع زمین را بخود میکشد.

هموآ - چون تقریباً تمام ارض مملکت یورپ در خط تقسیمیت زمین واقع است هوایش در غایت اعتدال است هنوز اعتدال آنرا اسباب جهات دیگری هم هست و آن وضع نشست و خصوصیت محل وقوع آنست این بغایت بر اعتدال هوای آن افزوده چنانچه در تابستان گرمی آن بسیار کمتر و در زمستان سردی آن نیز بسیار کمتر است از ارضی دیگری که در همین زمین واقع اند مگر با وصف این هنوز هوای یورپ به یک تیره نیست بعلت گوناگونی که از آن در جنوب افتاده اند گرم تر اند بواسطه قرب آنها به تارید زمین و ارضی که از آن در شمال واقع اند سرد تر اند بواسطه قرب آنها به قطب شمالی مگر آنچکه از آن در وسط این دو گرمی و سردی واقع است در عین اعتدال است - جهانی که در فوق گفتیم بر اعتدال هوای این مملکت می افزایند اینها هستند که در فصل زمستان از بخار طرف آن بادای گرمی وزود و در تابستان بادای سرد و باین نحو هوای یورپ همواره معتدل و یکسان است.

حاصل - حاصل این مملکت اینچنین است هم اندر موجب بل تقسیم نوع شکار و تولید حیوانات و نباتات اما حیوان (۱) دست آموز و رام در این مملکت اینها است - اسب و گا و گوسفند و بز و گراز و گربه و سگ و یک نوع حیوانی است اقیم آهوک که از این نیز میخارند و آنرا نیز پرورش می دهند در ممالک اسویدن و ناروی و روس و سیحی محل نقل احوال و اقبال در بعضی از ممالک و ارضی خوبی یورپ قاطر هم یافت میشود (۲) و حتی مثل بز کوهی و آه و روبا و خوک و گوسفند و غیر هم و اقسام خرس و گرگ و گراز و زرد مرغی مملکت یورپ یافت میشود - چالیش و ایکس فقط در کوههای آلپس و

در چالیش و ایکس

کوهستان

در آلپس و ایکس

در آلپس و ایکس
علامت چالیش و ایکس

۳۷ جغرافیای یورپ

پس نیز هست بوزینه فقط در جیسیر آلتر وجود دارد و شتر در جنوب ملک وس یافت می شود - (۳۶) هلیورود
 خانگی اینها هستند که بوتراروک غاز بط بوقلمون طاقس و گینه فابل و غیره که بوقلمون و این چند
 اخیر مرغانی هستند که از مالک خارج آورده اند - (۳۷) مرغان وحشی مانند لاش خور و بوم و کبک و گنجشک
 و بیل و بسیاری از ذاتهای دیگر مرغان شکاری مانند عقاب باز و شاهین و امثال ملک نیز بعضی بندت
 و برخی بکثرت در این ملک هستند - (۳۸) حشرات الارض و هوام هستند مثل زنبور عسل و زنبور غیر عسل و بطن
 و شیره و عنکبوت و مور و غیره - کرم پید در ملک ایتالی و فرانس و اسپین بحیاب است - مار و چلپا و شوک
 و ازین قبیل هوام بسیار کم و قلیل اند - ماهی بحیاب است و اقسام مختلفه که نامهای آنها در فارسی عربی
 بر بنده معلوم نیست و نوشتن نامهای آنها هم مایه تعطیلی است و شرح و حاشیه لازم دارد -
 اما نباتات - حاصل این ملک از قسم نباتات مطلقا اینهاست - گندم جو زورت بنج آت
 بری میلت نباته کلم چقدر نخود لوبیا شلغم زردک پیاز بید بنجیر انجیر نانج لیمو خرمزه
 انگور و غیره و اکثر اشجار مانند سر صنوبر بلوط زردالو نارنگی همپ فلکس تنباکو باپ فی شکر و غیره -
 معدنیات - الماس شمش لعل زبرجد یاقوت زمرد یگراچ طلا نقره زینق مس آهن قلع
 سرب زغال نمک گوگرد زاج مهر سنگ سلیت حاصل معادن ملک یورپ است -
 خلقت و زبان مردم - ملک یورپ قریب ۳۰۰ میلیون خلقت دارد و گویش
 از ربع خلقت تمام کره ارض بوده باشد و از اینجه حساب کرده اند نه قسمت از ده قسمت متعلق اند
 به آن شعبه از مخلوق عالم که ایشانرا کاشیرین میخوانند و بقیه آنها از شعبه مغول اند که غالباً در ملک
 عثمانی و تترکاری و فنیک سکونت دارند - لغت اهل یورپ در اصل از لغت اهل آسیا مشتق

سجده میسر است از اینجه معلوم میشود که در ملک یورپ و آسیا و اروپا و آفریقا و آمریکا و استرالیا و...

۳۸ جغرافیای یورپ

یافته یعنی ماده همسایه زبان بوده و کسانیکه از نژاد مغول اند بلقانی مستکلم اند که اصل و ماده آنها
نفت تورانی بوده - نژاد پهل یورپ سوای مغولانی که در ملک ترکی سکونت دارند و بقدر
چند میلیون یهود و دیگر تمام عیسوی است -

تفصیل فعلی ظاهر سیار و ممالک یورپ و وسعت خلقت و مالیات و لشکر هر یک از آنها را

ممالک	فلسطین مربع	خلقت	در هر میل	مالیات	لشکر ماده
آندز	۱۵۰	۱۲۰۰۰	۸۰		
آستریا و هنگاری	۲۴۰۲۵۱	۵۲۹۰۴۰۰۰	۱۹۴	۳۰۰۰۰۰۰	۲۵۶۰۰۰
بلجیم	۱۱۳۷۵	۵۰۰۰۰۰۰	۴۴۲	۵۹۰۰۰۰۰	۹۰۰۰۰
دنمارک	۱۴۷۲۶	۱۷۸۴۰۰۰	۱۲۱	۱۲۰۰۰۰۰	۳۰۰۰۰
فرنس	۲۰۳۶۱۹	۳۶۱۰۰۰۰۰	۱۷۷	۷۸۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰
ممالک حبشه					
پرشیا	۱۳۵۹۱۹	۲۲۶۹۳۰۰۰	۱۷۶	۲۵۰۰۰۰۰۰	
النسپل پرن	۵۵۹۵	۱۵۵۰۰۰۰	۲۷۷		
آنگلت	۱۰۲۶	۲۰۳۰۰۰	۱۹۱	۵۵۳۰۰۰	
سپین	۵۹۰۸	۱۴۶۱۰۰۰	۲۴۳	۱۰۱۳۰۰۰	
پورتیگا	۲۹۳۲۹	۴۸۶۳۰۰۰	۱۶۴	۳۷۰۰۰۰۰	
برمن	۷۴	۱۲۲۰۰۰		۱۲۲۰۰۰	

۳۹ جغرافیای یوپ

شکراآماده	مالیات	درمیل	نقصیت	فصلی و ربع	ممالک
نام شکر مالک جرمین ۴۰۰۰۰۰	۲۹۹۰۰۰	۲۲۲	۳۱۲۰۰۰	۱۴۰۴	برن شوپک
	۵۱۸۰۰۰		۲۳۹۰۰۰	۱۳۴	بهرنگ
	۲۴۹۰۰۰	۲۸۶	۸۵۳۰۰۰	۲۹۵۸	برسن
	۴۰۸۰۰	۲۵۳	۱۱۱۰۰۰	۴۳۸	لپچه و قلمت
	۴۶۰۰۰		۵۲۰۰۰	۱۲۶	لویک
	۲۹۰۰۰۰	۱۰۸	۵۵۸۰۰۰	۵۱۸۶	میکلین بزرگ ۱
	۴۵۶۰۰	۹۴	۹۶۰۰۰	۱۰۵۲	میکلین بزرگ ب
	۱۵۰۰۰۰	۱۳۰	۳۱۳۰۰۰	۲۴۲۸	الدن بزرگ
	۵۶۰۰۰	۲۶۹	۸۹۰۰۰	۳۱۹	رالیس کوچک ج
		۳۰۵	۴۵۰۰۰	۱۴۴	رالیس بزرگ
	۸۴۰۰۰	۲۶۸	۴۲۰۰۰	۵۱۰	سکس و التی بزرگ
	۲۱۰۰۰	۲۲۰	۱۶۴۰۰۰	۷۶۲	سکس کبرگ د
	۱۰۰۰۰۰	۱۸۸	۱۸۸۰۰۰	۹۵۶	سکس و شینگلین
	۱۱۶۰۰۰	۲۰۱	۲۸۹۰۰۰	۱۴۰۳	سکس و نیمز
	۱۸۵۰۰۰	۴۴۲	۲۵۵۶۰۰۰	۵۶۶۶	سکس و نی
	۴۲۰۰۰	۱۸۰	۳۲۰۰۰	۱۶۱	شو و مبرگ لپچه ه
	۲۶۰۰	۲۰۲	۶۵۰۰۰	۳۶۱	شو و تشرنگ ۱
	۲۶۰۰	۲۰۱	۶۶۰۰	۳۳۲	شو و تشرنگ ۲
		۳	۵۶۰۰۰	۶۲۳	رانرک

خزانی یوپی

لشکر آمادہ	مالیات	درہیل	خلقیّت	نسخہ میل	ممالک
	۱۲۱۲۰۰۰	۲۴۱	۱۸۱۸۰۰۰	۷۵۲۸	وز تمبرگ
۲۰۰۰۰۰	۷۰۰۰۰۰۰	۲۹۲	۳۱۴۹۵۰۰۰	۱۱۹۷۲۹	انگلند اسکاتلند آئرلند
۸۹۰۰	۴۸۳۰۰۰	۷۲	۱۴۵۸۰۰۰	۲۰۲۳۴	گریس (یونان)
۶۰	۲۲۰۰	۱۳۶	۸۳۰۰	۶۱	لیکٹنسٹن
۲۲۲۰۰۰	۱۹۶۰۰۰۰	۲۳۴	۲۶۸۰۰۰۰	۱۱۳۳۳۲	ایتالیہ
		۲۰۰	۱۹۷۰۰۰	۹۹۰	گلڈنمبرگ
			۳۰۰۰	۶	منٹاک
۶۰۰۰۰	۷۶۰۰۰۰۰	۲۸۵	۳۸۸۵۰۰۰	۱۳۶۲۴	نیدرلینڈز
۲۸۰۰۰	۴۶۰۰۰۰۰	۱۱۳	۲۹۹۰۰۰۰	۳۵۲۶۰	پرتوگال
۸۰۰۰۰	۴۱۰۰۰۰۰	۳۵	۷۱۰۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	روس
			۷۰۰۰	۲۴	سن مرینیہ
۲۳۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰۰	۸۵	۱۶۶۰۰۰۰	۱۹۶۰۰۰	اسپین
۱۶۰۰۰۰	۳۰۰۰۰۰۰	۲۰	۵۹۹۲۰۰۰	۲۹۲۶۰۰	سویدن و ناروی
۶۳۰۰۰	۷۶۵۰۰۰	۱۷۰	۲۶۶۹۰۰۰	۱۵۷۱۴	سوئٹزرلند
۳۰۰۰۰۰	۱۱۴۰۰۰۰	۷۸	۱۶۵۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰	ترکی (عثمانیہ)
۱۴۵۰۰۰	۴۵۹۰۰۰	۹۳	۱۳۲۵۰۰۰	۲۱۲۰۷	سرویا
۱۵۵۰۰	۲۴۸۳۰۰۰	۹۶	۲۵۰۰۰۰۰	۴۶۶۸۶	رومانیا

(۱) مزید زمین است
 زمین سویدن و ناروی
 در محل ایجاد واقع است

تاریخ یورپ اجمالاً

احتمال بسیار کمی میرود که خلقت مملکت یورپ از زمین کاکسین یعنی کوهستان غربی مملکت ایشیا
 رفته باشد که برعم موصین یورپ جای نزول فرود ادا آدم است و جایی شست کشتی نوح علیه السلام
 گریس که یونان بوده باشد در همان دایله انتشار ذریه آدم بر روی جهان سکون گشت و قریب
 ۳۰۰ سال قبل از حضرت مسیح در اقتداره استیلا بحال بود و منقطه اوج رسید و حاصل مردم آن ملک علم بود
 و هنر و حکمت که از ایشان در عالم باقی ماند و تا کنون مایه تعجب و شگفت جهان اصل ماده کمال و دانش
 جهانیان است ولی چون بنای سلطنت اسکندر در سال ۳۳۳ قبل از مسیح منهدم گشت و یونان را
 و آوازه و اقتدار و عظمت از جهان معدوم شد آنگاه دولت و سلطنت رومیان استقامت و قوت
 پذیرفت و مقتدر و واحد و فردیج سکون گشت و پای جهان گیری و گیتی ستانی خود را در از کر و تاج
 خاک اسپین و پرتگال و فرانس و ساحل انگلند بلجیم و اسوتیز را اند و قسمتی از ملک جمنی
 و بعضی از ضلع هنگامی و خلق تمام این ممالک مذکوره را از تاریکی جهل و بیداشتی برداشتی علم و دانش برپا
 شد و اهل هر یک از این ممالک و اخو حال خود چیرنی از دانش و کمال و میان که این یونانیان موخته بودند
 حاصل نمودند - فرع و صلا و میان این مردم پاری شد و شهرها و محفل اقامت باره نشینان عمارت
 و از انیمه بالا ترند و عیسوی نیز در میان آمد و روی گیتی را فرا گرفت و موجب مایه کمالی شد و بهیچ وقت

و کمال طوایف عالم را - چون آفتاب دولت اقبال در میان دی نبروال نهاد و جلاگزینی نقل
سکان کردن در میان عموم طوایف عالم شایع گشت و عموم پذیرفت انقلاب عظیمی در وضع و حالت
یورپ بهم رسید و قرون و دهو متعدد به موجب سیمیکه می نامیدندش فیو^{اول}ول جدال و تنازع جاری
بود در میان مختلف طوایف و ممالک یورپ بجهت تعیین و تخصیص حقوق هر یک از افراد خلق - در اواسط
تاریخ عیسوی که میخوانندش میل^{اول} ایچرا که بعبارة اخری او اسطاین هزار و نهصد سال است که
تاریخ عیسوی میگذرد از آن عالم و حالت نابودی نیستی که مملکت یورپ در آن بود باز آمد و صورت
وجودی گرفت و جرمنی فرس اسپین پرتگال انگلند اسوتیزرلند ایتالی هنگاری بهمیا پلند
دنمارک اسویدن ناروی و روس هر یک دولتی شدند و استقامتی یافت چون در سال ۱۴۵۳ میل^{عیسوی}
قسططنیه لقبندترکان درآمد دولت عثمانی هم در سلسله دول یورپ شامل گشت - آستریا پروس
هالند و ستر دنیا هم بعد از آن دولی شدند مستقده و روس از زمان پیتر^{اول} ابتدا یافت از دول اشیا
خارج گشت یکی از دول یورپ شد - از زمانیکه بنده و بست و نظم و نسق دول یورپ صورت انجام و حتما
پذیرفت هنگاری پلند جرمنی اسکا^{اول}لند بهمیا جنوا و میلان از هرست^{اول} ول مستقده خارج شدند
و از اطراف ریاستهای جرمن^{اول} کانفدراسی^{اول} و چند ریاستهای ایتالی و دول^{اول} بلجیم و لو^{اول}ان و بعضی از
دول دیگر هم مزید شدند بر دول ممالک یورپ -

هر چند اقل تربیت یافتگان و هنرمندان طوایف یورپ بغایت پیشرو و پیشانی اند در علم و کمال از کل
و اعظم طوایف سایه چالاک عالم مع ذلک هنوز از فراق و امتیاز بسیاری نسبت در میان درجهات علم
و دانش و تربیت مختلف طوایف یورپ - در ایام استیلای موریان ملک اسپین بی نهایت تفر

طبعة ثانیة
دار الفکر بیروت

این است که هم بود که یادشان
ان مرادش

تاریخ و جغرافیہ

ترجمہ چوٹی دینی بیگم
انجمن احکام دینی بیگم

نہجی میں وقت پائے

۴۰۰

پنجواں دستور
یعنی
انقلابی

۵۴

١٠٠

100

تاریخ یورپ اجمالاً^{۴۳}

کرد و در علم و دانش و تربیت و محل ظهور و بروز بسیار هنرهای مفیده گشت حاکمونی که سایر ممالک یورپ
 تماماً در حالت بیدار نشی و همیگی بودند بواسطه انقلاب و فتنی که فرا گرفته بود یورپ را احضار قیام
 و فتنی که از حد و شمال فرود آمده منتشر شده بودند - ایتالی در بدایت این ترقی اخیر که بالفعل
 در مملکت یورپ وجود دارد و فرود بود در تجارت و هنر و علم و مجدداً به آن علو و کمال رسید که زمان
 با زمان یونان و روم میان دم همسری و مساوات میزد - اختراع و پیدایش چاپ کردن و بعضی
 جهات و اسباب دیگر که یکی از آنها ریاضات منیشین بود که بدنبال آن اختراع چاپ کردن در بیشتر
 هر چه میشدند و تقویت نمودند فزایش علم و ترقی را - و لیکن این موجبات و اسباب را هر چند در هر
 ملکی اثر بود در ترقی و دادن و فرودن تربیت و علم و کمال ملی در بعضی از ممالک اثرات بسیار بیش بود
 از بعضی دیگر ولی حکام عرف و مدبران ملک حاسد و مخالف بودند آنرا دای چاپ کردن را که
 چاپ کنندگان باختیار و کمال آزادی و خاطر جمعی چاپ میکردند هر آنچه که میخواستند و نیز طرق و
 شواعی را که حامیان ریاضات منیشین جاری کرده بودند در میان خلق - مگر در هیچ ملکی از ممالک سعی
 و اهتمامی که شد و محسوم ساختن آزادی امور دین و حکومت چندان مظهر و تصور و رونق خاطر خوا
 نگشت که در ملک اسپین ایتالی و پس از ترقی کامل و علو کجالی در علم و دانش و هنر و پیش که ممالک مذکور
 را بود و در صد سال ۱۶ عیسوی منزل نمودند از سایر ممالک بنجبال مانند و از فراز پستی و انشیب و از اوج
 به خفیت و آیدند و دیگر ممالک فوقیت یافتند بر آنها - و در صد سال ۱۷ فرانس ابر تمام ممالک یورپ
 فوقیت و فضیلت بود و از آن زمان الی زمانه فرانس انگلند و جرمنی در درجه اول و مرتبه نخستین
 ایستاده اند و تربیت و دانش - تسایحی که حاصل شد از انتشار و ترقی علم و دانش یکی این بود که در قلم

تاریخ یورپ اجمالاً ۴۴

از میان برخاست و یکی آنکه رسم مساوات و حقوق و آزادی هر یک از افراد خلق جاری گشت -
 و دیگر از جمله سبانی که موجب ترقی و انتشار و جریان تربیت و دانش گشت شکلی نیست که زو
 و استیلای تجارت بود بلکه زو تجارت را بیش از هر چیزی و هر سببی اثر است زیرا که امکان دارد
 تجارت روی بفراش نه بخواند که بنیش خلق و خیالات ایشان فصاحت و وسعتی بهم رساند و توهمات
 عوامانه جاهلانه را برطرف گذارد و این میل آنکه اکنون وجود دارد در میان مختلف طوایف یورپ
 و جاری داشتن و وسعت دادن تجارت فیما بین یکدیگر لازم آن افتاده است که ترقی و دانش را
 نیز در میان همه ایشان فزایش دهد چنین نماید که این افراقی که اکنون بالنسبه در میان ممالک یورپ است
 بخلاف آنکه هست و طبیعت و زمین و هوای هر یکی که تغییر پذیر نیست معدوم شود و زمانی
 رسد که همه یکسان گردند -

اندکی پیش و فصل ترازین از تاریخ و ترقی ممالک و طوایف یورپ بدو ایام خالی از فائده و نفع
 خوانندگان این تاریخ را - کسانیکه پس از آنکه در میان از اطراف جوانب عالم آمدند و جمله ممالک
 یورپ آوردند آن ادراک را ندارند که چیزی از قواعد و هنر و علم و دانش و میان این بنیال و فند
 مگر مذمب عیسوی را اختیار کردند و آنرا میخند و مفرج ساخته بخیاالات و توهمات بیخوده خود -
 در و سید در میان بل گال و پرتغال و علماء در میان جزئیهای قییم و تمام فرق قدیم
 اسکندنیو یا کمال اقتدار و استیلا را بهم رسانیده بودند بر قلوب و خیالات خام خلق لهذا
 علمای تختین عیسوی هم این طریق را بدنبال رفتند و پادشاهان م و قسطنطنیه که تازه عیسو
 شده بودند بناوانی و حماقت بحیاب بی لحاظ بخیرات و مبرات دیر و کلیسا ز صرف کردند

۴۵ تاریخ یورپ اجمالاً

و در ضایف و موقوفات مقرر نمودند و سعی نمودند که خالق را از خود راضی گردانند برضای مخلوق همچنانکه
در میان ما اکنون هم این رسوم باقی است که در عرصه مشهور بنام خدا که دیناری از آن مقبول نگا
حضرت انیسیت با جمله باراده آنکه بر اعمال شرعی و عرفیه خود را قلم غفور کشند ویر و کلیسا را ثروت
دافند و لهذا علمای رومی باز و در شست خوشند و رفته رفته دخل در امور تاج و تخت سلاطین و رتق
و قق امور ممالک آوردند. آتش حقد و حسد علماء در کانون سینه غیر علماء در افتاده علت اخیری که رسوم
بر ماده افروخته علماء سپر کلیسا را بر پشت افکندند و تیغ فولادین در دست گرفته در میدان جدال آمده
سرگرم ایستادند. اگرچه هیچ یک از علماء نصاری در آن زمان الهانازی تمیز نمی آورد مگر احادیث
قدسیه آیات مؤکده و فقرات موهومه و اخبار و تواریخ و افسانه های غیبه و اقع را بهم آمیخته و جل
میگردند و بهین اسطه فقرارشته گردان افکنده تابع خود میداشتند و بدنبال خود روان میخاستند
شترلمین پادشاه فرانس و آلفرد بزرگ پادشاه انگلند سعی بسیار نمودند و این پیرو گیسار ازین
مرفوع داشتند چنانچه سلطنت و عهد ایشان بواسطه همین گونه کار با امور و تعریف و نام نیک شد
مگر در عهد و مغرب بی دانشی و حماقت غیر علماء بدستی بود یعنی خلق بی علم و بی فهم بودند که در صد سال نه
و دهم عیسوی کلی علماء را شش آنها را گرفته بهر جانبی که میل داشتند میکشیدند منکحات و معاقدات و
معاہلات و مباہیات و مرافعات و وصایا و مواریت همه در تحت حکومت و مداخلت ایشان
افتاده باب مدخول خوبی از برای ایشان مفتوح داشت بود. اگرچه در بین صد سال یا در دهم
علم و نوشت و خواند مجدد و اچریان بهم رسانید مگر از آن هیچ فائده بظهور نرسید فقط تنازع بود در
کلمات و معنی تاویل آنها همه بصیرین چنین گفته بودند و کوفتین چنان همه را زید ضارب بود و

تاریخ یورپ اجمالاً ۴۶

مضروب و همه اوضاع اشیا در غیر موضع خود اتعالی است اکنون همه آتش هر دو موجود بود و هیچ
لازم داشت رسم فیودل در میان آمد و در هر یکی صد باطالم و سرکش سر بر کشید و فقط حاکم و صاحب
در میان زور بود و شمشیر و صفحه یورپ بر سر آمد میدان و معرکه جدالی شد که ضعیف بجهت آزادی تیغ
میز و دقوی بجهت ملک و استیلا پادشاه وقت بی اقتدار بود و امرابی انتظام و سر خود و سرکش هم
در داخل ملک ظالم بودند و در خارج ملک انهن - به حال حالت ممالک یورپ اینسان
بود که جمعی کثیر و خلق آزادی خود را از کف دادند و بنده و برده شدند بجهت تبارک و تعالی
در بین این فتن و آشوب تاریکی و جهالت اتفاقی چند رخ داد و اسباب چندی فراهم آمد که این
بیهودگیها معدوم و منسوخ گشت و انتظام و تواضع و ادب و امثال اینها جاری گشت و میان خلق
اول و اهرم این اتفاقات جهات رسم شنید و گری بود یعنی شجاعت و رشادت (و این قاعده داشت
که بعد از گریه و آسایش و امنیت صورت وجود گرفت و تیغ مرد قوی سپر حفاظت و حرمت مردم
ضعیف شد و آن چنان بود که لاری که نخست ظالم و هواپرست بودند عرق حمیت شان بکشت
آمد و رگی از غیرت و مردمی در وجودشان در آخر متحرک شدند و بخت سلسله مرده و قوت شان
بحرکت درآمد که ملاحظه نمایند فاعده و رفاهیت عموم خلق را و تمهیدی کردند که خلاف و قبايح
از میان بردارند و عموم خلق را آسوده خاطر دارند و حفاظت ایشان نمایند - این سلسله و
میخوانند نیت باد یعنی شجاعان و دلیران، و کسی که نیت بود و در مقامی صاحب اعتبار و تدبیر
مروت و انصاف بود همچنانکه در میان عرب و عجم همواره شجاعت و علامت مردمی و قوت میشدند
و مردم شجاع خلاف و عمل قبیح را کسر و نقص اعتبار و شجاعت خود میدانسته اند - باجمه کسی که

سلسله تاریخی معنی این عبارت

نیست که برای اسباب باشد بعضی

کارها و اوضاع و احوال را برساند

معنی نیت و انکسار است با قوت

در سلسله برتن پوشد -

تایخ یورپ اجمالاً

اراده بود نیت شود اول او را بایستی که در خانه و خدمت نیتی خدمت کند و درجه بدرجه بالا رود
اول پنج باشد انگاه نهم خدمت و لازمست اسکویر شود و تا هنگامیکه کار همی از و بجزو نمیرسد که
جوهر و قابلیت و شجاعت او را معلوم گرداند اجازت نداشت که نیت شود و هنگامیکه وقت
در میرسد که نیت شود که نیت شود بایستی در خدمت پادشاه یا امیری که او را خدمت کرده آید
و سگند غور و که با مولای خود بوفاداری و حق شناسی زیاده و خدمت از و کند و حقوق او را پاسداری
و زنان محترمه عقیقه را حمایت کند و از دست درازی و تعدی و خلاف او باشد حفظ نماید و اگر چه
جان خودش در معرض تلف و خطر باشد بیوه زنان و یتیمان را از آفات و مخاطرات و شکنجه و ظلم برآید
و هرگونه شخصی را که در مصیبت بلامید یاری کند - پس آن شخص لباس لباس و فرین بر تنی میکند
که از برای آنکار قهر بود و آن پادشاه یا امیر بایر که تیغ یا کف دست خود سه مرتبه برگردان و شخص را
با همشنگه میگفت "بنام خدا و سنت میکائیل و سنت جبرئیل من ترانیت میسازم با حقوق شما
و دلیر و قوی بازو" شجاعت مردت تدین تهذیب الضاف عزت و راستبازی
آثار و علامات و لازم ملزوم این درجه و منصب بود - باین واسطه جنگها بملامیت و مروت میشد
رفتار و که در توضع و اخلاق جاری گشت محبت و مروت و دین و پاکدامنی آمیخته میشد
با شجاعت و مردانگی - مگر باید این مثال اینجا در خدمت که شخص آتش نیر علمی و اداری باید که
بداند یک من برنج را چه مقدار نمک در کار است که نه شور شود و نه بی نمک و در این صورت
هر چیزی را علمی است و از برای هر کاری قانونی مقرر است و لهذا در این حالتی که بودند مردم یورپ
در آن زمان باز نشادت و تهور ایشان منجر به تباه کاری میشد چنانچه در اسپین و انگلند و ایتالی مفاسد

اول پنج طفل جوانی را میگفتند
در خدمت ملکی بسیار و مانند پسران
مکینا خدمت او مانند پسران
من و کتیر این اطفال را چنان
فقط است که سلاح در دست
را یعنی سلاح دار -

تاریخ یورپ اجمالاً

و خلاف پیشماری از آن ظهور رسید و زایش کرد - مگر نباید هم فراموش کرد که این دو خلق
 ولایت کرد که صلح و ملائمت با جنگ جدال آمیخته دارند و خلق را سلیم الطبع ساخت و زنان
 حرمت و وقار و او چنانچه در تواریخ قدیم عجم هم ملاحظه میکنیم که خلق اینگونه بوده اند - مگر یک
 دیگری در میان آمد که نوای این رسم تین را چنانکه بود از حیثیت مدنیّت و اجتماع و اختلاط
 ساخت و تخفیف داد و آن رسم رهبانیت و گوشه نشینی بود که مرد و زن اختیار کردند و این رسم
 نخست نصاری مصر و شام و بیت المقدس موجب و موثر شد که رفته رفته تمام اشیاء
 افریقا و یورپ را فرا گرفت - این فعل نیز اشتغال و امتزاج یافت با سیه و گیاهای بسیاری
 چنانچه اکثر دین خلق صرف میشد بساختن ویر و کنشت که در آنها مقیم و متروی شوند و سگ و گاو
 که از معاشرت و مخالطت خلق برکنار باشند در تمام عجم خود و گوشه نشینی هم اکتفا نموده خود را
 عذاب در ریاضات سخت و رمی فلکند چنانچه ستونها ساخته بر آنها بر میشدند و سالهای در آن
 بالای آنها برپای می ایستادند بدون سائبان و پنای که از آفتاب و گرما و سرما محفوظ باشند
 اینسان بود حالت خلق یورپ از سال ۶۷۶ عیسوی الی ۱۰۵۰ -

یکی از جمله کارهای پیرویه حاکمانه مردم یورپ در این ازمنه جهاد بود با مسلمانان که دو صد سال
 طول کشید و هفت مرتبه به بیت المقدس فتند و بسیاری از ایشان کشته و هلاک شدند -
 کیفیت آن اینست که پسر گم گریزی را یکی از خیالات این بود که نصاری مغرب را
 بجنگ مسلمانان دعوت کند و بیت المقدس را از کف ایشان (که کفار میخواندند) بپزند آورد -
 راهی پیدا شد موسوم بطریق بر مینت بنیارت بیت المقدس رفت و نصارا را در آنجا در

۴۹ تاریخ یورپ اجمالاً

در ششصد و شصت و پنج سال پیش از میلاد مسلمانان پیراجعت نمود و خیال و غرمت گری را متحد نمود و صلیبی
 در دست گرفت و بهر ضلعی از ضلع و بهر مصری از امصار یورپ و دیده خلق را بهجا و مسلمانان
 دعوت نمود - در این وقت پاپ اورتان ۲ بود پطیر را تحریک خوبی دید یا او سخنی در میان
 نهاد و دو مجلس برپا نمود یکی بعد دیگری و این مطلب و غرمت را در میان آورد و در مجلس دوم
 تمام جاسین متفقاً آواز برداروند که این کار کاری هست بروفق مرضی خدا پس
 لوائی ساختند و صلیبی سرخ بر آن تعبیه کردند و نیز پارچه یا خیر دیگری بر مثال صلیب بر بازوی
 راست هر یک از کسانی که گزینش بر میان بسته داشتند و خستند و نام آن غرمت نهادند
 گزینشید (یعنی جهاد) اعلی و ادنی پادشاه و گداشتمشیر بر گرفتند و حتی زنان لباس مردان
 و سلاح جنگ در پوشیدند و با یکدیگر سوار و سوار شدند و روان شدند بهر بی نظار
 و بهر کجائی که رسیدند غارت و تاراج کردند و بعضی از یهودان را کشتند و از اعمال قبیحه و انفعال
 ناپسندیده و فسق و فجور چیزی فرگذار نکردند - صاحب تاریخ مینویسد که اگر این عدو را سرداری
 بود و در دوزخ و دوزخ نمک بود که تمام مملکت اشیا را پایال سازد - بیت المقدس اگر گشتند
 ترکان را شکست دادند و در دفعات و وقایع دیگر مغلوب شدند چنانچه وقتی صلاح الدین
 مصری مجدداً بیت المقدس را گرفت و نصارا را شکست داد و صد هزار از نصارا را در بیابان
 و در صحرا تباہ شدند - چنانچه قبل از این گفتیم هفت مرتبه جهاد شد و پیش از دو صد سال طول کشید
 از سال ۱۱۰۰ الی ۱۳۰۰ خلق یورپ چندان ترقی نکردند و باز سیه و گی پاپ و علما و شیخ
 و توهمات عوامانه خلق جاری بود و مگر بواسطه آمد و شد مملکت اشیا و جهاد بغایت ترقی کردند در

در آذربایجان

در سراسر

تاریخ یورپ

۱۱۰۰ الی

۵۱ تایخ یورپ اجمالا

دارد) و نیز ساختن بارفتن - فلندرز که مدتهای مدیدی معروف بود بنفاست کتان
 پارچه های پشمینه همچنانکه ایتالی مشهور بود و جنوبی پارچه های ابریشمین و خریر قریب تمام شتی که در انگلند بود
 بنحو کشید و عظیم ترین تجارت گاههای ممالک یورپ شد - و مجدداً نقاشی و حجاری و رنگ آبی
 جاری گشت در روز بروز در تزیید و ترقی بود - در این اوقات بجهت تحصیل علوم مدرسه ها برپا شدند
 و رسوم و طرق رهبانان از میان رفت و عنان تربیت و تعلیم خلق که در کف اختیار این سلسله بود و با
 توهمات مذمبه آمیخته و آلوده داشتند از کف ایشان گرفته شد و چند نفری از غیر علماء و رهبانان که در
 زمان اقتدار اعراب در ملک اسپین عربی خوانده بودند یعنی شاید پدران شان خوانده بودند و ادب
 صد سال یا زود هم دایشان هم از پدران خود آموخته بودند) و صاحب خرد و ذوق رنگ بودند و شهرهای
 عظیمه ایتالی ابتدا و بعد و شهرهای فرانس و برمنی و انگلند متصرف شدند بجهت تعلیم و تربیت اطفال و جوانان -
 پنهان ننمود که در این آوان جان روح خلق از خواب غفلت بیدار شده بود و پانچ هر گویه می که در
 معانست آموزش و تحصیل علم و کمال شد مگر سودی بخشید و پیوسته و فرمایش و جریان بود مخصوصاً زمان
 ساختن کاغذ (در صد سال ۱۱۴) و چاپ کردن (در صد سال ۱۵) اختراع شد ملک ایتالی عهد قیصر
 را دوباره بجهان آورد - وضع و حالت زنان نیز ترقی کرد و امتیلاتی بهم رسانیدند و اجتماعات
 مدینه و باین اسطر رفتار و کردار و گفتار صنفی از اصناف خلق یک نوع ملائمت و مفاو کمال یافت
 و در این آوان بواسطه همین اسباب یک نوع نظم و شعر گوئی وجود یافت که میخوانندش رقص و این
 غالباً شرح حال سحرشوران عاشقان و معشوقان است مگر بشیر جعل است اگر اصلی هم داشته باشند
 بسیار دران بکار میزنند و پیرایه های بسیاری بآن می بندند اما تشا شعرا شانه نامه و حکایت بهرام گور و قصه

۵۲ تاریخ یورپ اجمالاً

ایلی و مجنون و امثال اینها - عده طلب مقصود و منظور این روش در آنوقت استعجاب و حیرت
مجاورین نصارا بود و در بیت المقدس که سبها درفته بودند و جاه و جلال خلق و بلاد و امصار
مملکت اشیا و طریقه این خوشه گونی را هم بعضی بر آنند که از مردم اشیا آموختند - پس چون در میان
هر قومی شجاعت و مردمان سلطوری هست لهذا هر یک از طوایف یورپ نیز سرگزشت پهلوانان
و دلیران خود را بنظم می آوردند و این خوشه را خلق آن زمان بسیار مطبوع میداشتند - پس بنال
آمد قسم دیگری از شعر شمل بر قصص و افسانه ای که در آنها حسن و قبح و حرص و آز و امثال اینها را
کنایه بجای انسان و شخص مجسمی تصور میکردند و تشبیه میدادند - آنگاه بدنبال اینها آمدند و فراموش
که در ایتالی شایع گشت که شمل بود و از اشخاص مجسمه موهومی بطور کنایه و تشبیه از فساد و فحشا مانند
رزم نامه های یونانیان - مثل حکایت زال و سیمرغ و کوه و آشیانه و پرورش سیمرغ و اولاد و دیوانه ها
و اثرها و هفت خوان و امثال اینها همه در این قبیل شعر است که ذکر شد و آنرا اینک بنویسند و در زبان
یونانی - باری چند نفر شاعر نامی بسیار عظیم الشانی در این زمان بهم رسید و در طایفه ای تالی که خداوند
ایشان و نبی بود و آری استند و گشته - باجمه این چند نفر و چند نفر دیگر که بعد از اینها آمدند و در زبان
ایتالی را صاف و پاک و باکمال فصیح نمودند بخصوص پیتر ازرک و بکشیان -

۱- اینک مطلقاً شعری را
بنویسد که شرح حال پهلوانان آن
دگر باشد و صحت جبرث شود -

۲- و نبی

۳- از این

۴- شاعر

در با سلطنت انگلند در این زمان بسیار مجلل و باشکوه بود و در تمام یورپ بسیار مصفا و باسلطه
و او و ۳۰ سپه و تشوین میکردند و شجاعان و پهلوانان و قلعه و چند سار در این سلطنت
عمارت شد و در حاشیه بساط این پادشاه نشسته وزیر و بنیت مجلس او گشته بود و چون سرگشته
شعراي انگلند بود و علی رغم ولیم کانکر که اراده کرده بود پیش از این که گفت انگلیزی را معذورم سازد

۵۳ تاریخ یورپ اجمالا

چون هر طرح نوی ریخت لباس دیگری در بر این نشت پوشانید - در اوایل صد سال اخیر
چند قسم نظم و شعر نوی ابداع شد و ملک فرانس و رفته رفته در آنجا که آنهم قسمی است از شعر یعنی نقل و
شنبیه خولی بنحاطر باخطور کرد و در وقت شروع نمودند که هنر و کمال خود را در این فن ظاهر سازند و تماشا
ساختند و علم موسیقی و نوازندگی نیز روی ترقی نهاد - آخر همه در ملک ایتالیا متوجعین چندی بهم
شدند و نام میثاؤل و گوات چرونی مجلل در روشن ساخت نوشتجات و علم و دانش این
مسا فرقه در دریانوردی ممالک یورپ هر چند از زمان شکرلین بغایت ترقی کرده بود و گرد اوایل
صد سال پانزدهم هنوز دریانوردی و مسافرت در بحر منحصر بود و عده بدریای مدیترنیم و دریای
بالتیک و آن هم فقط منحصر بود بکناره و موصل - اعظم تجارت گاه های یورپ فلندرز بود که
ریاستهای ایتالی از بنادر مصر اشیا و امتعه ممالک مشرق را حمل و نقل بانجا میکردند و تجارت حسن
امتعه شمالی را از موصل دریای بالتیک بانجا میبردند - در اوایل صد سال یازدهم الفانسه
پادشاه کستیل و لیون اقطاع شمالی این ملک را اکنون مینامندش پرتگال از کف موریان بد آورد
و مع دختر خود به هنری ملک برگزیده یی بخشید یکی از امار او شرفانی که او را در جنگهایش یاری کرده بود
هنری فقط خود را لقب و مخاطب ساخت به کونست مگر در سال ۱۱۳۹ سپه او الفانسه خطاب پادشاه
بر خود قرار داد - پادشاهان پرتگال همواره با اهل مکرکه یعنی موریان در جنگ و جدال بودند و در
سال ۱۴۱۳ اولاد و نوکراز خاندان سلطنت پرتگال مفقود ماند که وارث تاج شود پس از هشت ماه
و مبع ریاستهای پرتگال تاج سلطنت بخشیدند به جان لقب به ستر و داین مرد توین پادشاهان
یورپ بود که یک عرخی (یعنی قطار از نهانازات) با شکوه عظیم الشانی در سحر جاری داشت که آن شهنشاه

در اوایل

در وقت شروع نمودند

ترقی دریانوردی

۱۱۰۰ - ۱۱۳۳

در وقت شروع نمودند

در وقت شروع نمودند

در وقت شروع نمودند

در وقت شروع نمودند

در وقت شروع نمودند

۵۴ تاریخ یورپ اجمالاً

خود را بهرسان منزه می داشت و رعیت خود را حراست میکرد. پسر او منبری ۳ شوق زیاده ای
به علم نجوم و ستاره شناسی و دریا نوردی و اکثر اوقات خود را باین امور می گذرانید و بسیار فواید مهم
بر گرفت چنانچه به هدایت و راهنمایی او در نبرد آذربایجان و خوارزمشهری و در دجله و فرات
چنان ۲ شهر لرزان را بندهر گاهی ساخت که بطور آزادی هر که میخواست آن می آمد و از آن می رفت
و قوم بزرگنیز در کمال مهر گرمی و شوق به بنال رفتند جستجو نمودن در عالم و پیدا کردن ممالک جهان
چنانچه بزرگان و مأموران می از میان ایشان با قصای مملکت از قیاس رسید و آنجا را می نامیدند شامی
یعنی نوک زمینی که پاست از تلاطم و طوفان مگر پادشاه پرتگال این ظهور و پیدایش عظیم را بعیت
نیک شمرده نام آن مقام را گدشت که پست است فگ و و به پ یعنی نوک امید نیک (در سال
۱۴۸۶) نوبت سلطنت رسید به امان یووال ۱ او نیز از پی این غمیت دان شد و چون
اراده را پیش نهاد ساخت و در سال ۱۴۹۶ چهار چهار روان ساخت بجهان گردی و دریا نوردی
بسروری و امارت و سنگه و گما این دریا نور و عظیم ایشان از کیست گود و به پ گذشت
کالیکوت رسید یکی از بنا در هند و رسال طیار در سال ۱۴۹۸ به لیزبان مرجعیت کرد
جایی که این مرد پیدا کرده بود چندان موجب حیرت و آفرین تحسین و ذوق شده بود که در سال
۱۵۰۰ سیزده چهار در تحت امارت شخصی موسوم به آلور که بر آن از پرتگال روانه هندوستان شد
این مرد ملک پرتگال را در جنوب امریکا پیدا کرد و مقبوض داشت و از آنجا به کالیکوت روان
گشت و در آنجا بواسطه خدمه اعراب بابا شدند گان و ساکنین بنارعت و رفاقت و بعد از آن
حکومت این تصرفات بهند و اگر از شدت شخصی افغانه البوکرک نام که کالیکوت را پایمال کرد

۱۴۸۶ از پرتگال
۱۴۹۶ پرتگال - و فرات
۱۴۹۸ از پرتگال
۱۴۹۸ پرتگال - گود - و پ
۱۴۹۸ از پرتگال
۱۴۹۸ از پرتگال - و پ
۱۴۹۸ از پرتگال
۱۴۹۸ از پرتگال

۵۵
تاریخ یورپ اجمالاً

و گویا اگر گفته دار حکومت مایه صرف پرتگیز و رهنه نمود (۱۵۱۱) - این مرد عالی قوت حملت آورید
 ملک و حاصل گزشتند و کسانیکه بعد از ادب طرف مشرق آمدند کمند بهمت و افکنند بچین چین
 و آیین بن اهل اسپین مملکت جدیدی را پیدا کردند در جانب خوب - مردی از اهلای جنوب
 موسوم گزشتند فر کلیمس در یزبان بهم رسید که عمر خود را همه مشغول داشته بود بعلم ستاره شناسی
 و چنان دریافته بود که باید زمینی دیگر هم باشد در جهان غیر از این مگر چاره را نخبه داشتند و آنها را
 کردند باین تصور و خیال (بچنانکه در این اوقات هم همیشه از اینگونه اشخاص بهم میرسنند و رسیده اند
 و مردم ایشان را محبط دانسته و میدانند چنانچه من هم یکی هستم) - باری در سال ۱۴۸۴ از دور با
 یزبان استمدادی طلب داشته که مملکت موسوم خود را جستجو پیدا کند مسوولش اجابت نشد از دربار
 انکند مدو خواست و از آن هم محروم گشت پس چندین بار از پادشاه اسپین یاری و حمایت طلب
 نمود و قبول نیفتاد و تا عاقبت پادشاه مذکور را مولش را بجا آورد و سه چهارم از او و کلیمس رفتند
 و خود را به محیط ملای حاشی سرکشی آغاز کردند و لیکن او حکم و طاعت گدازانید تا آنکه در روز نایب
 ۱۴۹۲ یکی از جزایر به ما رسید و نام آنرا نهاد سنت سلوور - چند جزیره دیگر را نیز پیدا کرده
 انگاه جزیره کو با بر خور و از آن گذشته جزیره میسپیندا رسید و در آن قلعه ساخت و جمعی از آنجا
 بگذشت یعنی ساکن کرد - باشندگان آن سرزمین چندان ساده لوح بودند که اهل اسپین از آنجا
 (یا فرستگان) دانستند - کلیمس به اسپین مراجعت کرد در سال ۱۴۹۳ از جایی که پیدا کرده بود
 چندان خوشی و انبساط حاصل شد و خلق متوج گشتند که در بین چند ماهی ما چهار روز و اندام ریگاشد
 مگر در زمان غیبت و چندان کلنی اش (کسانیکه ساکن شده بودند) بدر قمار می کرده بودند با مردم

در کتب و تصانیف

در سنت سلوور

۵۶ تاریخ یورپ اجمالاً

آن سرزمین که تمام آنهار قبیل سانیدند و کلبس مجذول کلینی برپا کرد و بجز دیکه از طرف متوطنین شروع سرکشی شده حکومت آن جزیره را برادر خود واکذا کرده خود و ائسپین شده بعضی از او
 و اشیاء فحاک طلا و درارید و غیره (۱۳۹۶) مگر در این مرقه نیز محرم گشت که زمین واقعی امریکا
 را پیدا کنند - مرتبه ثالث با چند جهازی روان شدند در ذرغره ماه اگست ۱۴۹۸ سال میل
 فرود آمد - در سال ۱۴۹۹ تجارت سوئیل چهار جہاز فرستادند در تحت حکومت دو شخص
 معروف موسوم الفرغو - اسپیدا و امریکس و سپوشینس که بچان مغرب امریکا
 رسیدند تا آن زمان نامی نبود امریکارا در این وقت امریکس آنرا بنام خود بخواند - در این
 حاکم جدیدی فرستاده شد به پنسیلوانیا و هر دو کلبس برادرش را بجز بختیده با سپین آوردند
 مگر باز هر دو را بر کردند و کلبس چهارم روان شدند بریا نوردی (۱۵۰۲) دشتی شکست
 و لا حاشی سرکشی کردند و پس از مصایب بسیاری در سال ۱۵۰۴ امراجست نمود سپین
 و کلبه اسپین اینر پلکه که مشوق و طامش بود در این اسفانده کوره مرده بود و همه امیدش بپا
 مبدل شد و بیچاره گوشه گزید و در کمال احتیاج و بی کسی بی غنوار در روز ۲۰ ماه می سال
 ۱۵۰۶ مرد کسی از حالش آگاه نبود - بخدا دل من بر احوالش میسوزد ولی ندانم دل کسی بر
 احوال من خواهد سوخت یا نه -

۱- اسپین
 ۲- ال فرغو
 ۳- امریکس و سپوشینس
 ۴- پرنس کریستوفر کولمبس

پس از مرگ کلبس وضع اسپین همچنانکه بر کمال دگرگون شده و خلق صورت سیرت بیایم فتنه
 مذمب و آزار و ظلم دست بیکدیگر کردند مگر کسی که این صفات نامحمود را بنیال نفست کمتر مضر کمال
 خلق و بیشتر مفید کمال خلق برشته گردان بود سرداری که ملک مکسیکه دست او نهاده

۵۸ تاریخ یورپ اجمالاً

فتوحات و غنایم و دولتی که پرتگیز در جانب شرق و هندوستان یافت و اهل اسپین امیر کاسا
از دیگر طوایف یورپ را هم متحرک ساخت و انگلیش و پرتگیز و من همت بالا زدند که ازان غنایم
و خوان بیا بهره بگیرند و ریاضت بشین هم ایشانرا از انقیاد و اطاعت پرتگیز و سختی و قیود و نهیهای
بخشیده و آزاد ساخت - نهنگامیکه کرتس به بند و بست و نظم و نسق میکشید مشغول بود شخصی پرتگیز
موسوم فرزند مکگلان که در زیر دست و تحت حکومت آلگوزرک خدمت میکرد از منزل
خود رنجیده خاطر گشت و نیز از نظر عنایت پادشاه خود افتاده بدرگاه پادشاه اسپین پناهنده
نمود که غنیمت کلبس اتجدید کند که میخواست طریق پیدا کند بهندوستان از جانب غرب بحاله
خبر این غنیمت گوش در چرلس پادشاه اسپین شد و اشارت الیه اطلبیده حرمت نمود و خلعت داد
لقب بخشید و پنج جہاز داد و را بجهت دو سال مسافرت - مکگلان در روز ۱۸ اگست ۱۵۱۹ روان
و بخیر کزنی بر خورده کناره امیر کارا گرفته بجانب جنوب روان شد و در روز ۳۳ ماه
پانچ به بندر سنت جوئلیون رسید که در اقصای امریکای جنوبی واقع است و داراده کرد که
زمستان را در اینجا قیامت کند و اینجایک جہازش تباہ شد و همراهیانش نیز از سردی هوا بجان
آید و مبالغه در اجتماعش کردند و غوغا آغاز نمودند مگر حکم نمود که کسیکه محرک و موجب آن غوغا بود
و خفیه کشند و یکی را هم علی روس الا شهاب و قتل رسانید سایرین خاموش ماندند و باز روی
براه نهاد و همه جا در طرف جنوب میرفت تا اینکه محیط جنوبی بنظرش رسید مگر هنوز بسیار دور بود
از مقصد خود و سه ماه و بیست روز در جانب شمال غرب در رفتار بود و بدون آنکه خالی بنظر
و آید و همراهیانش بغایت مصیبت دیدند و آذوقه شان بکلی تمام شد و ایشان گندیده و بربو

لے دیندہ مکگلان
عہ کتب و کتب

تایخ یورپ اجمالاً ۵۹

گشت و همه بیار شدند - مگر در این محیط هوا بسیار خوش بود و معتدل و هیچ وجه تلام و قحطی
 هم در این محیط نبود چنانچه مگهان این محیط را نامید محیط **سپتیک** (یعنی آرام) - چند خبر
 در راه ایشان خور و که چندی را در آنها بسر بردند و باز مراجعشان بسلامتی اول باز آمدند بخا
 روانه شده در اندک مانی **منیکله** رسیدند و چون خبر هم در محیط هندوستان یافت و
 با جمل عاقبت بهندوستان رسید - پرتگیزان بغایت متعجب و متعجب شدند که چگونه اهل اسپین
 باین مقام رسیدند و حال آنکه از طرفت یگري روان شده بودند - پس از طریق کیپ آن گویا
 به اسپین روان شده و به بندر مویل رسید در سال ۱۵۲۲ و این مسافت گرد کرده ارض
 ۱۱۵۴ روز طول کشید -

پرتگیزان و اسپانیارد با بنوازعت در افتادند بر تجارت بهندوستان و عاقبت چهره اسپین
 از دعوی خود دست بدشت بگرفتند مبلغ خطیری از پرتگیزان (۱۵۲۹) و معااهده هم شده که بوا
 آن تجارت در ریاست بهندوستان بهمان نحو پرتگیزان انحصار یافت و منیکله از خیال اهل اسپین
 محو و فراموش شد تا زمان **فلپ ۲** - بجز و یک این پادشاه بر تخت نشست کلنی فرستاد که
 در جزایر **مینیدا** اقامت گیرند و نام جزایر مذکوره را خواند **فلپ ۲** نیز (۱۵۵۶) و بجهت آنکه
 جزایر مذکوره آباد شود و کسانیکه در آنجا سکونت گیرند شاکر باشند و دیگران رغبت کنند سکونت
 در آنجا اجازتی داده شد که آن کلنی راه تجارتی باز کنند و میان بهندوستان امریکا و هندو
 را با فلات امریکا معاوضه و مبادله کنند و نیز از طریق آمد و شد تجارت عظیمی کشودند با چین و فلتن
 بسیاری هم از چین آمده و فلپ نیز اقامت و سکونت گیرند و در پیاه حمایت اهل اسپین و منیکله هم

مع منیکله را منیکله
 مع اسپین را اسپین

مع اسپین
 مع فلپ ۲

تاریخ نو روپ اجمالاً

دارالحکومت این جزایر شد۔ بالکلہ باین اسطہ کلنی مذکور پندان آباد و پر دولت شد کہ رام
 تجارت عظیمی در دریا باز شد میان مشرق و امریکا اطلیل بہ مسافات از زمین زمینی در عالم
 بر دوی از ہمتای از ممالک مشرقیہ با فراط با مرکبا نقل شد و این کلنی اسپین ہم بیچ و بیخ
 پرتگیزان نشاندہ پرتگیزان نقطہ ہمین تیرہ تمام تجارت شرق را و قبضہ اختیار داشتند کہ
 سواحل کلنی و عربستان ایران را ہم مقبوض داشتند و همچنین بعضی از جاہای ہندوستان
 و نیز مقبوض داشتند فلکس و سیلان و سند و تجارت چین و چین را کلنی
 بر ذیل خود را قسمت پر دولت و معموری از مملکت امریکا کردند۔ چون پرتگال در تحت اقتدار
 و حکومت اسپین درآمد نتیجہ زوال دولت و اقتدار سہشتیں و امرای او (۱۵۷۸)
 کلنی ہای آن بی صاحب افتاد و او خیال محو ماہر بعضی از ماہر صرف بسیار خوب پر دولت
 اندر اول ملک ہندوستان چر گرفت و کمپنی ایستہ ایندیرا در آن برپای کرد و چند سالی
 پرتگیز نزاع کردہ عاقبت آنہا را سیلان و فلکس تمام ماہر صرف آنہا در طرف شرق محروم ساخت
 سواہی گوا۔ از ان طرف تجارت چین و چین و اسپین ہم مقبوض داشت۔ جزیرہ جاوہ کہ در جاہا
 از ابتدا قلاع خود را ساختند و در جان دایل شہر با شکوہ بتاویہ را و آن عمارت کردند بہمان
 نحوی کہ امروزہ است و آنوقت ہم عہدہ جاہا داشت محل اقتدار و استیادای طایفہ مذکور
 بود در جانب شرق و ہندوستان۔ پس در جاہا گشتہ چینی ہم بجانب مغرب افگندہ و یک کلنی
 ہم در شمال امریکا اساس نہادند موسوم بہ نوآلیجیا تجارت ابل اسپین را محل داشتند
 و در ہر کجائی کہ آنہا را جاہا اقامت و سکونت بود غارت کردند۔ و خود را مالک کلنی بنامیدند

۱۰ کلنی
 ۱۱ فلکس
 ۱۲ سیلان
 ۱۳ سند
 ۱۴ چین
 ۱۵ سہشتیں
 ۱۶ گوا
 ۱۷ نوآلیجیا
 ۱۸ پرتگیزان
 ۱۹ نوآلیجیا
 ۲۰ نوآلیجیا

۱۱۱۲ سال ۱۸۱۲

تاریخ یورپ اجمالاً

در امریکای خوبی دلی این قدر هزاران کوتاه بود زیرا که چون پرتگیزان خود را از جنگ اطاعت و نفیاً
 اهل همین راهی بخشیدند در ملک یورپ بغایت برایشان سخت مینمود که در زیر زنجیر مطاوعت و ظلم
 و جفای و چهار باشند در امریکای هند انبساط بر خاستند پس از جنگ و جدال بسیاری مجبورشان
 ساختند که دست از برزخ بر دارند و سال ۱۴۹۴ - از آن زمان ملک پرتگیزان مذکور در قبضه
 پرتگیزانند و سلطنت متزلزل بی استقامت است این قوم را پشت بندی گشت قوی و بهترین ماسیطرت
 هر دولتی از دول یورپ بود و در ملک امریکا -

در سال ۱۷۰۰ اکثر کانی چند بر سر تجارت از انگلستان به هند روان شدند خود را مقیم نموده موسوم شدند
 به ایست ایندیا کمپنی (یعنی شرکتی شرقی هندوستان) - سال بعد از آن پنج جهاز عظیم بنیال
 ایشان روان گشت در تحت حکومت کپتان جنرل کنگستر که چند نفر از شاهزادگان هند و اربابان
 بر خور و کردند و مشاورانیه با ایشان معاهده کرد و تجارتی و پس از دو سال مسافرت با گنجه دار و شد -
 چند مسافرت دیگر هم از آن گنجه شد و همه با بصرت و ظفر اختتام پذیرفت مع ذلک شرکتی انگلیش را در
 هندوستان مشکلات بسیاری پیش آمد که رفع آنها لازم بود - حریفان و همپیشان ایشان پرتگیز و
 رانگ گاهی بود خاص که ایشان مالک مستقل بودند و نیز جاهی پناگاه مضبوط که خود ساخته بودند و لشکر
 و آذوقه و سامان جنگ خوب در آن گذاشته بودند و هر ضلعی از ضلعیه در بر قطری از اقطار را که مالک بودند
 یا جنگ و غلبه گرفته بودند یا حکمت و زور و تعدی مقبوض استند بودند ولی انگیزان نقطه با هم تجارت
 و اینک نشسته اند تجارت حرکت میکردند با جمله لاچار شدند که تجارت خود را درست کنند و بنابراین
 قلع ساخته و تجارت گاه مقرر دادند و در جزایر جاوه و فلپین و اندونسیا و بندها - چهار این حال

در سال ۱۸۰۲
 در سال ۱۸۰۲

تاریخ ایست ایندیا

در سال ۱۸۰۲

در سال ۱۸۰۲

تلیخ یورپ اجمالاً ۶۲

خایف و هراسان شدند چون پرتگیزیان را از خبر میرزا ندرانده بوفند و نمیتوانستند خبر خود بمهرسان
که دیگری از طوائف یورپ در اینجا با قاضی و کشت باشد بخصوص طایفه کوت دریائی و زو
حکومت و اعتقاد وضع و حالتش پیش از به طائفه بود و احتمال میرفت حریف غنی و مجسم قوی
ایشان نشود و ایندکمال سعی را نموند که بهر نحوی بوده باشند کمترین از ملک هندی بکنند و محیط معرکه
بهال شد که اقسام آن معاهده چند و زده بود که هیچ یک از طرفین ابروفت و دخواه نگشت (۱۶۱۹) -
این معاهده را نخست و ششست و در عهد سلطنت استقلال وضعیف جمعی را انگلند و درین
جدالهای خاکی عهد سلطنت پیر و چیرلس اقتدار انگلیش در ملک هندوستان وی بتزلزله
درین این زمان دولت انگلیش فایز گشت با نقیض مینی و شمال مملکت امریکا سال ۱۴۹۶
جان کبات دریا نوی اذلال و پیش که در ملازمت هنری مابود جزیره نیو فوندلند را
پیدا کرد و ساحل شمال اگر نته پیش رفت بعضی خلج و کپ هم پیدا کرد و اگر از پید کردن این مقامات
هیچ فائده حاصل نشد انگلیش اما واسطای سلطنت انیز نت بهنگامیکه تعصب حرص از فزون طلب
قلیپ ۲ (پادشاه اسپین) تمام دول پرتستان را موجد کرده و بخش شد بخصوص انگلیش را
و مایه آن گشت که غریبه های مردانه بشود در مجادله و مقاتله با رعیت او در ملک امریکا - نامی این
کسانیکه در این غریت کمر بست مردان شد عمر فرانسویس در یک بود که با چهار جهاز بدی
جنوب داخل شد و بسیار غنائم عظیم الشان بچیک آورد و با گلند مرجعت نمود (۱۵۸۰) - فتح نصرت
او دیگر از انیز جزایر واد که قدم در این بحر کردند و در سال ۱۵۸۴ و ده هزار دیگر هم روان شدند و بی
گرفت که اکنون مینامندش نازت کمر لیتا که که الیزبت بهتبه آنکه تقویت و تشویق کند تا همین

به جان کبات
به زینس
به نیو فوندلند
به وینس و کپ
به نازت کمر لیتا

۴۳ تاریخ یورپ اجمالا

آن فتح را زمین مذکور را امید ویرجینیا گمرک این زمین کاهی معمول نشد و عاقبت از دست دادندش در سال ۱۵۸۸ - در سال ۱۶۰۶ مجدداً این غرمت تجدید شد و کلمبی جدیدی و جیونیا برپا شد که ترقی و علو بسیاری نمود و این مره و بسیاری از آنان که در آن من از فتنه و فساد انگلند و در خطر بودند (فرقه که آنها را میخوانند راکلیست) بان سرزمین پناهمیدند (۱۶۳۲) ضلع دیگری که هرمنی اند میخوانندش نزدی پس از این فقره مسکون شد با من کلیکهای انگلند بواسطه همان جهت مذکور - فرقه دیگری که آنها را میخوانند نان کانفاز میست بهمان جهات در جای دیگر امریکا سکونت گزینند - علاوه بر این کلمبی که در شمال امریکا بود انگلیش را یک کلمبی دیگر هم برپا نمود در سفر نیم در طرف جنوب امریکا و چند جزیره دیگر را هم مقبوض شدند در سنت ایندیا در اوایل صد سال ۱۷ و قبل از آنکه آمریکا تسخیر شود جزایر بر بدش و سنت کریستوفر بخوبی آباد شده بودند و دروی ترقی داشتند و چون شکر را از آنجا بدست میبردند لهذا تجارت شکر تمام یورپ بقبضه انگلیش بود و در واقع نواید و تجارت را انگلند حاصل نکرد در ملک امریکا نیز بحسن تدبیر و انائی روسای پرلنت یعنی مجلس شورای مان سلطنت جمهوری زیر که قانونی جاری نمودند که بان قانون ممنوع آمدن جهاز دولت خارج از دخول در نظرگاه کلمبی های انگلیش خبر در حالات خاصی که مستثنی بودند - قبل ازین همه تجارتها بدست چوچ بود و کلمبیین معاهد و قانون تجارت انگلیش را قوت بخشید و از آن پس همه ممالل التجاره انگلیش بان مسکن ممالک حل میشد بدون حریف و غنیمی و تجارت انگلیش منحصر نمیشد و با امریکا و هندوستان بلکه در اوایل صد سال ۱۶ باب تجارتی هم با ملک دس باز کرد و اکنون متعنه انگلند فکر گرفته است هر بندری را در

که راکلیست کسی را بگویند که کلمبی

علوی است که پادشاه داشت باشد

سلطان کان کان فاکلیست کسی را بگویند

مخالفت با بعضی چیزهای که دیگران

بجای میکنند و قبول نکنند

که سوزنی نمیر

که برب دس

که راکلیست بود

تاریخ یورپ اجمالاً

سواحل دریای مدیترانه در یای بالئیک - فرانس از همه ممالک یورپ پیر تر خیزند و از همه دیر تر رسید که جانی را در امریکا جنگ آورد و در این زمان کشتی او را غارت و بدایت معموری بود و زراعت جزایر مریتنیکه و گواڈلوپ هم بکلی قلیل بود و بافتن پارچه های ابریشم در فرانس هنوز چندان ترقی نکرده و تکمیل نیافته بود که بعد از آن یک چشمه عظیم دولت آن شد - اسپین همه ساله مبلغهای کلی از معاون کسیکه دیر و محل میگرد و لیکن چون بافتن و ماشینی جریان باز ایستاد و مالی آنرا بدگر ممالک محتاج کرد بجهت این منافع و لهذا دولتی که از کسیکه حاصل میگرد بخش دیگر ممالک یورپ پیشه و کارکنان هر یکی از ممالک یورپ از دولت آن بهره و بی بود و فاتحین و نیای جدید (امریکا) همه شدند یا گمشدگان و کارکنان انگلند و مانند - از اینگونه بود و حالت تجارت یورپ هنگامیکه لوئیس ۱۴ فرانس بر تخت نشست و پیرس انگلند دوباره تاج خود را یافت - جنگ بهمان دتیره جاری بود و در میان اسپین و پرتگال و پس از ۲۸ سال زد و خورد جدال و قتال عاقبت اسپین مجبور شد که اعتراف نماید که تاج پرتگال حق خاندان بزرگتر است و دست از دعوی خود برداشت (۱۶۸۸) - باقی ممالک یورپ در صلح و صفا بود -

یورپ در این زمان

در حال صلح و صفا بود

و در این زمان

قریباً واسطه سال شانزدهم عیسوی مدینه بغایت ترقی کرد یعنی خلق زیاده از حد در دی اعلی و کمال گذشتند و در ملک ایتالی - دلی نبرودی ریاستهای ملک مذکور شروع نمودند که از هیچ ضعیف و از فراز به شیب آیند و سایر طوایف یورپ شروع کردند که از ضعیف مانع و از زیر مالار دی نهند و در میان اینها فرانس پیشاپیش و در جلو بود چرا که هر چند امر او اعلی اسپین

ترقی ممالک یورپ در این زمان
صد سال شانه و در این زمان
صد سال مهلت

تاریخ یورپ اجمالاً ۶۵

در بین سلطنت چارلس ۵ و عهد سلطنتی که فوراً بدینال آمده بغایت صاحب خرد و دانشمند
 با تربیت بودند و در میان خلق مگر اکثر و عموم خلق در شده بودند و بجزی دانشی و توهمات مغربی که بپای
 و خارج بودن آنها از اجتماعات هم در ملک آتالی و هم در ملک اسپین نیز یک سده عظیمی نمانده بود و
 معقولیت انسانیت واقعی - همین سده‌ای که در طریق تکمیل مغربی مانده و این ملک مذکور بود و
 از میان در ملک فرانس بواسطه میانجی‌گری فرانسس ۱ و آن زن چارلس ۵ و لوئیس ۱۲ که
 ساخته و دخل یکدیگر را (یعنی انا را) در دربار سلطنت فرانس علی‌رودس لاشها و فرانسس ۱ که
 و او معاشرت و مکالمه مردان و زنان را با یکدیگر و این تقویت چندان نمایش و راستگی و تواضع
 و در مقام و کردار خلق ظاهر گشت که روزگاران موجب حیرت تمام ملک یورپ شد - و لیکن این
 همچنانکه بسیار امور بدیده و دیگر جهان ابتدا نالایمات چندین را لازم داشت مثل اینکه فقط که خوب
 خلق و فتن میشد بلکه موس بازی و شهوت انی حیجابی ازان را نش نمود و زنی موسوم که سرتی است
 و فرانسس ۱ این موس بازی را تقویت نمود و شیوع داد - در نتیجه نشینی بهتری و در اطفال و جوانان
 جنگ و جدال مغربی رسم معاشرت و مفاد زنی را بجهت تفیض یافت اگر چه شهوت پستی بحال و بماند و شهوت
 جاری بود و اینجاست تفاوت و شجاعت و ازان پس در عهد لوئیس ۱۴ تعشق و جود یافت و این
 تعریفی که در دست آن کرده اند باید دانست که این تعشق و آن معاشرت که بنده نوشته ام ترجمه و تفسیر
 معاشرت یا مفاد را معنی گشتی است - این فعلی است که مضمین فعل قبیح دیگری است یعنی گفتگو و
 کردن مگر لفظ اخیر که تعشق باشد معنی نادرست که مفهوم آن نیک است
 در بین حکمرانی آن در ملک استرادیوگهای غائی که واقع شده و اایل سلطنت لوئیس ۱۴ که

این تاریخ و تعریف و تفسیر
 و این سده و این ملک
 و این تعشق و این معاشرت
 و این مفاد و این گفتگو
 و این قبیح و این نیک
 و این مفهوم و این نادرست
 و این تعریف و این تفسیر
 و این تاریخ و این تعریف

تایخ یورپ اجمالاً

کارها و امور جاری بود بدست خانها و زنان مشرفا و مکر ایشان در فتح مفاسد و سالها بود
 علی رؤس الاشهاد بالو اولشاههای جماعات خود و مکر ملاحظه میکرد یعنی سان میدیدند بسیار
 می نشستند در جماعت شورای جنگی حاکمونی که تشاق شان و حضور شان می لافیدند که چنین و چنان
 خواهیم کرد - این فقره در ایام لوئیس ۱۴ موقوف شد هنگامیکه فرانس کمال ترقی و علم رسیده بود
 و لغت و علم و فضل و هنر و وضع فرانس تکمیل یافته بود و آسایش و جاه و تجمل و سلیقه و طرافت
 و نزاکت و آزادی و حرمت همه باهم متزاج و اختلاط یافته و ترقی کمالات و علم با ترقی وضع و
 رویه هر دو دوش بدوش می رفتند - در همان عهد فرنیس که میخواندندش "خداوند فک
 (یا طبع) ملک فرانس" یک نوع وضع جدیدی صورت و جو یافت و شعر گوئی و رمل
 و مانتین که نام شان در میان قوم خود تا قیامت خواهد ماند تکمیل نمودند ایشاندا و شربان فرنج
 را و نظم فرنج را نیز زنده و شیرین و لطافت دادند هر دو را آنسر و ملرب - در آخر
 کار مل ابداع نمود نوعی از نظم را که میخواندندش "سید" یعنی رزم نامه و کسکل
 ابداع نمود قسم جدیدی از شرا - با جمله نظم و شعر و دو با قسم مختلفه وضع جدیدی بهم رسانید
 و کمال رسید و اشخاص متعدده در این حرف نامی و معروف شدند - این سلیقه که در شعر
 و علم بهم رسید و در هنر و کمالات (یدی) هم بهم رسید و بعضی عمارات بسیار عالییه نباشد و مجاری
 از آن جمله شیر آروان تکمیل رسانید و پوسان و بعضی از شعب نقاشی بر تبه و عسل
 رسید و بعضی دیگر از نبرگان و هنرمندان ساز و نوازندگی را کمال رسانیدند - با جمله فرانس
 و حوش آن در اواخر صد سال هفتم جهان پایه بودند که ایتالی در صد سال قبل از آن -

این اصل این نظم عبارت است
 عمارات و تیر و زینتی و بسیار
 میگویند که در خیال طبع و در
 درک از در جان و ایمان نمایان
 شده بود که یک راب الفی که
 چیزی میباشند مثل خدای با
 آب خدای جبال خدای جبار
 امثال اینها بود و درین نظم شش است
 میگویند که بعضی کویچه و مندرجان -
 سه آتین
 سه ر
 سه راکتر
 سه تریب
 سه شری از آردان

تاریخ یورپ اجمالاً

سلیقه و تواضع و تهذیب در این مانده چندان در ترقی و فزایش نبود در حد و شمالی یورپ -
 جزئی و ممالک گرداگرد آن از فتنه شتمنکله ای تا صلح و سبب فلپا همه گرفتار جنگ
 و نزاع بودند چه بیرونی و چه غیر بیرونی و لیکن این منازعات را تسلیح خوب مفیده بود که
 خلق را از خواب غفلت بیدار نشی بیدار ساخت و میلان بکمال و ترقی داد و وضع و گردا
 خلق را منظم و منسجم نمود و علم جنگجوی و لشکر کشی را تقویت کرد و اصلاح داد و این فقره اخیر
 بغایت فایده مند بود زیرا که نه فقط لازم است و لیکن این علم بجهت رفع زور حکمت و هنر مند
 بلکه لازم است بجهت آسایش خلق هم - تمام قوای روحانی خلق متحرک شد و تمام گرمی و حرارت
 قلوب انگیزه گشت - جرأت و جلاوتی که پیش ازین روحانیت و گرمی مزاج و عالم جهالت و
 پیهیمگی و تعصب بود صورت دیگر یافت و مبدل شد بجهت و جهتی ثابت و استوار مفیده و
 مفواید مدینه و خلق را - با جمله جزئی سپیدارانی بهم رسانید بجهت کار سنجیده و مدبرانی کار آرد
 و با اعتبار علمای پرتال با تعمق و حتی حکمای با تدقیق و متوسکاف و این هنوز قبل از آن بود
 که واقعاً در دایره علم و فضل کامل داخل شود - تجدید علم و دانش خاطر و مدارک خلق را آمو
 ساخت بدریافت و قبول شرائع ریفا و پیشین بجز و یک ظاهر و شایع گشت و همگامیکه کوثر
 پیوه از روی غلطهای خفیه و خطاهای پنهانی بر افکند بعضی آنکه موجب اضطراب و خوف شود
 مورد تحسین و آفرین شد و هر چند که کوثر خود از سلیقه و ذوق بیگانه بود و پیروی علم و دانش
 قدما و مگر خلق را بطلان کتب متقدمین تشویق نمود که فقط بتوانند دریافت کنند مطالب
 نو و تاز و انجیل را کماکان دلبسته ادبیات و دانستن زبان یونانی و لاتین عمومی بهم رسانید و

۱- شتمنکله ای
 ۲- شتمنکله ای و صلح
 ۳- سبب فلپا
 ۴- سبب فلپا

۶۸ تاریخ یورپ اجمالا

بپردان ریفارمیشن باین اسطایشارا حاصل آید نشی که خود متوانستند تا مال و ثقل و ادله
 و براین دریافت کنند حقایق امور را که نقطه ایشان را قدرت تسطیح و شمنان شان بکوتلونا
 کرد که تحقیق نمایند و در کنگره بعضی از مطالب تهنید فامور ملکی را با بجمه چون این سلسله
 آشناسند معلوم و لغات یونانیان و رومیان قدرت یافتند که نقشه مصور سازند
 از حالات و وضع خلق و ترکیبی هند طریقه و قانون تمدن و اختلاط خلق را با یکدیگر
 در جرمنی و بعضی از جاهای دیگر پرستش و من کتیک در همه جا با یکدیگر مخلوط و مزوج
 و همواره باهم در نزاع و جدال بودند و زیکه بکشتل و غارت میکردند - این رستاخیز عظیم
 مینویس که نخستین بار بنماط خلق مخلوط داد جریان رسم آزادی و رند مذهب یک اصول یا اثر
 نهایی که اساس آنرا نهادند بزرگان نویسندگان منطق و طبییک صندل مفیدم
 کاپر نیکس یکی از اهل پروسه که تولد یافت در سال ۱۷۳۳ م و نقطه تاریخی از افلاک
 و نجوم معلوم کرد که بعد از نیوتون آنرا تکمیل داد - این مرد معلوم نمود که شمس عظیم و اکبر اجرام
 سماوی است و نقطه اولی آنجم است که از ان نشر میشود و روشنی و گرمی و سیاره های سیارگان
 ان است - بعد از او (۱۷۵۶ م) کلیمیر که اکثری را عقیده این است بکتاب کیهان جهان
 و او نیز از اهل جرمنی بود ظاهر ساخت شکل و ایراد اندازه حرکت هر یک از سیاره را -
 این مرد علم آپیستیک و نجوم رافع ساخت اول کسی بود که ظاهر کرد و دایری که انجم
 سیاره و آنها سیر میکنند بطور واقع مدور نیستند بل مدور طولانی اند و هر چند که حرکت
 آنها کای بطبیعی و گاهی سیر است مع ذلک مانعی و ایراد آنها مقرر است و هیچ وجه

مذهب پرتیکس
 کتاب آتیک علی سیر سیاره ها
 بنظر است

۶۹ تایخ یورپ اجمالاً

کم و زیاده نمی شود۔ این تفسیر و تبیینی که در حالات خلق و در علم و دانش بهم سید از اثر ریفایزیشن
 نه منحصر و خاص بود و با کلمه طوفانی که از رئیس بودن پیت هم مرقوم نصار را با او شستند و از احاطه
 و قبول طرق و شواج کلیه ی روم سرباز زدند بلکه سرایت کرد و بجای خود ایتالی چنانچه در ملک کور
 گلیلی (۱۵۶۴) یا اختراع یا انقلاب تجزیه دادن و در بین تصدیق کرد و سلم دشت عقیده
 کا پرنیکس را و علوم نمود که در جرم جبال و قتلالت هست و ماه باره است لازم فرض فریز
 ظاهر ساخت که دیگر قمر با هم گرداگرد مشتری اند و آیره است پیرامون زهره و همچنین ثابت نمود
 خاها بی را که در جرم مس اند و حرکتی را که شمس در دیگر و محور خود گلیلی را که قضا طلبیدند
 و بنزدان در افکنند و حکم نمودند که از آمدن خود دست بردارند و از عقاید متوهمه کفر آمیز خود وی
 بگرداند و منسوب باین مقدمه این فتوی ذیل را جاری کردند ۱۶۸۳ که موجب شرمساری
 و خلقی است که بعد از آن آمد و قیامت خواهد آمد۔ فتوی مذکور این بود که " گفتن شمس را که در وسط
 اجرام سماوی واقع است و بدون محرکی خارجی حرکت میکند خیالی است غلط و خلاف عقل و شرع
 و خلاف کتاب مقدس و نیز گفتن ارض را که در وسط عالم واقع نشده است هم خلاف عقل و شرع
 عقیده مذسبی است " مثل اینکه ببنده هم چنین میگویند و مزید بر این میکنند خط و مانع را۔
 باری اثر ریفایزیشن در حکومت و رفتار خلق کمتر از اثری نبود که در حکمت و دانش و شست۔
 حالکونی که پادشاهان فرانس اسپین خود را سلاطین با استقلال یعنی حاکم با اختیار نمودند و بنقصان
 و آزار رعیت بیچاره خود خلق هر یکی از ممالک پرتستانها صرفه با و فواید نوی حاصل کردند و با
 جریان قانون و ضابطه برگونه خلائی اصلاح پذیرفت۔ و از الامان بودن کلیسا بر طرف نشد

عقیده مذسبی

۴۰ تایخ یورپ اجمالاً

و علما خود قبول نمودند زیرا فتن را حتی اینکه این اثر دستبرد استیلا سرایت کرد و کلیسای سمود فقط
اثر ریفارشین محسوس گشت اخیری ادنی یا اوسط کلیسای سم را بلکه پاپ اراهم و پاپ یحیی
آنکه هیچ شمی گشتند با دربار سلاطین ظاهری و تجمل و شکوه و یاد آنها مقدم استند و شهرت و
و لهو و لعب طریق پیش گرفته مناسب شنایسته وضع و شان خود و با دهمطه افتادگی و
محبت و شوق تحصیل علم و فضل و با تعادل میان روی جوی با تقدس پر پیهر گاری کفار
نمودند گمانان گد شنگان خود را —

از من کنکلیک با نیز صفتی را از میان خود مقرر ساختند موسوم به چتر و آیت که عمل ایشان
این بود که مواظبت کنند امور عالم را و دریافت نمایند حالات اشخاص و تو انگری و
با ایشان دوستی و رفاقت کنند یعنی این اعمال بجهت اصلاح حال خلق و هدایت ایشان است
این صفت از خلق تصور کردند که تربیت جوانان خاص است مرا ایشان را یعنی لازم و است
و تکلیف شرعی ایشان است و این سلسله بهر جانب عالم روان شدند بجهت آنکه بیدینان را بین
دعوت و هدایت کنند و بزودی عدو ایشان کثرت بهم رسانید و قبل از صد سال به خدمت قطع
بعد از شصت سال از آغاز ظهور ایشان در هر یکی از ممالک من کنکلیک و محکمت یورپ
تمام تعلیم و تعلم و تربیت جوانان با این صفت از خلق شد و اقرا شوند سلاطین شدند و با
و بر نهامی امور دینی اکثر مردم صاحب ولت با کفایت اقتدار گشتند و مورد محال
اعتبار و محل اعتماد و دربار پاپ گشتند بواسطه تدین و سرگرمی و تعصب راستبازی خود
و چون خاطر خلق را در جوانی مایل به طرف خود راغب ساختند و طبیعت ایشان را زخیره تربیت

سلسله چتر و آیت که از فوق علای
منسوب بودند یا به غیر پاپان طرفه بودند
که خود را میخواندند و در شصت و چتر و آیت
و در شصت و چتر و آیت که گویند خود را گد شنگان
و یکبار این خود بدین لباس و زینت
و آیت خلق باشد —
سلسله آواز شوند — قاصد در میان
من کنکلیک با چنین بود و در شصت و چتر و آیت
چون که گویند که یکبار و چتر و آیت
علای خود و زینت و اعتبار یکبار و چتر و آیت
خود را خواندند

تاریخ یورپ اجمالاً

کردند و زمان مردی و کهنسبت کلی برایشان استیلا یافتند و مختلف از منته و اوقات را به هم آمیختند
و مشار بودند و بسیاری از دربارهای یورپ را خلعت می نمودند و اکثر امور عامه و در هر گونه مفاسد
و فتنی مقدمه آبجیش میشدند و هر چند که استیلا و اقتدارشان فراوانیست و دولت و کنت شان
نیز فراوانی یافت و طایفه یک ضلع عظیم آبادی شدند و جنوب امریکا معروف به پیرگنی و حکومت
نمودند بر چهار صد هزار نفس مگر آنسوس سجال خلق که این استیلائی که این سلسله را بود و اکثر اوقات
بکار میرفت و در امور بسیار مضرة و فاسده و چون که این سلسله را قوت و اقتدار بواسطه آن بود که
کمال سرگرمی و غیرت داشتند در حمایت کلیسای روم و مقابل حملات حامیان یفاریشن
لبنه اجزای آن جماعت بر خود لازم می نمودند که مخالفت کنند خیالات و عقاید پرستش را و اوضاع
شوند ترقی و جریان ایشان را - هر گونه حکمتی را کردند و هر گونه حریه را بکار بردند و مقابل مذہب
جدیده اصلاح یافته و با بطل در ضدیت مذہب کوی و پیران آن کمال سعی و اهتمام را بعمل آوردند -
بناگاه میکه پال ۳۴ (پپ) اجتماع سلسله خبر وایت را مقرر می ساخت ایتالی بکمال علو و اوج
ترقی خود رسیده بود و علم و کمال و فضل و هنر و دانش انگند جدا شد از کرسی مقدس (یعنی کلیسای
روم) و مانند جرمنی در افتاد و در زیر شکیب منازعات و مجادلات مذہبیه و از آن طرف در زیر نظر علم
و تعدی مذہبی بهتری ۸ - این پادشاه هر چند که علم و دانش دوست بود و خود نیز در ان کمالی
داشت مگر مخالفت و گفتگوی او با دربار روم و خو خوارنی که در امور خانگی خود جاری داشت یک عبادی
نشانید بر آئینه رفتار و علم و دانش اهل ملکش و هنوز ازین زیاده تر شد و در عهد سلطنت تخرش مرنی
وز ایل نگشت تا او اسطایم سلطنت الیگزنت که بار دیگر میوزبال عنایت خود را گسترده

این میوز جان فدا می شود و میوز
که در متعجب بسیار است -

۷۲ تاریخ یورپ اجمالاً

و شخص بزرگی بنام اسپنسر وجود گرفت و کتابی نوشت که **فهرستی اکوین** نام نهاد و مشتمل بر تعریف و توصیف این بزرگان و ارباب دولت و - شیکش پیریک و دیگران و کا بر شعر این عهد بود که میخوانندش پدر (یعنی رب النوع) درامای انگلند یعنی کسیکه مبدع بود شعر دراما در انگلند که اشعارش گاهی گه نه نخواهند و همواره تازه است - سلطنت جیمز اول و تاج پادشاه بخت بعضی از مصنفین عالیشان هم در شروع و هم در نظم و مکرر به بقصد قضای حالت آن زمان خالی از ملامت و شیوایی و سلیقه - در عهد چارلس تغییر می یافت و رسید به رخت انگلیش این پادشاه خود مردی بود با سلیقه و ذوق و میز نیک و به شعر و غیره و مشوق هنر و کمال -

در زمان پرافت پر افتنه **ریلیکس** عظیم (یعنی و سرکشی) اشخاص بسیاری ظاهر شدند همه در دانش فرد در آن وقت کمال و زور و وسعت انگلیش کماکان و در هنر امتحان درآمد و در نوشتجات مکتوب و در اجزای و مجلس پر بلند و وزیر فصاحت و بلاغت و کمال است - یقین - مباحثات و محاجات و مکتوبی و بهی ماهه و استعدادی بشید **میلستان** را که یکبار و هنر کشور و او فصاحت و بلاغت و او در کتاب و اشعار خود موسوم به **چرچ ولس** است (فردوس از کتب باشد) که در آن وقت کمال پای طبع و غایت بلندی خیال بشهر است - هیچ شاعری در مقدمین متاخرین پادشاه **میلستان** نرسد و معدودی که اکنون ساری آمده اند و در قوت بیان و جلالت بیان - با بجمه در این زمان نویسندگان پیشاری در انگلند یافت شدند در نظم و شعر که بعضی از آنها تاکنون بی ثباتی مانده اند مگر باید دانست که در این صد سال که ذکر آن در میان است و صد سال بعد از آن هم اگر چه بسیاری از بزرگان و نویسندگان آمده اند مگر نیمی باین کمال نرسیده و صفای خوبی که

۱- اسپنسر
۲- فهرستی اکوین
۳- شیکش پیریک
۴- ریلیکس
۵- ریچارد کورسول
۶- چارلس اول
۷- ریچارد کورسول
۸- ریچارد کورسول
۹- ریچارد کورسول
۱۰- ریچارد کورسول
۱۱- ریچارد کورسول
۱۲- ریچارد کورسول
۱۳- ریچارد کورسول
۱۴- ریچارد کورسول
۱۵- ریچارد کورسول
۱۶- ریچارد کورسول
۱۷- ریچارد کورسول
۱۸- ریچارد کورسول
۱۹- ریچارد کورسول
۲۰- ریچارد کورسول
۲۱- ریچارد کورسول
۲۲- ریچارد کورسول
۲۳- ریچارد کورسول
۲۴- ریچارد کورسول
۲۵- ریچارد کورسول
۲۶- ریچارد کورسول
۲۷- ریچارد کورسول
۲۸- ریچارد کورسول
۲۹- ریچارد کورسول
۳۰- ریچارد کورسول
۳۱- ریچارد کورسول
۳۲- ریچارد کورسول
۳۳- ریچارد کورسول
۳۴- ریچارد کورسول
۳۵- ریچارد کورسول
۳۶- ریچارد کورسول
۳۷- ریچارد کورسول
۳۸- ریچارد کورسول
۳۹- ریچارد کورسول
۴۰- ریچارد کورسول
۴۱- ریچارد کورسول
۴۲- ریچارد کورسول
۴۳- ریچارد کورسول
۴۴- ریچارد کورسول
۴۵- ریچارد کورسول
۴۶- ریچارد کورسول
۴۷- ریچارد کورسول
۴۸- ریچارد کورسول
۴۹- ریچارد کورسول
۵۰- ریچارد کورسول
۵۱- ریچارد کورسول
۵۲- ریچارد کورسول
۵۳- ریچارد کورسول
۵۴- ریچارد کورسول
۵۵- ریچارد کورسول
۵۶- ریچارد کورسول
۵۷- ریچارد کورسول
۵۸- ریچارد کورسول
۵۹- ریچارد کورسول
۶۰- ریچارد کورسول
۶۱- ریچارد کورسول
۶۲- ریچارد کورسول
۶۳- ریچارد کورسول
۶۴- ریچارد کورسول
۶۵- ریچارد کورسول
۶۶- ریچارد کورسول
۶۷- ریچارد کورسول
۶۸- ریچارد کورسول
۶۹- ریچارد کورسول
۷۰- ریچارد کورسول
۷۱- ریچارد کورسول
۷۲- ریچارد کورسول
۷۳- ریچارد کورسول
۷۴- ریچارد کورسول
۷۵- ریچارد کورسول
۷۶- ریچارد کورسول
۷۷- ریچارد کورسول
۷۸- ریچارد کورسول
۷۹- ریچارد کورسول
۸۰- ریچارد کورسول
۸۱- ریچارد کورسول
۸۲- ریچارد کورسول
۸۳- ریچارد کورسول
۸۴- ریچارد کورسول
۸۵- ریچارد کورسول
۸۶- ریچارد کورسول
۸۷- ریچارد کورسول
۸۸- ریچارد کورسول
۸۹- ریچارد کورسول
۹۰- ریچارد کورسول
۹۱- ریچارد کورسول
۹۲- ریچارد کورسول
۹۳- ریچارد کورسول
۹۴- ریچارد کورسول
۹۵- ریچارد کورسول
۹۶- ریچارد کورسول
۹۷- ریچارد کورسول
۹۸- ریچارد کورسول
۹۹- ریچارد کورسول
۱۰۰- ریچارد کورسول

تاریخ یورپ اجمالاً

«این صد سال اخیر که اکنون در آستان آن هستیم یعنی ۱۸۰۰» -

در صد سال هفدهم حکمت نیز بغایت ترقی کرد چنانچه در اوایل عهد خیر ازل لار و بکین نامی میان
 ظلمت تاریکی عهد خود فروزان شد مانند آفتابی که از پس تیره ابری بدر آید و اینم و هوی بود که کوشا
 در میان پنج قومی در تمام روی ارض تاکنون مانند شنباده است از سلف و خلف که راهنمای کرد
 که چگونه باید صاحب عقل و دانش واقعی شود خلق - اگر چه دو هیچ شعبه از حکمت را وسعت نداد
 مگر بخوبی و فایده مندی گشت سلسله مجاز و عدم حقیقت و واقعیت حکمت را - اصولی که بیکین قرار داد
 و راهی که او پیش پای خلق نهاد چندان مؤثر و مفید افتاد در میان خلق ملکش که شخصی بهر روی تمام که
 یکی از حکما بود نقطه جلال قیاس دریافت که خون در جسم انسان یا حیوان متحرک است و دوران دارد
 و اندک زمانی پس از آنکه دوباره چرخش ۲ تاج و تخت خود دریافت که میماندش یعنی این یافتن
 تاج را در ستر نشین محض بر پاشد پادشاهی که اجرای آن در بین چند سال بسیار چیزها و مطالب عمده
 اتم پیدا کردند در ریاضی و طبیعی - و گیکه شعب حکمت نیز خالی از ترقی نماند و با هر کتابی نوشت در
 اخلاق و حیوانات در حکمت طبیعی که همه را بنحید و از مود و اثبات رسانید و پای خود را بجای گذاشت
 که ابدالدم موجب حیرت جهان است و در جهان باقی خواهد بود تا جهان باقیست - با جمله منتیوان نوشته علمی
 نوشت بطور تفصیل در کتب و کیف هر کتابی را که در این عهد نوشته شد و هر علمی را که اساس نهاده گشت بیان کرد و منجمله
 و را و اسطصد سال هفدهم تقریباً تمام تجارت کرده ارض در کف انگلیش و دج بود و لیکن تجارت چرخ را
 فاحشی رسید از قانونی که جاری شد و نگنجد معروف به انگلیش نو گیش گشت که مجلس شورای
 سلطنت جمهوری انگلند در سال ۱۶۵۱ جاری کرد و جنگهایی هم که بعد از آن واقع شد در میان انگلند

۵۹

۱۰۰

۱۴۰۳

ازان محرم غفره بود

100

۵۰

مفتی محمد رفیع

9.30

یا سکون

تاریخ یورپ اجمالاً

و با لجه هنوز پیش اندیش موجب اختلال و تنزل تجارت فوج گشت مگر با وجود این تجارت فوج با حدی
 مشرق هنوز بخوبی جاری بود و حال کونی که تجارت انگلند در حالت ضعف و نقاحت جاری بود و پس
 از زمان روالیوشن - ولیکن این ضعف و نقاحت انگلند را قوت بخشید و زمانی که معموریت
 و آبادی و ذراعت کلنی های آن در شمال امریکا که بسیاری از مال التجاره مملکت یورپ را بخود کشیدند
 و نیز تجارتی که جاری داشت با اسپین و پرتگال و ترکی - در سال ۱۶۶۴ کالبرت کمپنی
 فرانس مقرر نموده به هندوستان فرستاد و در جانی که مینامندش پانده کجری در ساحل هندوستان
 گهوگای این کمپنی ترقی نکرد - دولت تجارت ملک فرانس عهد کجس بهشیاری و محنت خلقت
 آن است و نیز بحاصل خیزی طبیعی زمین آن - شراب برندی و زیتون و غیر ذلک آثار و روزگار
 همه جای عالم طالب محتاج بودند و کجس اهتمام و اساس نهادن کالبرت کارخانه جات عالیله
 بسیار خوب پارچهای زلف و لیشمین و قالیچه و مخمل و کتان و دیگر اشیاء متعه فرانس تمام مملکت یورپ
 بلکه عالم را قریب پنجاه سال محتاج بخود ساخت و زرع عالم در آن جاری بود - کالبرت تمام خیال خود
 گذاشت بباقتن و ترقی دادن لیشمین و اهل فرانس بباقتن پارچهای لطیف و شتعال بشیر سلیقه
 در رنگیزی و طراحی و بواسطه قرب جوار و قرب بندر بروی تجارت ملک عثمانی را در قبضه
 خود در آورد که قبل از آن بغایت فایده مند بود و بهجه انگلیش و نیز بهجه چین جهات و جهات دیگر فرانس را
 بهره خطی دافرو بود و تجارت اسپین و پرتگال -

۱۰۰ روالیوشن انقلاب
 ۱۰۰ کالبرت
 ۱۰۰ پانده کجری
 ۱۰۰ شرکتیات خود بود و در ملک
 ۱۰۰ فرانس که در سبب شان پیشرفت بود

واقعه رخ داد در سال ۱۶۸۸ که مینو کجری یا کارخانه جات فرانس را یکی در هم شکست و آن
 این بود که ضعیفی از کار کتان بودند که آنها را میخواستند و میخواستند کتان بحسن سعی و اهتمام منتهی

۷۵ تاریخ یورپ اجمالاً

که دشتت کار خود را بنهایت کمال رسانید یعنی آنچه از دست ایشان درمی آمد در ساختن بستان
 مورد تعریف و تحسین بود و ایشان را کالبرت مشهور بود و دولت گزافی بپیک آ در زد و باین
 مورد و حقه و حسد دیگران شدند پس از مرگ کالبرت دست یازا و آزار این سلسله کشودند
 یعنی عده بواسطه مذہب، این سلسله بجان آمده بمالک مختلفه مثل بالند و انگلند و دیگر
 ملکہا که نیت پناہیدند و بسیاری هم قتل رسیدند باری این فرقه با خود برودند و ہنرمندی و
 کمال و محنت حتی حاصل محن خود را در این بین با کلنی های انگلیش و پنج و شمال امریکا
 وسعت دادند و خود را و فرالیش یافتند در دولت و خلقت - کلنی فرنج کہ در کنتا بود
 فرو رفته شد و او را پناہ بر آن فرید شد و راه آمد و شدی کشود شد از دہنہ روسیست لانس
 تا دہنہ رود میسنی سیٹی - کلنی های انگلیش کہ پیش بودند در خلقت و زراعت کمال و
 را ہم رسانیدند و فراتر رفتند و سراسر ساحل امریکا را از بحیرہ قندی تا رود اکنتہمہ و چوب بسیار
 خوبی بچہ بعضی از مصارف در نیوا انگلند (انگلند جدید) حاصل میشد و بعضی جاها از کف و چ
 بدرشدہ بقبضہ انگلیش درآمد در سال ۱۶۶۴ و پنسیلوانیا مقبوض و مسکون شد در سال
 ۱۶۸۱ و از این مقام جوبات و سایر چیزهای دیگر بحساب حاصل میشد کہ ہم کار با ناز خود و شین خود
 و ہم کار با ناز یورپ می آمد - تنباکوی ویرجینیا یک رشتہ متاع گران بہائی شد و
 خراج عظیمی گشت و در دو مقام کہ ہر دو را کرنتیا میخوانند بنج و نیل و دیگر اشیاء زودی مال
 التجارہ و سعی شدند و بیرون بر ہم رسانیدند مگر تجارتی کہ بغایت فایده مند بود و بواسطہ
 تجارت کلنی های ایشان بود و در جزایر و سبت ایندی و این جزایر بہترین تجارگاہ های

۱۷۷۰ گوانیان

۱۷۷۰ سبت لانس

۱۷۷۰ پنسیلوانیا

۱۷۷۰ کرنتیا

تاریخ یورپ اجمالاً

هر جانی هست از برای متوفی کجای فرانس و انگلند هر دو متعلق به هر ملکی که باشند آن ملک الکفایت
 میکنند از شکر دم و پنبه و قهوه و نالچیر و بعضی متعه دیگر که از طلا بهتر اند -
 پس از تخریب یک سیکه و پیرو که از انجا با طلا و نقره سید و جیبانی حاصل میشد اهل اسپین
 فراموش کردند همیشه پنیلا را و فرقه خاصی از اهل فرانس و انگلند که آنها را میخواهند نمود
 بکامیون (دزد و دریائی) بطمع افتادند که جزیره مذکور را بگیرند و این فرقه ابتدا در سال ۱۶۳۲
 جزیره کوچکی را گرفته مسکن و ماوی خود ساخته بودند (تورتگا) و چندان اشکالی ندیدند
 که محل سکونتی نیز در شمال اسپین پیدا قرار دهند و این فرقه بی دانش جنگی باین نام مذکور معروف
 شدند بعنایت آنکه گوشتی که شکار میکردند یا دود خشک کرده میخوردند - با بجزه فرانس و انگلند
 در واقع ممنون و مرمون این فرقه دزدانند و آبادی کلنی با شان یعنی معموری کلنی با
 و سمت ایندیای این هر دو ملک از این فرقه دزدان شد - این دزدان دسته دسته و جمعه
 جمعه شده و در کشتی های خور و نشسته بعد و بیست و سی نفر و بدربار و ان میشدند مگر گشتیها
 ایشان همه سرکشاده بود که مورد هر گونه خطر و صدمه و گریا و سر را بودند و هر چند که در وقت
 ضرورت و لاچار می حمله می بردند بر جهاز هر قومی که نزدیک شان می آمد در دریا مگر جهاز
 که متعلق بود به رعیت اسپین بیشتر در نظر شان بود و قاصد بودند که نیامانند و غالباً آنچه را
 که نیامان میکردند می بردند و در جزیره تورتگا که ملجا و پناه گاه و محل سلامتی ایشان بود در آن وقت
 مگر پس از آن که بخشی از این فرقه که فرنج بود در بعضی از بنادر اسپینیا رفتند و خود را
 در انجا با ساکن ساختند بجهت در و سر دادن اهل اسپین و آنها که بچلکیش بودند چه چکار رفتند

۴۴ تاریخ یورپ اجمالا

که در آنجا بخوبی میتوانستند نیامای خود را بفروشد و بمصرف سازند و آنچه که نیاز میکردند بطریق اولی از آنجا
در میان خود قسمت میکردند و خوراک و لوازمی نیز بجهت بیلان و ماندگان کناری میگذاشتند و خود را
جماعتی مسمی بقاتلون مضابطه و از فتوحات خود دلیر و شیرگیر شده به کناره ساحل امریکا
و بهر گنجائی که میرسیدند غارت میکردند. در میان این سلسله نخستین کسی که نامی شد در این وضع
و طریقۀ رفتن نامعتبرش نامی بود چندان بی ملاحظه و حیوان صفت چندان موجب هراس
و خوف اسپانیارها بود که ملقب بشخصند به "ریشه کن یا پنج برکن" و نفر دیگری هم بغایت معروف
شدند در زدی هم در صحرا و هم در دریا و اعظم کارهایی که نمودند اگر چه چندان فایده بزرگ نداشتند
این بود که با هشت چهاروشش صد و شصت نفر همراهی به خلیج و نر و ایلان رفتند
(۱۶۶۲) - ولیکن از همه این دزدان دریائی چه فریج و چه انگلیش هیچ یک چندان
منصور و مظهر نگشت و هیچ یک چندان کاغذ و غیره نگرفتند که شخصی از ایل و یلیر موسوم
به **هرگان** - بهنگامیکه آن اشخاص سابق الذکر در جزیره ترنگا غنایم خود را تقسیم میکردند که آن
جزیره و نر و ایلان آورده بودند این شخص از جمیع کاروان شده که تاخت آورد بر سرش بل
و انکارش چندان بکبر بود که بجز واکه بساحل آن مقام رسید حراس و محافظین آنجا را بکلی منصرف
و حیران ساخت و همت آن نداد که اسپانیارها دست از پا خطا کنند و فرصت مقاومت
جویند و خود را مالک آن قلعه ساخت - باجمده علاوه بر مال التجاره کزانی که بدست آورد بمقدار
ده لک زن ناسکوک هم یافت (۱۶۶۸) و بجهت مراجعت کرد و آورده نمود که بجای دیگری تاخت
آورد به جزایر اسپین در رسید و غارت راه غریبتش شد و لیکن جید کرد که با نبل غنیمت

۱۰۰۰ نفر

۱۰۰۰ نفر

۱۰۰۰ نفر

۱۰۰۰ نفر

تاریخ یورپ اجمالاً

سید الشهدا

فرار کرد و مجدداً اشیاء عمارتی خود را در جیکافروخته بغیر ملت عظیم تری کمر بست و با کشتی بسیار
 جمعیت پیشاری بدریا قدم نهاد و به یکی دو جزیره دیگر رسید و چند روزی بنجوبی غارت آنها
 کرد (۱۶۸۰) چنانچه میگویند که هم خودش را زاین یغما ده لک شد پس تمام دولت خود را در جیکافرو
 گاه می دیگر خیال برقت نکرد و از آن شغل دست برداشت - بالاخره به چندین جهات جنگ
 فیما بین نخلکش و فرنج در لوانا ایوشن ۱۶۸۸ که قوت و استیلا می این فرقه دزدان شکست
 و در این اوقات پادشاه اسپین با انگلند متحد شدند و انگلند دزدان انگلیش را از دزدی کردن منع
 شد مگر دزدان فرنج باز دست بر دگر کشتی های اسپین میزدند و بنجوبی هم منصوری شدند تا آنکه
 مصاحبه شد در سال ۱۶۹۷ که تمام جهات گفتگو و مواخضات و دشمنی از میان فرانس و اسپین
 اصلاح پذیرفت و در هر کجا اسباب منازعتی بود موقوف گشت در آن وقت این سلسله نیز از
 به کلی سلسله گنجینه پراکنده شدند بلکه نامی هم از ایشان در جهان باقی نماند -

قبل از این زمان کلنی فرنج در پیسپندیا بحال معموری سید و جیکاکه تمام غایم مسیکه و پیر و در آن
 جمع شده بودند نیز بنجوبی معمور بود و چون دزدان دریائی هم این جا را از هر جای بهتر پسندیدند
 و هر چه غنیمت بدست می آوردند در آن جمع میکردند و بسبب این بواسطه این دولت عظیم
 هر شعبه از زراعت و سودی بغیرایش و ترقی نهاد و پس از آنکه این دزدان معدوم شدند
 چشمه دولت دیگری پیدا شد بجهت این زمین آن بود که ساکنانش توانا کردند که راه تجار
 گشایند بجا بایک در دست اهل اسپین بود که اصل و نشان از انجا بود و این تجارت بپایه
 تقویت کرد و معاهده اکثر گشت که در آن شرط بود که هر قدر غلام سیاه که بجهت نوکری کلنی با

تاریخ یورپ اجمالا

اسپین لازم باشد و امریکائی جنوبی انگریز کفایت کند یعنی تجارت آن با انگریز باشد
 این معاهده تجارت دریائی اسپین را موقوف داشت و جهازات عظیم الشانی را که موجب
 افتخار اسپین بود و بیکار گذاشت و همه فوایدش در کسبه انگلیش داخل شدند اسپین را ده کرد
 ممنوع دارد این امر را موجب گفتگوی طرفین شد و یک معاهده جدیدی کردند در سال ۱۷۳۹
 که اهم شرایط آن این بود که پادشاه اسپین نو و پنچ هزار پوند (نه لاکت نیم) بدهد عیرت انگلیش
 بجهت نقصان ایشان مگر این معاهده باز بر وفق خاطر خواه انگلیش نشد و ولپل (سرانجام)
 ولپل که وزیر عظمی انگلند بود ناچار شد که جنگ کند با اسپین و یاز وزارت استعفا و پادشاه
 اسپین هم زنده کور را بر وز موعود داد و ولپل را که اعلان جنگ کرد
 قطار از جهازات جنگی و تحت حکمرانی آد میرال پدراک روان شد بسا حل اسپین و میرال
 ورنمان بجانب دست ایندیا روان شد با شش جهاز و یکصد و چهل سپاهی این
 آد میرال بندر پرت بل را در روز ۲۰ نوامبر ۱۷۳۹ را گرفت و بواسطه آنکه بسیار بیچاره
 بود خواندش "گوراهل اسپین" ولیکن بواسطه بازاری که مقرر شد در آن زمین
 همه ساله چهل روز معموری و آبادی آن جایی دیگر در کره خاک نبود و هر گونه مال التجاره
 در آن می آوردند - این فتحندی بسیار انگریزان را متعجب کرد و هر مجلس شورای انگلند
 پادشاه خود را مبارکباد گفتند بجهت فتح بندر پرت بل و بختیاری ورنمان چندان بود
 که مشارالیه را ب حکومت مداحی جهازات جنگی انگلیش و دست ایندیا مقرر و سه فرزند کردند
 گرفتن پرت بل تمهید و مقدمه شد و عظیم هم تراوان این بود که بکلی متصرف اسپین را در امریکا

عنه آورده اند
 اسپین را بکلی متصرف
 پرت بل نام دارد
 عنه ورنمان

تایخ یورپ اجمالاً

۱. اسکندرون
 ۲. کنته دریاچه
 ۳. از جیلا بجز است
 ۴. حینه بزمین
 ۵. اسکندون
 ۶. اسکندون
 ۷. حینه بزمین
 ۸. اسکندون

پایمال گشتند و لهذا باین راه و غمیت یک اسکوا در آن گلشن ریای جنوب و آن
 در تحت مارت کمد ز انسان که تاج و پایمال کند سواحل پیرو چیلی را و از آن طرف
 یک فلیت یا قطاری تملیر را به جاز در تحت مارت چکنر اگل فرستاده شد با جهات
 بسیاری دیگر که در آنها سامان لوازم آتش خانه و غیره بود بالشکری شیل زده هزار مرد
 که در دست اندیاست تعد باشد بجهت یاری و زنان و اگر ضرورت بهم رسید یاری کنند
 حکومت لشکر بری و اگر از شد به لار و کثرت و این مردی بود جهان دیده و کار آموز
 مگر بجز رسیدن به دست اندیاست و حکومت لشکر مذکور و اگر از شد دیگر می رفت و
 نام مردی نام از موده و سر خود بی کاظم در اینجا چیزی که لازم بود اتفاق بود مگر از
 معبود گشت و نت ورت و زنان هر دو مخالفت بودند با یکدیگر هم در محبت و هم
 در رای و فکر و با یکدیگر تفصیل لازم ندارد و از او کرده جمله بر بند بر گزشت چنان با آنکه بیش از
 مردان ایشان تلف شد طریقی است بنزدان غمیت (۱۷۴۱) و با یکدیگر محبت و دوست خالی و نت
 اما انسان را چه پیش آمد - انسان اطفوفانی استقبال نمود. و دو جهازش
 تباه شد و اکثر سپاهش از بیماری تلف گشت تا اینکه بخیریه فرستاد رسید و این
 جزیره همراه بیا نش را سلامتی مزاج و صحت جسم و جان باز آمد و قدم در دریا نهاد و غلام
 چندی از ساحل چیلی بدست آورد و شهری را در کناره پیر و غارت کرد و بقدری از
 پوند نقره نامسکوک بهم چنگ آورد - مگر پیر نامی که حاکم بود یک اسکودران سپین را
 عزم جزم نمود که مقاومت کند با او بهر نحوی که باشد و لهذا انسان پس از آنکه دو هزار نفر

از هر سیانش تلف شدند لابد گشت که مر حبت کند به کپکشتا و خبر گشت یکدیگر انگر زبان
هم شنیدیم که دل و کم جرات شده دانست که مناسب نیست ببنیال غریت خود روان شود
و چون از هر چاره لاچار ماند بجانب چین روان شد و پس ادعای مسافت بسیار طویل
پیرفت بچین سید و در آنجا بمزات خود را مجدداً تعمیر و تیار نمود و در محیط آنها و جهازی
از اسپینار و باجنگش و افتادها لاله از خزاین بقدر اسیسید بنوازند دسی لک اسما
امتنه قیمتی دیگر و مجدداً بچین رفت و در آنجا عظمت و جلال انگیزش اظهار کرده با گلند
مراجعت نمود (۱۲۴۰ - ۱۲۴۴) با کمال عزت و حرمت و اهل ملکش بغایت خودمند
و شادمان گشتند از دیدنش نیز که همه خاطر جمع بودند که باتمام هر سیانش تلف شده بود
در اوایل صد سال بچین هم روس کجی جنگلی و بی دانش بود مگر بزودی و غایت شتاب و
ترقی و انسانیت نهاد - در تلکشد منور رسم فیول جاری بود و پادشاه همچو پاره و خلق عبود
و شرفا و امر از بردست و ظالم بودند - آسودیدن و دنا رک منزل نمودند مگر میناید
که خوش بودند و منور فکری و تجارت و زرعت در میان شان روی ترقی و شتاب و رسیدن
میتوانست لاف و مد و افتخار کند بوجود پلینیس کی از حکمای طبیعی ان عظیم الشان
جزمی در این زمان که ذکرش در میان است کمتر از هیچ مملکتی نبود و زراعت و منور فکری و
هنرهای کهنیک و بعضی از جاهای آن بسیار فزایش یافت مخصوص در پیشیا و علم و هنر
یدی نیز بغایت ترقی کرد و حمایت و تشویق فروری یک و دو شتات گستر و کلاستان
و دیگر خردمندان هم ترجمه شد و بسیاری از لغات جدید -

تاریخ یورپ اجمالا

آلمانی است و نیز لند که معروف جهان بودند و حجت آزادی و حب وطن در روزگار آن مقام
 بودند که خون خود را بفرود شدند بدگر طوائف یورپ همچنانکه دیگر طوائف حاصل خاک ملک خود
 میفرود شدند کمال سعی و اهتمام را نمودند که جبال علم بنیوع خود را سر اسر سبز و مروج سنا
 و چها بخت حصول زحرب وطن را از کف دادند و ملک بالند بکلی هیچ مروج افتاد
 و بجز تخم حرص و جنح و دولت تخم دیگر چیزی در دشت خاطر ساکنان آن پاشیده نمی شد
 ابتالی باز در بین صد سال بعد هم یک آب و تاب و گیری بهم رسانید بواسطه دربارهای
 توریس و فلیپلز که در آنها هنر و کمال و علم و دانش را بغایت تشویق میکردند و اگر چه
 نقاشی و مجادی روی بتزل نهاده اند و زندگی و شعر بغایت کمال رسید در این ملک
 و قلع مدینه بی نهایت ترقی یافت در همین در زمان استیلا و سلطنت پادشاهان خاندان
 بوریان و معاشرت و مخالطت مرد و زن عمومی بهم رسانید و آسان گشت یک سلیقه
 و ذوقی هم پیدا شد در میان خلق آن ملک در زراعت و هنر و صنایع و حتی حدت و کثرت
 نیز در میان شان پیدا گشت بجهت شمشیر جهان گیری و ملبندی همت - پرتگال هم پس از
 دفع و رفع سلسله چیز و اشیای یک چنین حالتی بهم رسانید و ذوق سرگرمی رحل افتادی
 افکند در آن - در فرانس چنانچه قبل ازین بیان شد حالت مدینه قبل از انقضا صی سال
 هفتاد هم در غایت عروج و کمال اوج بود و ترسبت و دانش و لیکن بختی بانی که روی
 ملک شکو آور و در سنوات اخیر سلطنت لوئیس ۱۴ رفا خلق را غبار آلود ستا و نوبی
 بهم رسید و در بار فرانس اسرار تبه که جمعی را گرفتار کرد و هر کسی آنرا پیشه خود ساخت چنانچه

۱۰۰۰
 ۱۰۰۰
 ۱۰۰۰

بعضی از شعرای نامی در این وضع در ویجه یکتابها نوشتند و عرفا آنها بافتند - اصل نشان این
نقو این است که لا ازمکالی مختصری بنویسد در آن " در ادایل صمدان جدهم لویا
فرنس در ادایام حیاتش تقدس شعار ساخت و غم خرم کرد که رعیت خود را همگی تقدس
و ناموسازد - و محض خاص یا عام و بر سر خوان شراب و طعام هر شخصی را که اتفاقا مشاهده و ملا
منجود که نه بر وضع اهل منبر و محراب حرکت میکرد و سر حرکت می آورد و ابر و ترش می ساخت و
خلعت و انعام و جائزه و بخشش میداد خلق را بجهت زهد و تقوی شان در دیوار کلیسا محو
و منبر پر بود از شمشیر و زینت و تمام سپیدان فرنس و عبادت اشتغال داشتند و بجهت
پیدایش یکی در میان دیوک با و اماری کبیر فرنس که کتاب مقدسی (تورات و انجیل) در حبیب
بغل خود داشت - این زهد و ورع و اتعاسی شد مگر چون رسم همی دوام بود و چون دانه پاشا
ند کور را به ستمت و فی بودند (گویا مدفن و بود) که ورق برگشت و آن سبب شکست و آن
پیشانی همان اشخاصی که چند ماه قبل از آن سلاطین بود و با اصوات ضعیفه و مصروفه بودند
در میان نشسته کشیدن شپین مشغول شدند و داد فسق و فجور دادند " باری گفتگوی سختی
بر پای خاست در میان و فرقه از علما و پیروان طرق مختلفه جسنیت و جزوایت
بر بعضی از شرایع دینی و این تنازع بر بزم و اوضاع فرنس را در ایام عروج و بهتری عهدی
و پیشما را شخاص صاحب مآده و توانا از دو طرف قلمهای خود را بکار بردند مگر فرقه نخستین را
چند نفر از نویسندگان و شعرای معروف که دو طرفه با اینها بود یکی در حجت و بحث جدال اقتدار داشتند
و یکی در سخریه و استهزا و گداز این وقت که حال بر این منوال رفت سلسله و دین دست و دند

۸۴ تاریخ یورپ اجمالاً

عمر ازین

و جماعتی و بعد از آن یکصد و سیستصد و هجده فرستادند بجهت حکم بطلان آنها که از آنها یکصد و یک را
 ظاهر ساختند که برخلاف مذکور و شریعت عیسوی بود (۱۷۱۳) - حکم بطلان عقیقه جنسیت را
 در رسید و بعضی آنکه رفع تنازع فریقین را نماید تمام فرانس ابراهیمخت و سراسر ملک مشتمل
 ساخت - اکثر خلق و مجلس پرلمنت و ارج بیشاپ پاریس پانزده ملای دیگر و بسیاری از
 اعظم و بزرگان ملک مذکور مخالفت کردند و قبول نمودند آنچه که در فتوی پاپ نوشتند بود
 که کلی مخالفت آئین کلیسای فرانس قانون ملک و حقوق خلق و امثال فلک بود - لوئیس چهارم
 عنان اختیارش در گفت جبر واپسیت را بود حمایت و قبول نمود آن فتوی را و خود را تمام خلق
 ملک بر دو قسمت و دو فرقه شدند - گرفت لوئیس ۱۴ رفع آن گفتگو و تنازع را نمود و دیوک
 از لپن و زمانیکه نایب السلطنه بود حکم نمود که آزار و اذیت متوقف شود از طرف جبر واپسیت
 و از این طرف هم علمای جنسیت را بر آن داشتند که قبول کنند آنچه را که در آن فتوی درج بود
 و این فرقه اخیر خود را اصلاح دیدند و قبول نمودن آن فتوی حتی اینکه ارج بیشاپ پاریس نیز
 بناچار برخلاف عقیده خود عمل نمود و سال ۱۷۲۰ بجهت آنکه ملک و خلق در امان باشند - از آن زمان
 تا سال ۱۷۵۰ این فتوی در دست مردم بود و جریان داشت هر چند با کمال اکراه و عدم میل
 خاطر مگر موجب دروس و فتنه و فساد نشد - مگر باید دانست که این کتاب را گنجایش آن نیست که
 همه مطالب و احوالات را در آن فکر کنیم چرا که هر یک از این رشته و شعب طویل است باین مختصراً
 تمام نمی شود و باز در میان این فرق مخالفت و گفتگو جاری بود و هر زمانی یک شعبه و شاخه جدید
 پیدا می شود و هر زمانی بعضی فرقه سبانی مایل بودند زمان دیگری بجان بگیرد -

۸۵
تاریخ یورپ اجمالاً

با وجود وجود این فن و آشوب ترقی دانش و علم و کمال و هنر خلق از جریان بازنده ایستاد
در او اسطصد سال هجدهم و بیایزیر لیا تازه اختراع شد تا تکمیل یافت و قوه عمل کی از حکما
حکمت و خردمندی علم زراعت را ترقی داد و مطالعه و تحصیل آنرا حرفه عام ساخت یک نوع
سلیقه و ذوقی از برای زراعت نمودن ایجاد نمود و مالکونی که تا پیش از این در پلوشش
خیال خود را مصروف داشتند در امور مملکت و مدنی و اخلاق و نظام ساختن و علاقه و اتحاد بین نوع
بشر را بیکدیگر و ضرورت بودن حکومت و قانون بجهت تنظیم امور و سلسله معاش و رابطه ایشان
رؤس و دلائل و غیره و دیدند که علوم ادبیه و فلسفه و ادب و ایشان تا پیش از این در کتابی جمع
نموده و تملک علوم تمام عالم موسوم به انسیکلوپدیا (خزینة العلوم) و از آنگونه بزرگان در علم کمال
و هنر و ادبیات و حکمت بشمار بودند در این زمان که ذکر آنها موجب اطباب تفصیل است -
در ملک انگلند نیز پس از زمان ریوالیوشن علم و کمال و هنر بی اندازه افزایش و ترقی یافت
تا گامیکه هر دو امور دینی و دنیوی به انتظام گرفت و حقوق دینی و دنیوی خلق را حد و حد و
مقرر شد و این مبارک واقعه موجب شد تا مل و تدقیق را در امور ملیتی یعنی مملکت و خشت و معنویت
و لیتم و هری (ملک و مملکت) سدی کشید در طریق حرکات لغو و نابایسته در بار سلطنت خود که بقای
قوم انگلیش را موجب کرده و خیرش آمده بود و در عهد سلاطین ما تقدم - در این عهد لاکن کتابی نوشت
در امور حکومت و وضع حکمرانی و اسوایفت کتابی نوشت در ظرافت و لطایف هر دو جنبه چه
در فصاحت و بلاغت و چه در فایده مندی - و لیکن خلق انگلند چنان دانسته بودند که ولیم رئیس
فلسفه بود و لهذا از حضور او جدا ماندند و بهین جهت ترقی ادب و سلیقه ذوق قارئان آن (ملک انگلند)

۱۰۰ در سده
۱۰۱ تا پیش از
۱۰۲ در سده
۱۰۳ در سده
۱۰۴ در سده
۱۰۵ در سده
۱۰۶ در سده
۱۰۷ در سده
۱۰۸ در سده
۱۰۹ در سده
۱۱۰ در سده
۱۱۱ در سده
۱۱۲ در سده
۱۱۳ در سده
۱۱۴ در سده
۱۱۵ در سده
۱۱۶ در سده
۱۱۷ در سده
۱۱۸ در سده
۱۱۹ در سده
۱۲۰ در سده
۱۲۱ در سده
۱۲۲ در سده
۱۲۳ در سده
۱۲۴ در سده
۱۲۵ در سده
۱۲۶ در سده
۱۲۷ در سده
۱۲۸ در سده
۱۲۹ در سده
۱۳۰ در سده
۱۳۱ در سده
۱۳۲ در سده
۱۳۳ در سده
۱۳۴ در سده
۱۳۵ در سده
۱۳۶ در سده
۱۳۷ در سده
۱۳۸ در سده
۱۳۹ در سده
۱۴۰ در سده
۱۴۱ در سده
۱۴۲ در سده
۱۴۳ در سده
۱۴۴ در سده
۱۴۵ در سده
۱۴۶ در سده
۱۴۷ در سده
۱۴۸ در سده
۱۴۹ در سده
۱۵۰ در سده
۱۵۱ در سده
۱۵۲ در سده
۱۵۳ در سده
۱۵۴ در سده
۱۵۵ در سده
۱۵۶ در سده
۱۵۷ در سده
۱۵۸ در سده
۱۵۹ در سده
۱۶۰ در سده
۱۶۱ در سده
۱۶۲ در سده
۱۶۳ در سده
۱۶۴ در سده
۱۶۵ در سده
۱۶۶ در سده
۱۶۷ در سده
۱۶۸ در سده
۱۶۹ در سده
۱۷۰ در سده
۱۷۱ در سده
۱۷۲ در سده
۱۷۳ در سده
۱۷۴ در سده
۱۷۵ در سده
۱۷۶ در سده
۱۷۷ در سده
۱۷۸ در سده
۱۷۹ در سده
۱۸۰ در سده
۱۸۱ در سده
۱۸۲ در سده
۱۸۳ در سده
۱۸۴ در سده
۱۸۵ در سده
۱۸۶ در سده
۱۸۷ در سده
۱۸۸ در سده
۱۸۹ در سده
۱۹۰ در سده
۱۹۱ در سده
۱۹۲ در سده
۱۹۳ در سده
۱۹۴ در سده
۱۹۵ در سده
۱۹۶ در سده
۱۹۷ در سده
۱۹۸ در سده
۱۹۹ در سده
۲۰۰ در سده

۸۶ تاریخ یورپ اجمالاً

چندان نبود که بستی باشد - از این زمان مذکور شروع شد ظهور کارای بسیار عظیمه و از این زمان قوای مدرکه و ذالقه و محکم هر یک را و گد کفین سائر هر یک و سنجان در معرض بروز و ظهور آمد و از این زمان اتحاد و پیوستگی پیدا شد در میان دانشمندان و بزرگان و امرای ملک که باین واسطه صنف اخیر گاهی از کف نگذاشتند و استفاده و استفاده را یعنی قبل از این امرای ملک را با اهل دانش البت نبود و در این زمان رابطه بهم رسید و از ایشان اخذ کمال میکردند - اسولیت آدیسین کانگریو رُوو استیل و تمبرو پریار پپ و دیگر بزرگان با دانش آن زمان نه فقط یار و همدم و ندیم اعظم و اکابر قوم بودند بلکه اکثری از ایشان در بدایت سن اول شباب صاحبان بعضی مناصب و مقامات درجات و واسطه حکومت بودند -

۱. ملک بزرگ
۲. سران زمین
۳. سائین
۴. آدیسین
۵. کانگریو
۶. و تمبرو
۷. پریار
۸. اسولیت
۹. استیل
۱۰. تمبرو

چند نفر از این اشخاص عظیم الشان با یکدیگر مع شده اخباری روزمره جاری کردند موسوم به "اسپیکتاتور" که بواسطه مطالب مندرجه عالیه و بی پروائی در استعمال سخنان درشت و آن اثر غریبی بهم رسید و ترقی وضع و حالت و ذوق و رفتار و کردار خلق - بنیال این بعضی نوشتجات دیگر و اشعار بسیار عالیه و عشق و محبت و کتب بسیاری نوشته شد در هر یک از شعب اخلاق و تهذیب و ادب و اسولیت و رُوو اشعار و کتب نوشته شد که چون زلفا و عبارات و فقرات و کنایات نابایسته بر کنار بود موجب ترقی ادب و معقولیت خلق گشت با بکمال این نویسندگان در شرف و نظم که آمدند و رفتند و کتب متعدده نوشتند و ترقی دادند لغت و دانش و وضع نظام و گفتار و کردار خلق را و خلق را در دانش و علم و ادب صاحب فیض ساختند

۸۴ تاریخ یورپ اجمالاً

(یعنی این اشعاری که پر کرده است دیوان قافائی و لغت را در کتب نوشته جات دیگران هم بود در مملکت یورپ مگر از میان برداشته شد و خلق دانستند که اینها خلاف ادب و تهذیب است باری در این عهد و از این به بعد بشما را شخاص آمدند و هر یک در هر شعبه از علم و دانش و حکمت و ریاضی و غیر هم که بودند چیزها نوشتند و هر رشته را تکمیل دادند مگر اکنون مقام ذکر آنها نیست و باید دانست که تاریخ یورپ مشتمل است بر آنچه واقع است در میان مختلف ممالک و ملوک و همه مخرج و مخلوط و چون اراده حقیر این است که تاریخ هر ملکی را مختصری هم جدا گانه بنویسم لهذا میسرسم که اکثری از فقرات و واقعات مکرر شود و بنا بر این خوانندگان را رجوع می فرمایم بتاریخ مخصوصه هر ملکی جدا گانه و در اینجا تاریخ یورپ را ختم می کنیم -

ملک انگلستان

جغرافیای انگلند

انگلند بدون الحاق با اسکاتلند و آئرلند ملکی است بغایت پر دولت و پر خلقت با آنکه وسعت آن میل مربع ۵۸۳۱۱ میل است و طول آن ۴۲۵ میل عرض آن ۲۲۰ میل و با حاق اسکاتلند ۶۰۰ میل طول دارد و بزرگترین جزایر مملکت یورپ است و بیشه‌های مملکت یورپ محدود نیست و صفحه سطح این ملک مشتمل است بر کوته‌ها و شمال و غرب اطلال و فراز و شیب و جنوب و سطح و هموار است در وسط جانب شرقی —
 اطول جبال این ملک سلسله پنینین است که ۲۷۰۰ میل طول دارد و ارتفاع قلل کوه‌ها
 این ملک سنووان است که ۳۵۹۰ فوت رفیع است —

له پنینین

سلسله سنووان

هوا — هوای انگلند بواسطه واقع بودن آن در خط تمیزیت زمین جدا افتادش
 از سایر ممالک مداومت وزش بادهای بسیار از اطراف آن در ارتفاع آن با سطح دریا

۸۹ جغرافیای گلستان

ترو سالم تر از اراضی دیگر عالم است مگر البته شکلی نیست که تابستان آن بسیار گرم است و زمستان
 آن بسیار سرد ۳۰ درجه کمتر فرق میان اقل گرمی تابستان است و اقل سردی زمستان باین
 که غایت گرمی در شهر لندن ۶۳ درجه است غایت سردی ۳۴ درجه که فرق آن ۲۶ درجه است
 مگر چون باد های بسیار گرم می وزد از جانب مغرب جنوب مگر بخرات گرم می آورد و اغلب
 ابر است و اکثر بادش می بارد و مکرر مه سخت می افتد و هوا ماطوب اردو بهین جهات بسیار
 طاقت و توان و طول عمر خلق و سرسبزی و خرمی زمین و غایش و فرخاکی و شست و صحری گلستان
 وابسته است مگر در حد و شرقی آن قضیه بر خلاف است و غالباً هوا منفرست هم حیوان هم نبات را
خاک - بجز بعضی از کوستان های شمال و مغرب و بعضی جا های دیگر اغلب خاک نخلند
 حاصل خیر است و اقسام و انواع حبوبات و سنبری آلات و میوه جات بسیار خوب با فراطراف آن
 حاصل میشود و ضرورتی ندارد که بگوئیم تا بچه انداز و دولت و محنت صرف شده و میشود و معموری
 حاصل خیزی زمینهای که سابق بر این در این ملک تماماً جنگل و لم زیر ع افتاده بود -
حاصل - حیوان انیمک رفته رفته کلی نیست و نابود شد هر چند که ملک معمور و آباد گشت
 و خلق و نشیندند و چون جنگلها و دشت هاییکه سراسر این ملک را فرا گرفته بود مفقود گشت یعنی فرج
 و آباد شد و خوش و ساعی که در آنها بودند نیز معدوم شدند بخر اقسام معدودی از وحوش که مخصوصه
 آنها را حراست و تربیت میکنند که مفید عام هستند - در سنبری آلات ملک انکلند مرهون است
 دیگر ممالک خارج را که اکثر سنبری آلات را از آنها آورده اند و تربیت کرده اند همچنانکه اکثر میوه جات
 هم از ممالک غیر آمده است و الا در این ملک نبوده است از قدیم ولی خاک انکلند چندان حاصل خیر است

۹۰ جغرافیا سی انگلند

که هر قسم از نباتی که از سایر ممالک آورده اند در آن بحال خوبی حاصل میشود و می رود و در آن -

معنیات انگلند مخصوص غل و آبن چندان است که همه دولت و معموری آن از این جنس است

خلقیات و لغت - خلق انگلند در اصل از ذات تیوتان اند ولی از شعبه ورشته

انگلس و سکسن و جوت که آمدند و ملک مذکور را سر ساختند در صد سال پنجم عیسوی

ساکنان اصلی و باشندگان قدیمی این ملک از ذات سلت بودند که یا تباه شدند بدست سکنان

مذکور یا با ایشان مخلوط و مفرج گشتند - خلق ویلز از نژاد بریتان های قدیم این ملک اند

که منتهی می شوند به قوم یاد ذات سلت - با محله حساب شماره اخیر می کنند در سال ۱۸۷۱ عیسوی

خلقیات انگلند و ویلز روی هم رفته بیش از ۲۲۷۰۰۰۰۰ نفس بود - لغت مردم این ملک سلت

از زبان تحریف یافته جزئی از شعبه لغت تیوتان و سراسر این ملک به همین لغت متکلم اند جز در بعضی

از جا های ویلز که لغت سلت تکلم میکنند - پای تخت دوار الملک انگلند لندن است که خلقیات

آن قریب ۴ میلیون است و فرا گرفته است ۴۸۷ میل مربع زمین را -

حرف و مشاغل - شغل و پیشه عموم مردم انگلند زراعت است و مینوچگری و کندن

معادن و تجارت - اگر چه بنای این مختصر و فقر بر اقتصاد نهاده است مگر همه ارباب و بنده این است

که خوانندگان فایده برگزیده فایده ظاهری فقط بلکه فایده باطنی هم لهذا لازم میدانم که بعضی

را که بسیار اهم اند اشاره بآنها نموده و در ذکر آنها اندکی بسط دهم - اما زراعت ملک انگلند مختصر

نهیچ زراعت شود و بار کاری نیست مگر زمین یونجه که می کنند (یعنی انگلند و اسکاتلند آیرلند)

بیش از ۷ میلیون جریب است از این مقدار در محله بوسب نوشته که در سال ۱۸۶۸ و در مجلس

لغت سلت قومی بودند

۹۱ جغرافیای انگلند

شورای انگلند محل کزند در خصوص رعیت که بلاخط از برای مجالسش کو برسد ۴۵۶۵۲۰۰۰ جریب
در زراعت و غیره بوده است باین موجب ۱۱۶۵۹۰۰۰ جریب در حالت درو و خرمن بود
و ۴۸۶۵۰۰۰ جریب سبز بوده و ۹۸۴۰۰۰۰ جریب در زیر شخم بوده و ۶۹۰۰۰۰ جریب در
زیر زراعت سبزی آلات بوده و بیش از ۲۲ میلیون جریب که قریب نیم تمام عدد و مقدار فوق
محل چرانیدن حیوانات بوده یعنی مرع و مرتع که همه سبز و خرم است و در همین تاریخ و سال که
حساب کرده بودند ۲۱ میلیون گوسفند فقط در انگلند بوده و ۲۵ لک در ویلز و قریب ۵ میلیون
در اسکاتلند و در این زمان زراعت ملک انگلند یک بر هزار شده است بواسطه قواعدیکه جاری
کرده اند بجهت ترقی آن و لوازمی که از برای آن فراهم آورده اند بخصوص انواع و اقسام کودها بیکه
بکثرت عملی درست کرده اند که از آنجه چلفوز مرغ دریائی است که از اقصای بلاد عالم پیدا کرده اند
و قریب ده یک خلق ملک بکار زراعت مشغول اند و مستر فاست میگوید که تخمین کرده اند
از قیمت حاصل زراعت انگلند و اسکاتلند الان ۳۰۰ کرد درست و اگر از این بیش نبند و بست
شود و چند آن خواهد شد (خوانندگان باید تامل کنند و بدانند سبب آن چیست) - آما مینوچکر
انگلند متعل متضمن است بر پارچه های بافته و چیزهاییکه ساخته و پروانته میشود از چرخ و آلات دیگر
و ما کولات و مشروبات و اشیائیکه از حیوانات بعمل می آید مانند شیر و ماست و کره و روغن و غیره
و نباتات که چهار یک خلق این ملک در این رشته کار مشغول اند - ملک انگلند در این شعبه کما
در تمام جهان کجیل ثنائی نداشته باشد یعنی از حیثیت یادتی و وسعت و مختلف بودن این شعبه کما
و عمده مینوچکر این ملک آنها می باشند که متعلق اند به بافتن و رشتن قماش و پشمینه و سایر صنایع

۹۲ جغرافیای انگلند

و آلات آهنی - بعد از اینها عمده و اہم کار ساختن چرمینہ و بافتن پارچہای ابریشمین و کتان و ساختن بلور آلات چینی آلات وساعت و جواهر آلات و کاغذ و کلاہ و سکہ چیز نایکدہ در این ملک ساخته و پرداختہ میشود البتہ بشمارست و ہر یک را مخصوصہ شہری و ضلع بہتر و بیشتر میازند از سایر جا یا یکہ مختص بہ ہما بنا ہستند - یکی از عجیبہ خیراتی کہ بسیار ساختہ می شود و شغل عظیمی است ساختن یا کشیدن مسکرات است مثل بیرون شہر خانیچہ در سال ۱۲ میلین پیپ بٹر میازند و ۸ میلین گلن شراب - (در شہریت ماکہ حرام است کشیدن و خرید و فروخت مسکرات بلکہ با اعتقاد بندہ کشتن درخت تاک و امثال ذلک ہم کہ از انہا مسکرات میسازند حرام است مگر مسلم میداریم کہ خرید و فروش شراب بر مسلمانان حرام باشد قوم دیگری را ترغیب کنند و بکارند بر این کار سببہ زیادی دولت و فروش آبادی ملک و از انطرف مالیات و خراج بگیرند گر حرف در این است کہ ترغیب کردن و بکار بستن و خراج گرفتن در این و از این کار مخصوص ہم حرام و نہ سببہ ایگونہ توہمات ہواہ ملک تباہ و خراب - در تمام ممالک یورپ در سال ۵۰۶۶۶۲۶۳۱۴ کلن مسکرات ساختہ می شود و اینہا ہمہ دولت است - اما کنند معاون عمده اشتغال این شہر کار در بر آوردن زغال و آہن و قلع و نمک و مس و سنگ عمارت و سلیمت است - حساب کردہ اند ملک انگلند تا دوصد سال زغال دارد با آنکہ ہر سالہ بیش از ہشتاد میلین تن از انرا می کشند - بعد پنج یا شش میلین تن آہن حاصل می شود و از معاون انگلند در سال - آما تجارت انگلند متعل است بر خرید و فروش و معاوضہ و حمل و نقل آنچه کہ

۱- پیپ چیز است بخوبی

۲- پیپ بٹر میازند و ۸ میلین گلن شراب

۳- پیپ بٹر میازند و ۸ میلین گلن شراب

۴- پیپ بٹر میازند و ۸ میلین گلن شراب

۵- پیپ بٹر میازند و ۸ میلین گلن شراب

۹۳ خبر انبیا انگلند

که حاصل میشود در ملک مذکور که بیش از ۴۰۰۰۰ نفر مشغول داشته و تجارت انگلند از تجارت
 هر یکی بیش است و با هر یکی در روی کره ارض سروکار دارد و عمده حاصلی که از خود دارد و بیش
 و جوبات خوراکی و شکر و پشم و چای و ابریشم و چوب و شراب انگور و لند عمده مال التجاره آنجا
 انگلند اینهاست - اما تجارت خارج اش غالباً هر گونه تماش است که یافته میشود و چرخ
 و آلات و اسباب ظروف آهنین و چرم و پیر و زغال و غیره - پنبه که هر ساله داخل انگلند
 میشود ۱۲ میلیون پوند رویت است - پشم افزون است از ۲۵۰ میلیون پوند - ابریشم
 ۱۲ میلیون پوند - قهوه ۵۰ میلیون پوند - شکر ۱۵ میلیون پوند رویت - مسکرات ۵۰ میلیون
 گلن - تنباکو بیش از ۵۰ میلیون پوند و کان و لک بسیار چیزهای دیگر هم همین مقدار است
 مستتر فاست در کتاب خود مینویسد که در سال ۱۸۷۴ عیسوی از انگلند خارج شد مبلغ
 ۲۵۰۰۰۰۰۰ کرون جنس و در انگلند داخل شد مبلغ ۳۰۰۰۰۰۰ کرون جنس (باندازه خارجه و داخله ایران)
 عدد و مقدار جهازات و بارگیری آنها که این مال التجاره گران را حمل و نقل مملکت عالم میکند
 از قراریکه در سال ۱۸۶۸ در دفتر حکومتی ثبت شد ۲۰ هزار کشتی شرعی بود که بارگیری آنها با
 تن بود و بیش از ۱۵۳۰۰۰ مرد عله و طاح آنها بود و در آن سال ۱۷۰۰ جهاز و خانی بود که
 بارگیری آنها روی هم ۸۲۴۰۰۰ تن بود و قریب ۵۰۰۰۰ عله داشت (مگر بنده چند و قبل
 از این در اخبار "مبئی تمیز" دیدم تفصیله از جهازات تمام دول یورپ و امریکا بدین صوب
 - ۵۳۹۲۱ جهاز شرعی ۵۸۹۷ جهاز آتشی از نیجه از جهازات شرعی ۱۸۳۵۷ انگلند است
 و ۱۰۰۰۰ هر یک از سایر دول را و از جهازات آتشی ۳۵۴۲ انگلند راست ۵۱۶ امریکارا

جغرافیای انگلند

۲۹۲ فرانس ۲۴۴ جرمنی را ۲۱۴ اسپین را ۱۹۴ سویدن را ۱۵۶ روس را
۱۳۵ ناروی را ۱۱۳ بلند را ۱۰۱ دنمارک را ۱۰۱ ایتالی را و هر یک از دیگر ممالک
یورپ را ۱۰۰ عدد - العلم عند الله

طرق و شوارع - طرق و شوارع انگلند در غایت خوبی و کمال است و در سال ۱۸۷۲
بیش از ۱۱۰۰۰ میل ریلی در انگلند موجود و کامل و در کار بود و ۵۰۰۰۰ میل طرق دیگر
و ۲۰۰۰ میل رود که در آن کشتی روان است و قابل مسافرت جهازات غوره است و
بقدر ۱۰۵۲۰۰۰ تلگراف -

حکومت و قانون - حکومت انگلند اقسامی است که میخواهندش "پارلمنت" یا
شرکی " (یعنی حکومت پادشاهی محدود) بعبارة اخری قسمتی پادشاهی است قسمتی حکومت
بزرگان است قسمتی حکومت خلق که حکومت "مفروج" هم میخواهندش باین دتیره -
جریان امور و اقتدار انجام کارها محمول و واگذار است به پادشاه که در واقع واگذار است به
وزاری خاص او و از آن طرف جریان قواعد و قوانین مشترک است در میان پادشاه و مجلس
لار و با مجلس سامه که روی هم میآیندشان "سه حکومت ملک" - اما پادشاهی
و تلج و تخت و ردی است و امور سلطنت و افعال و اعمال پادشاه بکفالت و ضمانت
و جوابدهی وزاری است که هر یک از آنها یکی از شعب امور عظیمه ملک و سلطنت بخلق دارد
مانند دل خارجه (وزیر خارجه) بحری (وزیر بحری) جنگ و خزانه و غیره مجلس ایر و زری
مذکور که مجلسی است خاص میگویند هوس آف لاروزر رضاء یا مجلس اعظم و

۹۵ جغرافیای انگلند

و اما کین (و این مجلس مشتمل است از شاهزادگان دودۀ سلطنت و اعظم کبار ملک که مورد وثقی است این عہدہ و منصب مرا ایشا نرا بیشاپ یا (که علمار باشند) و ارج بیشاپ یا (که علمای کبیرہ و یا اعلم العلمار باشند) که متعلق اند بکلیسای خاص انگلند و آیرلند - در این مجلس ۴۹۲ نفر خیزند - ۱۹ نفرشان وکلای اسکاتلند اند و ۲۸ نفرشان وکلای نواب آیرلند - اما مجلس وزرای عامہ کہ آنرا میخوانند "ہوس آف کامنز" مشتمل است بر ۶۵۲ جز کہ نایب مناب وکیل اند از جانب عموم خلق ملک کہ بودن ہر یک از ایشانرا در این مجلس مدت مقرری است و با جملہ این ہر دو مجلس - اردوی ہمرفتہ پرلمنت میخوانند (یعنی مجلس شوری) کہ بموجب قانون ملک بیش از ہفت سال نباید یک پرلمنت طول بکشد ولی ممکن است کہ قبل از ہفت سال این مجلس بر ہم خورد و مجلس جدیدی منعقد شود - اقتدار مجلس عامہ این است کہ اختیار کامل دارد بچہ جمع آوری مالیات و ہرگونہ مخارجی کہ مستر راد کار باشد و حق و بطور قاعدہ باشد و اگر خلاف قاعدہ باشد اقتدار آنرا دارد کہ سربازانہ از امضا و قبول آن - مجلاً ہیچ قانونی جاری نمیشود ملک خیر آنکہ باید پرلمنت مذکور امضا داد از جملہ حقوقی کہ بموجب قانون این ملک از برای خلق معین کردہ اند یکی آزادی مذہب است کہ ہر کہ ہر مذہبی را کہ بخواہد اختیار کند بکند خوش مباح نیست و دیگر آزادی چاپ کردن است کہ ہر کہ ہر چہ بنظرش میرسد چاپ کند یعنی بموجب قانونی کہ مقسّم کردہ و شرطی کہ در آن درج نمودہ باشند و دیگر اختیارختیار کردن انبرای پرلمنت است -

۹۶ جغرافیای انگلند

عدد اجزای پرنیت

هوس آف کامنر هوس آف لازور

از انگلند و ویلز	۴ قفر	خاندان سلطنت
۱۸۷ ضلع ۵۲	۲	ارچ بیشاپ
۲۹۷ شهر ۱۹۸	۲۱	دیوک
۵ دارالعلم ۵	۱۸	مژکینس
از اسکاتلند	۱۱۰	اثرل
۳۳ ضلع ۳۲	۲۴	ولیسکوئنت
۶ شهر ۱۱	۲۴	بیشاپ
۱۵ پرگنه ۱۵	۲۴۵	برن
۴ دارالعلم ۴	۱۶	دکلای اسکاتلند
از ایرلند	۲۸	دکلای ایرلند
۲۳ ضلع ۶۴		
۳۷ شهر و پرگنه ۳۱		
۲ دارالعلم ۱		
کل ۶۵۲ نفر	کل ۹۲ نفر	

کل اجزای پرنیت ۴۴ ۱۱ نفراند

خبر فیاض انگلند

مذهب - مذہب اہل انگلند عیسوی است و عمدہ از قسم پروتستانت است مگر سایر مذہب
 ہم در ملک مذکور یافت می شوند و ہمہ یکسان اند -

تربیت و علم - از حیثیت تربیت و علم اکثر دافع خلق کربت برترین یعنی انگلستان
 و آیرلند کثر ترقی کرده اند و در علم و تربیت از بعضی دیگر ممالک مثلاً اطفالی که به مدرسه
 تعلیم حاضر می شوند نسبت بعد و خلقت ملک در انگلند کثر اند از اطفالی که به مدرسه حاضر شوند
 در ملک پرشیا و بوریا و مالند و امریکا نسبت بخلقت بہر یک از انہا مگر در این اوقات
 توجہ زیادی شدہ است بچہ تحصیل مقدمات و تعلیم درجہ ابتدائیہ علم ادب و طفل
 واسطہ و ادانی ناس بکلم دولت مجبور اند کہ از سن پنج سالگی الی سیزدہ سالگی بہ تعلیم
 حاضر شوند و دو قسم از سستی مقرر است در انگلند یکی را میند نشتل سستی کہ بنا
 آن بر کلیسای انگلند بنا شدہ یعنی اصل و راس آن کلیسای انگلند است و اکثر غلب
 مدرسہا و تدریس و علم اغلب خلق در تحت این واقع است و دیگری سستی است کہ
 غالباً مختلف اشخاص و فرق آنرا پرورش می دهند - در اسکاتلند بیشتر توجہ و کوشش
 می شود بچہ تحصیل علم و کمال و تربیت ہم در علوم مقدمات و ہم علوم عالیہ -
 و آیرلند مقدمات بسیار ترقی کردہ است ولیکن بہر یک راقاعہ و قانونی
 مقرر است خاص و مضابطہ منضبط -

تاریخ

انگلند که آنرا ایریشین هم میخوانند ابتدا بسکون بود و اطایفه که آنرا سلکت میگفتند پس از آن رومیان آمده مستخر ساختند ملک مذکور را بسرداری جو لیس سینه در سال ۵۵ قبل از تاریخ عیسوی و بیشترین قسمت آن در قبضه رومیان بود تا سال ۴۳ میلادی که ایشان خود باختیار میل خود این ملک را بساکنان خودشان گذار نموده دست از آن برداشتند بعد از رد اوگی رومیان جوقه باقی چند از قوم سکسون که در شمال جزیری سکونت داشتند حمله آوردند و این ملک را تسخر نمودند. پس اسکسن با فرقه دیگری حمله آورد و موسوم به دین داین قوم بعضی از شاهزادگان خود را به تخت حکومت نشاندند. مجدداً اسکسها آمده امارت را برپا کردند و ملک انگلند را مقبوض داشتند تا در سال ۱۰۶۶ عیسوی که ولیم دیوک نارماندی حمله آورد و جنگی واقع شد در جاییکه میان منشن مستینگ و مظفر منصور گشته خود را پادشاه ملک قرار داد پس از این فتح و واقعه اتفاقات عجیبی که در ملک انگلند روی داده اینهاست - در عهد سلطنت هنری ۲ در سال ۱۱۷۲ جزیره آیرلند الحاق یافت با انگلند - دیگر از واقعات تاریخ انگلند مسک غطیمی بود که در آن حقوق مردم معین و مشخص بود که خلق جمع شده از پادشاهان جهان گرفتند در سال ۱۲۱۵ - دیگر در دور ۳ و هنری ۵ انگلند هر دو نبوت عهد

تاریخ انگلند ۹۹

خود ملک فرانس را منهدم کردند - دیگر واقعه جنگ و تنازع فیما بین خاندان یارک خاندان لنگکاستر بود که مینامیدندش جنگ گله و وجه اشتها آن جنگ باین اسم این بود که سپاه هر یک از طرفین را نشانی بر کلاه و دستار بود چون گل یکی سفید و دیگری سرخ و این جنگ جنگی بود که منقلب خست تمام اوضاع ملک انگلند را در صد سال ۱۵ عیسوی و آن چنین بود که هنری ۶ انگلند رشته نژاد خود را کشانید به دیوک لنگکاستر پسر سوم او و در ۳۰ در این بین حرفی پیدا شد که یکم خود دیوک یارک که از نژاد و خاندان دیوک کلا رنس پسر دومین او در بود آنها هم دعوی تاج و تخت کرد و لیکن این یکی را متسک جیل المتین مستحکم تر از هنری بود و بهر حال اسباب جهات دیگر هم بهر سبب در میان این دو خاندان جنگ واقع شد - یکی دیگر از واقعات عظیمه که در ملک انگلند روی او حکایت جاری داشتن دروان ساختن ریفارمیشن بود در عهد هنری ۸ - دیگر احاق دادن تاج انگلند و اسکاتلند بود در تحت حکومت پادشاه جیمز اول در سال ۱۴۰۳ زیرا که این جیمز از اولاد او ۶ هنری بود و وارث واقعی هر دو ملک - واقعه دیگر قتل پسر همین جیمز بود چپرس اول سال ۱۶۴۹ - دیگر استقرار کامرن قلمت بود (یعنی حکومت عوام یا جمهوری) در بار بجات فخر بایان دولت پادشاهی بالاستقلال که اقل بود در عهد سلطنت چپرس ۲ در سال ۱۶۶۰ - واقعه دیگر انقلاب و فتنه بود که در آن جیمز ۲ را از تخت فرو آورند و پادشاهی را بنظر او مری و خود را ولیم شاهزاده آیرین که یکی از ضلع ملک فرانس است دادند - دیگر پیوند اتحاد واقعی مدامی اسکاتلند بود و به ملک انگلند در سال ۱۷۰۷ و بایشینی جارج اول در سال ۱۷۱۴ که هکله امروزه حال دولت بهرینه انگلند را رشته و سلسله حقیقی با دمی پیوند که تخت نشینی اش با جازت و امنای لپرت

۱- در تاریخ انگلند
۲- در تاریخ انگلند
۳- در تاریخ انگلند
۴- در تاریخ انگلند
۵- در تاریخ انگلند
۶- در تاریخ انگلند
۷- در تاریخ انگلند
۸- در تاریخ انگلند
۹- در تاریخ انگلند
۱۰- در تاریخ انگلند

تاریخ انگلند

(یعنی مجلس شورای) واقع شد و در آن خصوص قانونی از مجلس شورای جاری گشت. دیگر اتحاد یعنی الحاق حقیقی آیرلند و انگلند بود یکدیگر در سال ۱۸۰۱ که از آن زمان حکمرانی و جریان قواعد قوانین ملک نه کور از خودش صلب شد و کلی تلج و فرمانبردار گشت انگلند را و بهین سبب بود که جزایر یکدیگر در قبضه تصرف انگلیش است و از آن زمان خوانندش "ممالک متحدۀ انگلند و آیرلند"

از منۀ قدیمۀ این ملک

از منۀ قدیمۀ ملک انگلند را پنج قسمت باید کرد. یکی زمان بریتانها - دوم زمان رومیان - سوم زمان گات - چهارم زمان وین - پنجم زمان نارسون -
 شانزدهم بریتان - از علامات و آثار زمانه بریتان با هنوز بعضی چیز باقی است درین ملک و آنها کوپه های خاک است و سنگ که بالای قبور مردگان قرار داده اند بموجب عادت و رسم که در از منۀ قدیمۀ هر ملکی غالباً بوده و نیز مطابقاً باقی هست که از سنگهای ناتراشیدۀ قرار داده اند باین نحو که چهار یا بیشتر سنگ را مانند ستون بر پا کرده اند و ختۀ سنگی مانند لوح بالا آنها نهاده اند و آنرا یک چهارطاقی بدستوبی ساخته اند که در این زمان خلق بر آنند که اینها عزرا و قبور مردگان آن قوم بوده و نیز یکی از علامات و آثار آن زمان دایره های محصور باقی است که مدور کشیده اند در صحرا یا بجهت آنکه عبادت گاه ایشان باشد و زمانیکه در و رسید با علما و پیشوایان آن قوم بوده اند و پرستش اقسام میکردند که بعضی از اماکن و اضلاع ملک انگلند در بودن این معابد و آثار و علامات بکثرت در آنها معروف اند -

تاریخ انگلند

آنان زمانه رومیان - بسیار بندرت چیزی دیده شود از آثار این قوم و آنچه که مشاهده می شود شکرگاه ها و حصارها و طرق است که بجهت لشکریان کشیده اند و نیز سکه ها بسیار و اسباب و ساز و سامان خانگی و جنگی بیشمار است - مابین نیوکاسل و گرتیشیل که دو بندر اند در دو جانب ملک به سواحل دریا و جدا میکنند خاک انگلند از اسکاتلند رومیان دیواری کشیده اند که ابالی انگلند از دستبرد و تاخت تا زایل اسکاتلند محروس و مصئون باشند و یک دیوار دیگر هم ساخته اند از سنگ که ۶۸ میل طول آن است - همه قلاع ملک انگلند که خبره اخیر نام آنها چستر و سستر و نبرم اکثر مورخین و نویسندگان محل سکونت رومیان بوده چنانکه این الفاظ بمعنی شکرگاه اند -

آنان زمانه گات ها - آثار و علامات قوم گات معابد و کلیسا باقی است که در اواسط تاریخ عیسوی ساخته اند که دلیل است بر زهد و پرمهر گاری و دینداری در آن زمان چنانچه معابد و کنشت های بزرگ متعددی هستند که در غایت علو و خوبصورتی ساخته اند و بهترین آنها آن معابدی است که در این ضلع هستند یارک لینکا لن لیچسلید سلیشبری گرتیشبری و چچستر - و نیز از آثار زمانه مذکوره عماراتی است که بصورت صلیب بنا کرده اند بسیار خوش وضع و یک ضریحی کوچک در زیر آنها ساخته اند -

آنان زمانه وین ها - از آثار و علامات این قوم فقط چیزی که بجا مانده است

صفحه ۱۰۱

صفحه ۱۰۲

صفحه ۱۰۳

صفحه ۱۰۴

صفحه ۱۰۵

صفحه ۱۰۶

صفحه ۱۰۷

تاریخ انگلند ۱۰۲

تپه های خاک و لشکرگاه با است که امتیاز دارند از لشکرگاه های رومیان باینکه از آنها
مردور است و از رومیان مرتفع -

حقیقت - اجزای خلق انگلند را از روی تاریخ و اخبار ایشان میتوان برین
چند صنف قرار داد یعنی در هل و نژاد - در قدیمی ترین از منه باشندگان ملک
انگلند قبایل و طوایفی بودند که ایشان را میخوانند سِلْت یا گال که کجیل از سول
ملک فرانس آمده بودند در این ملک و هر چند که رومیان این ملک را گرفتند
روزگار آن در قبضه خود داشتند مگر از قوم خود کسی را در این ملک ساکن نگذاشتند
و کجیل که امتزاج و اختلاط این قوم چندان تغییر بجالت ساکنان قدیم این ملک آمد
ولیکن چون انگلر و سکسین در صد سال پنجم و ششمین عیسوی حمله بر ملک مذکور
آوردند خلق جدیدی از قوم انگلر (یعنی انگلیش) داخل و ساکن شدند اراضی بسیار
آباد و معمور و سرسبز این ملک را و ساکنان قدیم آن اراضی را که سِلْت یا باشندانند
بحد و مغرب مگر هیچ و جغرافیه وائی دین با و نازمن تغییر و تبدیلی نداد با است
مروانی که الان یعنی فی زمانه اند و در این ملک سکونت دارند بعبارة اخری این قوم
انگلیش که الان باشند این ملک اند مخلوط با قوم دیگر نشده اند و چنین مینمایند
ساکنان جوانب شرقیه رود سورن و اکس هم بکلی خالی از امتزاج و اختلاط
با دیگر طوایف باشند حالگونی که اهل کار و مال و ونیز و جزیره من هیچ
و شبهه نیست که از ذات سِلْت هستند -

انگلستان
 انگلستان

ملک اسکاتلند

جغرافیا

اسکاتلند قسمت شمالی ملک انگلند است غایت طول این زمین از شمال بخوب یا جزایر کیبر
گرواگرد آن واقع اند ۵۶۴ میل است و عرضش ۵۰ میل و وسعت آن میل مربع ۳۰۰۰
میل است - سطح این ملک بیشتر کوستان است و نشیب و فراز و بادیه های این ملک اغلب
لم یزرع است و قابل زراعت نیست - جزایر خوروی که پیرامون اسکاتلند است بیش از
۷۰۰ جزیره است که در پنج جایک جامع اند یعنی پنج دسته اند گروکیجا واقع اند کوچک
این ملک از ۱۰۰ میل طویل تر و از ۴۵۰۰ فوت رفیع تر نیستند و بواسطه زیانگی که هست
و نشیب و فرازی که این ملک رست بادیه ها و دشتهای آن بسیار کم و بسیار کم وسعت اند
چنانچه وسیع ترین دشتهای آن ^{استر تتر} است که از یکصد میل طویل تر و از ۵ الی ۱۰ میل
عرض تر نیست - رودهای اسکاتلند از ۱۰۰ میل طویل تر نیست و هیچ یک از آنها قابل
مسافرت فی کتوچنین انگیرهای این ملک بسیار کوچک و بی متحدند -

جغرافیای اسکاتلند

هوا - هوای اسکاتلند بسیار عجیب است بحسب طاقیت و سلامتی و بسیار مناسب است
 بجهت تقویت قوای ظاهریه و حواس باطنیه انسانی و سردتر است از هوای انگلند و
 بنا بر این قابل پرورش بسیار میوه ها و اشجار نیست و لیکن بواسطه قرابت و نزدیکی اطراف
 آن بدریا هوای آن معتدل تر است از هوای دیگر جایی که در همان خط واقع اند و غایت
 اعتدال همدار ملک اسکاتلند از ۵۷ درجه کم و زیاد نیست و بارش این ملک در تمام ایام
 سال روی هم رفته از ۲۲ اینچ است الی ۳۳ اینچ در حد و شرقیه و از ۳۰ اینچ است
 الی ۴۴ در حد و غربی -

خاک - بواسطه جبال و پست و بلند و سردی و پستی که در طبیعت این ملک است کم از
 چهار یک قسمت آن بیشتر در زراعت نیست مگر در شتاه و بادیه های آن بغایت سرسبز و حاصل
 خیز است و در غایت کمال و نهایت هنرمندی زراعت میشود و از هر گونه نباتی چیزی
 میرود و آنجا بعضی از کوههای آن هم بی نهایت از برای چراگاه حیوانات خوب است -
 حاصل - حاصل این ملک از جانور آنچه در انگلند است و در این ملک هم یافت میشود علاوه
 یا بوی خورد اندامی و دود ذات جانور دیگر هم خاص است این ملک را یکی از آنهای کذات
 سگی است که شبانان را بسیار پسندیده است و دیگری شایقی از گوسفند باشد -

از طبیعت چند قسم عقاب و خروس جنگلی و دیگر طویری که در انگلند یافت میشوند و بلبل یافت میشود
 و اسکاتلند ساز قسمهایی یک ذات بیش ندارد - سنگ قیمتی چند قسم دارد که بطور واقع فقیر
 نمیدانم نام هر یک را جز آنکه از قراری که در فرهنگ بیان میکنی باید مر جان باشند و دیگری

۱۰۵ جغرافیای اسکاتلند

کمبریا و دیگری عقیق یک قسم دیگر از سنگ هست که آنرا پلند استن میگویند.

خلق و زبان - مردم کوہستان از ذات سلت اند و هنوز بلغت قدیم همان قوم حکم میکنند و مردم دشتستان از ذات تیوتان اند و بیک رشته از لغت انگریزی حکم اند و مردم جزایر انیک از ذات دیگری هستند (از اهل اسکندرتیویا) - در این بسیت سال اخیر بسیاری از محنت کنندگان آیرلند نقل مکان کرده و سکونت گزیده اند و اسکاتلند و در شهرهای عظیمین ملک اقامت کرده اند - خلقیت این ملک بالتمامه در سال ۱۸۶۱ تخمین شده بقدر

۳۶۰۰۰۰ نفس بود - دارالملک انیک شهر ادینبرو است که دو ملک خلقیت محنت و شغل - تقسیم محنت کنندگان پیشه وران این ملک بموجب ذیل است -

کارگران و کسانی که مبنیو فکری یا کارهای دستی مشغول اند	۳۶۰۰۰
زارعین	۲۲
کنندگان معادن	۱۰۰۱۶
تجّار	۱۰۴
دیگر اصناف	۱۴۴

طرق و شوارع - در ملک اسکاتلند طرق و شوارع بسیار خوب و ممتاز است و در این اوقات بر بسیاری از جبال و اراضی کوہستان معابر و شوارع جاری شده و از آنجمله بقدر ۴۰۰۰ میل معبر عام دارد و همه درست و پاکیزه و ۲۶۱۲ میل ریوی دارد و ۲۱۲ میل رود دارد که در آن مسافرت میشود یعنی کشتیها در آن روان اند - تلگراف کشیده شده است مابین تمام بلاد

۱۰۶ تاریخ اسکاتلند

و همواره هر وقت که یک بلاد و همواره غلبه انگلند و دو تارنگران هم زمان بکلی ایرلند جاری است -
 مذہب و تربیت - در اسکاتلند چنانکه در انگلند بکلی امر مذہب اختیار و بطور آزادی است
 مگر عمده مذہبی که در این ملک شیوعش بیش از همه است مذہب پیر پیتری است و لیکن
 مذہب و طرق دیگر هم بسیار است در اسکاتلند - علم و تربیت بغایت انتشار دارد و تمام
 ملک اسکاتلند بموجب یک قانون و اصولی که در پیریش با قرار داده اند صنفی از اصناف
 اطفال فقرا و ساکنین بقدر ضرورت خواندن و نوشتن می آموزند و بجهت درجه اعلا تحصیل
 علوم مدرسه بائی خاصه ترتیب نموده اند که در این فقره مخصوص ملک اسکاتلند معروف است
 یعنی اداسط ناس بخوبی تربیت میشوند و علم می آموزند -
 حکومت - این ملک را از سال ۱۷۰۶ که اسحاق یافت با گلند حکومت جدا گانه از خود
 نیست یعنی ریاست و پادشاهی علاحده ندارد مگر قوانین قدیم خودش همان و تیره و وضع نظامی
 که دارد جاری است که ملایم تر و سهل تر است از قانون انگلند -

این پیشینه ها در کتاب
 میگویند که در تحت حکومت یک
 قلم از خلق یک کلیه است

تاریخ

و چه تسمیه اسکاتلند باین سبب قومی است که ایشان را می نامند اشکات که جلار و وطن اختیار
 کرده بودند از ملک ایرلند در واسطه صد سال ستومین دشمن عیسوی که پادشاه شان ملک
 پیکت را اسحاق داد و ملک خود در سال ۵۵۳ عیسوی و لیکن از تاریخ این ملک بطور
 واقع و حکامان اطلاعی حاصل نیست تا زمانی که سه ادور و نخستین انگلند را با این ملک

۱۰۷ تاریخ اسکاتلند

واقع شد که آنها دعوی بزرگی و مطامعی می نمودند بر اهل پادشاهان این ملک بموجب قانون رسم فیو دل که در آن زمن جاری و مروج بود۔

وینیم و لیس۔ یکی از شرفا ولی گم نام اسکاتلند برخاست و اراده کرد که ملک اسکاتلند را بی علاقه یعنی مستقل سازد از انگلند مگر جان خود را در سراسرین کار بداد لیکن شخص دیگری بنام رابرت برئوس باین خیال کمربست و مطلقه تصور گشت جنگی نمود در جایی که می نامند بیشاک برن که در آن فاتح و غالب گشت (در سال ۱۳۱۴) و ملک اسکاتلند را مستقل ساخت۔

نمیره این شخص مذکور اولین شخص خاندان استوارت بود که در بین ایام فرمان روائی شان غالباً اسکاتلند در حالت بی نظطامی بود و اغتشاش و حالکونی که پادشاهان انگلند بر و ایام فتح گشتند که قوت و استیلائی امرا و بزرگان ملک خود را که بموجب رسم فیو دل داشتند ضعیف و بیهوده و کم کم معدوم و پایمال سازند و قلاع و حصارهای ایشان را منهدم نمایند ولی ملک اسکاتلند بواسطه وضع و حالت طبیعی خود یعنی همه کوستان بود و نیز بواسطه آنکه بزودی ممکن بود تعمیر و ساختن قلاع و غیره بهمان حالت بدبختی باقی ماند در تحت رسم فیو دل در کمال آفت و پراختند و شر و فرمانروایان آن پیوسته با امرا در جنگ و جدال بودند و حکومت انگلستان نیز مکرر تلاش و نزاع و جدال آنها را مشتعل می ساخت تا آنکه در عهد هری اشتعال این آتش را مددی دید و دیگر آن نعمه را جوش بر می زدند بواسطه آن که مذہب من کتلیک را امرا و اعظم ملک اسکاتلند تغییر دادند و این مخالفت عقیده ملکه ایشان (مری) بود و ملکه انگلند نیز بربت جانب امرا و اعظم را مراعت نمود و حمایت از ایشان کرد و امرا در رعیت مری را از تحت فرمان

تاریخ اسکاتلند

آوردند و الیزبت اورا حبس نمود و چندی بعد از آن اورا گردن زد - ولیکن بعد از مرگ الیزبت در سال ۱۶۰۳ جیمز پسر مری بوارثت واقعی تاج انگلند را بر سر نهاد زیرا که نژادش به مبنی ۷ می رسید بلا واسطه و بنا بر این فوقیت و مهنری یافت بر سایر امرای اسکاتلند - باجمعه بسی و کوششی که بعد از آن شد که حکومت و اقتدار بیشاپهار و ارج یا بدو اسکاتلند و پس از آن بواسطه متحد و موافق شدن اهل اسکاتلند با خاندان استوارت و میلان خاطر ایشان نگاهدار و حفظ مراتب خاندان مذکور بعد از آنکه از تخت قیام انگلند محروم و مغرول شدند زفته زلفک اسکاتلند با انتظام و منیبت شد و امور آن صورت اصلاح پذیرفت - در سال ۱۷۰۲ مجلس شورای اسکاتلند و انگلند یکی شد بموجب قانونیکه جادی کردند و اتحاد و یگانگی این هر دو ملک دوام پذیرفت و حقوقیکه امرار را بود بموجب سم فیو دل قدیم بر طرف شد و عملها و حکومتها نیکه پشت به پشت و موروثی بود موقوف گشت و از جانب پادشاه انگلند عالمان و حکام گماشته شدند و خلق ملک از آن خدمتها نیکه داشتند و میکردند آزا د شدند و بکارها و محنت های سودمند مشغول گشتند که روز بروز ترقی ایشان افزود که تالی الآن پیوسته روی ترقی دارند و بالا انصال کاملتری شوند و واسطه صد سال به ارا باید زمانی مقرر نمود که ملک اسکاتلند بعد از قرون دو بهر فلاکت و نکبت و تن پروری شروع کرد که روی ترقی و کمال نهد بموجب آسایش دولت انگلیش شود -

آثار قدیمیه - از جمله آثار و علامات قدیم این ملک همان چهار طاقیهائی است که از سنگ ساخته اند که گفتیم در انگلند هم هست و غالباً کما بن رفته است که معابد و روئید با بود و بعضی هم

۱۰۹ تاریخ اسکاتلند

بر آن رفته اند که اینها قبور مردگان از اعاظم اهل آنجا بوده - و از انجمله انواع و اقسام آلات حرب
مختلفه الاشکال است که بر عم نویسنده گان از قوم سلطه باقی مانده که ساکنین نخستین این زمین
بوده اند - بعد از این زمان که ذکر شد از آثار و تدوین این ملک لشکر گاههای رومیان دیده میشود
و معابد و آلات حرب و سکه های که معلوم میشود آن قوم را حکومت و استیلای بوده است و در
جنوبی این ملک همچنین دیواری را که آن قوم کشیده اند قریب سال ۱۴۰ عیسوی در میان اسکاتلند
و انگلند - عمارت برج مانند بسیار عجیبی نیز یافت می شود که گمان رفته است که خانه های
سلطه با بوده و کلیساها و ویدهای بسیاری ویران افتاده است که از آنها بناها هر میشود و در قریب
مردم این ملک در بین صد سال ۱۲ و ۱۳ عیسوی که در آن زمان خلق بسیار عابد و پرست گاه
بوده اند و نیز آثار و علامات بسیار از زانی نظری آید که در آن رسم فیودل جاری بوده و آن
قلع و حصارهای عالیّه مضبوط است که هر یک از احرار و اعاظم از برای خود ساخته بودند که
از آنها تا کنون بحال خود باقی اند و همواره آنها تعمیر میکنند و جای قامت قشون معین شده -
و از برای خلق اسکاتلند - ساکنان نخستین اسکاتلند سلطه بوده اند مگر جاعاتی هم
قوم تیوتان در مختلف زمن آمده و سکونت گزیده اند در این خاک و بعضی از اضلاع شمالی این
ملک هنوز مسکون است با قوم سلطه و ساکنان جنوب و شرق این ملک اهل سکنته و اسکندنیو یا
میباشند مگر باشندگان وسط این ملک مخلوط استند از سلطه و سکنتن - و ساکنان اسکاتلند
آنچه در کوهستانها بسر میزند بلغت سلطه سخن میکنند و سایرین بلغت تیوتان (در جنب افریقا
اشاره شد) - در خصال و صفات و طبیعت خلق اسکاتلند چندان تیز و خوش و چالاک اند.

ملک اسکاٹلند

بهر کاری که دست میزنند ثابت بقدم که معلوم می شود چگونه بزرگوار و محنت آلود و معمور ساخته اند
 ملک خود را با آنکه چندان موانع طبیعی موجود است ملک مذکور را که ترقی آن مثل است بایست
 اسکا و دورانی هم در میان اهل این ملک بغایت فراوانی یافته چنانچه در میان ایشان
 بسایک و نادر است مقامات و موقعی که در آنها بی اعتدالی نمایند ایشان در خرج و اصراف از
 دیگران بی وانشی یا بی پردائی و از انطرف در نظر نخستین بنیاید که فی السجده نقصی هم باشد و ملک
 مذکور را در اخلاق و مروت و کثافت و رونی و سخاوت - و میان کوهستان نشینان تعجب
 و گری انده است و توهم بغایت است و در میان اهل اسکاٹلند مطلقا ملاحظه دینداری بسیار
 و در هیچ یکی از ممالک انصار را و زکیشنه را چندان مراعت نکینند که در ملک اسکاٹلند ملاحظه
 شده است که پایه مذہب و شریع اهل اسکاٹلند عمده بر فکر و تامل متاویل است و محض بر نظام
 رسیده است و دور توری و تخیل ثبت است و میلانی که دارند محبت آوردن دلیل اقامه کردن
 بیشتر هم اموال و معبد کلیسا و هم در کتب حکمت نوشته جات ایشان - صحرا نشینان مردم کوهستان را
 اعتباری است بر گیران بواسطه خدمت کشیدن کار کردن خوبی و خدمت مذہبشان لیکن در میان کوهستان
 ملکی تهذیب حسن خلق و شهرت و قلاع بسیار کمتر است از صحرا و کوهستانها یعنی صحرا نشینان و ملکی
 بیشتر است از شهر نشینان - عدت بیعتی از جوانان اسکاٹلند پیوسته وطن اصلی خود را رها کرده بخت
 خود را در ممالک بیگانه گان آزمایش میکنند و در هر کجا که کار و محنت بسیار است و انجا محل قامت می انگینند
 و ملاحظه شده است که غالباً مغفور و بهره مند شده و مشیزند و محنتی که میکنند و در هر کجا یکدیگر را بینند
 و ملاقات کنند بسیار حمایت خاطر خواهی میکنند از یکدیگر و حقیقت مردم با محبت با اتفاق هستند

آیرلند

جغرافیا

آیرلند یکی از جزایر عظیمه یورپ است و در بزرگی ثانی انگلند است و از حیثیت وضع و تربط طبیعی یکی از جمله ملک عجیبه عالم است چه در این ملک وسایح و بحار و بحیره و تالاب بسیار است و نیز کیفیات دیگری در این جزیره است که در سایر ممالک نیست مثل اینکه غالباً آفتاب است و می بار و چنانچه شعاع آفتاب و قطرات امطار بسیار خوش نماید و قوس قزح گرداگرد آنرا گرفته و امثال ذلک - غایت طول این جزیره ۵۰۰ میل است و نهایت عرضش ۴۰۰ میل و مساحت آن مع جزایر یکدیگر و پیرامون دارد و قریب ۳۲۵۲۳ میل مربع است -

جزایر گرداگرد آیرلند بسیار است مگر هیچ یک از آنها قابل ذکر نیست زیرا که همه غرور و فقیراند - یک حصه عظیم سطح این ملک فاخر گرفته است و شتی وسیع که در وسط آن بعضی از اقال خفیه پست افتاده و دشت مذکور از سطح دریا قریب ۳۰ فوت بلند است و در حاشیه و کناره آن در جانب غرب و جنوب زمینی واقع گشته همه کوهستان که در آن بعضی نمایشات و عجایب بسیار غریبه است که در هیچ ملکی از ممالک یورپ یافت نمی شود -

۱۱۲ جغرافیای آیرلند

جبال - جبال این ملک چون اتلال اندر که یکی از آنها که میخاندنش و کلک و فر گرفته است قطعه زمینی را که فقط ۶۰ میل در طول است و ۳۰ میل در عرض و ارتفاع قل جبالی که در این ملک است قلعه جیل گرنث و ۶۰ میل است که فقط ۳۴۴ فوت رفعت دارد -

دشتهای این ملک چنانچه اشاره شد در فوق یک حصه عظیم این ملک را فر گرفته اند که قریب دو خمس از تمام ارض آن باشد که در بر دارد قریب ۱۲۵۰۰ میل مربع زمین آنرا و تمام این دشت کویر است مگر بر چند قسم مختلف مثلاً کویر سیاه که از آن چیزی حاصل نشود بجهت سختی و بسیار قیست یعنی بجای سیم صرف میشود و قسم دیگر آن است که فی الجمله اشجاری در آن یافت میشود مگر چند آن فایده مند نیست و قسم دیگر کویری است که در کویرستان است که بخوبی میتوان آنرا تغیر داده چراگاه قرار داد و حیوانات - اطول و دمای آیرلند رو و ششسان است که ۲۴ میل طول آن است و بقدر ۱۳ میل آن قابل مسافرت کشتی است از طرف دریا و آب ... میل مربع زمین آن بخود میکشد - آگیرین ملک بشمار است و از همه بزرگتر آگیرینی است که ۲۰ میل طول و ۱۲ میل عرض آن است و وسعت آن بیش از ۵۰ میل مربع است -

هوا - بواسطه خلج و بحره و آبگیر متعدد که در ملک آیرلند است هوای آن بسیار ملایم و معتدل و باد دانی که همواره از طرف غرب می وزد در طوبت بسیاری می آرد و باین سبب بغایت مناسب و مطبوع است سبزی آلات و نباتات این ملک که از قدیم الایام همین جا آیرلند را میخوانند "زمردین جزیره" و در این زمین نهالاتی میروید در هوای کشاده یعنی در میان صحرای که در آن گلند مکس نیست و در آنها خبر تجارت و گمرکی که بکشت و تربیت میهند با شش ساله آن یک تریب و پنج است

۱۳ ایرلند جغرافیای ایرلند

خاک - خاک ایرلند بسیار حاصل خیز است حاصل جیسا بکثرتی میشود و در آن باغک محنت و کمتر زراعتی و حتی آنیکه کوهها هم بندرت خالی از زرع است و بسیاری از کوهها از همان رُوس و قلل آنها زراعت شده است و بهتیه چراگاه حیوانات گویا در تمام روی ارض یعنی دنیا قدیم زمینی برای برابری نکند با این خاک - حاصل - اما در میان جانوران ایرلند وزغ و مار است و از قبیل کاه و گوسفند و اینمک جیسا و بیشمار است و نجو تر و جوی انگیزه جانوران اترست میکنند و یک نوع گلی در این ملک هست که خاصه آنست اما در سایه حیوانات این ملک کیسان با انگلند - نباتات اینمک علاوه بر آنچه در ملک انگلند یافت می شود چند قسم دیگر نبات در ایرلند هست که در انگلند و اسکاتلند یافت نمی شود و از آنجمله درختی هست که مدام منبر است و میوه هم میدهد و در هیچ ملک دیگری یافت نمی شود که در همان عرض و درجه واقع است - معدنیات این ملک همان معدنیاتی است که در انگلند و اسکاتلند هست مگر چندان با تفاوت و چندان ممتاز است خلقت - اینمک در سال ۱۸۷۱ پیش از ۴۰۰۰۰۰ نفر بود و خلقت این ملک البته بزمان پیشین تخفیف یافته چرا که در سال ۱۸۴۱ پیش از میلیون خلقت و ثروت و خلق ایرلند از ذات سلت اندک بسیاری از آنها مخلوط و مغرب شده اند عده در جانب شمال و مشرق با کسائی جلا وطن اختیار کرده اند از انگلند و اسکاتلند - اگرچه زبان انگریزی رواج بسیاری دارد و جزای کلی یافته مع ذلک هنوز در حدود و ضلعا غربیه اینمک لغت سلت تکلم میکنند - عده مشغول اهل اسکاتلند شبانی و پرورش حیوانات هست که بی نهایت پیروی میکنند و جنوب و مغرب و وسط آن ملک و نیز زراعت هم که اکثر و بیشتر در جانب مشرق میشود و میگویند که چهارم سن از خلق ملک

جغرافیای ایرلند

نیراحت شتغال دارند با وصف این راحت ساکنان بخوبی نمی شود معلوم است که اگر از اینهم بهتر کنند حاصل آن ده چندان میشود - مینو فکچری - کتان در ایرلند بسیار بافته میشود - ماسی گیری هم درین ملک واجب کلی دارد و یکی از جمله مشاغل عظیمه است در کنار دریا - گندم وجود ثباته بحیاب است و عمده خوراک مردمانند نبات است فلکس یعنی علفی که از آن یسمن و گونی و امثال اینها میبافند بسیار است - تجارت انیمالک عمده تجارت خارجه و داخله است - اما تجارت خارجه که حمل نقل بمالک دیگر باشد در انیمالک منحصر است بیش از زراعتی و غله و مینو فکچری و اشیائی که حاصل میشود از حیوانات - اما تجارت داخله که آمدنی ملک مذکور باشد منحصر است به چای قهوه و شکر و شراب و ادویه جات و میوه جات و پنجه و شمش و غیره -

طریق و شوارع - ایرلند بسیار متناهیست و بیش از ... میل ریلوی دارد و ... میل نهر برید و این ملک با انگلنده رشته تانگراف است از لندن تا ولین که دارالملک انگلنده و آیرلند اند . ۳۳ میل فاصله است که بمقتادیل از آن دریا است این مسافت ۳۳ ساعت بزرگ و بجز آب و کشتی و غانی طی میشود - ولین قریب و لک و نیم خلقت دارد - و در سبیل این ملک چهار خمیرن کنلیک است یک خمیرن دیگر در سبیل دیگر عیسوی که از جمله است پرستنت - علم و فضل و تربیت در این ملک بسیار است و در قیام الایام این ملک صاحبان فاش شده بسیار و شش چنانچه در صدان ششم و هفتم عیسوی از انیمالک رگان و دشمنان در بار پارشا با انگلنده و فرانس حاضر بوده اند و اکنون مدرسه های بسیار در این ملک برپا شده و مخصوصه برای اداسط الناس از جانب دولت مدرسه مامور گشته و الا در آیرلند قریب ... مدرسه است -

تاریخ

قبل از آنکه انگلند تسخیر کند ملک آیرلند را ملک مذکور از هر جهتی بخشی بدست نرسید و حکمرانی ضعیف و بی حقیقت مگر مستقل بدون علاقه و تنگی بدگیری ولی بعضی از ازمنه اوقات مطیع و متعاقب میشدند پادشاه واحدی را که قوت و استیلائی بهم میرسانید در میان شان تفوق می جست بر سایرین و تمام ملک را مالک بالا استقلال میشد. این امر او فرزند وایان همواره در نزاع و جدال بود تا اینکه یکی از ایشان مغلوب منهنم و از ریاست خود محروم ماند روی با انگلند آورد و دهمتری ۲ را تحریص نمود (سال ۱۱۷۱) که آیرلند را مستخر سازد. باجمه اقتدار و استیلائی نگلیش از مان طولی را در آیرلند جاری بود ولی همواره حمایت طرفدار می بعضی از حکمروایان آن ملک و همین جهت دیگر از اطاعت و محبت و میباشند این ملک را بی نظام و بی بند بست بود و هیچمرا انگلند جداگزیدن خلق از انگلند و ساکنند و سکونت شان آیرلند جاری داشتند و غایت جد و جهد را در آن عمل آورد و محکمه قضا و امر انصاف و عدالت نیز در آن سرزمین موجب گشت و تربیت و علم و هنر و ترقی را نیز در آن جاری داشت مختلف طرق و صور تنزع و فیمابین چیرلس و مجلس شورای ادا باالی آیرلند را امینان بخشید که باز ملک خود مستقل سازند و مجبّرند به خود را جاری سازند و بنا بر این جنگی خانگی یعنی در میان خود شان اقع گشت و عاقبت بواسطه فتوحاتی که کرامول نمود ملک مذکور باز بحال اول و اطاعت و انقیاد انگلند ماند و کرامول بسیاری از زمین های آنها را بخشید بجا میان خود کسانیکه از ویاری کرده بودند در زمان روالینوشن (سال ۱۶۸۸) مرگ کنلیک با اعانت و حمایت کردند و چیرلس پس از آنکه

۱۱۶ تاریخ ایرلند

مشارالیه دست بهشت از تاج و سلطنت انگلند و لیکن آنها را در جنگ باین مغلوب خست
 (۱۶۹۰) و مجدداً خلق ایرلند سرکشی کردند بامتداد ملک خود را مستقل سازند ۱۶۹۸ مگر بزودی
 آن سرکشی شد و حکومت انگلیش عاقبت الامر ای خود را یکی ساخت و غم خرم نمود که فرمانروائی جداگانه
 ایرلند را بر طرف سازد و آنرا شامل پرلمنت انگلند کند و این فقره صوت انجام یافت در ۱۷۰۷
 ماه جنوری ۱۸۰۰ هیسوی (بجارته آخری مجلس شورای ایرلند که جداگانه بود و احکام و قوانین از آن نشر
 میکرد و شامل مجلس شورای انگلند شد) - با محمد ملک ایرلند با وصف آنچه ذکر رفت بهیچ وجه من الوجوه
 از فتنه و آشوب خاندانیکلی از موانع و مایه غیظ آن فاع گشت در سال ۱۸۲۹ مگر با میکده من کنیک خلاصی
 از آن سلسله تقییدیکه بایر ایشان بود که از کجاری بیخیل با و اجازت یافتند و خل نشوند و هر شش خدایت در مورد و
 آثار قدیمه - از آثار و علامات بت پرستان قدیم تا کنون چیزی در ملک ایرلند باقی است و از جمله
 همان چهار طاقی های سنگی که قبور بزرگان اهل ملک بوده و مختلف در شکل و اندازه و ترکیب و لیکن غالباً
 سه ستون دارند و در جانب عقب یک در جانب پیش و وزیر کوچه های سنگ است که دستی
 می ساخته اند که در آنها و واقعات خاصی آتشی معروف بوده که می افروخته اند و در همان وقت تمام آتشها
 در هر خانه و منزلی بوده خاموش میکرد و مجدداً از آن آتش که متبرک بوده روشن نموده اند و این نوع
 عبادت و بندگی بوده است مردم آنرا و نیز ستونهای سنگی بلندی بر سر پا کرده اند که بعضی از آنها
 فرو ایستاده الی اغلب از آنها گویه دارند به پشت بندی و نیم خیزی از معابد و آلتی از آلات عبادت
 ایشان بوده و در این میان هم گویا عبارتی است معروف در میان خلق ایرلند که "بیانید
 برویم بجانب سنگ" یعنی برویم مجده کلیسا و مشهور است که این عبارت از رسم بت پرستان

قدیم این ملک باقی مانده است که جمع میشده اند گرداگرد این سنگها از برای عبادت چنانچه عیسویان
را این رسم بوده که صلیب های سنگی نقش بر پامیکرده اند در عبادت کلیسا یا در محراب کلیسا های خود -
دیگر حصار های سنگی مدور است که غالباً آنها را عینا منند " دروید بر سر کل " یعنی حصار مدور و
که در اینجا با که مثل مصلا می سلطان است عبادت میکردند - دیگر از جمله آثار و علامات قدیمه
این ملک تلها می است که از سنگ می ساخته اند مدور و طولانی که فوق آنها سطح بوده بالای آن عمارت
قرار میداده اند که گرداگرد حصاری بوده و این عمارات غالباً محل پناه و گریز گاه نبرگان و دیو جان
عبادت کارهای دیگر و این عمارات در صورت و شکل بسیار مختلف اند و همچنین در مدور بسیار است
که معلوم میشود جای گذشتن و خوشترن ناقوس بوده - حربه با ذرئیتهای قدیم گاه گاهی یافت میشود
هر گوشه از ملک آیرلسند و از آنجمله است تیغهای برنجی و سبار و تیغهایی که بصورت سنان نیزه ساختند
مختلف در قد و طول آن هم از سبار و حلقه های عجیب الاشکالی پیدا شده که بعضی از آنها بسیار است
و برخی از طلا و اکنون بتقریب پیوسته است که اینها از ریج المعافه آتران بوده - و نیزه و میان نیزهها
چیزهایی پیدا شده که از طلای خالص ساخته اند بسیار نازک بصورت نیم قرص ماه که گویا اینها گردن بند
باد و بند و غیره بوده و نیزه های طلایی دیده شده بصورت سنگ و جرس و لیکن قطور و سبک و متصل
که تاکنون استعمال نشان کسی معلوم نشده - از بدایت شیوع مذہب عیسوی هم بعضی خرد و با اکنون
باقی است که قابل ملاحظه اند که یکی از آنها قریب شهر دبلین است که پری رفیع نیست و سقف آن از
سنگ است و چند کلیسای بزرگ نیز ساخته شده که تاریخ زمان آنها ۱۱۷۱ عیسوی است قبل از آنکه
انگلیش حمل بر نیلک آرد و منجر سازد آنرا و هنوز این عمارات بحالت نخستین باقی و همه روزه آنجا

عبادت میشد و گذشته از اینها بایر باو گذشت باو قلاع متعددی یافت میشد که همه خراب و تباها شده
قلاع و حصارهای کوچکی بشمار سراسر این ملک افزا گرفته که بسیاری از آنها را تاریخ بنامان سلطنت
الیزبت است که ملکه مذکوره تعمیر آنها فرمان داده بوده است که خانیف هراسان دارد مردم صفت
سرکش آن ملک را - قلاع مذکوره غالباً رفیع اند و مربع در هر گوشه از آنها برجی است گذشته از اینها
خراب و دیوارهای شکسته و قلاع بسیار بزرگی هم یافت میشد که غالباً آنها نسبت به بدنه بلند جان
پادشاه انگلند از بخت آن است که در ترمیم است که در قدیم لایا تم شیمینگاه نایب حکومت انگلند در
مجمع شورای هم برپا میشده و در آنجا در هم میکرده اند و پند و قلعه از بزرگان و امرای آن ملک
بوده که تا کنون هم سکون اند -

حکومت - آیرلند چنان است که از خود حکومت فرمانروائی علاحد ندارد و جز آنکه مانند اسکاتلند
و کالی چند ای از آن مجلس شورای ملی انگلند فرستاده میشوند که مثل اندازه ۲ نفر از اعیان ملک ۳۰ نفر که
چهارم آن علماء هستند و بقیه علوم یعنی اواسط الناس هستند چنانچه ذکر کردیم از ای پلنت انگلند که ای از آن

تمام ممالک مقبوضه انگلیش

حاکمونی که تحت دین قبی و وطن اصلی انگلیش دی هم رفته بقدر ۱۲ هزار میل مربع است خلقت ویت
آن بیش از ۳۰ میلیون ممالکی که در قبضه آن است در دیگر گوشه های کره ارض ۱۰۴۶۰۰۰۰ میل
مربع است که تقریباً ۶۳ برابر ملک اصلی آن بوده باشد و ۲۹۳۳۳۳۰۰۰۰ میل مربع خلقت آنها
که ۷ چندان خلقت ملک اصلی آن است - اعلم عند الله

ناروی واسویدن

ناروی اسویدن از حیثیت جغرافیا یک ملک محسوب اند و اکثر اوقات خوانده شده خوانده میشوند و اسکان بسیار دارند
چنین سوله (یعنی پنجم سوله اسکن نیویا) مگر در این قریب جدا جدا بیان میکنیم جغرافیا و وضع حکومت و کثرت

ناروس

جغرافیا

ناروی - حشّه غربی ملک اسکن نیویا است و وطن قومی است که ملک انگلند را تا ختّه بالغ خوشا
ولکی است مثل بر جبال بسیار قبل از قبیعه و میدانهای وسیع پر از برف و صحرای پراکنج و در وی
عظیمه شیب - فصحی و نمیک بیش از ۲۲۰۰۰ میل مربع است غایت طولش ۹۰۰ میل و غایت
عرضش ۲۴۰ میل است - جزایر نمیک غالباً کوهستان است مثل بزرگ غار و تا مالم نهر و افتاده
مگر متعدد و بیشتر یک جامع شده - از آنجمله یکدسته یا سلسله جزایر لُفدن است که روی هم افتاده
۳۰۰ میل طول آنهاست و در وسط در میان نهنگ نظری آیند و بعضی از کوههای آن بغایت بلند
مانند نوک نیزه و بعضی دیگر به خلاف این هستند و در این جزایر بقدر ... علم نفس شیش کونست است
ولیکن چون در جانب غربی این جزایر قسمی از ماهی که آنرا کاد میخوانند بسیار است لهذا موسم خاتمی آن
که بقدر ... ماهی گیران هر چنانی از ملک ناروی می آید در آنجا بجهت گرفتن آن ماهی - صفحه این ملک

کثرت و کثرت و کثرت

کثرت و کثرت

۱۲۰ جغرافیای ناروی

مشتمل است بر جبال از شمال تا جنوب از شرق تا غرب که از ۲۰۰ میل مربع آن در زیر برف پنهان نیست هم و از قتل این جبال گلدنهی گرن است که ۴۵۰ فوت رفعت آن است و سربو ملک ناروی تمام پنهان می نماید که لاشیبه بود و باشند و از سر فرو داده باشند چنانچه وضع و شست ملک کورست و در فتنه جهان بود و بای آن را با لاپلاند وید و اند و از میان کوهستان تالان گهای خار سیلان نموده در غایت سختی و پنهان کی بد ریامیرزند و رودهای مذکوره اگر چه قابل مسافرت نیستند مگر بجهت نقل چوب از جنگلها و حرکت آلات و چیزها و آسیا و امثال فلکی که در معادن و دیگر جاها در کارند بسیار مفید هستند و نیز در فرستان که جمیع می بندند این فایده ها دارند که خلق بالای آنها آویخته میکنند شهری شهری - انگیر و اسطورد ملک ناروی لا تعد ولا تحصى است چنانچه از تواریکی در یکی از سه جغرافیا که زنده است معتبر هم هست نوشته ... انگیر و ملک ناروی است مگر بیچ یک قابل ذکر نیست بعضی که فی الجمله عظمی از مثل انگیر میسرین که ۹۰ میل طول دارد و میل عرض انگیر فترین که ۷۰ میل طول است ۱۰ میل عرض انگیر فترین که ۳۰ میل طول آنست ۳۰ میل عرض آن - ملک ناروی یکی از جمله ممالکی است که صفت سطح آنها ریخ و برف فرا گرفته چنانچه دره های کوهستان آن مملو است از ریخ و چندین کوه که فراز آنها چون صحرا و دشت کشاده است سراسر پوشیده اند از ریخ -

هوا - ناروی بغایت اعتدال بهم رسانیده است بواسطه نسایم گرمی که می وزد از بحر گرد و آن درلی چون ملک کور کشیده شده است در وسط ۱۳ درجه کمید و شکی نیست که طبیعت هوای آن تماثل بسیار دارد و لیکن غریب است که در ایام زمستان که سه ماه طول میکشد در آن ملک حد و جنوبی آن سردتر است از حد و شمالی آن زیرا که کوهی که دریای جنوب غالباً منجمد است بند ریخ یافت میشود و دریای شمال -

در فتنه جهان بود و بای آن را با لاپلاند وید و اند و از میان کوهستان تالان گهای خار سیلان نموده در غایت سختی و پنهان کی بد ریامیرزند و رودهای مذکوره اگر چه قابل مسافرت نیستند

۱۲۱
جغرافیای ناروی

این اندک زمانی که تابستان طول میکشد بقدرت هوا گرم است و در جانب شمال آنچه کشته اند در می کنند و حال آنکه کجا قبل از آن در زیر برف عظیمی بوده مگر برف اکثر در وسط ملک یا توده می افتد و شیرین تقا می داند چنانکه کمتر تا ۶ ماه بکلی زمین زیر برف است - در موصل مغرب اقل بارش تمام سال ۷۳ اینچ است و اینجا هوا غالباً مرطوب و مضعف است و بجهت طبیعت انسان بسیار مضرت - نهایت اعتدال هوا در شهر کریستینیا (دارالملک) ۱۴ درجه است -

خاک - نمیک چندان کوه آب و برف در آن است و از تمام سخت آن فقط بقدر ۱۰۰ میل مربع زراعت میشود و آنهم چندان حاصل خیز نیست - حاصل نمیک آنچه جانور است مشتعل است بر تمام آنچه در آن گله است علاوه فسمی آنها یافت میشود و نمیک که میگویند شیرین و سرد است و گوسفند و میشا را اینجا هم است که در آن اندازه کوچکی از آن گاو و حیوانات مالک گیلان و شوم گوسفند نمیک هم چندان میشا نیست که دیگر جا - سنگ نمیک عظیم بجهت ترقوی و سخت تر است از سنگهای جامی گیر و اکثر استعمال میشود مانند جانوران بارکش - رین در هم و تمام ملک بجهت بارشی متعل است بسیار حیوان کم قدری است ملک - حیوانات خوش و سباع نمیک بسیار است و مختلف و همچنین طایفه وحشی آن - ماهی گیری و صیاد می دارد و منافع و نوایا آنهم بسیار است چنانچه در تمام حوالا نمیک از شمال بجنوب جاری است بکثرت - قریب هر سال یکبار قسمی از موش پیدا میشود بکثرت که مانند سبیل و حرکت است و حرکت آن هم در شب است این نوع نقصان بادی میرساند بر عتبات ناچنانچه سابق برین علماء و رهبانان اهل نمیک عبادت و دعا خاصی بود که میکردند و میخواهند بجهت دفع آن حادثه و بلا - نبات و محبوب قهری که در آن یافت میشود و نمیک نیز یافت میشود و همچنین سیوه جات و قهریل خرز و آلود و قوی فی در جانب جنوب است

۱۲۲ جغرافیای ناروی

در جانب شمال کلی نایاب است - اشجار و خصوصه فخره قسمی از شجر است در این ملک بحساب است
 و بسیار ممتاز که به ملک دیگر میسر و چوب آن - معدنیات ناروی بسیار قیمتی است گزنا کنون چنانچه
 و شاید در آنها کار کرده اند و نمیتوانند هم بخوبی گردیز که همیشه در نیک بسیار کم است و حمل و نقل اشیا بهر
 مشکل است - **خلقیات و لغت** - خلق ناروی در سال ۱۸۷۲ حساب شده ۴۳۰۰۰ نفر بود
 و اکثر ایشان نارمن هستند یعنی باشندگان اصلی خود ملک که سلسله ایشان قبیله شیوندات تیوتان
 دو فرقه دیگر نیز هستند که مینا مندان لپ (یعنی اهل لپلاند و چین (یعنی اهل فنلند) که اصل ایشان
 مغول متا با بومی لغت مردم این ملک لغت خاص خودشان است که مینا مندان نار و چوبین (یعنی
 لغت ناروی) که اصل آن لغت تیوتان بوده و قریب است بلغت اهل سویدن و نارک و آن و نیم
 دیگر بلغت دیگری میگویند که جدا گانه که هیچ نسبتی بآن لغت اولین ندارد -
شغل و پیشه - عمده شغل و پیشه اهل ناروی بریدن چوب است و گرفتن ماهی که اغلب از ایشانرا
 مشغول اردو نیز چیزی بزرگت کردن و صحرانوردی و تجارت - نسبت بجاالت خود و نمیکند بهر
 تجارتی از همه جا های عالم پیش است و عمده مال التجاره که ازان خارج میشود چوب است و ماهی بچ
 خوراک و عمده مال التجاره که داخل آن میشود شایسته که ممالک دیگر حاصل میشود مثل قماش و غیره -
طرق و شوارع - طرق و شوارع ناروی بسیار خوب است قریب میل میوادی و ... میل نگار
 مذہب - اهل ناروی عیسویست و بوجوب قضا و فینی طریق شخصی موسوم به لوتر که مذہب کوار بهر
 مناسبت میخوانند لوتر نیز مولی بر بنده کنون معلوم نیست که اساس و اصول مذہب لوتر چیست
 و لیکن آزادی و جوار است از برای هر فرقه از فرق مختلفه عیسویان و همچنین یهود -

لغت نار و چین

لغت نار و چین

تعلیم و تربیت - مدرسه با برپاست و مقرر شده است ملک ناروی در هر صبح از اطفال تعلیم
و تعلم و تربیت اطفال از ۷ سالگی الی ۱۴ سالگی نبر یعنی فرمان حکم حکومت جاری است نیز در مدارس
هم هست که از اکثر مصارف و بلا و مضرت ملک مراعات یاری میشود و آنها را در ۱۴ شهر بسیار کمی در این ملک
دارالفتون هم هست و خود پای تخت نیز دارالفتونی است که ۴۰ نفر طالب العلم در آن حاضر شود.

اسویدن

جغرافیا

اسویدن آن قسمت از ملک اسکندنیو یا است که در طرف شرق آن واقع است نیز گستره قسمت
غربی آن که ناروی باشد - فاحت اسویدن مع جزایر گرداگرد آن ۶۶۷۱۶۴۶ میل مربع است
قریب ۳۰ میل است اقل عرضش ۹۰ میل - صفحه آن در جانب شمال تمام کوستان است
که در وسط آن بادیه پاکشیده پوشیده از جنگلهای و بیشتر مثل است بر قطعات ارضی گیتان همچنین
رفیع سطح بسیار وسیع هم دارد - اما جنوب آن دشتهای لم نیرع افتاده که میگذرد از وسط اتوال
جنگل نارو ملک اسویدن عجیب است از حیثیت کثرت رودها و آبگیرها و یک اوجیت تمام ملک
فر گرفته دارد و نیز زبانههای کرسی مانند که از شمال گرفته بر شیب میرود تا بدریای بلتیک ختم شود
کوچههای آبی که اگر بطور اجمال بیان شود همان سلسله جبال است که واقع و جدی شده اند و در میان
آنها ناروی و در حقیقت منسوب شامل اند ناروی که یکی از آن سلسله جبال گیملین است که

جغرافیای اسویدن

که از شمال شرق شروع میشود و سه شصت طول را طی میکند. اگر بطور تفصیل بیان شود جنوب
از آن سلسله و دیگر کوهها و ذل خاک اسویدن میشوند که همه متماثل اند و قبل بسیاری بار قفاح ۲۰۰۰ فوت
خبر قلعه سینا فینلین که ارتفاع جبال انیک است ۵۸۶۰ فوت ارتفاع دارد و مدام برف آنرا فرا گرفته
الاضی فیه انیک یک کیلومتر است که قریب هشتاد میل است از هر طرف و دیگری ششصد است
که سطح آن ۱۴۰۰۰ میل مربع است. و شتهای انیک یکی در جانب مشرق واقع است که خیلی بزرگ است
و قریب هفت یک یا ۹۰۰۰ میل مربع آن در زیر زراعت است. دیگری ۶۰ میل طول از دو میل
عرض. آبهای بجهت حسابی که در ملک اسویدن است از دو جهت غظیم که نشیب یابد و داخل دریا
میشوند یکی از جانب جنوب شرق و داخل دریای بلتیک میشود و دیگری در جانب جنوب و غروب
دریای گتنگات میشود و چون سرشبی انیک از رسته کوه گیلین بطرف جنوب مشرق و همه جایست
بنابر این همه رودهای انیک بجهت مستطیل با یکدیگر واقع شده اند و در جای خاصی داخل آگیره یا
میشوند بترتیب نظام. آگیره و نورد در جانب جنوب و مشرق اسویدن با شتهای آگیره که گابریلین
تمام آگیره های ممالک یورپ است که ۹۰ میل طول آن است و از ۱۵ الی ۸ میل عرض آن
و مساحت آن ۲۲۰ میل مربع است و آب ۳۰ در دریا بخوبی میکشد. آگیره و نورد ۱۰ میل مساحت
و آگیره ملگر ۲۲ میل مربع است.

مبوا - هر چند که هوای اسویدن بالنسبه به هوای ناردی کمتر مرطوب است مع هذا خوش است
و بالنسبه دیگر ممالکی که در جهان خط واقع اند معتدل. زمستان این ملک بسیار طولانی و بسیار سرد
و تمام زمین پوشیده است از برف و تمام رودخانه ها و آگیره ها یخ فرو بسته است از ماه اپریل الی ماه

در سبیل جنوب

در شمال

۱۲۵ جغرافیای سویدن

اکتوبر (۱۰ ماه) با وجود این چون هوا خشک صاف است بادی که میوزد اعتدال می باشد
 اکثر این موسم از سال بسیار خوش است در سویدن و در این وقت خلق مسافرت میکنند
 در قسمی از کاری که آزار این در می کشند یا اسب - تابستان کوتاه است و گرم و اقل غل
 هوا در شهر است که پای تخت این ملک است ۴۲ درجه می باشد - بادی که می وزد
 عمده از وسط جنوب و مغرب است و در تمام سال فقط ۱۶ اینج باران می بارود در سویدن -
 خاک - خاک سویدن اکثرًا غلب بجهت زمینهای سنگی و کوستان کم حاصل و کم زیست است
 و هر چند که در این سنوات اخیر زمین بسیار می شده است بجهت ترقی خاک سویدن مع
 هنوز ۱۲ یک خاک و زمین آن در اعمت نمی شود - حاصل آن از حیوان کیان است با گلند
 مگر آنکه سویدن رین و بر نیز دارد که انکندند و در عمده جانوران وحشی آن خرس است و گرگ
 و یک ذات آهوی دیگری و روباه و خوک و مرغ و غیره - طیور وحشی آن عقاب است و شایه
 کبک و مرغ خجلی و چند قسم دیگر از طیور - ماهی انمیک چند قسم است که شاید در ملک ما نباشد
 از آنجمله است کادوماهی مطلقاً در سویدن بسیار است - جنوباً انمیک گندم است و جو
 میوه آنچه در طرف مغرب یورپ یافت میشود همه در این ملک یافت میشود و قسیم نیری آلات بتا
 چقدر بسیار است در انمیک - چند قسم اشجار بسیار خوب است که چوب آنها بسیار مفید است مانند
 درخت بلوط و غیره که چهار سیم این ملک افرا گرفته و از جمله حاصل انمیک تنباکو است و پاپس
 فلکس بسیار است و عمده مال التجاره است - معدنیات سویدن هم از هر گونه مال التجاره اصل
 و مایه دولت انمیک است و عمده آن آهن است که بهترین آهن عالم است و اغلب بجهت ختن

در این کتاب

۱۲۶ جغرافیای سویدن

فولاد استعمال شود و دیگر معدنیات نایمیک نقره است مس و نیکل زغال مرموزاج و غیره -
خلقیت نایمیک در سال ۱۸۶۲ تخمین شده ۴۲۵۰۴۰۲ نفوس بود که تمام باشندگان
 اصلی ملک بودند بخیر آنکه ۲۷۰۰۰۰ آن فین بود و ۱۱۶۱۱۱۱ لپ - اهل سویدن از ذات گات
 هستند و زبان ایشان تماماً دبان خاص خودشان است که رشته ایست از لغت اسکندنیویا
 که مشتق است از لغت تیوتان - شغل مردم نایمیک از این قرار است که هر چند کردن معاون
 رشته شغل بسیار عظیم است نایمیک است مع ذلک اغلب خلق نایمیک بدنبال دان اند و رعیت
 صحرا نوردی و پرورش چراندین حیوانات را - تجارت چوب که روز بروز روزیاید است
 کار عمده ایست بعد از آنها نیکه ذکر شد و از آن پس مینو فکری است که مشتمل است از ساختن کجک و
 آلات زراعت و چیزهای چرم و کاغذ و نمیا کو گوگرد و عرقیات و شراب با قطن قماش و کتان
 و پشمینه و غیره - تجارت نایمیک بسیار است و در کمال سرعت و تریزاید است عمده مال التجاره
 چوب است مابقی آهن وجود عمده تجارت مال التجاره و خله اش قمشه و متعه ممالک دیگر است
 و آن یافت نمیشود و زغال آلات مشینری و غیره - و الملک سویدن استا که هم است که قریب
 ه انفر خلقیت آن است تمام این اجناس مال التجاره از این شهر و دوشهر دیگر حمل و نقل میشود -
 طرق و شوارع - سویدن بسیار خوب است و چند رود و نهر بریده هم دارد که همه قابل فرست
 کشتی است و بقدر ۴۹۴ میل یلوی هم دارد که عمده و بیشتر آنرا حکومت ساخته است و
 میل تلگراف دارد که ۲۵۴۵ میل آن در دریا میرود -
تربیت - تربیت نایمیک چنان است که اطفال بزرگ حکومت با تحصیل علم نکنند یعنی

جغرافیای سویدن ۱۲۷

در مقدمات ضروری و اطفالی که در مدرسه های عامه و نخل نمیشوند باید ثابت کنند که در جای دیگر تحصیل میکنند و تحقیق پیوسته است که از هر صدی ۹۰ طفل از سن ۵ سالگی الی ۱۵ سالگی به مدرسه های عامه حاضر می شوند -

مذهب - اهل انیمیک بکلی پرستنت است و متعلق است بفرقه لوترگر بر فرقه و ذاتی شما و آزاد است در مذهب و عقیده خود -

حکومت - ناروی و سویدن هر دو پادشاهی متحد و دو محصور است و در هر دو ملک اختیار جریان احکام بقضیه پادشاه است مگر امور قوانین و ابداع قواعد و اگر است مجلسی که در آن وکلای عموم خلق اند که در ناروی مینامندش استارتینگ و در سویدن ویت - در ناروی نیز یک مجلس استارتینگ نشست اجزای آن بر دو قسمی شود یکی ازان که سه ربع تمام اجزای مجلسش کور باشد و آنرا اولستینگ میخوانند قواعد را جاری میسازند و ربع دیگر که آنرا میخوانند لگتینگ قواعدی را که در مجلس اول صورت وجود داده اند یا امضا میدهند یا باطل میکنند - در سویدن نیز قواعد و قوانین بقضیه اختیار مجلس ویت است که اجزای آن وکلای عموم خلق اند و خلق میگزینند آنها را و این مجلس بر دو قسمت است یکی اگر مشعل است ۱۲۸ خیز که هر یک از ایشان باید از ۳۵ سال عمرش متجاوز باشد و اینها را میگزینند برای مدت ۹ سال و موجب ندارند و دیگر آنکه اجزای آن مثل اند بر ۱۹ نفر که عمر ایشان باید از ۲۵ سال متجاوز باشد و مدت قیامشان ۲ سال است و موجب هم دارند مگر اقامت در مجلس ناروی از مجلس سویدن پیش است و اصول قواعدش مختلف از آن و بهتر و مطبوع تر -

۱۲۸ جغرافیای سویدن

اهل سویدن و ناروی چنانچه اشاره شد از همان رشته و دوده هستند که مردم فنمارک اند و لغت ایشان هم از همان لغت مشتق است که بسیار تحریف شده و تخفیف یافته است ^{محمد} و بواسطه اختلاف خصوصیت و عدم اتفاقی که از سالهای دراز در میان این دو طایفه وجود داشته - خلق همیک قومی هستند ولی در سخت جان و بیباک و کریم نفس و ثبات قدم با جرات و جلاوت آهسته و متحد دارند و معروف اند و در دیانت امانت داری - سوای این قوم و ذوات و طایفه دیگر هستند ساکن سویدن که یکی از آنها ساکن لپلند هستند که قومی اند میان ^{بالا} و پیکل موسکن ایشان در ضلع شمالی است و این قوم بسیار فقیر و بی بضاعت اند مگر بسیار خوش طبع و زنده دل و متدین اند و مردمی اند که بسیار کم گناه بد و شنیع از ایشان سر میزند بعضی از ایشان صحرانشین هستند و زندگی میکنند با واسطه کله و رسته خود که همه آهوان هستند که آنها را پرورش می دهند و برخی دیگر از ایشان جنگل نشینان اند و ماهی گیران یا محنت کنندگان و مزدوران که خود را اجاره و کرایه میدهند بدو قبیله و ذراع سویدن -

قومی دیگر هستند که آنها را فین میخوانند که بجز کل شعبه هستند که اهل لپلند اند مگر اختلاف دارند با آنها و آنها قومی اند قوی و پیکل و قوی باز و محنت کش و قوی این قوم خاص سکونت داشتند در فینلند و لیکن اکنون در بعضی از ضلع شمالی ناروی سکونت گزیده اند و نیز در سویدن و چنین مینماید که این طایفه از زمانه قدیمه نامعلوم سکونت یافته اند و صحراها و بادیه ها جنوبی یورپ و بعد از آن رانده شده اند بجانب شمال با اهل اسکندنیویا -

تاریخ اسکندریه

قبل از آنکه شروع کنیم به تحریر تاریخ ناروی و اسویدن ضرورت است که بخدمت خوانندگان عرض کنیم که غالباً جغرافیا و تاریخ این دو ملک در یک جا نوشته اند و بعضی نویسندگان یورپ چون این بر دوزمین ناروی هم سکندریه میخوانند اغلب در نوشتجات بهمین نام می نویسند و لهذا بنده نیز بهمان تیره برمی نگارم تاریخ این دو ملک ازیرکه تاریخی بهم که در نزد بنده است چنین نوشته - اسکندریه - یا اسویدن معروف و مشهور آفاق است از این بگذر که محل ظهور و بجای آمدن و نمایش توهم مشهور گات است که نقل مکان و انتشار آن منقلب و مگرگون ساخت حالت تمام ملک یورپ را در اوایل تاریخ عیسوی - بطور تحقیق چیزی از تاریخ و شرح حال این ملک معلوم نیست تا صد سال بنهین عیسوی بنهنگامیکه ^۱مهرله معروف ^۲آچر وین عیسوی را اختیار نمود تمام ملک ناروی را در تحت فرمانروائی خود در آورده اهتمام او در جریان و نشر رسم فیودل موجب شد انتشار و نقل مکان و جدا گزینی جماعت بیعتی از آن قوم را که بعضی از آنها سکونت اختیار کردند و انگلند و اغلب از آنها ساکن شدند در جزیره آیسلند و جزیره مذکور را برپا ساختند و شهر و مذهب باشندگان قدیم سکندریه و بهمین نقل مکان نسبت داده اند سکونت نارمن ها را در ملک فرس - و در صد سال دو از دهم عیسوی ملک اسوید با ملک گات ها یکی شدند و در آخر صد سال چهار دهم این هر دو ملک مع ملک ناروی در تحت حکومت و فرمانروائی و شمار گرد آمدند و در سال ۱۲۴۱ عیسوی اسوید با متحد و استقلال قدیم خود را یافتند و از ملک نارمن جدا شدند بحسب

لغت نامه فارسی
در تاریخ

تاریخ اسکندریه

کتابت شده

سعی و اهتمام گشتن و سسایکی از امری خود که بعد از آن او پادشاه خود خواندند - چون
 به جانشینان او رسید دولت سویدن استقلال و عظمتی بهم رسانید و پادشاهش را قناریست
 که بعضی از اداری ملک روس و پلنگه و خبر منشی را شامل ممالک خود ساخت و ملک خود را
 وسعت داد و در زمان سلطنت چیرلس ۱۲ (سال ۱۶۹۷-۱۷۱۸) اقتدار این ملک با همی
 نهایت رسید و پادشاه مذکور بسیاری از جاها را الحاق داد و ملک خود را از نیمه مساوات بخشید
 همسر ساخت با سایر ممالک عظیمه یورپ و لیکن شتاب کاری و عدم دورانی و بی اودر کار را
 موجب شد که قدم در امور خطرناک نهاد که مایه نقصان و منزل و زوال آن استیلا و اقتدار شد
 چیزی از شرح حال این پادشاه بیان نمودن خالی از فایده نخواهد بود - پیتر بزرگ (پاول)
 بندری میخواست در دریای بلتیک بچنگ آرد و بنا بر این اتفاقی گردید و دیگر دول در مخالفت سویدن
 در این وقت چیرلس ۱۳ بجای طفل جوانی بود و تازه بر تخت برشته بود و گریباندار که زمانی خود را خود
 حیرت و شگفت جهان ساخت بهر گونه فعال و صفاتی که لازم جهانگیری و جهانبانی هست که
 در وجود خود موجود داشت چون دنا مارک بطرف روس بود و از جانب جنوب حمله خود چیرلس
 مجدداً اتحاد قدیم سویدن را با انگلند تجدید نمود و قطاری از جهازات جنگی انگلستان بسیار را
 و دان گشت اگر چه روس یارانش پیشیستی نموده نصرتی کردند مگر بواسطه آنکه در سلطنت
 (کاپن بینکرن) محصور شده بود و دنا مارک خود را از سلسله هوا خواهان روس جدا ساخت و در
 ۱۹ اگست ۱۷۰۰ محاصره شد و میان سویدن و دنا مارک - پیتر و یکم چیرلس با دنا مارک مصالحه نمود
 و دی بجانب روسیان نهاد که محاصره نموده بودند و آرا با بهشتا و هزار مرد و هزار (چیرلس)

تاریخ اسکت رنویا ۱۳۱

باد و از ده هزار مرد و کجته یاری آن مقام رفت و بدون لشکال آنجا را قبضه خود آورد و داده کرد
 که جمله سختی بشکرا گاه در میان بر در میان زمانی را پای نشتر و دیگر پس از زود و خوردی که سمعت
 بطول کشید مغلوب گشتند و تن بسیاری از ایشان بجاک افتاد و چرس مظهر داخل آن قلع شد در وقت
 ۳۰ نومبر ۱۶۰۰ - علاوه بر چندین هزار که از در میان کشته شده و بسیاری دیگر که در رو و غرق
 شدند سی هزار از ایشان اسیر آمد و تمام اسباب و ساز و سامان شان هم بچنگ اهل اسودین
 در افتاد و اگر چرس تمام ایشان را را بانی بخشید بخرسیران ایشان که با آنها نیز در کمال مردانگی و عروت
 عمل نمود - بعد از این جنگ چرس مذکور زمستان را در ثروا بسر برد و بجز و یک بهر او خوش گشت
 باز هم در مکر که نهاد و قریب بیگان نمایان شد که آنجا گاه را پادشاه پلند بیفایده محاصر نمود
 بود - اهل پلند و اهل سنسنی در کنار رود و نیمه زده بودند و چرس ۱۶ که در جانب دیگر رود مذکور
 بود و لاچار بودند که بز و بطرقتی از برای عبور نمود بکشاید و بهر اشکالی که بود آخر معبری کشت و جنگ
 معلوم شد مگر بکشتار زیادی اسودین فتح گشتند و قریب سه هزار مرد و تمام توپخانه و سامان را
 سپاه ختم تلف شد - فوراً پس از این فتح چرس وان شد بجانب پیشاکه دارالملک کور کند
 و شهر مذکور و تمام قلاع اطراف و حول و حوش آن تمام اطاعت او کردند - از کور بلند بجانب
 پیشاکه روان شد و چنین میگویند که چون لشکر میرزان داخل شد با فتح و نصرت بغایت شاکر و
 قانع گشت چون خود را دید و شهری که چندان قبل از ان پادشاه پلند و سپهر نشسته و طرح پایمالی
 و تباہی او را نخواستند - در اینجا آتش کین او هم شتعال پذیرفت و تمهیدی نمود که پادشاه پلند را از
 تخت فردا در آرد و بواسطه رعیت خودش - چون باشندگان پلند دیدند که قلاع شان پایمال

در این جنگ
 در این جنگ
 در این جنگ
 در این جنگ

تاریخ اسکت نیویا ۱۳۲

سپاه کسن شده و حدود ملک شان در کت و میان است و دست فوسن بیکد گیر سووند و لهند
نه چندان در قید قحمتی بودند که رشک میر و یعنی در شتم بودند از ان حال چنان تصور میکردند
که پادشاه ایشان جنگ با سویدن بجای نه کرده بود که لشکر بیکانگان را بملک خویش (را در ۱۷۰۱)
باری اگر سایر فتوحات پادشاه هویدن را ذکر کنیم و قدر بزرگ میشود همین قدر مختصر میکنیم که پادشاه
یلندر از ملک خود براند و پادشاه مذکور پناه بر سپهر برد و در گروان این هر دو پادشاه متح شدند
در مخالفت پیرس گر سپاه روس که بجای از سپاه هویدن شکست میخورد و منهنم میشد و بالاخره پادشاه یلندر
انظار و در خونسخت صلح نمود و باین نحو صلح شد که مشارالیه تمام حقوق خود را تاج پلند فرو گذارد و عتق
نماید که از ششصد سلسل و ارث واقعی تاج مذکور است این اتمه صورت وقوع یافت در نوامبر ماه
سال ۱۷۰۶ و از این بعد سایر دول یورپ انظار و قوی نموند با پادشاه هویدن و نیز لوئیس چهارم
باب اتحاد و یکجتهی شوند با او - محمدا چون بواسطه مویجاتی که ذکر نمودیم اقتدار و استیلا ی این پادشاه
روی تنیزل خدا تمام ممالکی را که گرفته بود از کفش بشد و قوی از اوقات بغیرم شخیرا روی وان بود
که در راه هلاک شد و ناروی جهان و تیره و رعیت انصاف و نمارک بماند - بعد از وفات این پادشاه
قوت و اقتدار پادشاه ملک سویدن بجای از دست بلند و نقص پذیرفت مگر ریالت حکومت
مقرر شده با خلق که آنرا مینا مندر است و قوت بهم رسانید - در بین گنجهای و الیون
که در ملک فرانس واقع شد و سال ۱۷۹۳ پادشاه هویدن (نرچرلس ۱۲) ابتدا هواخواه فرانس بود
ولیکن بعد از ان یار خصم شده و مخالفت ملک مذکور پای نشود - در زمان صلح ۱۸۱۴ پادشاه
مذکور ناروی را از نمارک گرفت و در عوض پاهرینجا و جزیره رگوکن را داد -

لکه گروان
صلح فرانس و سویدن
بارتسبیلان
صلح آریستوگوتی

دینمارک

جغرافیا

دینمارک اکنون منحصر است به شش شمالی جبلتند مع ۲۰۰ جزیره که در قریب انواع است
اگرچه این ملک بسیار فقیرست مگر ملکی است بسیار قوی - بنگامیکه جنگ فیما بین جزئی دینمارک
واقع شد در سال ۱۸۶۴ حصه جنوبی این ملک که سناسوگیک و هالشتین بوده باشد بحرینی
تعلق یافت در سال ۱۸۶۵ تمام مساحت این ملک مع جزایر آن ۱۴۰ هزار و پانصد میل مربع بود
خلقیت آن در سال ۱۸۷۰ اقرب ... ۷۸۴ نفس بود و طول آن کم از ۲۰۰ میل -
بیش از یک ثلث دینمارک یا قریب ... ۵۸ میل مربع آن جزیره است مگر بزرگترین همه اینها می باشد
که در دنبال ذکر میشوند - زیلند که ... ۷۰ میل مربع مساحت آن است و قریب ... ۴۰۰ نفس
خلقیت آن - فوئرن (یا فین) که ۲۵۰ میل مربع وسعت دارد و بیش از ثلث خلقیت ملی
خلقیت لالند ۶۲ میل مربع زمین دارد و ... ۶۰۰ خلقیت - فاستر ۱۰۰ میل مربع
زمین دارد و ... ۳۰۰ خلقیت - بارن کلم ۲۱ میل مربع زمین دارد و ... ۳۰۰ خلقیت -
سطح ارض - دینمارک متعلق بان حصه عظیم شمال یورپ است که مسطح و صاف واقع شده
در هیچ جایی فست آن از ۶۰ فوت بیش نیست و بظاہر اگر چه سراسر مواج نماید مگر در جانب شرقی

جغرافیا
دینمارک

جغرافیای نمارک

بعضی اقالیم است مشحون بر اشجار و جنگل اما در جانب غربین آن پست و گیتان است آبگیر بسیاری
 و از چنانچه یکی از جغرافیایان می نویسد که نیک... ۴ آبگیر دارد و در اغلب خور و اند و بنا بر این در هر طرفی
 از این ملک بفاصله ۴ میل آب است ولی روضه خانه در این ملک نیست چرا که کوستان ندارد.

هوای این ملک معتدل است نسبت به خطی که در آن واقع شده بواسطه بادیکه از جانب مغرب میوز
 و باران زیادی با خود می آورد و بهوش مرطوب است بسیار مناسب بحال نباتات - زمستان
 سرد است و مکرر معابر و مجرای آبی که واقع است مابین جزایر گزفته است بکلی چنانچه در سال ۱۶۵۷ ع
 لشکر چرس ۱۲ مع تمام همان و توپخانه خود و از این معابر عبور کرد و در ویلج و جزایری را که ذکر کردیم
 ملاحظه نمود - در هر کایین بیشترین و تمام سال قتل اعتدال هوا ۴ درجه است -

خاک - این ملک پر قوت است و حاصل خیز در شرق و جزایر آن بخوبی سبز و خرم و حاصل خیز است لیکن
 در طرف مغرب آن قطعات گستان است - حاصل این ملک از حیوان و نبات همان است که در ملک
 انگلند است مگر در این ملک خوش بکلی واروک و غار هم یافت نشود - ماهی گیری این ملک بسیار است و مقدار

زیادی از چند قسم ماهی حاصل میشود در آن - هیچگونه معدنیاتی در ملک نمارک یافت نمیشود بجز سنگ گچی
 که از آن عمارت میسازند و مرمر آسمانی رنگ و خاک کوزه گری و زغال اینهم در یکی از جزایر و بسیار قلیل است
 مینو فکچی نمارک منحصر است به کتان و پشمینه و ظروف گلی اینها نیز در جهان خبری در (بارن) نام یافته میشود -

مشاغل اهل نمارک عمده زراعت است و مزارع و دیوارهای که اغلب اکثر خلوق آنها اشتغال
 دارند - چنانچه ذکر کردیم مینو فکچی در این ملک موجودند از زیر که نه اسباب لازم آن یافت میشود و نه
 زغال نه سرمایه جرایان آن و اگر اسباب آن هم فراهم باشد فایده در بعضی نمی بخشند - تجارت این ملک

۱۳۵ جغرافیای دمارک

بنیست مال التجاره خارجش قرض و غن است محبوب اشپم گوشت خوک و پوست جانوران ماهی
و کره و پیه اما مال التجاره و غلامان قماش است کنان اشپمینه و زغال نمک میوه و شراب غیره -
طرق و شوارع - این ملک اشاهلرهای بسیار عده است و تقریباً شهر و انگلرگاه عظیمی از آن بکلیگر
پیوسته است و کشتی های آتشی در آنها کار میکنند و در این ملک چند نهر بریده نیز هست و بیش از ۴۰۰
میل یوی هم دارد -

حکومت ملک دمارک سلطنتی است با اصول ملی موروثی و اقامه ارجریان احکام و قوانین گذار است
بپادشاه و اعظم ازوزارایش اختیار ابداع قوانین و اگذا است به پادشاه ویتی که مشتمل است از
مجلس شورای خاصه و عامه -

اهل دمارک غالباً از ذات تیوتان هستند در اصل و نژاد ولیکن از چهار شعبه و سلسله اند - اول دین
که از همه پیش اند بخت و ذرا گرفته اند چنگند و شلر و ویک و خبر این عظیمه را - دوم جرمین که فراگیرند
شلر ویک و لا انبرگ را - سوم فریسن که بعضی از خبرایر که چیک کنار دریای شلر ویک را مسکنند
چهارم انگلین که ذرا گرفته اند یک جانب دیگر ساحل شلر ویک را و اینها ادو و ده و اهل هستند که
انگلین از آنها است - از یگانگانی که در این ملک سکونت دارند عده یهود است که در اثنای واکا
همگی بسیار است - عده لغتی که بدان حکم از لغت اهل سکنه نیویا است که اصل ماده آن لغت
کات است و در بار سلطنت بخت جرمین و فرنج هم حکم میکنند - و باقیین اهل دولت و دین
اگر چه در این ایام اخیر از حالت عبودیت و بندگی رستند مگر هنوز جهان وضع و صورت را در پیش
و عالم عبودیت راه میروند و حکومت را در بر اهری از امور ایشان مداخلت است -

تاریخ
دین

تاریخ

تاریخ و نمارک

نخستین خانمانی که در ملک نمارک سلطنت نمود در تواریخ ثبت است موسوم اند به نیکلین چیا
(یعنی خانمان اسکیلد) - در صد سال شستین عیسوی اهل نمارک مشهور و معروف آفاق شدند در
دروی کردن در دریا و با اتفاق اهل ناروی و نزد سایر طوایف یورپ ملقب و معروف شدند
به نمارقمن (نامن) یعنی اهل نمارت که شمال بوده باشد - در سال ۸۳۲ بمجاگ انگلند فرو داند
و یک قسمت آنرا گرفته مسکن خویش ساختند آگاه سپرداری یعنی در زیر علم و فرمان گرفتند
تاخت آوردند بساحل ملک فرانس (۹۱۱) و زبانی را گرفته جای اقامت نمودند و موسوسان
نارمندی و نیز چند جزیره دیگر حصه از ملک آیرلند را گرفته از آنجا قدم پیشتر نهادند که اسپین
و ایتالی و سیسیلی را هم گرفتند و در هر یک آنیکه قدم نهادند بخارابر ساختند از خوف و شرم
و تاراج - استونیدین پادشاهی بود از آنیکه بسیار قوی باز و جنگجو در سال ۱۰۰۰ عیسوی
قسمت از ناروی را گرفت و همچنین در سال ۱۰۱۴ انگلند را فتح نمود و پس از کتیوت که در عهد او
استیلای نمارک با قصی الغایت رسیده بود این فتوحات را میل داد و همچنین فتح نمود قسمتی از
اسکاندیناوی که پادشاهانی که از آن پس آمدند بغایت گم نام و حقیر بودند تا در او آخر صد سال
چهاردهمین (۱۳۹۲) بهنگامیکه ملکه و نمارک هرگز متحد ساخت اسویدن و نمارک ناروی
چون ناروی را بوراقت یافته بود و اسویدن را نیز و شمشیر را و داشت که آن اتحاد را مدعی شد
لهذا و ساری هر سه ملک اجمع کرد و در جاییکه مینامندش کلهر و در آنجا مقر بنمود و قانونی قرار داد که

۱۳۴ تاریخ و شمارک

از این زمان بعد همواره این سرملک متحد باشند و تابع یک پادشاهی که چون یکی از این سرملک و پادشاهی
خود گزینند آن ملوک دیگر هم مضامین و اهل هر یکی نگارند بیرونی که در این سرزمین و فواید و خوب
و باشند گان یک ملوک دیگر چنانکه صاحب جات عالی و مناصب متعالیه شوند. باجماع این ملک تا
پانزده سال پس از این اتحاد و چنان است نمود و در نهایت خوبی و توانائی آن اتحاد و نگارنداری کرد و ملوک
از آن در زمان پیشین از یک حاکم و غیالفت جلی اهل سویدن و شمارک موجب فساد گشت و سویدا
پادشاه دیگر را اختیار کردند چند انقلاب فتنه و فساد بی در پی حادث گشت تا اینکه در سی و یکم
بینامیه شری و شاه شد بعد از یک شکست بهر محبت سختی سال ۱۵۲۰ اهل سویدن مغلوب تابع خویش گشت.
چگونگی تاریخ گذاری این پادشاه مذکور مع قتل عظمی که یک صد هزار از امر و اعالم گشته شدند و یک روز
(۸ ماه نومبر ۱۵۲۰) واقع شد و سویدن بزودی بجهت خود یک جام و کینه کشی پیدا نمود و آن بود که شاه و سنا
یکی از اجزای خاندان سلطنت کف غالبین و گر خجسته خود را بر پاس بهانی در آورد و در کوهستان
می بر و فرو ری می کرد و در کندن بکمال خاطر جمعی امید که قوی از اوقات خواهد آمد که او بتخت سویدن
نشیند چون فرصت یکی بدست آورد و خود را ظاهر ساخت علم کشی بر او داشت ابتدا نایب السلطنه و بعد
از آن پادشاه سویدن گشت سال ۱۵۲۳ - که سی و یکم از غیبتش از تخت فرو آورد و شخص دیگری
فرو ری را پادشاه و شمارک را روی ساختند بعد از آنکه چندین با سعی و کوشش بنیاد نمود این که سی و یک
عالم به صفات بقید و افتاد و در حبس بود (۱۵۵۹) فرو ری را پیشتر که سی و یکم بنشین گشت سال
۱۵۳۴ و این پادشاهی بود بسیار خردمند و عالیقدرترین سلاطین عهد خود بود. در سبب پستت را
در ملک و شمارک را روی او اساس نهاد و موجب شد تا شاهی گستاخ که همین سبب جاری و شری

تاریخ دینارک

ملک سویدن - با حمله گریستین از جهان بشد و سال ۱۵۵۹ اوگستوس در سال ۱۵۶۰ او هر دو پادشاهان
 عظیم لشکر خود میدی بودند چنانچه نامشان در غایت حرمت و عزت مانده است میان مایای ایشان
 عجیب ترین اتفاقی که قابل تذکر است بعد از این اتفاقات مذکوره بود و آنکه خوشن است که واقع شد در
 سال ۱۶۶۰ که بواسطه آن سلطنتی که آن زمان جریان آن با اختیار امرا و اعظم بود و موروثی و بالاصحابه و
 شد و در آن مدت هیچ وجه جنگ و جدال و تنازع نبود و همه جا امن و امان بود و کلنی های دینارک
 افزایش یافت و نیز و وقوت فیلدین اودینارک سر کشی برداشت و گویا غلبه بر آن وارد آمد
 و آن این بود که انگلند در سال ۱۸۰۷ انضباط گلوله گرفت شهر کلین سیکین را که پای تخت دینارک است
 در سال ۱۸۱۴ صلح شد در میان تمام دول و ممالک یورپ و دینارک لاچار گشت و هیچگاه
 واگذار به انگلند کند و ناروسی را با سویدن را کند و در عوض پادشاه سوئیا را بگیرد و در سال بعد از آن
 پامینار و انگلند نمود به پیر و شینا در عوض لا انبرگ - سلطنت دینارک تا سال ۱۸۳۴ ع
 مستقل بود بهشتی ضلع ها استین و لا انبرگ و از آن زمان شروع شد که دینارک
 انضباط و بند و بست و کلائی مقرر شوند از جانب عموم خلق بجهت نظم و نسق حکومت ملک مذکور
 و چپ با سر کشی آغاز نمود در سال ۱۸۶۸ و لیکن مجدداً و اول عظیمه متفق شده امور آن را
 صورت انضباط و اصلاح دادند و مشروطیت را پسندیدند ضلع شین و یک از دینارک خارج
 باشد و نیز دینارک و هاستین با یکدیگر مخلوط و مغرور نباشند -

سخت
 به
 به
 به

آیسلند

جغرافیا

آیسلند از جمله جزایر متعلقه و نمازک است و محیط آن متتیک قریب ۷۰۰ میل و در جانب غربی ماروی طول آن ۲۰۰ میل است و عرض آن ۱۰ میل و مساحت آن ۳۰۰۰ میل مربع. صفحه روی این جزیره تمام کوستان است و قلل بسیار دارد که سراسر پوشیده است از برف و دره های آن جبال بسیار است ۴۰۰۰ میل مربع بخت و جبال آتش فشان در این جزیره بسیار است که پیوسته شعلات آتش از آنها متصاعد است بقسمی که سراسر این جزیره را دشتی نموده است از آتش هوای این جزیره مختلف است و خاکش بی حاصل - نبات و کلم در آن می روید و لباس و لی بکاف و حبه در آن نمی روید و چوب و بومیه بکلی در آن یافت نمی شود.

شغل مردم آن غالباً شبانی است پرورش حیوانات و گرفتن ماهی و مرغ و شکار کردن - تجارت آن اکثر با نمازک است و مال التجاره خارج اش نمک است و ماهی خشک و روغن چراغ و پیه و لشم - و مال التجاره داخل اش آهن است و بومیه و قماش -

باشندگان این جزیره اهل اسکندنیویا هستند که در سال ۱۷۰۰ رفته و در این جزیره سکونت گزیدند

تاریخ آلیس لند

در سال ۱۸۶۸ عدد ایشان ۴۸۵۶۰ نفس بود که اغلب شان در سواحل آن اقامت می نمودند و مردم بسیار دانا و تربیت یافته میباشند و بچکانه پرست و اگرچه زبان اهل دمارک را نمیفهمیدند مگر هنوز بزبان قدیم خود تکلم اند و در مذہب یکسان اند با اهل دمارک - این قوم وابسته بدولت دمارک نبود تا سال ۱۳۸۰ چنین معروف است که باشندگان این جزیره قبل از آنکه کلبیس در سال ۱۴۹۲ امریکا را پیدا کنند بیاض سال جانب شمال و مشرق آن ملک اسپدا کرده و دیده بودند و این استعماری ندارد و احتمال بسیار کمی می رود زیرا که آن آلیس لند گریین لند شاید صد میل یا کمتر بوده باشد - ۳۵ جزیره دیگر هم هست متعلق بدمارک مگر چندان قابل تذکار نیستند فقط روی هم رفته ۴۹۵ میل مربع زمین آنها است و ۴۸۵۶۰ نفس خلقت آنها

تاریخ

طریق پیدا شدن این جزیره را چنین نوشته اند که وقتی از اوقات (سال ۸۶۱) یکی از کشتیهها دزدان دریائی ناروی بواسطه موج و تلاطم دریا و اهتزاز باد مخالف بساحل این جزیره افتاد و این قوم اوّل قومی بود که در این جزیره سکونت با دوام و بالاستمرار گزید در سال ۸۷۴ وجه اقامت شان در این جزیره این بود که جماعتی از این قوم از دست ظلم و تعدی پادشاه خود بجان آمده جلای وطن اختیار کرده در این جزیره سکونت گزیدند - اندکی پیش از پنجاه سال تمام سواحل جزیره مذکور سکون شد و قریب سال ۹۲۸ یک مجلس طایفه مقرر شد در میان ایشان یعنی بنای حکومتی نهادند و این قوم تا قریب ۴۰۰ سال به استقلال تمام گذرانیدند و در این

۱۴۱ تایخ آئیس لند

باندک زمانی علم و هنر شایع شد و ترقی کاملی کرد که زمان آغاز آن ترقی و کمال اهل
صد سال دوازدهم بود و انجامش و آخر صد سال چهاردهم - در سال ۱۲۶۱ آئیس لند
تایخ ماروی شد و پس از آن مع ماروی در تحت دمارک درآمد و زمین لرزش و زلزله
بی نهایت خلقت آنرا ضعیف داد -

اهل آئیس لند متعلق اند به اهل اسکندریه و زبان شان از آنچه بوده است در قیام الایام
بسیار کم تغییر و تبدیل بهم رسانیده و بعضی از فصحا و بلغای عالی شان هم در میان ایشان پیدا
شده که این لغت را در نهایت توجه و خوبی و شیرینی استعمال نموده اند و از جمله نوشته
اهل این ملک کتابی باقی مانده است در کتابخانه که هر چند بدو وضع است مگر تا یک اندازه
قریب است به نوشته تجات یونانیان یعنی بحسب طرز جدیدی که دارد و وضع خاصی که در آن
بکار رفته - مردم آئیس لند بسیار وطن دوست اند و غریب نواز و مذهبشان کاتولیک است
و چند مدرسه هم دارند بجهت آموختن علم و در آنها و لیکن تعلیم و تعلم خانگی بسیار خوبی میشود و میان
و کسی نیست در این قوم که قلاً خواندن و نوشتن نداند و در این زمان ساکنان بسیار
مذکور اند نفس نش نیست و شهری که دارا حکومت آن هست رییکا و یک
نام دارد که قریب ۴۰۰۰ نفر در آن سکونت دارند - اکثری از اهل این زمین در کلیله
می نشینند و گذران ایشان از کرفتن ماهی است و پرورش گله و روم و حاصل زمین
خود کباب اجناس دیگر ممالک معاوضه میکنند -

ملک فرس

جغرافیا

فرس (یعنی ملک فرنگها یا فرنگیان) یکی از بزرگترین و مهم‌ترین تربیت یافته‌ترین و قوی‌ترین ممالک یورپ است که رفته رفته از هزار سال قبل از این تا کنون در برهه وسیع شده تا باین وسعت و عظمت امروزه اش رسیده مگر در آغاز تیره بود که بهیچ وجه دیکور فرس پادشاه آن شده در سال ۸۷۹ عیسوی -

فصاحت فرس ۲۰۱۹۰۰ میل مربع است (در جنگ با جرمنی سال ۱۸۷۱ از فرس ۵۵۸۰ میل مربع واگذاشته به جرمنی) غایت طولش از شمال جنوب ۶۰۸ میل است و غایت عرضش از مشرق مغرب ۵۴۰ میل - فرس از قواطع طبیعی بسیار است و حیثیت مکانیت و بودنش در کناره دریای مدیترانه و محیط آتلانتیک - جزایر فرس بموجب ذیل است -

الجزیرتی - ۳ میل مربع زمین دارد و ۲۷۳۸۰ خلقیت -

گرنسی - ۲۵ میل مربع فصاحت آن است و ۳۰۶۸۵ خلقیت آن -

سرن - ۲ میل مربع است و ۴۴۵ خلقیت دارد -

جرسی - ۵۵ میل مربع زمین دارد و ۶۶۲۲۰ خلقیت -

۱۲۳ جغرافیای فرانس

اوشانت - ۵۰ میل مربع زمین دارد - و ۴۰۰۰ خلقیت
 بل ایل - ۴۵۰ الی ۵۰۰ میل مربع زمین دارد و ۹۰۰۰ خلقیت
 نازموتیر - ۸۰ میل مربع زمین است و ۸۰۰۰ خلقیت دارد
 البران - ۱۳۰ میل مربع زمین دارد و ۲۰۰۰۰ خلقیت
 برنی - ۹۰ میل مربع زمین دارد و ۸۰۰۰۰ خلقیت
 کرسیکا - ۲۵۳۵ میل مربع زمین دارد و ۵۸۵۰۷۰ خلقیت
 از این جزایر چند جزیره متعلق است با گلند و کرسیکا اگر چه در واقع بحسب ملکیت نسبت دارند
 ملک ایتالیا مگر بحسب ملکیت متعلق گشته است به فرانس از سال ۱۷۹۸ و این جزایر مذکور
 همه خوش آب و هوا هستند و معمور و سرسبز و خرم و حاصل بسیار خوب هم دارند -
 سطح - فرانس در جانب شرق و جنوب تمام کو بهستان است در وسط و غرب مشتل است
 براتکال بسیار و در جانب ساحل محیط ائنیکی سطح است رگیستان - جبال این ملک عمد
 مشترک است در میان این دیگر ممالک چنانچه پیرنیتر واقع است فیما بین فرانس و اسپین که
 کشیده است از مشرق بمغرب و رفیع ترین قله آن فیتمیل است که ۱۰۷۹۱ فوت رفیع است
 حصه غربی آلپس واقع است در میان فرانس و ایتالیا و رفیع ترین قله آن بلان است
 که ۱۵۰۰۰ فوت رفیع است دارد - قله سستی ۱۱۴۸۰ و قله پلور و ۱۳۴۹۴ فوت است هر دو
 متعلق اند به پس - جبال ژورا واقع است مابین فرانس و سوئیس رفیع ترین قله
 آن ۵۶۵۶ فوت ارتفاع دارد و بعضی دیگر جبال هم هست که از پنجه تا قریب بشش هزار فوت رفیع تر نیستند -

۱۴۳ جغرافیای فرانس

و مینهای مرتفع سطح فرانس یکی آن است که در آن واقع شده است کوه آوژرن و این سلسله است از جبال آتش فشان - یکی دیگر آنها در طرف شمال مشرق افتاده که در آن بعضی از جبال جنگلیها سنگلاخ هم هست - و شتهای نیمه یک پنج است - آ و شت پاریس هست که بهترین و خیرترین حاصل خیرترین و شتهای نیمه یک است - ۲ و شت آلپین و پیکر وینی است این شت نیز معروف است در حاصل خیزی چنانچه عمده حاصل این دشت خوب است - ۳ و شت پایتوت و تارین است - ۴ و شت گسکلان است که عمده اراضی فرانس است بحسب پیدایش گندم و انگور - ۵ و شتی است که مینامندش لاند (یعنی سطح) و این زمین سویی است از نوع مشتمل بر بل سیاه و سرخ - در این چند سال سعی و کوشش زیادی شده است که این زمین مرغ شود و بعضی درختها نیز فشانیده اند در آن بعضی سبزی آلات هم زراعت کرده اند مگر هنوز بقدر ۲۰۰۰ یا ۳۰۰۰ میل مربع آن بکلی خالی از انسان حیوان و نبات افتاده و بندرت چوپانی پیدا میشود و آن که پوست گوسفند پوشیده و بکلی خود را بصورت حیوان درآورده است -

انهار - فرانس آب بکثرت هست آبهای آن مبادات از چهار جانب سر شیب در چهار به چهار و ریامیریز و دریای شمال انگلیش جنل سمجیه و پیکه دریای مدیترین و فزگرین رودهای فرانس سین است دلاز و گرن و رن و این رودهای مذکوره روی هم رفته بقدر سه ربع تمام سطح فرانس افر گرفته اند و چند رود دیگر هم هست در فرانس که چندین قابل مذکار نیستند - آنگیر و این ملک بسیار معدود است و ناقابل -

هوا - در خوشی و اعتدال سلامتی هوای فرانس بهترین هواهای تمام ممالک یورپ است

۱۴۵ جغرافیای تونس

مغ و دک و جانب شمال سردی مستان غالباً سخت است و بر غلات در جنوب تبستان گاه گاهی
بانتباهی گرمی میرسد - در سواحل یای مدیترنیم قنبار درختی با حاصل میوه از بادای گرمی که
از ریگستانهای شمال افریقای وزد - غایت اعتدال هوای تونس در ایام سال ۵۰ درجه است
در شمال و ۵۸ درجه است در وسط و ۶۰ درجه در جنوب و در تمام سال ۲۲ اینچ بارش می بارد
در شمال و در خود پاریس ۵ اینچ و در دشت رن ۳۵ اینچ -

خاک تونس مطلقاً حاصل خیر است و بعضی ازاراضی و ضلوع آن در حال خیری در عالم مافوق
و فقط بقدر رده یک از تمام این ملک لم یزرع است - حاصل و پیدایش ملک تونس با فراط و بطلان
بسیار است - اما از حیوان آنچه در انگلن است در تونس نیز است که در ایران و این ملکها نیست
از طیور یکی یاد و قسم از انگلن بیشتر است در تونس - از موام و حشرات الارض کرم پید که چپنها و
عقرب و خرچنگ و چلپا سه بزرگ سبزرنگ در این ملک بسیار است - سبزی آلات نباتات
بحساب و اقسام مختلف در تونس و چندان است از آنچه در ملک انگلن است و از میوه جات
در تونس انگور است و نارنج و لیمو و پید انجیر و با دام و پسته و غیره که هیچ یک از آن انگلستان
یافت نمی شود و در جنگلهای تونس کازک بسیار است و نیز پنبه و قباکو و مختلف اشیائی که با آنها
پارچه بازنگ میکنند و شکر که از چقندر میسازند - انگور ملک تونس بسیار است چندانکه بقدر یک
زمین آن در زیر زراعت انگور است و از شراب در این ملک فوراً و با اقسام بسیار مختلفه
میکشند که در هیچ یک از ممالک نیست - مدیترانیا ملک حمزه غالی است این ملک سنگ بسیار
سنگ عمارت و سنگ لوح و سنگ مرمر و در تونس بیش از هر چشمه معدنی دارد که اکثر آنها گرم است -

در تونس پنبه بسیار است که در این
تونس حاصل میشود
سنگ کازک خیری است در تونس
در تونس شکر بسیار است

جغرافیائی و فنی

حقیقت و بیان - حقیقت فرانس در ماه جنوری ۱۸۷۳ اتفاق افتاد و شد ۲۸۲۱۰۲۶۱ نفر بود
که صدی ۱۹۰۰ در فرنج بود که در اصل فراتی اند مروج و مخلوط از قوم سلت و رمن و سیوتان بقیه
احسنه دیگر از آن نشتیت فاتهایی مختلف بودند که از ممالک دیگر پدران شان جلا و وطن گزیده
پایین ملک آمده بودند - بیان خلق و دربار حکومت و نوشتجات و کتب این ملک تمام است
فرنج است که از نشتاتی باقیه است از متین و لیکن در بعضی از املاک بلغات مختلف و یکدیگر هم
بعضی از خلق صریح یعنی اوانی ناس -

تمام ملک فرانس تقسیم شده است به ۸۷ و پرتغالت و این تقسیم قبل از جنگ فرانس و مونی
و قسمت بزرگتر آن چون مصالحه شد فیما بین این دو ملک مذکور یکی از این دو پرتغالت با واکند
شد بجز مونی و یکی شالون دیگری شد که اکنون باقی تفصیل آن نیست - پای تخت این ملک پاریس است
که قریب فاش خلقیت دارد و دیگر شهرهای عظیمه متعدده و دهم در این ملک هست
که از سه ملک و واک خلقیت دارد -

مشاغل بسیار می باشد ۶۰ نفر از خلقت ملک فرس مشغول دراعت و بقوت
و غیر آنکه یکی چندان دراعت نمی شود که فرس چنین میگویند که برابر نبی از تمام
آن قابل نیست است و عمده دراعت و نبات آن گندم است و جو و رانی و زرت و انگور
و چغندر و توت و تخم آو و غیره گو سفند و گاو و شتر و کره بسیار است فرس مرغ خانگی نیز بسیار
پرورش می شود و تخم مرغ اکثر از این ملک بدگیر ممالک می رود - زنبور عسل و کرم پدیه هم بسیار
و این ملک پرورش نمی شود - مینو و کچری فرس در دست و کثرت شانی آن گند است و عمده آن

۱۱۳ جغرافیای فرانس

یافتن پارچه های ابریشمین قماش و پشمینه و کتان و مسکرات و شکر و چرم و سامان چرمین و جواهرات و اسباب آتشخوار و بارفتن و شمعینری و چوبینه آلات و صابون و کاغذ و کلاه است و غیره -
 کندن معادن یکی از بزرگه شعب ابریه صنعت و ثفل اهل فرانس است و عمده معدنیات آن آهن است و زغال - تجارت فرانس بسیار است و عمده مال التجاره خارج اش پارچه ها و سایر اش ابریشمین است و پشمین و مسکرات و اثاث البیت جنس خوراکی یعنی صوب و دست کش و جواهرات و زرینه آلات و غیره و عمده مال التجاره داخل اش ابریشمین است و پشمینه و کتان و پشمینه و زغال و فلزات و غیره -

طرق و شوارع - فرانس بسیار ممتاز و خوب است و شاهراه های بسیار خوب دارد و متعه و رود های قابل مسافرت و دریوی بهم با حسن و فیکو ترویجی ساخته شده چنانچه سال ۱۸۷۳ بقدر ۱۱۰۰۰ میل یوی آماده و ساخته داشت و ۲۰۰۰۰ میل مگراف -
 تربیت - در ملک فرانس وضع بسیار خوبی قرار داده شده است بجهت تعلیم و تعلیمات عموم خلق و آن رشته شده است خاص از امور متعلقه حکومت که واگذار است بیک مجلس کونسل معین که یکی از وزرای دولت و آن مجلس حکومت دارد و در این وقت این مجلس حکومت ملک را بغایت توجه است بجهت تربیت و تعلیم خلق و لیکن چنین تصور شده است که خلقیت فرانس در تحت این تهیه و تدارکی که اکنون دیده اند بجهت تربیت عامه نخواهند آمد تا آنکه اقلایک لپشت و قمرنی بگذرد و از این مردم و از این زمان - در سال ۱۸۶۶ تحقیق پیوسته بود که صد تا ۳۰ تن در تمام لشکریان فرانس امی و ناخوانده بود -

۱۱۸ جغرافیای فرانس

در جغرافیای همپبر نوشته است که لغت پنج ششست است از لغت اهل روم (روم) و دوازدهم از لغت اهل
این لغت بیش از هر لغتی جریان یافته است در دیگر ممالک دول و آغاز صفائی و پاکیزگی
این لغت بیشتر از عهد سلطنت چارلس ۱۱ است و از آن زمان مذکور در فرانس هر رشته از علوم
ترقی یافته چنانچه در علم ریاضی و طبیعی بغایت ترقی دارد و باوج کمال رسیده است نیمه کمال
ستوای شعر در هر فنی از فنون دیگر علم و ادب حکمت فرانس لاثانی بوده باشد. چنین میگویند
که کتب و اخبار و روزنامه و امثال ذلکی که در هر سال در فرانس طبع میشود ۴۰ میلیون است
شکی نیست که اکثر و اغلب از انجمله را بیش از یک و ز فایده نیست مگر عیب کلی این بغایت
حسرت و نفوس در این است که بسیاری از این کتب بجهت تهذیب عموم خلق ملک خوبست
یعنی چنان نوشته شده که خلق غیر مهذب و بد فعال میشوند.

حکومت - حکومت فرانس از سال ۱۸۷۲ با اسم ریپلیک بود مگر در این اوقات
ریپلیک اقمی است و امروزه اختیار کل امور ملک با اختیار مجلس عامی است که مینامند
فشنل اسمبلی و مشتمل است از ۷۳۸ جز که عموم خلق اختیار میکنند هر یک از آن اجزاء را و
اجزای مجلس مذکور اختیار میکنند رئیس خود را که تمام رتق و فتق امور ملک بکف او نهاده است.
مذهب - اهل فرانس عیسوی است از قسم من کتلیک مگر اختیار و آزادی مطلق است
از برای هر گونه مذهب و طریقه و علمای من کتلیک و پرستنت هر دو از دولت مستبری
و واجب دارند از فند عام یعنی بیت المال که برای انگونه مخارج و مصارف مقرر است.

در کتاب جغرافیای فرانسه
صفحه ۱۱۸

تاریخ

باشندگان نخستین گال قوم سلت بودند که قبل از آن نمیتوان قومی را مشخص نمود که در حدود
غربی مملکت یورپ سکونت داشته باشد. ملک فرنس برت جولیسن سبیسر بگشت و
۵۵ سال قبل از تاریخ عیسوی متعلق شد به ملک و میان - در سال پنجمین عیسوی گال محل دستبرد و
تاخت تاج قوم گات و اهل بگرگندی و قوم فرنگ واقع گشت و این قوم اخیر ملک مذکور را در قبیله
خود داشت که بهمان مناسبت این ملک ابدالزان خوانند و فرنس - اساس پادشاهی و این ملک
کلوئیس یکی از باشندگان آن نهاد و در سال ۸۴ عیسوی و بواسطه پیداشدن مذہب عیسوی در آن
معروف و مشهور جهان گشت امتیاز بهم رسانید از سایر ممالک یورپ بهین قیود و زبر و قوت
استیلائی آن یاده میشد تا زمان سلطنت شترلمین در او اخر صد سال هشتم عیسوی که دهنده وسعت آن
کشیده شد تا شصت و اذ خاک جز بنی و ایالتی و اسپین همچنین تمام خود ملک فرنس و آگاه موسوم گشت
" مملکت جدید مغرب " پس از مرگ شترلمین فقط مملکت بدان وسعت تقسیم و قطعه قطعه
بلکه خود ملک فرنس هم منقسم گشت و میان امر او اعظم چندان قوت و استعداد بهم رسانیدند و چندان استقلال و قدرت
و بخش خود و رفته رفته این امر او اعظم چندان قوت و استعداد بهم رسانیدند و چندان استقلال و قدرت
یا قند که پادشاهی را که در آن عهد برایشان پادشاه بود و خبر نام و تاج بیش نماد چنانچه یکی از امر
که بآن استقلال و اقتدار رسیده بودند و لیم بود و لوک شلع نامندی که در سال ۱۰۶۶ حمل ملک
انگلند آورد و ملک مذکور را گرفته رسم فیدول را در آن جاری ساخت -

تاریخ

۱۵۰
تاریخ فرانس

چون خاندان برونو کپشت در سال ۹۸۷ بر تخت فرانس بر نشاندند بر چند نفر از ضعیفای این امرافین آمدند
 و ملک ایشانرا ضبط نمودند پس از این خاندان در عهد پادشاهان دیگر انجیال بر همین منوال جاری ماند
 یعنی ضبط الارضی و املاک امراد و اعظم تکمیل آن و مطیع ساختن عموم مردم را چنانچه باید و نشاید صورت انجیال
 نیافتند و در آخر سال هجدهم عیسوی در بین ایریق مان طولیل مکرر تنازع برخواست فیما بین فرانس و انگلند
 و کنتلبساری و خاک فرانس گرفت در صد سال پانزدهم مکرر و دی مجدداً گرفت بدو صد سال شازدگ
 و هفدهم نیم صدهای که بود منسوب تاریخ فرانس تنازع فیما بین و در مذهب مرن کتلیک و پرتستانت بود
 و نیز ترقی علم هنر و ادب فرانس که آغاز شد در اول عهد پادشاه لوئیس ۱۴ (از ۱۶۴۳ الی ۱۷۱۵) -
 انقلاب و قوه عظیمی بر پای داشت سال ۱۷۸۹ در اول ماه سپتامبر ۱۷۸۹ در آن روز خلق ملک در مختلف
 کالیف اوقات در افتادند - این انقلاب که در اوقات انجام یافت که مافی پیش نبود یک تاریخ بزرگی
 وار و مکررند چند کلمه پیش از آن نمی نویسم و بجهت آنکه این انقلاب قنده آن شد که جزای مجلس شورای
 فرانس سه قسم بود و در اعظم کبار و علمای و کلامی قوم که آنها را می نامیدند هرگز از آنها که بمنزله کاسر با
 انگلند بودند و مجلس لوئیس ۱۶ این تدریج که اعظم و علمای در یک مجلس شایسته و تیر زانیتا و مجلس
 این فقره موجب کرد این عجز و بایه آن قنده عظیم گشت که این تدریج کی از توضیح معتبر تاریخ خود
 تفصیل منویسد که اجداد و مر و جوان هر طرفی که با فرانس بود - با نهند ۱۰۲۲۵ نفر بود
 باجماع این آتش فرو نشست از شعله باینکه خلق کردن طاعت نهادند و باینکه و شکری جزا که سپید
 و افران نملین بپارت بود در بین این مان می وضعی که فرانس بود یک انقسام جدیدی
 یافت که ۸۶ ضلع گشت و نیم قسمتی از جرمنی و باقی هم متعلق گشت بفرانس و آن ۱۷ ضلع مقرر شد

۱۵۰
تاریخ فرانس

۱۵۰
تاریخ فرانس

۱۵۰
تاریخ فرانس

تاریخ فرانس

و فتوحات دیگری که پس از آن شد اسوئیرلند و نیپلس و اسپین و بعضی از جاهای دیگر
را هم در تحت انقیاد فرانس در آورد. بالاخره اتفاقی شد میان ول و ممالک عظیمه یورپ و نیپلس و نجریان و
نمود باز ایستادند و منوع گشت جمعی شد شهر ویرنا و در آن مجمع فرانس بجای نخستین خود باز نشستند و زمین آن را
بحد و دودعت قدش محدود ساختند و فاندان جرمان مجدد و سلطنت فرانس مقرر گشت.

بعضی از وقایعی که از این زمان مذکور فوق بعید رخ داد هم هر یک کم از فتنه بختیسی (یعنی روالیغونی) نبود
مثل نیکه در سال ۱۸۳۰ عیسوی چیرلس ۱۰ را لاچار کردند که از تاج و تخت خود دست بردارند و
لوایس فلیپ بجای او نشست بانکه اقتداری محدود و اختیاری و یک فتنه دیگری نیز روی داد
در سال ۱۸۴۸ که پادشاه مذکور را هم مجبور ساختند که تاج و تخت را فرود گذارد و آنگاه سلطنت جمهوری
گشت از سال ۱۸۵۱ مجدداً فرانس ولتی شد بسیار قوی و زمان ریاست لوایس نپلین بیست و یک
نپلین که ۲۰ سال در واقع کلید رتق و فتق امور تمام دول یورپ و قبضه اقتدار و اختیار او بود تا
اینکه در جنگ با دولت پروس شایا چون فرانس مغلوب شد شارالیه با نکلند رفت و در انجا بمرد و چنانچه
در بیان حکومت ملک مذکور نوشته ایم اکنون باز دولت فرانس جمهوری است.

اما در قدیمه - از آثار و علامات قدیمه این ملک سکه های بد شکل بد اسلوبی تاکنون باقی مانده است
و چون بوضع سکه های یونان ساخته شده لهند چنین گمان رفته است که اینها از اثر تربیت
یونانیان است که از اهل این ملک کرده اند و از منته که بخشی از این ملک را گرفته بودند
ششصد سال قبل از تاریخ عیسوی - اما از آثار و علامات قدیم در میان عمارت عالی شان
و معبدی بنیانی باقی مانده است که بی نهایت هر دو عجیب اند و معروف همه کس و همه جا

تاریخ فرانس

و در بعضی از جاهای این ملک چیزی از آثار معابد در وسعیه بنظر می آید - پارچه زر نفیس و زیبا
 نقش به نقوش و صور و اشکال مختلفه بسیار عجیبی که خیلی دیدنش مفید است در مسجد جامع کیش
 در ضلع نارمندی تا کنون موجود است از باقی ماند های از منته او اسطوره تاریخ عیسوی که تمام
 کیفیات و واقعات جنگ **هستینگز** در آن نقش است که می گویند مستبدانه زوجه
 و **ولیم کانکر** را آنرا بافته یا نقش کرده - اهل فرانس اگر چه بلخی محکم میکنند که ماده آن تین است
 (چنانچه قبل از این اشاره شد) مگر احتمال کلی می رود که نثر ادین قوم غلب به سلت های قدیم
 منتهی شود که رومیان آنها را مسکون ساختند و در زمین گال در عهد جولیس سیزر و این فرق که
 گفتیم بیشتر از نه قسمت از ده قسمت خلقیت این ملک است - ضلع **السیس** و لارین غالباً
 مسکون است از قوم جرمن و نیز در حدود ملک بلجیم خلق بسیاری هستند از قوم **فلیمینگ**
 و باشندگان بریتانیا نیز از ذات سلت اند و هنوز بلخی مستحکم اند قریب بلغت اهل **ولیز**
 که در طرف غربی انگلند سکونت دارند - در طرف جنوب و مغرب فرانس بسیاری از خلق
 متعلق اند برشته اهل اسپین و یهود در همه شهر های بزرگ این ملک یافت میشود در کار **سینیک**
 و لغت آن هر دو ایتالی است - بحسب طبیعت و مزاج مردم فرانس زنده دل و متواضع اند
 و بسیار طالب آمد و شد با یکدیگر و اجتماع در مجامع و نشا و انبساط و ارباب صرار و ابرام و رانگیونه
 امور دارند که خلاف رسم و عادت سایر خلق عالم است به پیشتر می توانم بپذیری معروف شده اند
 و بخوبی نیزش بی نهایتی که برخلاف رسم آدمیت در برفته نموده اند بخصوص در فتنه سال ۱۷۸۹
 یک دفعه سیاهی از بدنامی بر ناصیه حال و صفت و قرا اعمال خود نهاده اند -

جغرافیای مجسم

ملک بلجیم جغرافیا

بلجیم جنوب ملک بالند است و جوانب شمال مشرق آن بهر حیثیت چندان غلبه است بمالک اند
دارد که ممکن است در جغرافیا بطور واقع قسمتی از آن خاک شمرده نمیکند را - طول آن ۹۰ میل است
و عرضش ۵۱ میل و هشتاد و چهار میل مربع و این ملک را نقطه صاعقه است در طرف دریا
و در طرف مشرق و جنوب آن کشیده شده است و شش سطح کره زمین و در استان لی در این قاره
محنت و مشقت خلق این زمین معمور کرده است چنانچه نباتات بسیار خوب از آن معلوم می آید - در جانب
شمال مشرق قطعه زمینی است بقدر ۵۰۰ میل مربع تمام که پیر و پیچیده افتاده است مگر در جانب
و مشرق قطعه زمینی است مثل براتال و اراضی مرتفعه که بیش از ۲۰۰۰ فوت رفعت آن است از
سطح دریا مگر کوه واقعی در این ملک نیست -

انخار - ملک بلجیم از حیثیت آب بسیار معمور است و آبش با فراط است چنانکه یکی از انخار آن
اگزرت است که هشتاد و میل طول دارد و ۵۰ میل از آن قابل مسافرت است - دیگری
سکمز است که ۱۰۰ میل طول آن است و بیشترین حصه آن قابل مسافرت است یک لیگ است
که آن هم ۱۰۰ میل طول دارد و مسافت در آن بسیار نظرناک است -

منا - مطلقاً هوای بلجیم خوش است و معتدل بجز آنکه در طرف شمال و مغرب آن بکلی مرطوب است

جغرافیای مجیم

اقل اعتدال بود شهر بر سر آن که پای تخت ملک است در تمام ایام سال قریب ۵۰ درجه و گاه گاهی هم با اتفاق تابستان بغایت گرم و زمستان بغایت سردی شود و بارانی که در تمام سال بی بار و در این ملک ۲۶ اینچ است -

خاک بلجیم مطلقاً شل است از کل و رمل و بسیار حاصل خیز است و یک حصه غلیم آن بجنسیت و نه مندی خلقتش بغایت حاصل خیز و عموشده است - قریب نیمی از زمین این ملک لایق زراعت است و پنج یک آن چراگاه است و پنج یک آن جنگل است اندک قسمتی دیگر که باقی مانده هم سریع و ناقابل است - حاصل حیوانات خانگی این ملک از آن قبیل است که در حد و مغرب یورپ عموم دارند و لیکن اسب خاصی در این ملک یافت میشود که میانندش فطرتش درین که بسیار عجیب است مفایده مند و قیمتی حیوانات وحشی این ملک خرس است و گرگ و قوسی از آن بود که میانندش بک - نباتات این ملک جناس خورکی مانند گندم و جو و غیره است و انگور و زغن چپا غ و آب و چقدر چیزیکه میانندش چیزگاری و چوب عمارت و پوست درخت و فلکس و تنباکو - معدنیات این ملک کثرت است اینهاست - زغال و آهن و مس و قلع و سنگ لوح و سنگ عمارت و غیره و زغال بلجیم بهترین و قیمتی ترین زغال هر ملکی است چشمه های معدنی بسیار معروف هم در این ملک یافت میشود -

خلقیات و زبان بلجیم نسبت به وسعت زمین که دارد بیش از هر ملکی در تمام یورپ خلقت دارد و چنانچه قبل از این نوشتیم که وسعت این زمین ۱۱۴۱۲ میل مربع است و این اندک وسعت زمین سکون است ۵۰۸۷۱۰۵ خلقت که ۴۵۱ نفر در هر میل مربع تقسیم و بخش میشود - ازین خلقت صدی ۸ نفر از ذات فلینک و بقیه و لوون است و فرنج و بقدر ۳۹۰۰۰ هم جزین

تاریخ بلجیم ۱۵۶

ماضی (۱۷۰۰) سایر ضلع ایما ملک فته زفته و افتاد قبضه دیوک های برگشتنی بوسطه
مزاویت و مناکحت میری رئیس برگندی دامپرا مکسمیلیان در صد سال پانزدهم
همه این ممالک و ریاستها بخاندان استریا مقرر شد و بعضی از حد و ملک دوج
حصه شد از ممالک محروسه چرلس ۵ نیر و یک میلین و پد فلیپ ۲ پادشاه اسپین مگر
ریاستهای بلجیم مع شدند با دولت دوج و علم مخالفت و خصومت و کشتی برافراشتند و مقابل
این پادشاه ظالم متعصب و لیکن شانزده (یا پادشاه) پیر ما ایشا را مغلوب ساخت و
ناچار گرد که بهمان دتیره در زنجیر قید اسپین باشند مشروط بشرايط چندی و خواه و مطیع و خصوص
آزادی و فواید قدیم شان - در اواسط صد سال هفدهم مغلوب و مستخر لوالیس ۱۴ فرانس شدند
و لیکن پس از آن عهدنامه در میان استریا و فرانس دو بدل شد و این ریاستهای بلجیم هم و الگذا
گشت بار دیگر بملک استریا موسوم باین اسم "نیدرلند متعلقه استریا" - باز در اواخر
صد سال هجدهم لشکر فرانس باین ملک حمله آورد و شامل شد ملک فرانس را مگر در صبح ۱۴
مع گشت با ملک ماند و متعلق شد بملک مذکور و بالاخره در سال ۱۸۳۰ م بلجیم مجدداً
جدا شد و آنگاه بامضای دول عظیمه یورپ تعیین شد شاهزاده سکس کبورگ
بپادشاهی آن گزیده شد -

آمار و علامات رومیان در ملک بلجیم چیزی نیست که قابل ذکر باشد و از آثار و
علامات زمن او اسط انچه هست عماراتی است که متعلق بوده است باهل شرع و یا حکومت
زیر که در آن از مننه اکثر دولت و زریورپ در این حد و صرف می شده -

نذرلند زیبا بالند

جغرافیا

نذرلند زو بالند هر دو یک معنی دارد و هر دو معنی زمین پست است و این ملک از ان باین میخوانند که نشیب پست است و نذرلند ز اکثر استعمال میشود و بجهت سراسر این ملک بالند اطلاق میشود و بجهت قسمتهای شمال و جنوب این ملک که بالنسبه پست تر اند و لفظ بالند بیشتر استعمال میشود و بجهت تمام این ملک چه در گفتگو و چه در نوشتجات - با بجمه بالند و بسیاری از حیثیات و کیفیات یکی از جمله ممالک بسیار عجیبه جهان است - طول آن ۱۹۶ میل است و عرض ۱۰۹ میل و مساحتش ۲۰۵۲۷ میل مربع - سواحل آن همه جا پست است و بهین جهت در بعضی جاها شعب دریا دیده است در شکم زمین آن - در بعضی از جاها سواحل آن نیز واقع شده است اتکالی از مل متحرک که بوزیدن باد آغشته میشود و از جانی بجائی نقل مکان میکند و روی هم اتکال مذکوره بقدر ۴۰۰۰۰ جریب مربع زمین این ملک را فرا گرفته و بسیاری از این اتکال از ۴۰ الی ۵۰ فوت ارتفاع دارد و لی بکمتها هم عملی این اتکال را از حرکت باز داشته و باز میدارند همه ساله - و معتقدند اجتماع از جزایر متعدد واقع است در جانب شمال مغرب و جنوب و مغرب ملک بالند که اولین آنها یعنی آنکه در شمال واقع است بنامید که وقتی از اوقات همه یکدیگر وصل بوده و قطعه بوده است از خود زمین بالند عبارت از جزیره نموده

جغرافیای بالند

و زمین ملک اتصال داشته اما دوین آنها را چنین تصور نموده اند که وقتی از اوقات کثیلت
 زمین بوده مگر طغیانی و فزایش آب و دمای زمین و غیره که در اینجا واقع اند بعضی از جاها
 آن زمین را غمرور داشته - یکی از این جزایر مذکوره را نام و ^مچچرن است که امیل طول و
 ۱۰ امیل عرض و م خلقت دارد و بواسطه آنکه از طغیانی آب محفوظ باشد اطراف آنرا
 خاک ریز کرده اند چنانچه گویا گرداگرد آن تلی کشیده است - صفحه این ملک مطلقاً مسطح است
 جز آنکه در بعضی از جاها ی آن اندک ارتفاعی دارد و در اکثر از جاها از سطح دریا هم پست است
 و این را رضی پست را ابتدا آب فرا گرفته داشت مگر تندخ گل و چینه های دیگر که اگر دانه ها
 گرفته آب شان نیز خشک شد و اکنون حاصل خیزترین قطعات این ملک استند و درین
 ملک نه کوه است و نه سنگلاخ و نه هم جنگل بسیار - بالندی یکی از جمله مالکی است در روی
 زمین که آتش کثرت و افراط است و اکثر آب های آن از طریق انهار و جداولی که آنها را
 دستی بریده اند داخل میشود بریای شمالی ولی این جداول مذکوره را بدستی ساخته اند که آنی
 که در هر جانی جمع میشود داخل آنها میگرد و حال گونی که به هزارها آسیام و مسکیند و متحرک میدارند
 این هم فایده ملک است - آنگیز یا دریاچه عظیمی که در این ملک بود آنگیز بحرلم بود که سیمصد
 سال قبل از این بقطه آب دریا فزایش نموده زمین آنرا فرا گرفت و آنگیز ندر و این آنگیز
 ۳۳ میل گرداگرد داشت مگر آب آنرا کشیدند و خشک نموده مزرعش ساختند و بهین تیره
 نوشته اند که ۹ آنگیز را کوچک و بزرگ در ملک بالند خشک نمودند از سال ۱۴۴۰ عیسوی
 و از آن زمان تا کنون بقدر ۶۲۰۶۲ جریب مربع یا ۳۵۰۳ میل مربع بر زمین ملک بالند

جغرافیای بالند

افزوده اند - آبیگر دیگری هست که بنخوانندش پیش باش ابتدا زمین بود مگر در سال ۱۴۲۱ طغیانی آب آنرا فرا گرفته آبیگری ساخت ۲۴ قریه را با انفس فرو برد -

مهرآ - هوای این ملک مرطوب است و اکثر اوقات روی زمین را نرم فر گرفته و اقل عمدتاً هوای این ملک بسیار تفاوت دارد با انگلند و حال آنکه هر دو در یک خط واقع اند و نیز بسیار قریب اند یکدیگر مع ذلک تابستان بالند گرم تر است از انگلند و زمستانش نیز سردتر است و بحدی سرد میشود که رودی که بریده اند از شهر آقشیر و قم به بلند رسد سه ماه در سال عبور و مسافرت در آن بازمی آید زیرا که سراسر آنرا یخ گرفته است و همچنین دیگر انهار و جداول نیز غالباً همه یخ بسته است در موسم زمستان - بادهای سختی که از جانب غرب می وزد در این غالباً سخت و خطرناک است در تمام سال ۲۶ پنج بارش میبارد و مدت ایام بارش ۱۲۰ روز است - خاک - در خوبی و بدی بایر قوتی و کم قوتی زمین بالند دو وجه مساوی است آن نمی ازان که خوب است واقع شده است در وسط ملک از مشرق بمغرب و آن نمی که ازان بد است واقع است در جانب جنوب و جنوب و مشرق و اضلاعی که در طرف شمال واقع اند همه ریگستانند و بی حاصل -

حاصل - در ملک بالند حیوان بسیار کم است مگر موش و خرگوش و از این قبیل جانوران بکثرت است و در انهار و جداول غوک بیعتی است که در آن ملک خوراک تعلق است و تعلق هم در این ملک بحیاب است و در کوچ و بازار جو قه راه میروند بدون آنکه کسی متعرض آنها شود و آنها را آزار کند و نظری سختی هم مقرر است کسی را که آزار کند یکی از این طایر را زیرا که مردم بالند

۱۶۱
جغرافیای آلمان

کینوع حرمی می‌نهند باین طایر از روی تهاوت بی بهمان قسمیکه مردمک محرم می‌نهند بخروس سفید بعضی
چیزهای دیگر و یک جز نامحرمی هم از برای هر یک بیان میکنند چنانچه از برای در ملک آلمان بسیار است و واقع گشته
عظیم دولت آمدنی آن از برای است - نباتات این ملک مثل است از بعضی از نباتات و اشجاری که از آنها غلات
میگیرند و انگور و چند درخت و در باب فلکس و بهب و تنباکو بعضی از گلها و هر گونه حبوبی که در ممالک سوط
یورپ یافت میشود - معدنیات این ملک منحصر است بخاک که از آن ظروف آلات میسازند و آهن نیز خاکی که در
اصفهان گل شیرازش میگویند که زنان می‌شوند بان همچنین پارچه لباس از آن می‌شوند و یکی و چیزی بسیار کم
و قیمت دیگر هم یافت میشود - خلقیت و زبان - خلقیت این ملک در سال ۱۸۷۲ تعداد شده بود
۴۰۲۷۴۴۰۲ نفس بود که شامل بود از وچ و فرسیان و فلیمنگ و زبان عموم خلق وچ است
قوم فرسیان بخت خاص خود و حکم اند - مشاغل عمده ملک بآلند تجارت است آنگاه و بخت و عت
و نگاهداری حیوانات کارهای دست کاری (مینو کچی) و ماهی گیری - آما تجارت ملک بآلند چندان بود از
قدیم الایام که تمام دولت و عظمت ملک ترقی خلق آن از تجارت بود و هست بویژه در بین صد سال شانزدهم
و هفدهم و چیزی از هجدهم هم تمام تجارت مملکت یورپ در کف آلمان بود چون طوایف دیگر ترقی کردند و
مال التجاره خارج خود را در جهازات خود حمل و نقل کردند و مال التجاره داخل خود را در جهازات خود آورد و در تجارت
ملک بآلند تنزل نمود و از جریان بازاریست و جنگلهائی هم که بعد از آن واقع گشت نقصان بآلند بادی ملک
بآلند وارد آمد مگر از سال ۱۸۱۴ که صلح عظیم شد فیما بین دول یورپ با تجارت آلمان روی انقباض و ترقی
و اکنون در دولت ثروت ثانی انگلند است - تجارت داخل ملک آلمان با جزئی بسیار است و عمده چوب است
که در رودین می‌آید و در آن تجارت مال التجاره خارجش مثل است عمده از اشیائی که درست میشود شیر

و رانی را میگویند

۱۶۲ جغرافیای بالند

مانند پنیر و کره و امثال ذلک در ایته کلبا و ماهی خشک و پارچه های ابریشمین و غیره و شراب
چین و مال التجاره داخله اش اشیائی است که از امر کجای حل میشود و قماش و جوب و شراب
و لیشم و از آنجمله هر ساله بقدر ۲۰ میلیون پوند کره از بالند فقط بملک انگلند حل میشود - باجمله
غیر از اینها هم مال التجاره داخله و خارجه ملک بالند بسیار است -

طرق و شوارع - نهرهای بریده معبر عام و شاهراه عظیم و آبمی است در ملک بالند بجهت
تجارت و همچنین در باب وایاب خلق بهر کجائی از آن ملک و این انهار را بعضی بریده و
بقسمی کشیده اند که بهر شهر و قصبه و قریه عبور میکنند از هر جانبی حتی بهر تنگتری سانیده اند
و در آنها قسمی از کشتی های خور و انداخته اند که در اوقات خاصی بجهت حمل و نقل بترین
و بار مقرر شده روانه می شوند و در آن قسمتی از این ملک که آن را خاص بالند یا بالند
خاص میخوانند از اینگونه انهار بیشمار است که اعظم و اطول آنها آن است که کشیده
شده است مابین شهر امستیر و رم و کلدز که ۵۰ میل طول آن است و ۱۲۵ فوت عرض
و ۲۴ فوت عمق آن که نجوبی و کشتی خور و میتواند پهلو پهلو برو و دیاید - در موسم زمستان
این انهار غالباً بخیسته و خلق و بات و قوی زن و مرد و باطراف شیره و است و مثال
اینها بالای سر جوقه جوقه و دسته دسته در غایت سرعت بشهرهای میروند و می آیند -
بیش از ۴۰۰ میل یوی دارد که متصل است از هر طرفی بشهرهای عظیمه ملک - شاهراه های بالند بسیار
بهنا در و غرض اند و نجوبی هرست کجا باری از آنها میشود و بجهت حرکت کار بها کمال همواری و صفای دارند
و هر طریق و شارعی تا میلیها بخط استوار است و راست میرود -

علم و تربیت - علم و تربیت در هلند پیش از هر ملکی از ممالک یورپ قراریش یافته است سوای ملک پروس و شیا و بعضی از ریاستهای کوچک جرمنی و قواعد بسیار خوبی هم جاری است بجهت تربیت و تحقیر هر صنفی از اصناف خلق باندک مخارجی و تربیت خلق را دو درجه است یکی درجه ادنی و دیگری درجه اعلی و حکومت را کمال توجه است در امور درجه اول و تربیت و آموختن اطفال فقرا و این بموجب قانونی است که حکومت جاری کرد در سال ۱۸۵۷ بجهت تربیت اطفال ضعیفا و اکنون تخمین شده است که در میان دهاقین و صحرانشینان فقط یک ربع از پسران و یک ثلث از دختران قدرت بخواندن و نوشتن ندارند.

مذهب - بموجب قانونی که در ملک جاری است پیروان هر طریقه و مذهبی بکلی آزادند در عقاید و پیروی دین و مذهب خود و تا ما مساوی اند کسی را با دیگری کاری نیست مگر پادشاه و اغلب خلق پرستند و بطریقه کلوین عمل میکنند که آن را میخوانند کلوینیزم و بقیه حلق رسن کاتولیک اند و لوتری و ارمنی و یهود و دیگر مذاهب و معاش علمای هر فقه از حکومت ملک میسرند. شهرهای عظیمه این ملک یکی است و هم است که عظیم همه شهرهای ملک است که ۶۷۷۷۶۵ خلقتیت دارد و یکی از بلاد درجه اول است در تجارت و بنای این شهر بالایی ۹۰ جزیره است که بیکدیگر اتصال یافته است با واسطه ۳۳ پل و ... انفس در این شهر فقط بالماس تراشی مشغول اند شهر دیگر را تر و هم است که بیش از ۲۲۰۰۰ خلقتیت دارد. شهر دیگر چینگ است که پای تخت ملک در آن فقط ۹۲۷۸۵ خلقتیت است و خوب صورت ترین بلاد ملک هلند است و عمارات بسیار عالییه دارد و محل نشست مجلس حکومت است.

حکومت - حکومت هالند پادشاهی موروثی محدود است بموجب اصول و قوانین - در هر
ابداع و جریان قواعد ملکی پادشاه بمجلس شورای که مینامندش **استیتس جنرال** مشترک اند
مجلس مذکور مشتمل بر شانزده صنف یکی اعظم و اراکین ملک که گزیندن و اختیار کردن آنها با پادشاه
و دیگری وکلای خلق که گزیندن آنها با اختیار اصناف خاصی از اعظم و امرا و بلا و خلقیت شهرها و
قری است و در هر جایی که احاق دارد و وابسته باین ملک است نیز به همین وسیله مجلس جداگانه است
که بهین سه صنف خلق باید وکلای خود و اجزای مجلس حکومت را اختیار کنند.

استیتس جنرال

تاریخ

در ازمنه قدیمه قسمت جنوبی هالند حصه بود از ملک گال قسمت شمالی آن حصه بود از ملک مجری
باشندگان قسمت اول غالباً پنج بودند و باشندگان قسمت دوم غالباً **فرسیان** - در میان این
ملک استخوانوند و نوشته اند که **کلا و لیس** در سس قریب بدایت تاریخ عیسوی دیواری کشید
در جانب دریا که محفوظ دارد و ملک مذکور را از حملات حمله آوران دریائی یعنی کسانی که از طرف بحر حمله بان
آورد - در صد سال دوم عیسوی طایفه سکسن تاخت آوردند و در صد سال هشتم فرنگیان حمله آوردند
که از آن پس خبری گشت از ممالک مقبوضه شرمین - از صد سال دهم تا صد سال چهارم و پنجم عیسوی
این ملک منقسم بود در میان روسا و امرا یا شانهرا و گان ضعیف متحد می و در صد سال پانزدهم
همه این ریاستها یکی و متحد شدند در عهد سلطنت خاندان بزرگندی و از آن خاندان
در گذشته در سال ۱۴۷۶ خاندان استقر یا منتقل شد - در صد سال شانزدهم هالند متحد شد

مجلس استیتس

با ملک اسپین در جلوس و تخت نشینی چیرلس ۵ که پادشاه اسپین بود و امپراتور (امپراطور) مجبی
 مگر این اتحاد اوقت و بلانی بود ملک هالند را نیز که قوم حج که باشند گان این ملک هستند از قدیم الایام
 بسیار حقوق داشتند که ملاحظه میشد یعنی هر قومی که باین ملک دست می یافت حقوق ایشانرا ملاحظه میکرد
 و ایشان خوش بودند و دیگر که اکثر ایشان پیر و بودند بطریقه و شریعت و ولین جماعتی را که موجب
 مبدع ریفا میشدند مگر فلیپ ۲ پادشاه اسپین از امضا داشتن و بحال خود گذشتن حقوق
 ایشان مضایقه نمود و چشم پوشی کرد و ندیدند هب ایشانرا که ده شمر چنانچه لشکر گرانی فرستاد که هم حقوق
 آنها را احتصار و انحصار دهد و هم ندیدند شان را پایمال سازد لهذا آنها هم علی روسا لشهر
 علم مخالفت برداشتند و آغاز سرکشی کردند و پس از تنایع و زد و خورد بسیاری قایل آمدند و خود را
 از زنجیر قید و بستگی اسپین خلاصی در مانی بخشیدند - در سال ۱۵۷۹ هفت ریاست هالند
 از یکدیگر جدا بودند ولی با شریاط چندی متحد و یکدیگر بسته شدند در نهایت مغبوطی و در اوایل صد سال
 بعد هم اسپین هم استقلال و آزادی ایشان را قبول نمود و مضمی داشت تا پنجاه سال بعد از آن
 مقدمه ملک هالند بسیار خوب بود و تجارت آن باقصی الغایت علو و بلندی رسید که هیچ یک
 از ممالک یورپ بان پایه نبود در آن زمان و بعضی جاها و زمینهای خوب یر دولت را هم در
 امریکا و هندوستان مقبوض ساخت و حملات و تعدی لوالیس ۱۴ نفر پس را هم بخوبی مقاومت کرد
 و با آنکه اندک نیز بخشید و مخالفت و منازعت کرد بجهت فرمانفرمائی در دریا و یکی شد از دول قوی درجه
 اول مملکت یورپ - در بین صد سال بعد هم اقتدار و استیلائی هالند رفته رفته تنزل نمود و
 به نشیب نهاد و از هیچ رگدازی چندان پهلونخور و صدمه ندید که از افزایش و ترقی تجارت

۱۶۶
تاریخ هالند

در سایر ممالک یورپ - در اوایل سال ۱۷۹۵ که آغاز ردالیوشن بود ملک مذکور نام
دیگری بر خود قرار داد و در سال ۱۸۰۶ داخل ممالک مقبوضه نپلین اول شد که به برادر
خود لوایس واگذار کرد و چون در تحت ممالک فرانس درآمد از تمام کلنی های خود یعنی
زمینهای که در دریا های شرقیه داشت محروم ماند و لیکن بهنگامی که صلح واقع شد و میان
دولتهای یورپ در سال ۱۸۱۴ اکلنی های خود را باز پس یافت و مع گشت با ملک بلجیم
موسوم به بندرلند در تحت پادشاهی خاندان اُترین که ابتدا آزادی و استقلال خود را
از ان خاندان داشت مگر این امتیاز خیر و خوشی نگذشت بعلت آنکه قوم دیچ
و اهل بلجیم مختلف از یکدیگر بودند هم در زبان و هم در مذہب و هم در عموم حالات و خصال
و بنا بر این همان اتفاق و حکمتی که در ماه جنوری سال ۱۸۳۰ در ملک فرانس شد که پارس را
را از تحت و تلج محروم و معزول داشت همان اتفاق و حکمت در ماه اگست همان سال
هشت ماه بعد از ان در ملک بلجیم رخ داد که خلق مخالفت و رزیه ند با پادشاهی که بالفعل برایشان
فرمانروا بود و لیکن انجام آن این بود که یک حصه از گلنر ممبرگ که متعلق به بلجیم بود واگذار شد
به هلند - با بجمه ملک هلند در این زمان چندان زمینی ندارد مگر در ان افتراق چیزی از تفرقت
خارج اش از کف نشد و هر چند آن مایه صرف نسبت بزمان سابق بسیار کم شده مع لکن
روی هم رفته ۶۶۶۷۵۹ میل مربع زمین دارد و ۲۴۳۸۶۹۹۱ خلقیت و این بلخات و
کلنی ۲۳ هستند در عدد که از ان جمله جاوه است که به تنهایی ۱۱ میلیون خلقیت دارد -
آنها را و علامات قدیمه این ملک نه بسیار است و نه قابل نظر بار و دیدار و تذکار فقط یک منج

تلخیص هالند

خرابۀ از عمارات در میان در دهنه رود درین باقی مانده است و نیز برجی بر بالای زمین
مرغی ساخته اند که معروف است موتس آن ^{بزرگیست} بود شخص اذلی که قوم سس را
سرور گشته بلکه انگلند تاخت آورد و از علامات از منۀ او اسطعیسوی کلیسای آن شرح
باقی مانده است بایک برج بسیار رفیعی -

ساکنان این ملک غالباً از دو اصل و ذات اندکی باشند گان هالند که ایشان را ^{منند} پنج
که بیشتر خلقت ملک از این ذات اند و دیگری فریسان که در گرفته اند اضلاع و حدود
فریتر کنند و بعضی از جزایر جول و حوش آنرا لغت اهل این ملک لغت پنج است که ریشه است
مشق از زبان جرمن و لیکن عالی ناس لغت انگیزی و فرنج بهم نجوبی تکلم میکنند و لغت فریسان
بمشتز و یک زبان انگلیش است از سایر زبان ها - (در خبر قیما اشاره باین فقرات است)
مردم ملک هالند بسیار رحمت کش اند و بسیار پاک و پاکیزه و عادات این قوم همه بر وفق نظم و
نسق و تربیت و تزین است و هر چند گاه گاهی امساک را باقی لغایه میرسانند و ملک
رسم گدائی در میان این قوم بسیار کم است - سسته مزاج و طبیعت بلغمی مردم این ملک از اثر
هوای مرطوب ملک شان است و جرات شان غالباً از روی غیرت و تهور نیست و بجهت
عظمه استعمال نمی شود بلکه محض آشوب و قلند انگیزی است و محن شان حرکت و رحمت بیجا است
نه آنکه مفید فایده باشد - با بجمله روی هم رفته نه ترقی می کنند و نه تنزل می نمایند و در این
زمان بخصوصه چندان طالب ترقی نمیستند -

ملک اسوتیرلند

جغرافیا

اسوتیرلند ملکی است که بحسب کثرت جبال و تعدد آتلال و رفعت زمین هیچ ملکی در تمام یورپ نیست فقط ملکی است که در تمام یورپ در وسط خاک واقع است یعنی در هیچ طرفی بدریا اتصال ندارد و زمینی است که ارفع قله الپس در آن واقع شده و ازان سرزمین شعب جبال مذکور کشیده میشود و بملک جرمنی و فرانس و استریا و ایتالیا -

مساحت - ملک اسوتیرلند ۵۲۳۳ میل مربع است غایت طولش از شرق بغرب ۲۲۰ میل و غایت عرضش از شمال بجنوب ۱۴۰ میل است و محد و دست در طرف شمال بملک جرمنی و در طرف مشرق با استریا و در جنوب با ایتالیا و در مغرب بفرانس -

سطح - اسوتیرلند همه کوستان است جز در طرف شمال و شمال و مغرب و هیچ زمینی در سطح زمین اسوتیرلند نیست در تمام مملکت یورپ و نیز هیچ زمینی باین اختلاف حالت و کیفیت نیست که این ملک چنانچه جبال رفیع و بیشمار از هر طرف در آن کشیده که از زمان خلق عالم تا کنون برت پوشیده دارد در روس آنها را و همچنین جاها بی دار و که مانند سجاد و نهار روی زمین را فرا گرفته سراسر پر از نخ و منجد و نیز وشتهای وسیع و آتلال عظیمه دارد که بر فراز همه ملک چادر کشیده و صحراهای دارد همه سرسبز و خرم و جنگلهای پرآفت و آبگیرهای دارد و لایم و دیگر

ملک تا که در شرق و جنوب است

. جغرافیای اسوتیزرلند

دفرحناک و انهار و جداولی دار و غرنده و سهناک و زوآور - اما جبال این ملک را اکثر مجسم بطور تفصیل بیان کنیم طالعنی خواهد یافت زیرا که در این ملک جبال و قلل متعددی هست به متعلق و خبرتی اند از جبال الپس تقریباً ده سلسله از جبال مذکوره در این ملک واقع اند که هر یک مشتعل بر چندین شعب وسیع و قلل رفیع است که هر یک را جداگانه نامی است اینچنانچه رابنده شماره کرده ام در جغرافیا ۸۰ قله است و ارتفاع آنها قله کوه رُسا است ۱۵۲۱۷ فوت رفیع است و اقل ارتفاع این قله ۵۵۱۷ فوت است که قله کوه جورا است و اکثر و اغلب این قله از ۴۰۰۰ فوت الی ۱۴۰۰ فوت رفعت دارند

کلیشیر - بصحت پیوسته که در روس و جوانب و اراضی مابین جبال الپس کم از ۱۷۰۰ میل مقام شست و بود برف یخ نیست و بقدر ۱۰۰ مقام از این قبیل مقامات است بیشترین آنها در ملک اسوتیزرلند واقع است چنانچه ده مقام عمده آن را در جغرافیا نوشته است یکی از جغرافیا نویسندگان که روی هم رفته ۹۲۲۴۰۰ زرع طول دارند مگر اکنون بر بنده معلوم نیست که این مقدار چند میل مربع می شود ولی دیگری نوشته که تمام این مقامات و دشتهای یخ و برف روی هم رفته ۱۰۰ میل مربع زمین را فرا گرفته اند و در اینجا با گاه گاهی چندان برف می بارد که مسافران در زیر برف پراک می شوند بلکه قری و دوبات در برف پنهان میشود -

دشت - دشت اسوتیزرلند شروع میشود از آبگیر جنوا تا آبگیر کانستنس ۳۵ میل مسافت دارد و غایت پهنای آن ۵۰ میل است و در اکثر جاها آب فرا میگیرد و آن را اکثر در

کوه کلیشیر جانی را میگوید
 که دشت شست و بود برف
 و در جغرافیای نویسی نام دارد

جغرافیای اسوتیزرلند

جا با اتلال هم دارد که بیش از ۱۳۰۰ فوت مرتفع انداز سطح دریا.

انهار - این جبابی که ذکر کردیم مناسبتی هستند از رودهای غطیه که در یورپ اند مانند
ریسن و رشن و این وغیره - رودرین که به چشمه واقعی آن کوه مسافت گشت و

واقع است در وسط اسوتیزرلند و ایتالیا و در ملک اسوتیزرلند ۲۵۰۰ جوی بآن می پیوندد
و داخل می شود ملک جرمنی را ۶۸۰۰ فوت نشیب تراز سر چشمه اش - شعبه غطیه که از

رود داخل ملک اسوتیزرلند میشود اعتر است که همان یک رشته قابل مسافرت

گشتیهاست در این ملک و بس و اگر چه ۱۷۰ میل مسافت آن بهت ولی بر بنده معلوم
نشده است که چند میل ازان قابل مسافرت است -

له سرتین گفتارین لفظ

آبگیر - آبگیرهای ملک اسوتیزرلند در خوبصورتی و فرخناکی در تمام یورپ منحصر اند (سوا)
ملک اسویدن) همچنین در وسعت و کثرت و در اکثر این آبگیرها مسافرت میشود با واسطه
رودهای که با آنها اتصال دارند - عمده آبگیرهای این ملک اینها است - (۱) گانتنس که

۴۰۰ میل طویل است و ۱۰ میل عرض و ۹۶۴ فوت عمیق و ۱۲۰۰ فوت از سطح دریا مرتفع است

و ۸۳ میل مرتفع و وسعت آن است و رودرین به آن ملحق میشود - (۲) زرتسج یا (زرتسین)

که مشهور است در فرخناکی ۳۴ میل است در طول و ۲۴ میل است در عرض و ۶۴۰ فوت است

عمق آن و در کناره آن خلقت بسیار سکونت دارند و زراعت بسیار خوبی میشود و غایت

آن از سطح دریا ۱۳۴۰ فوت است - (۳) لوتسرن که ۲۴ میل طویل است و از نیمه

و ۴۰ میل عرض و غایت عمق آن ۱۴۰ فوت و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۳۴ فوت است و بهر

سرتین است

جغرافیای سوتیزرلند

گوبرن برکناره غربی این آنگیر ایستاده - فرخاکی و قمری منظر چشم انداز این آنگیر چندین است که بعضی از بزرگان نویسندگان انگلیش بقاییت تعریف کرده اند در نوشتجات خود - (۴) جنوباً که بصورت و شکل مانند ماه چپدر شب است و واقع است مابین اسوتیزرلند و فرنس جنوباً - ساحل شمالی این آنگیر ۵۰ میل طول دارد و ساحل جنوبی آن ۴۴ میل و وسط آن که غایت عرض آن واقع است ۵۸ میل پهناور است و ۱۷۰۰ فوت عمق دارد و ۱۲۳۰ فوت از دریا مرتفع است و این آنگیر نیز بسیار خوش منظر و فرخاک است -

هوا - هوای اسوتیزرلند بواسطه آنکه بی نهایت زمین آن از سطح دریا مرتفع است و جبال متعده دارد که همه با برف یخ پوشیده بغایت سرد است و سردی آن بی نهایت سخت است حال آنکه هیچ زمینی در آن خطی که اسوتیزرلند واقع است باین سردی نیست با وصف این هوایش مختلف است چنانچه در مابین جبال آن گرمی بحال حدت است ولی در بعضی از جاها بنسبت هوایش خوش است و زورت و انجم و زیتون و تنباکورا بسیار مناسب است و این اشیاء را پنجه میکنند و اقل اعتدال هوای این ملک عدد درجه از ملک انگلند کمتر است و بواسطه بدی هوا در بعضی از جاها بی این ملک ناخوشی های بسیار بد است مانند اینکه اکثر خلق را کلو درم میکنند -

حاصل - حیوانات رام و خانگی اسوتیزرلند علاوه بر حیواناتی که در سایر ممالک یورپ است قاطر است و سگ مخصوصی که بسیار شیار است بجهت راهنمایی مسافران در میان برف -

حیوانات جنگلی آن خرس سیاه و خرس بور رنگ است و گرگ و گربه جنگلی و چالیس و بز کوهی و چند قسم حیوانات دیگر - طيور وحشی در این ملک بکثرت است بویژه عقاب زرین و گرسش و آ

جغرافیای استونیرلند

وباز و لاش خوردن و شایین و یک دو قسم دیگر از طبیعت شکاری و خروس سیاه و کبک و غیره - ماهی در
جداول و آبگیرهای حساب است و اقسام مختلف - نباتات مثل است بر جوی که همه جایافت
میشود و لیکن گندم بسیار زراعت نمی شود و میوه جات در بعضی از اضلاع با فراط میشود و بسیار خوب
از آنجمله است انگور و انجیر و خربزه و انار و چغری و فندق و بادام و امثال ذلک و بعضی دیگر از
میوه جاتی که مختص است به ممالک یورپ و در این ممالک دیده نشده و چوب بجهت عمارات و غیره
مفراط است و گران بها و دیگر نهالها نیز هست مانند چمپ و فکس - معدنیات استونیرلند معلوم
شده و معروف است که بی حساب است و نفوذ و قطع و مس و سرب و زینک و امثال ذلک هم در
مگر تا کنون نجو بی چنانچه باید در آنجا کار نشده است - کوههای نمک و چشمه های معدنی و سنگ
عمارت و سنگ مرمر و چند قسم سنگ دیگر هم در این ملک با فراط است -

ه چوبی که در سیم است
از آنجا که آب و خاک

خلایقیت - خلق استونیرلند در سال ۱۸۷۰ تعداد ۲۴۹۱۴۷۱ نفر بود که صدی ۱۷۰ از آن
جرمن بود و صدی ۲۴ فرنج و صدی ۶ اهل ایتالی و دیگر بیگانگان - چون این ملک متقسم است
به ۲۲ کنتان یعنی ضلع لند ۱۶ کنتان از آن بلجنت جرمن متکلم اند و ۴ بلجنت فرنج و دو زبان آلمانی
و پای تخت این ملک شهر برن است و خلایقیت آن ۳۶۰۰۰ نفر است -

مشاغل - بیشترین خلق این ملک اشتغال دارند با امور و بهقنت مگر زراعت فقط در باوید و
میشود که ما بین حبال واقع و بسیار سست افتاده اند و لیکن پرورش حیوانات و ساختن اشیائی که
حاصل میشود از شیر و ماست و امثال ذلک سرچشمه و اصل صیقل دولت این ملک است و نیز آن
معروف و مطبوع تمام ممالک یورپ است - عمده حاصل زراعت این ملک انگور است و گندم

۱۶۳
جغرافیای اسوتیزرلند

وجود فلکس و همپ - عمدتاً برای دستکاری یعنی مینو کپری در این ملک ساعت های محاسبی و ساعت های تکی در جواهر آلات و صندوق های ساز و چیز های که بافته می شود از ابریشم و پنبه و کتان و تمام خلق این ملک مرد و زن مشغول اند به بافتن یعنی در کار های بافته گی هنگامیکه فراغت دارند کار صحرای و زراعت و دماست بندی - خلق شمال که مخلوط اند از جرمن و اسولیس عمدتاً مشغول اند به بافته گی و خلق سایر جاها که مشتمل اند از فرنج و اسولیس معروف و مشهور اند به کیاست و هنر مکتوب و مهارت در ساختن ساعت و اقسام ساز و جواهر آلات - تجارت اسوتیزرلند عمدتاً به انگلستان و جرمنی و استریا و ایتالیا و عمده مال التجاره داخله اش جنوب است و نمک و ماهی نمکین نیز به و برندی و میوه و ابریشم و پنبه خام و تنباکو و قهوه و غیره و عمده مال التجاره خارج اش حیوانات است مانند گاو و گوسفند و غیره و پنبه و کره و پیه و زبان نمک آلود و چوب اشیاء ابریشمین و ساعت و صندوق های ساز و جواهر آلات -

طرق و شوارع - اسوتیزرلند را شاهراه های چند است بسیار خوب و کشتی های آتشی در هر یک از آبگیر های آن در حرکت است و بقدر ۸۰۰ میل ریلوی دارد این ملک بیش از ۱۰۰۰ میل تنگراه تمام عیار که همه شب در دزد کار اند -

مذهب - اهل اسوتیزرلند قریب صدی ۷۰ پرستنت است بطریقه دین کلوتین تقریباً صدی ۱۰۰۰ من کتلیک اند و یهود و غیره و از برای هر فرقه و مذهبی آزادی است و دین هر طریقه اش و اعتنای نیست جز یک ذات که آنرا میخوانند جیو آپیت -

تربیت - قانون ملکی اسوتیزرلند اطفال هر صنفی از اصناف خلق را مجبور دارد که بخوانند و هر

اهل اسوتیزرلند
اسوتیزرلند را میخوانند
سجده میکنند
سجده میکنند

جغرافیای اسوتیزرلند

بالبور ضرورت و لزوم در خانه های خود یا جای دیگر تحصیل علم کنند از سن ۶ سالگی الی ۱۲ سالگی -
 در هر ضلعی از اضلاع ملک و قسم مدرسه است و برای اطفال فقرا و مساکین یکی درجه اول که قطعا
 از برای مبتدیان است و دیگری درجه دوم که از برای درجه عالی تر است و مخارج این مدرسه ها
 در کمال قلت نیز هست که بر احدی شاق نیست و چند مدرسه دیگر هست بجهت آموزش معلمین
 مدارس و چند دارالفنون هم هست بجهت علوم اتمه و طلاب اعلی تر - در ضلعی که خلق آنها کمند
 پرستنت اند یکی از پنج نفر از اطفال خلق با علم است و در اضلاعی که پرستنت و مرمن
 کتیک مخلوط اند در اینجا یکی از بهفت نفس و در جایی که تمام خلق رمن کتیک اند یکی از به
حکومت - حکومت اسوتیزرلند راجعی نامند یونیت که کانفدریشی بعبارة جزئی
 بالاتفاق و آن چنان است که در هر کنتان یا ضلعی فرمانروائی است مستقل و رتق و فتق
 هر یک از امور داخله آن کنتان با اختیار او است در کمال استقلال و آزادی مگر عموم عظام
 امور و مصالح تمام ملک و فایده عموم ضلایق و علایق ملک با دیگر ممالک خارجه و اگذار است
 به مجلسی که میخوانندش و عمرت که مشتمل است از وکلای خلق هر کنتان و این دیت بر دو قسمت است
 قسمتی را میگویند آنتنت کوئیل و قسمتی را میخوانند "نشئل کوئیل" یعنی شورای طایفه - مجلس اول
 مشتمل است از ۴۴ جزیه و مجلس دوم از ۱۳۵ جزیه که هر یک از آن (یعنی مجلس دوم) وکیل است
 از جانب ۲ نفس از خلق ملک - اصل اصل و رأس رئیس این مجالس در جریان اعظم
 امور و افراد از مجلسی که مینامندش "فیدرل کوئیل" و هر یک از این بهفت نفر گزیده
 معین می شود از برای مدت سه سال -

کانفدریشی
 یونیت

تاریخ

باشندگان قدیم نیکلاس زوات سلت بودند که در میان آنها میخوانند پلوتی و وجه تسمیه ایشان باین نام
از این بگذر بود که ملک شان را پلوتیا میگفتند چو لیکس سلیس سر این قوم را مطیع خویش ساخت قریب
۶۰ سال قبل از مسیح و همین نحو تا مع رودیان بودند تا صد سال سوم عیسوی که در آن زمان ایل برگندی و جرین ملک
و فرمانفرمای این ملک شدند و از زمانه واسطه نیکلاس چون ساقی تسمیه ها و ممالک یورپ مشتمل بود و متعده ریا
مستقله که روسای ایشان پیوسته مشغول جنگ و جدال بودند باید که فقط بنام اطاعت میکردند یک فرمانفرما
بزرگی را هر که بود و قتی از اوقات کونت های پهنسنگ یک حصه قلیلی از کنتان بجزن را قایلند ملک
شدند چون خاندان مذکور را اقتدار و استیلا بیش شد و به وحشی استیلا دست یافتند زفته خود را کابل تخت
نمودند بر یک حصه عظیم نیکلاس و چندین ظلم و تعدی بر ساکنان آن روا داشتند که ایشان را بهی و در کشتی میچند
در سال ۱۳۷۰ میلادی نیکلاس باید که گریخته شد و بر فرود می نمود و ولیم پنجم نامی بعدی بسیار نامی معروف
بکلی ایل استیلا را شکست داد و بنهم ساختند نگاه اتحادی نمودند می که اصل بایست از اسوس کافدری
بعد از آن قبل از سال ۱۳۵۳ میلادی کنتان گریخته شد باینها و در سال ۱۴۰۵ کنتان از گارا ایستریا گرفتند و در
سال ۱۴۵۱ و ۱۴۵۲ میلادی کنتان گریخته شد باینها و در سال ۱۴۵۳ میلادی کنتان گریخته شد باینها
و گریه هم در اوایل صد سال شانزدهم گرفته شد و کف هر قومی و هر ملکی که بود ملک اسوتیزرلند را بشکست
آورد و در سال ۱۷۹۸ و قانون مهول آن صورت جدید یافت و نامش تغییر یافته پلوتیک استیک استیک موسوم
ولیکن در صلیح پاریس سال ۱۸۱۵ مجدداً حکومت و استقلال قدیش بجا آن نخستین باز آمد و کنتانها

۱۷۵
تاریخ اسوتیزرلند
تاریخ اسوتیزرلند
تاریخ اسوتیزرلند

۱۶۶
تاریخ اسوتیرلند

تواریش یافت ۲۲ کشتان شد یعنی باین قسم که ضلع یک قیل از آن نقطه عیت میخس متحد بودند بطور دوستی
یکدیگر را احد شدند همه با هم -

آنها را به بنوا و آثار و آثار و میان چیزی در انیمکاتی است آن قلع و معابد و بیانی و کلیساها می است معتقد
از دمنه او سطرانج عیسو و بعضی از این کلیساها می گوید که کتابخانه نوشته است و کتب قدیم این ملک و در چنانچه
در کتابخانه و بر سطرانج کال چندین کتاب تقدیم یافتند که در هیچ کتابخانه دیگر یافت نشد و بنظر رسید
اهل اسوتیرلند از وصال ماده عظیم طوایف یا ذراتهای ریاستند چنانچه در خفا فیاضی انیمک اشاره شد یکی می توان
و دیگری لنین از اینها کسانیکه در وسط و شمال مشرق این ملک سکونت دارند که هفت قسمت از ده قسمت تمام ملک اند
اغلب از شعبه تیوتان استند یا جز من در این قسمت با می گویند که ملک اسوتیرلند غالباً لغت و مروج لغت جرمن است
خلقتی که در جانب جنوب و غرب اقامت دارند غالباً متعلق از شعبه لنین است که تکلم میکنند زبان فرنج - و آنچه که
از این قوم در حد و اطراف آنگیچنوا سکونت دارند و نیز در کشتان لنینین هم از شعبه لنین اند - جماعت دیگر
هستند که در ادوی گیر لپیان سکونت دارند این جماعت بلفنی متکلم اند کفی اجماع نسبت به قریب از و
لنینین - با بجماعه زبان فرنج در جانب جنوب و غرب اسوتیرلند زبان عمومی خلق است سوای آنها که در لنین
اقامت دارند که زبان مردم ایتالی حکم میکنند و لغت فرنج را غالباً عالی خلق میدانند و ملک اسوتیرلند
مردم انیمک از قدیم الایام معروف و مشهور بودند و در غریب نوازی و مهمان دوستی و صفای و سنجاک
و حب وطن و جاهلهای ایشان غالباً از چوب است و بسیار ساده و بی آرایش و پیکان آنها در خارج مکانها
واقع است و بسیار پاک و با صفا نگاه میدارند آنها را - و در خوردن مشروبات و مکرر استراحت دارند
بسیار محنت کش و مشقتی هستند و عقل معاش حتی انیکه خورسالان را در سر مشغول میدارند و گاهی

که در پیرامون درجانی
که از شعبه لنین استند
با هم میباشند با و سلطان

مالک جرمنی

جغرافیا

لفظ یا نام جرمنی (ج) دایچ لنت (دایچ لنت) مکرراً طلاق شده است بجهت تمام زمینی که در وسط مملکت یورپ واقع است که خلق آن بلغت جرمن متکلم اند و باین قسمی که ذکر و تعیین شد ملک واقعی استریا یعنی خود استریا نه توابع آن (هم شامل این خاک است ولیکن مالک جرمنی که اکنون در این کتاب بیان می شود بموجب تقسیم بلتیک (یعنی حکومتی) مالک یورپ است و در این صورت مالک جرمنی زمین و ملکی است که از سال ۱۸۷۱ عیسوی معین و معلوم گشته -

فصاحت - مالک جرمنی ۲۱۲۰۹۱ میل مربع است و غایت طول آن ۸۵۰ میل و غایت عرضش ۸۰ میل و این ملک محدودست در طرف شمال بادیای شمال و ملک دنمارک و دریای بلتیک و ملک روس و در طرف شرق بایروس و استریا و در طرف جنوب بایستریا و اسوئیزرلند و در طرف غرب بافرنس و بلجیم و هلند - سواحل دریای این ملک ۲۰۰۰ میل است که از آن ۵۰۰ میل متعلق است بدریای بلتیک و بقیه متعلق دارد بدریای شمال که بسیار از جاهای آن چندان پست است و در نشیب افتاده که سد با بسته اند بجهت دفع منج طغیان آب دریا -

به جوت - مراد این است
این ملک در زبان جرمنی
دایچ لنت خوانده و در زبان
فرانسوی آلمانی -

جغرافیای جزیری

جزایر - جزیری اینها است -

(۱) آکسن که ابتدا متعلق بود به دمارک و در سال ۱۸۶۴ جزیری متصرف گشت آنرا - این جزیره

۳۰ میل مربع است و ۲۲۰۰۰ خلقت دارد و این جزیره بحسب میوه بسیار ممتاز و معروف است

(۲) فرنگ - این جزیره ۷۰ میل مربع زمین دارد و ۸۰۰۰ خلقت آن است -

(۳) روگن - این جزیره متعلق بود به دمارک مگر واگذار شد به جزیری در سال ۱۸۱۴ و مساحت

آن ۶۱ میل مربع است و خلقتش بیش از ۱۰۰۰ نفس است -

(۴) اوسداهم که ۶ میل مربع زمین دارد و ۱۰۰۰ خلقت - بعضی از جزایر کوچک دیگر

هم جزیری را هست که قابل ذکر نیستند -

لغزین

جزایر کوچک

سطح - شمال ملک جزیری حصه اوسط است از دشت عظیم یورپ و سطح است مگر اندکی

مرتفع است از سطح دریا و مشتمل است بر صحاری وسیع ریگستان و متعدد آبگیرهای غور و خلأ

و کویرهای متعدد و مطلقاً قلم نزع و غیر معمور افتاده - وسط این ملک که در جانب غرب

آن است و نیز جنوب آن همه کویرستان است و یک تخت زمین مرتفعی است که ارتفاع آن از سطح دریا

از ۵۰۰ فوت است تا ۲۰۰۰ فوت است و بسیاری از اتلال است و این ملک که هنوز از بقایای

جنگلهای قدیم پوشیده اند یعنی آباد و معمور نیست بلکه جنگل اند - کوهها همه اینها که از هر طرف کشیده شده

استند در حد دیگر عظیم همه در طول و عرض اینها است (۱) فیکلن گبر که ۴۵ میل طول و ۲۸

میل عرض است و ارتفاع قلل آن اکسن ۵۲۸۰ فوت مرتفع است - نمایش و دامنه ها و

جاری - بن و دره ها و سلاسل رودس و قلل این کوه که اکثر ۳۰۰۰ فوت مرتفع اند چنان واقع

جغرافیای جرمنی

شده اند که جغرافیا نویس آن قدیم این کوہ را باغ فردوس خوانده اند زیرا کہ چهار رود از این کوہ برخیزد و جاری میشود چهار جانب و نیز در تعریف آن گفته اند کہ انہا را آن پرست از مردارید سلطان جوہر است الوان و طلا اگر چه اغراق گفته اند مگر در واقع اشیاء مذکورہ در آنہا یافت می شود دلی بسیا کم بہا و کم قیمت (۲) کوہی است کہ میانہ دیش خنجل بچید و ارتفاع قلع آن از بر است کہ ۶۱۳ فوت مرتفع است (۳) کوہ رین الپس کہ ارتفاع قلع آن کہ ارتفاع قلع جبال انیمیک است از گس پتر است ۹۷۱۶ فوت مرتفع مگر طول و عرض آن معلوم نیست۔

(۴) حرز کوہ ۹۰ میل طویل است و فرا گرفته است ۱۲۵۰ میل مربع زمین را و ارتفاع قلع آن بر کوہین است ۳۷۴۰ فوت مرتفع۔ اراضی مرتفعہ انیمیک پنج است مگر در اینجا تفصیل آن بہا و نیست ولی باید دانست کہ اقل ارتفاع زمین جرمنی از سطح دریا ۷۰۰ فوت است۔ دشت و زمین مسطح جرمنی مشتمل است بر تمام اراضی شمالی آن کہ کشیدہ شدہ است از ملک ہالند تا بلک روس و از دنا مارک تا بوریاسکسی و استریا کہ طول آن از مشرق بمغرب ۶۰۰ میل است و غایت عرض آن از شمال بحبوب ۵۰ میل۔

انہا را۔ در ملک جرمنی آب بسیار است کہ از ہر طرفی کشیدہ میشود و در میدان عظیم شریب فرد میریزد یکی در جانب شمال و مغرب کہ داخل میشود در دریای شمال و دریای ہلتیک و دیگری در جنوب و مشرق کہ داخل میشود در دریای اسو۔ عمدہ رود ہای این ملک اینہا است۔

(۱) رین۔ اینجا را این رود داخل ملک جرمنی است ۷۰ میل است و در این ملک عرض رود مذکور از ۵۰۰ فوت بہت الی ۱۲۰۰ فوت و بسیار از آن در انیمیک قابل مسافرت است۔

۱۔ کوہ رین الپس
۲۔ کوہ رین الپس
۳۔ کوہ رین الپس
۴۔ کوہ رین الپس
۵۔ کوہ رین الپس
۶۔ کوہ رین الپس
۷۔ کوہ رین الپس
۸۔ کوہ رین الپس
۹۔ کوہ رین الپس
۱۰۔ کوہ رین الپس

۱۸۰ جغرافیای جرمنی

- (۲۱) امس - ۶۰ میل راطی نموده داخل دریای شمال میشود -
- (۳) وِزِر - ۵۰ میل طول دارد و تماماً قابل مسافرت است -
- (۴) اَلْبی - تماماً داخل ملک جرمنی است و طول آن ۶۵ میل است و رود بسیار مفیدی است از برای تجارت حمل و نقل منته ملک -
- (۵) اَدِر - ۶۰ میل مسافت راطی کرده داخل دریای بلژیک میشود و سراسر قابل مسافرت است
- (۶) وِیستُول - این رود بیش از ۲۰۰ میل طول دارد و مگر تخمیناً ربع آن در جرمنی است و بیشتر آن قابل مسافرت است و آنچه از آن در جرمنی است سراسر قابل مسافرت است -
- (۷) نِمِرِن - این رود در واقع متعلق است بملک روس و اندکی از آن در جرمنی واقع است که معلوم بند نیست چند میل است -
- (۸) وِنیوب - این رود طول رودهای یورپ است و در چند ملک میگذرد و مگر بند معلوم نیست که چه مسافتی از آن در جرمنی است و طول آن ۶۰۵ میل است -
- اَلْگیر - در ملک جرمنی آنگی متعدد دی هست مگر پنج یک قابل ذکر نیست -
- هَوا - هوای ملک جرمنی بسیار مطبوع و خوش است و سالم مگر بحسب ظاهر اختلاف دارد و گرمی و سردی چنانچه در شمال سرد است و در استان حدود شمالی بسیار طولانی است و در زمینهای مرتفع هوا بسیار معتدل و خوش و مطبوع است ولی در روس جبال و دهنه اتلال و دشتهای محرابی است بغایت گرم و سرد است علی اختلاف الحالات و غایت اعتدال هوا در تمام سال ۴۴ درجه است -
- خاک و حاصل - خاک جرمنی مطلقاً حاصل خیز است هر چند دشتهای شمالی آن تمام خشک

جغرافیای جزمنی

و لم یزرع و مل زارست مع ذلک قطعات بسیار حاصل خیزی و آن‌ها یافت می‌شود و همچنین در طوشی آنها
و ما بین جبال میدان‌ها نیکو واقع شده است در او اسطالال و اراضی شکلاخ و باجلاهای حاصل خیز
ملک اسپج ملکی ندارد و لمر خاک شمال آن سخت است مناسب است بجهت جنوب خاک جنوب سست
نیک است بجهت رسیدن تاک - حاصل انیک - حیوان دست آموز جزمنی همان اقسام است که در انگلستان
یافت می‌شود و حیوانات وحشی و وحشی آن مثل است از خرس سیاه و کرک و لگنس و روباه و قه‌ما مختلف آید -
نبات انیک مثل است برگندم و جودانی و ذرت میوه جات بسیاری لایکه در ملک انگلستان یافت می‌شود
ملک جزمنی با فراط است لکونی که در جنوب آن آگور و باوم و قندق و امثال اینها نیز بسیار است و نمناک و
فلکس و همپ بار و غیره هم حاصل می‌شود و نباتات شکال در نهایت سخت و مشقت و چوب اقسام مختلف
بسیار متناز یافت می‌شود و انیک که نه فقط در خود ملک صرف می‌شود بلکه بحیاب بیرون می‌رود و ملک - در هیچ ملکی
از مالک یورپ باین کثرت و تفاوت اقسام معدنیات نیست که در ملک جزمنی و در هیچ جایی باین خوبی و
هم‌مندی معاون نمی‌کنند و معدنیات آنرا بیرون نمی‌آورد چنانچه در انیک طلا و نقره و آهن و قلع و مس و سرب
و نمک سنگ مرمر و سنگ عمارت اقسام مختلفه جواهرات خاکی که از آن بافتن میسازند و معاون انیک حاصل
می‌شود و از جمله معدنیات انیک که غالبا نیست که در بعضی از ضلع‌ها یافت می‌شود مگر نه بقدر کفاف که غالباً همیشه
و سوخته می‌شود و بعضی از معادن و در انیک شمشیرهای معدنی متعدد هم هست هم گرم و هم سرد -
طرق و شوارع - ریلوی و تمام مالک جزمنی کشیده که رشته‌های آنها یکی بالائی گیری می‌کنند و اکنون
مالک جزمنی بقدر ... ه میل ریلوی موجود و در کار است مگر نه بار بریده چندان نیست و ملگرات را
بند نه نمی‌دانم که در این ملک تا چه مسافت و چند میل کشیده اند زیرا که در جغرافیا ندیدم -

له فخرنا که در این
 ملک کشت او دوزخ بود
 بپادشاه که این جود نام
 صفایگری است و نوبت
 یونان و دیگر سلطانین
 منعمی که است فیض امان
 در اندامش و باج گزین
 موفقی که برکشید پادشاهی
 شرفا و شکوه کاروان

حکومت برصغور

۱- فواید آن که در این کتاب
 ۲- که در این کتاب آورده شده
 ۳- بدانست که این کتاب در وقت
 ۴- فواید آن که در این کتاب
 ۵- فواید آن که در این کتاب
 ۶- فواید آن که در این کتاب
 ۷- فواید آن که در این کتاب
 ۸- فواید آن که در این کتاب
 ۹- فواید آن که در این کتاب
 ۱۰- فواید آن که در این کتاب

تاریخ جزیره

تاریخ

تاریخ قدیم جزیره مکتوف است در پرده خفای غیبی سخنی معلوم نمی شود چه بوده مع دلگونی بهیچ دلیل
و آثاری هست که قوم سلت در مغرب و قوم فینز در جانب شمال و مشرق سکونت داشته اند
مگر چون سینه سیمبرنی یا گات از طرف دریای اسود آمده حمله بر این دو قوم مذکور و آورند و ایشان را
مغلوب ساختند و این قبل از آن بود که رومیان دخل و تصرف در امور این ممالک آفرین
قبل از تاریخ عیسوی لشکر رومیان قطع و متفاد خود ساختند تمام طوایفی را که سکونت داشتند
از روم در بین گرفته تار و دو الپی - مملکت مغربیه که منقرض شد در سال ۷۵ عیسوی محبت و
بجالت نخستین باز آمد با به تمام ششصد سال در سال ۱۰۰ عیسوی و پادشاهان فرانس امپراتور مملکت مذکور
بودند سال ۹۱۱ - پس از آن مملکت مذکور منتقل شد به پیرن با دلی شد که گفتو سیمبرنی به دست فرانس مملکت مذکور
منقسم شد به سه سکن با ضلع و مجلس عام آن صورت انجام انصراف دادند بر گونه امور و مصالح از فتوح فرانس در سال ۱۸۰۶
موجب اختلال بر غرض و گی این مملکت شد و کی نوع حکومت جدیدی در گشت از اتحاد و اجتماع بعضی از ریاست
این مملکت موسوم به "کانفدریشن آو دوی راین" در تحت حمایت و حمیت نیلین یعنی با خفیا
و قرار دادی در سال ۱۸۱۵ این کانفدریشن جزیره منتقل و به متفرق بهم رسانید با واسطه
کانفدریشن وینا و این متفرق چنین بود که تمام ریاستهای این ملک با یکدیگر متحد شدند به جهت
حدود ملک خود و گاه باری صلح و صفاء امنیت و آرامی و انتظام تمام ملک - چند قرار و مدار
عظیمه داده شد بواسطه این اتحاد که فی نهایت اهم و عظیم بودند که آنکه از جانب هر ریاستی

تاریخ جزیره

مملکت مغربیه

مملکت فینز

مملکت سلت

مملکت روم

مملکت فرانس

۱۸۴۰ تایخ جرمنی

شخصی نایب باشد و دیگر آنکه بحق و بانصاف و همتی از اصناف خلق و پیر و ان هر یک از طرق مذموب عیسوی با هم یکسان باشند و دیگر آنکه یک قانون کلی در همه جا جاری باشد و دیگر آنکه هر یک از ریاستهای ملک بحسب خلقت خود بخشی از لشکر ملک را از خود مقرر کرد.

این کافدریشن یا اتحاد مشتمل بود از سی و هشت ریاست متعلقه که از جانب هر یک نایب مقرر بود که در مجلس شورای عامه بنشیند مام و محل اجتماع مجلس مذکور در شهر فرانکفورت آن و می پین بود و لیکن عمده مهام اموران مجلس در قبضه و جز غلیم الشان از اجنبا آن بود یکی نایب استریا و دیگری نایب پروشیا - در سال ۱۸۴۸ حکومت کثر از ریاست ملک جرمنی اختلاف کلی بهم رسانیدند بواسطه خیالات و اندیشه های سرکشی و بغی و در آنحال یک اصول جدیدی مقرر گشت که پرنسنت هم در آن شریک بود و بعد از آن فوراً این فقره را برهم زده رسم دیگری جاری کردند که قریب به همان رسم پیشین بود -

و لیکن اساسی که اکنون برپاست فی زمانه اندا آن است که برپای شد در ۱۶ ماه اپریل ۱۸۷۱ که قبل از این ذکر کردیم -

اتحادیه و علامات قدیمه جرمنی منحصر است عمده بختلف عمارات یافتان های دیگر که باقی مانده است از رومیان در جانب جنوب و مغرب ملک مذکور و بعضی کلیسا های که مانده است از اداسطه تایخ عیسوی -

این کتاب از کتابخانه
موزه ملی است و در دسترس
است

پروسشیا

جغرافیا

ریاست پروشیا حاصله است از ملک جرمنی چنانچه غالباً جغرافیا و تاریخ آنرا هم تخیل نمایند و هم نفوذ و این ملک واقع است در شمال مملکت جرمنی و کشیده شده است در جانب شمال غرب از دمارک تا بخاک استریا در جانب جنوب و مشرق و از ملک فرانس گرفته در جانب جنوب و مغرب میر و تا بخاک روس در جانب مشرق - در حاشیه شمالی آن واقع است دریای شمال و ملک دمارک و در باک بلتیک و ملک روس و نیز در طرف شرق آن واقع است ملک روس در جانب جنوبش اقله است ملک استریا و چند ایستهای جرمنی و در جانب مغرب آن واقع است فرانس و بلجیم و دانلد - مساحت این ملک ۳۷۰۶۶۰ میل مربع است و ثلث تمام ملک جرمنی - تمام ساحل دریای بالتیک در این شمال متعلق باین ملک است و قریب تمام و دای غلیم جرمنی و این زمین واقع شده بیشترین حصه این زمین اخل است در "وشت غلیم جرمنی" و لیکن جبال و اراضی مرتفعه در جانب جنوب و مغرب آن بسیار است و بسیاری از شعب غلیمه رفیع جبال جرمنی هم در این قطعه واقع شده - هوای این ارض غالباً سرد است و در جانب دریای بلتیک مرطوب است و از آن سبب نامرغوب و مضر - خاک این ملک در کناره و قریب حشریمه آنها در جانب شمال و مغرب نابا پر قوت حاصل خیر است مگر قطعات وسیع ریگستان و سنگلاخ است که کجی لم زیر مع مانده - عمده حاصل این زمین حبس است

جغرافیائی پریشیا

و حیوانات چاق و آنچه ساخته میشد از شیر و غیره شراب و چوب و سنگهای قیمتی و سنگهای عمارت و نفوس
موس و قلع و آهن و زغال و گوگرد و کبریا و نمک و شوره زاج و اقسامی مختلف خاک بجز اینها در آن وقت
حقیقت - خلقت بنیمک ۸۷۳۴۶۹۲۴ نفس بود در سال ۱۸۶۱ که صدی ۸۸ نفر از آن
جز من بود بقیه صدی ۱۲ از آن سایه قوم و ملل دیگر - مذیب اهل پُر و شایا عیسوی است خانان سلطنت
صدی ۱۵ نفر تمام خلقت ملک از قسم پرستند استند و صدی ۲۳ زمین ملک بقیه بود و اندر مختلف
نصفای و تمام ذاتهای عیسوی در این ملک کیسانند و هر حق از حقوق و امری از امور -

نقسام - سیمین نظم و نسق و سرانجام امور و مصالح علکی پرویشیا تقسیم شده است در اشلع و ۳۲
ملکات و اشلع مذکور تقسیم ثانوی یافته است در ۳۵ برگه یا محال - پای تخت پرویشیا
برلین است که در وسط ملک واقع است و خلقت آن ۸۲۶۳۴۱۰۰ نفر است -

مشاغل - در اعلیٰ شغل و کمشرب نبی از خلقت ملک پر دنیا است و عمده در اعلیٰ شغل
فلسف و مذهب و دنیا گو و مال پس در زر - مینو کچری نیز در کمال گرمی و کثرت جاری است و شش
براشیانی که بافته و ساخته و حاصل میشود از پنبه و پشم و کتان و ابریشم و آهن و ساختن توپ و شمشیر
و شکر و غیره - کندن معادن بویژه زغال و آهن و قلع و نمک بیحد و حساب میشود و در هر یک
از این ملک و تجارت پر دنیا هم با فراط است و مال التجاره خارج از هر چه در این ملک
و پشم و فلکس و روغن و سوغاتی یا غیر سوغاتی و مال التجاره داخله اثر از زغال و پنبه و ابریشم و غیره
خام است و غیره یعنی ساخته و بافته -

طرق و شوارع - طرق و شوارع انيک در نهايت فني است و گذشته مساير و طرق بسيار

بسم الله الرحمن الرحيم

خجرفایای پروشیا

دارودانهار و جداد و بشیاری که همه قابل مسازت و عبور فاین هست و نیز بیوی و تلکراف آن هم بسیار هست و تا مسافات بعیده کشیده.

تربیت - علم و تربیت در این ملک محکم حکومت است و در هر قلعه و شهری در ملک پروشیا یک مدرسه بجهت تعلیم و تعلم بنیان موجود است و هر پدر و مادری مجبور است که اطفال خود را بهر مرتبه تعلیم و تعلیم گذارند خواه غنی باشند و خواه فقیر.

حکومت - حکومت این ملک پادشاهی موروثی است بموجب اصول و جریان همواره موصوف ملک بدست پادشاه است و مجلس کنسلی که اجزای آنرا پادشاه تقریر میکند و امور قوانین قواعد بدست پادشاه است و مشاورت و مجلس یکی مجلس خاندان سلطنت و اعظم ملک از اصناف خاصی بود یکی مجلس مملکتی که مشتمل است بر ۳۲۲ عضو که هر یک از اینگزیند و مدت قامت شان در مجلس حکومت سال است

تایخ

چنین معلوم شده که نام پروشیا اشتقاق یافته است از **پرگز می** قومی که در وسط تاریخ عیسوی در آن زمان ملک اینی آنچه که واقع بود در وسط رودهای ویشوال و نیمرن - در سال ۱۲۲۶ عیسوی آن زمین که از آنکه بکنند ساکنانش عیسوی بودند بجهت آنکه محفوظ و محروس ماندا و مشهور و تاخ تاریخ این قوم که هنوز بی مذہب کافر بودند زمین باریکی را از دستک و اگر از نمودنیت های نیوتان که جماعتی بودند با همی پیشه و عیسوی که در عوض حراست از ان نمایندیت های مذکور چون ملک ملک پروشیا شد و ابتدا مشتمل شان تخیلات و تغییر دادن مذاهب خلق بود و کما این زمان نظم و

۱۸۸
تاریخ پروشیا

و تعدادی آخانها و پادشاهان به سبب اهل پلندایشان از پیر دست خود گردیدند و در صد سال شانزدهم ع
این سلسله از یکدیگر پاشیده و پروشیا چنانچه متعلق به تابع بملک پلند و لی موقوفی گشت و چنانکه
اگر ت که بزرگ باریس بر پلند بود و چون در زمانان مذکور اولاد و کوری بجا نماند
در سال ۱۶۱۸ ملک پروشیا و افتاد و در دست سنگی شد که آنهم تیس میگری بود از نژاد یکی
از بزرگان که در اوایل صد سال پانزدهم ریاست یا سلطنت بر پلند بود و بزرگ اخیده بود و
امپراتور جرنی پلند که مبلغ شش میلیون و پانصد هزار تالار کتونی بر سلطنت عظیم ایشان قوی باز گردید
بهست از آن باقی است پس از آن پلند ناچار شد که ملک پروشیا را بخود و آنگار و قبول کند و استقلال
و عدم بشکلی او را بخود و سال ۱۷۰۱ دیوک پروشیا تاج سلطنت بر سر خود نهاد و خود را خواند و در
اول پادشاه پروشیا - جانشینان این پادشاه فردون بهستوار ساختن حدود ملک اهل صیل تالیس
ملکانی خود در زمان قبل قرار دادند و بموجب و تایم چیری از استریا و چیری از نیدرلند و نیز سهم خود از ملک
را گرفتند و به یکدیگر اجزای پلند از یکدیگر پاشیده شد و در زمان بگها و فتنه و نیکه واقع شد و رفتن است پادشاه
ناخته شد و از پای درآمد و لیکن مجددا بر خاست و خود را بحالت نخستین باز آورد و با سایر دول
در ساخت و در مقابل بنیارت سپاهش روانگی کرده خود را ای ساخت و جنگ و اتر لوند
صلح ۱۸۱۵ بسیاری از جاهانی را که ادا شده بود باز پس یافت و هزینه آن مانمود و چنانچه
سفله را قسمتی هم از ملک سکسی را -

تاریخ پروشیا
چون پروشیا
پادشاه پروشیا

آنها را قریبه از آنار و علامتای بعضی منام صنوعه از مصالح باقیانده است و همگامانیت پرتان قلمی مگر
آنها و علاماتی که تا کنون بحالت خود و بهست از بهست مدبای سیوی چونان عجیب و غریب قابل ملاحظه است

ملک استریا

جغرافیا

استریا (یا ملک استریا و هنگاری) محدودست در جانب شمال بملک پند و پریشیا و کسنی در جانب غرب به بوریادا سوئیزلند و در جنوب بملک ایتالی و دریای آفریکنیک و ملک عثمانی و در جانب شرق بملک ترکی و روس - طول آن ... مایل است و عرض آن ... مایل و مساحت آن بیش از ۲۶۰۰۰ مایل مربع است و تمام ساحل دریای این ملک ... مایل است و سه خلیج دارد یکی ۲۰ مایل طویل و ۲۰ مایل عریض است و دیگری ۵ مایل طویل و ۵ مایل عریض است و دیگری ۱۰ مایل طویل است و عرضش معلوم نیست - جزایر این ملک بسیارست مگر همه کوچک و اگر چه همه کوستان بنگلندست مع ذلک کم دریا و مزرعه است و حاصل آنها خوب است و انگور و روغن و انجیر و بادام و عسل و برشیم و زعفران و چوب و مرمر و نمک - بزرگترین آبها سه است یکی ۶ مایل طویل است و دوتای دیگر ۳ مایل طویل دارد و هر یک -

سطح ارض ملک استریا ۱۶۹ فوت مرتفع است از سطح دریای مدیترانه و در جنوب و مشرق غالباً کوستان است و اغلب مثلش است بر دشتهای سیاحتی و بادیه ای که مابین این جبال واقع است متضمن اند بهترین و خوشترین و عجیبترین جبال را که در تمام اروپا

جغرافیای استریا

دشتهای این ملک باین موجب است -

(۱) دشت شمال هنگاری که زمینی است پر آب و سرسبز و بغایت حاصل خیز (۲) دشت جنوب هنگاری که مسطح است و وسیع و بقیاس حاصل خیز و معمور و در وسط این دشت بسیار مینهای ریگزار و کویر و لم یزرع هم هست ولیکن این کویر باران خوبی و سرعت آّب و سرسبز کرده اند -
انتهای این ملک باین موجب است -

(۱) مالدو که پس از طی مسافت ۷۰ میل داخل البی میشود و بسیاری از آن قابل مسافرت جہازات است تا آنکه داخل البی میشود - (۲) و نیوب این رود همه جا در وسط ممالک استریا میگذرد و سرسبز آن که بیش از ۶۰۰ میل مسافت است قابل مسافرت سفاین است و آب های بسیاری هم با و احقاق می یابد - (۳) این رود که در یک شعبه عظیم و نیوب است و از استونیران شروع می شود و میگذرد و از کنار شرقی بوریاد و داخل نیوب می شود و در پس از آنکه ۲۰ میل راطی میکنند همه در ملک استریا و تا مسافت بسیاری از آن قابل مسافرت (۴) و ر و این رود ۶۰ میل فست راطی نموده و داخل نیوب میشود و ۷۰ میل آن قابل مسافرت سفاین است - (۵) سئو این رود در جنوب استریا میگذرد و چون ۵۰ میل مسافت راطی نمود داخل نیوب میشود و در بلگرید و ملک عثمانی ولی معلوم نیست که چند میل از آن در ملک استریا قابل مسافرت است - (۶) بیش ۵۰۰ میل راطی میکنند ملک هنگاری و عاقبت داخل نیوب میشود و بیشتر آن قابل مسافرت است ولی معلوم نیست که چند میل آن است -

جغرافیای استریا

آبگیرهای این ملک اینهاست -

(۱) آبگیر بکتان یادریای پلکتن - این آبگیر یکی از جمله آبگیرهای عظیم یورپ است چرا که

۵۰ میل طول آن است و ۱۰ میل عرض آن و ۳۰۰ میل وسعت در زمینی واقع است ۱۴۵۵

فوت رفیع و آبش چندان عمیق نیست و اندکی هم نمکین است و پرست از ماهی - (۲) آبگیر

زپترک نیشتس - این آبگیر فقط ۴ میل طویل است و از ۲ الی ۳ میل عرض -

هوا - هوای ملک استریا بسیار خوش و سالم است هر چند که بسیار مختلف است در جانب

شمال سرد است و نامطبوع و در جانب جنوب گرم و خوش و در وسط معتدل و خشک -

در کوهستان آلپس ملک استریا بارش زیادی می بارد و بادا نیکه از طرف جنوب می وزد بسیار

گرم و سوزنده است و بادا نیکه از جانب شمال می وزد سرد است و بهر حال اقل اعتدال بود

در شهر وینا قریب ۵۲ درجه است و هر دو هوای تابستان و زمستان بغایت حدت است -

خاک - اضلاعی که مشحون است از کوهستان مثل است بر قطعات بسیاری متکلیف و لم تریع

و اکثری از دشتها هم کویر است و گیتان لم تریع و حاصل مگر مطلقاً خاک این ملک حاصل

خیز است و زراعتش بسیار فایده مند است و مخصوص خاک و شتهای میدانیهای نهنگاری و

بادیه های رود و لپشتوالا و غیره در حاصل خیزی خوبی لاثانی اند و تمام مملکت یورپ -

حاصل - حاصل ملک استریا بقیاس قیمتی مختلف است - جانوران خانگی و آموش

علاوه بر آنچه عام است در ملک انگلند گاو میش است که مشعل است بجهت کشیدن هرگونه بار

در جانب جنوب نهنگاری - خرس زرد و گرگ و لپناکس و خرس جنگلی و بوز و بز کوهی و

آبگیر بکتان

آبگیر نیشتس

میان رود وینا

میان رود وینا

جغرافیای استریا

و چایمش اسب بسیار خرد و صحرایانی نملک بسیار است - طیور انیمیک متعل است به عقاب
 زرین پر و دیگر اقسام عقاب چند قسم طوب بسیار قیمتی دیگر - در جانی که آب ایستاده زالوی بسیار
 یافت میشود که میزند از این ملک بسیار ممالک یورپ - کچنل جانوری که از ان قفری حاصل
 میشود یافت میگردد و در گلشنیا و مروارید بسیار خوب یافت میشود در بهیا - نباتات انملک
 محبوب است و میوه از قسم مخصوص انگور که حیاب است بسیار ممتاز و اعلی و از حیثیت تاک
 و زراعت آن استریانیانی فرانس است و شرابهایی انگور رنگاری لاثانی است و صفات حاصل
 بخصوص آن قسمی که آنزناکی مینامند و شراب انگوری که در ملک استریا کشیده میشود در سال میلین
 کلن است - چوب اقسام مختلف و همه خوب یافت میشود در سراسر انملک مخصوص درخت بلوط
 انملک هیچ مکی در روی زمین ندارد - نهالهایی که در و ابا بکار میروند بار آنها مانند اصل السوس
 در یوند و تخمین نیز در این ملک بسیار است - اشیائی که با آنها پارچه و غیره رنگ میکنند مثل چوب
 زعفران و زیل و امثال ذلک هم در انملک هست -

معده نیات انملک مخصوص سنگهای قیمتی و جواهرات بی نهایت و بسیار ممتاز است و مثل
 براین اشیا - آپال و لعل و گرنیت و پیریت و یاقوت زرد و عقیق و طلا و نقره و ذریع و آهن و فولاد
 و قطع و سرب و زینک و زغال و نمک و مرمر و سنگ عمارت و گل و رنگهای معدنی و غیره
 معدنی بسیار فایده مند -

خلق و زبان - خلقیت انملک ۳۵۹۰۴۴۳۵ نفس بود و در سال ۱۸۹۹ و اکثر جزایر
 که زبان و لغت جرمن تکلم میکردند و بعضی مقامات طاعت فرنج و نیز در میان ایشان در اسکونی

گلشنیا نام جانی است
 یعنی نملک است -
 چوب عقاب نوشته
 و یکین نوعی نمایی است
 چوب عقاب است چوبی است
 که با این خانه می شود -
 برای گشت و چوب
 در سراسر انملک است

جغرافیای استریا

همه بسیار است که بلغات مختلفه سلفی متکلم اند و ذات دیگر که میماند مغیار که در ملک هنگاری حساب ریاست اند و بلغت هنگاری متکلم اند - در سنده کوره اینها قریب به سیلین بودند بغیر از اینها ملل مختلفه دیگر هم هستند که از انجمله در سال مذکور ۷۵۰۰۰ نفر بود و در این ملک -

تقسیم ریاستها - مملکت استریا چنانکه امروزه است موسوم است به **استیر** هنگاری **رین** مشترکی (یعنی سلطنت استریا و هنگاری) مشتمل است تقریباً بر بیست ذات و خلق مختلفه که همه بلغت مختلفه خود متکلم اند که همه در زیر یک نگین و تحت یک پادشاه اند مگر نه در تحت یک حکومتی ملکی چنانچه یک قوم و اهل یک ملک خاص باید باشند - از سال ۱۸۶۷ این ملک بر دو قسمت منقسم گشته یکی حکومت و سلطنت **آلترن رودولف** است که ملک استریا باشد و دیگری ملک **ایترن رودولف** که ملک هنگاری بوده باشد - این ممالک منقسمه اگر چه در نظم و نسق و بند و بست امور و اخلاص خود را یکدیگر جدا هستند مگر در سلطنت و لشکر و سپاه دریائی و جماعت حکم و اتحاد و یکجهت اند و حکومت ایشانرا که همه در تحت آنند میخوانند **وای کیستتر** - و این مملکت استریا و هنگاری اکنون بجهت امور محرانی مشتمل و منقسم است به ۸ قسمت که عمده قسمت آن متعلق است به آن جانب **ایترن رودولف** قسمت باین طرف **ایترن** - پای تحت این ملک **وینا** است (بلغت جرمن وین) که بقدر ۹۴۰۰۰ خلقت دارد -

مشاغل - دولت او خلقت استریا مشغول اند بر ااعت و عمده مقصودشان از زراعت حصول حبوب است و شراب و پرورش حیوانات - اما مینو کجوری این ملک مشتمل است از باقین باقیه رسیانی و شپش و ابریشمی و کتان و ساختن سیاه و تند کج و کرسی و غیره و بطور آلات و نظایر

مغیار - یانکی

مغیار - یانکی

مغیار - یانکی

جغرافیای استریا

آهنین بنحیه که در این مان بخصوص بسیار تر تنی کرده و وسعت بهم رسانیده - کندن معادن
نیز خلق بسیاری را مشغول دارد و یکی از مشاغل عظیمه این ملک است بخصوص بیرون آوردن طلا
و لقره و مس آهن و زینتی و نمک - مال التجاره خارجه استریا عمده خوب است و آرد و اسباب
مغشین و مپ و چوب و شیم و شپینه و شراب و بلور و بافتن و اقسام مختلف معدنیات که از آنجمله
نمک است که بقیاس بیرون میرود مال التجاره داخله اش قماش یا دیگر چیزهایی است که بافته و بسته
میشود و ملک انگلستان و سکنسی و پرویشیا و سیلشیا و دیگر جاهای ملک جزینی دروغ نمیتوان نمود
و عسل و قهوه و شکله و چای و امثال ذلک -

طرق و شوارع - حکومت استریا توجه بسیاری نموده است در باب اسباب آمد و شد و ذهاب
و ایاب داخله ملک خود و لکنه طرق و شوارع بسیار خوبی ممتاز از هر طرفی از ملکش جاری داشته و
چون جبال بحیابی در این ملک هست لزوم بهم رسانیده است که در هر کجایی از آنها که شارسعی است
درست کند از برای مرور و عبور خلق و قوافل و در اینصورت پیش از ۴۰ طریق از جبال گذرانیده اند
تاکنون - ریلوی این ملک در نهایت خوبی است و بسیار طویل چنانچه از شهر وینا چندین رشته
ریل جاری میشود و هر یک بیک ملک عظیمی داخل میگردد - پیش از ۳۰۰ میل مسافت این ملک
قابل مسافرت است که نمی ازان داخل نگاری است چنانچه جهازات آتشی سراسر این ملک دارد و
دنیوب طی میکند و داخل میشود بدریای آود - طرق و شوارع بزی این ملک هم محال امتیاز را واید
حکومت و تربیت و مذمب - حکومت ممالک استریا و نگاری پادشاهی با اصول
که میانهمش کائنات فی تموشنل ما ترکلی مکر وضع حکومت و سلطنت این دو حکومت میباشد

کجاست
کجاست
کجاست

تاریخ استریا

استریا و بگاری قسمی چپیده و در هم است که در این مختصر و قمری نگذرد.
تربیت و تحصیل علم این زمان عموم بهم رسانیده و مجبوری است بجهت اطفال از سن ۶ سالگی
الی ۱۲ سالگی مگر تا این زمان اخیر که چندی میگذرد و قریب دو شصت اهل ملک بکلی ناخوانده و آبی بودند.
تحصیل علوم درجه اعلی بخوبی میشود و در مذهب دار الفنون عظیم و مجتهدین در مدرسه های معتدله
ملک - مذهب اهل این ملک اغلب رمن کنسلیک است و نیز جمع کثیری بطریق مذهب ع
یونان اند و دیگر طرق مذهب عیسوی و یهود هم بسیار است در این ملک -

تاریخ

استریا از انجمله سلطنت باوکلهائی است که قدیمی نیست از تازگی نامی کرده و داخل
سلطنت باشد و صد سال نهم عیسوی ریاستی بود بسیار کوچک که در آن امیری رئیس و
جماعتی در آن بودند سپاهی پیشه مانند و شستان فارس و شغل این جماعت نگارهای
حد شرقی جرمنی بود و از دستبرد و تاخت و تاز طوایف ممالک اشیا - در سال ۱۵۶۶ عیسوی
ملحق گشت به اراضی علیای رود انتر و موسوم گشت به وچی و قوت و اقتدار آن شروع
شد و همگامیکه در تحت دارائی کونت های پاپنبرگ بود که قبیله از اوقات بسیار گم نام
و حقیر بودند که مایه تصرف اصلی ایشان اندک زمین بود و در ملک اسوتیرلاند - حدود ملک کور
در صد سال سیزده و چهار و هم رفته رفته وسعت بهم رسانید و آنکه متعلق شد بجرمنی در سال
۱۴۳۸ الهجرت ۲ که دیوک آن ملک بود لاج شاهمی بر سر نهاد و ملک بگاری و بگامیا

تاریخ استریا

را احقاق داد بملک خود - در سال ۱۴۵۳ ملک استریا ملقب شد به اناچ دچی و بواسطه بعضی تاختات مناسب و نخواه بودی ترقی کرد و داخل شد و شمارا ملک عظیمه یورپ و نگاه اسپین و اندرلند احقاق یافت بآن بواسطه داشت و قعی امپراطور لیس و لیکن هر دو ملک مذکوره جدا شدند استریا هنگامیکه چیرلس تاج و تخت ارا کرد در سال ۱۵۵۲ - چون در خاندان هابسبرگ اتفاق افتاد که وارث مذکور معدوم ماند در سال ۱۷۴۰ استریا منشوش و پختنه و آشوب افتاد و در میان مختلف مدعیان باین جهت بسیاری از اراضی و حدود آن باشند و بهر بخشی از آن بدست کسی افتاد ولی در سال ۱۷۷۲ هنگامیکه ملک پلند مجزاشده همه از آن با استریا احقاق یافت - از سال ۱۸۰۶ مرتبه و خطاب امپراتری جرمنی که خاص بود و پادشاهان ملک استریا مدت ۳۶۶ سال صلب شده از ایشان بنیر و استیلای ناپلین و فرستایش که در همین عهد مذکور پادشاه این ملک مجبور گشت که بر خود قمار دهد خطاب امپراتری استریا که تاکنون یعنی مالی آلمان که بنده این تاریخ را بر فیکارم باقی مانده - بواسطه مجلس کانگری که نشست در شهر وینا در سال ۱۸۱۵ بواسطه صلح که بعد شد با ملک یورپ واحد و ملک استریا نه فقط محکم ماند بلکه افزایش و ترقی یافت در تجارت بواسطه احقاق یافتن ملک و نفوس و ولایتها -

هنگاری

قوم گلیار که یکی از اقوامهای ملک اشیا بود و نیمه کت گرفت در صد سال نهیمین عیسوی اسل حکومتی نهاد و بموجب سم فیودل که تاکنون هم بحال خود باقی مانده است و اختلافی که واقع بود فیما بین نمایین یعنی کسانی که اهل انیمیک را منخر و تابع خویش کردند و مغلوبین بهمان سبب جز

تاریخ و جغرافیای
عربی و ترکیبی

۱۹۸
تاریخ هنگاری

دارد تا بحال بواسطه احتلائی که در زبان ایشان هست - مردم هنگاری اغلب خود را مشغول داشتند
 به سپاهیه گری و خود را در سواری امتیاز و اوند بر سوار هم ملکه در تمام ممالک عالم - و دو قوم بود
 که ایشان را میخواستند و همچنین و اشکال و نمین آنها خود را مشغول داشتند بزراعت ارضیه
 که پادشاه بایشان میداد بشرط خدمت و چاکری و جنگ محاربه و در واقع بنده اهل هنگاری
 بودند و اینها همواره در زیر طبعه و جور و ستم و قناعت و تاز و ترکان عثمانی بودند و چون پادشاه
 ایشان کشته شد در سال ۱۵۲۶ تاج ملک خود را بخشیدند بچاندان استریا که در زمان استقبال
 حافظ و حارسی باشند ایشان را ولیکن این قلاوذه را که بگردن خود گذشتند پیوسته مایه درو
 و خوف و حقد و حسد ایشان بود و چند مرتبه هم چند زیادی نمودند که خود را برای بخشیدن بچنین
 بخصوص در سال ۱۸۴۸ که تمام یورپ را فتنه و انقلاب فرا گرفته بود و دیگر سب و بیاری دولت
 روس استریا اهل هنگاری را خوب مضطرب ساخت و کلی مطیع خویش نمود و بسیاری اذایل
 خلاف و نفاق آن قوم را طنباب و افکنند و همچنین بسیاری از ایشان گریخته بمالک دیگر پناهنده
 افتادند و قریه - وینا مع ارضی گرد آمدن در قریه الایام موسوم بود به ناگزیر و پنهانیا
 و گاه گاهی در آن از آثار رومیان هم چیزی با یافت میشود و همچنین طریقی که بجهت عبور و مرور
 شکر بوده و ویرانه ها و دیگر آثار نیز از زمن و میان تا کنون دیده می شود و در ملک
 هنگاری و سایر ارضی - مسجد جامع سنت استیفن در شهر وینا از بناهای گاهت است
 که بغایت باشکوه است و مجلل -

تاریخ
 هنگاری

تقسیم خلق - ساکنان استریا باید بر پنج صنف قرار داد (۱) اشکال و نمین که اکثر

تاریخ هندوستان

و اغلب باشندگان بھمیا و مروتیا و گلبیشیا و گربیشیا و سیشیا و دلمتیا و اهل
البریا و هنگاری هستند (۲)، جرمن که فرا گرفته اند تمام پنج دچی ملک استریا را و بیشترین
حصه استیریا و بعضی جا های دیگر (۳)، خلقی که بزبان اهل روم مشکلم اند که بعضی از آنها
باشندگان ایتالیا و غیره هستند (۴)، مگنیا که در هنگاری سکونت دارند همچنین در
بعضی جا های دیگر (۵)، صنف پنجم مثل است از هر گونه قومی بیگانه مثل یهود و
جیپس و یونانی و ارمنی و فرنج و غیره.

ذات اسکولونیا تقریباً نیمی از تمام خلق این ملک است و معروف و ممتاز است بحسب
سر گرمی و شوقی که دارد در جنگ و حرب - آنها فی که از نژاد جرمن هستند و درجه دوم
بحسب تعداد و لیکن در درجه اول اند بحسب عقل و دانش و کاروانی و فایده مندی -
قوم و گیر که آنها را و لک میخوانند و خود را رمنی میخوانند خودشان کسانی اند که قدری از
از مختلف جا های ممالک روم میان آمده اند در این ملک - قوم گیارهیش از میلیون
مخلوق است و این قوم بسیار خوش صورت و هوشیار است و چنان تصور شد که
این قوم خاص از اشیا بوده و آمده است - و این ملک بقدر ۷۵۰۰۰۰ یهود است
و بیش از ۱۰۰۰۰۰ جیپس و این فرقه اخیر در اراضی هنگاری و حدود و پهنه منتشر اند
خلق لائیردی و ونیس محنتی و ثابت قدم تر اند در کار از اهل سایر جا های دیگر و شکی
نیست که ملک باین وسعت را لازم افتاده است که خلقش مختلف در حالت و طبیعت باشند
چنانچه در ضلع شرقی آن اغلب مردم بهیمه سان و صحرا با بصری برند -

لایچ پستیس خدوین

سینچی است این نظر است

قوی اند و فایده و کار است

بعضی از قزاقان و مسلمان

یاد است از هندوستان و کابل

رفته اند و نشتر اند و کشتی

و در این جنگاری و سپهر جنگ

جا های گوناگون میکنند و در

نگار می جا به جا می رود و در

و امثال این کار را -

ملک اسپین

جغرافیا

این ملک را غالباً میخوانند **اسپانیشت** **پنین سو**له (یعنی پنینسوله اسپین) این
 بجهت آن است که سه جانب آن را آب فرا گرفته و هر زمینی که این قسم واقع است باین نام
 میخوانند چنانچه در آغاز کتاب ذکر شده - باری این پنینسوله که مشتمل است بر ممالک
 اسپین و پرتوگال با واسطه عتق یا گرونی اتصال یافته است ممالک فرانس و در آن گرد
 واقع است جبال پیر پیر که کشیده شده اند سر اسر آن گردن را از خلیج بسکی و میرو
 تا دریای مدیتره و این جبال مذکوره جدای سازند اسپین از فرانس -

فست این پنینسوله ۲۱۴۲۹۱ میل مربع است که از آن ۷۷۷۸۱ میل مربع خاک اسپین
 و ۲۹۵۱۰ میل مربع خاک پرتوگال - طول این زمین ۶۳۵ میل است و عرضش ۱۵۱
 تمام ساحل گرد اگر داین ملک قریب ۲۰۰۰ میل است -

جزایر این ملک اینهاست -

(۱) **بلیئر پاک** - اجتماعی است از جزایر که از ۷۵ الی ۲۰۰ میل مسافت و دراز اسپین
 واقع است و تمام فست این اجتماع روی هم رفته ۷۵۷ میل مربع است و خلقتش

اسپانیشت

اسپانیا

اسپانیا

جغرافیای اسپین

۲۶۹۵۲ نفس هوای آنها خوش سالم است خاک شان حاصل خیز و عمده حاصل آنها
جوب است و میوه و نمک -

(۲) کفر منی و اینها اجتماعی از جزایر خور دست که ۶۰ میل در جانب غربی افریقا واقع شده
در وی هم رفته ۳۲۰ میل مربع زمین را فرا گرفته و ۴۶۱۴۶۰ نفس خلقت آنهاست این
جزایر مذکوره کوستان اند غالباً و یکی از قلل جبال اینها که آتش نشان است ۲۱۸۲
از سطح دریای مرتفع است - هوای این جزایر گرم ولی معتدل است و سالم و بعضی از جاها
خاک آنها بسیار حاصل خیز است و عمده حاصل آنها تاک است و جوب و روغن و هر گونه
میوه و این جزایر مذکوره ۱۲ هستند در عدد -

(۳) جزایر آژورین است که ۹ هستند در عدد و ۱۰۰ میل مسافت و فاصله اند از غربی
پرتوگال ۶۶۶ میل مربع ارض را فرا گرفته اند و ۵۲۴۸۰۰ نفس خلقت آنهاست این
جزایر مذکوره تماماً مشتمل هستند بر جبال آتش نشان و همواره در آنها زمین لرزش میشود و بسیار
آنها مرطوب و گرم است خاک آنها بسیار حاصل خیز است حاصل آنها هر گونه جوب است و نباتات
خوبی و دیگر چیزهای بسیار خوب هم یافت میشود مثل انگور و میوه های گرمسیری و طوق آنها مثل
از پرتگیز و زنگی - (۴) جزایر مدیتر است که ۶۰ میل در جانب جنوب مغرب پرتوگال واقع
شده و ۱۷۰ میل مربع زمین را فرا گرفته دارند و ۵۸۰۴۰۰ نفس خلقت آنهاست جزایر مذکوره
مشتمل اند بر جبال و کوههای آتش نشان آب هم بسیار در آنها هست و هوا هم در آنها بسیار سالم
و خاک آنها هم بغایت حاصل خیز است و عمده حاصل آنها تاک است میوه قهوه و شکری و آرد و روغن

کفر منی

کفر منی

کفر منی

کفر منی

کفر منی

کفر منی

کفر منی

کفر منی

کفر منی

کفر منی

کفر منی

سطح - اسپین پس از ناری و واسوتیز راندیش از هر ملکی در یورپ کوستان دارد -
بعضی زمینهای پست و دشتبای کوچ سطح هم دارد در جانب شرق و جنوب و مشرق و لکیز
باید گفت روی هم تمام سطح این زمین مثل است بر اراضی مرتفعه که در آنها واقع است جبال
رفیع که در وسط آنها درهای بسیار عمیق و گود افتاده -

آما جبال۔ جبال این ملک بسیار است و عمدۂ آنها اینها است۔

(۱) پسیر نیز که ارفع قلل آنجا نمیشود است و ۱۱۰۶ فوت ر فعی است۔

(۲) جبال کعبه یا که رافع قلل آنها پیشنا است و ۱۰۹۱۰ فوت رفیع است۔

۳) جبال کشمیر کا ارفع قتل آنھا سیرا است ۱۰۵۲ فوت ر قیج۔

(۴) جبال ٹلے است کہ ارفع قلل آنها معلوم نیست چه ارفع تفاعل دارد۔

۵۔ کہ میرا لفظ اس کے افع قلبن الہیہ کے واقع شدہ ان مولا احسن بہت ۱۴۲۳ھ تو میرے

۶. کوه سیرامیرنا است که ارفع قیل آن آرسینا است بارتفاع ۵۵۵ فوت۔

تا آنها را - آنها را نیکو بختی بریاید و اندک چندان بکار حاصل زمین مستفید شوند و نه چندان

عجته مسافرت مناسب چراكه خسته آنها بسيار رفع است و آب آنها بسيار زو آور و نيك است

و بعضی از جاها چندان عجیب و غریبند و بعضی از جاها ی دیگر کوه در راه مانع شده و دیگر سببها بستم

جمله رودهای این ملک اینها است -

۱، پٹنہم کہ ۳۰ میل راجی کردہ داخل محیط اتلنتیک می شود۔

۲، دو روز کہ... میل مسافت را طی کرده آنہم داخل اقلنسیک می شود۔

۱۰ چو
۱۱ گنجینه
۱۲ چو
۱۳ گنجینه
۱۴ چو
۱۵ گنجینه
۱۶ چو
۱۷ گنجینه
۱۸ چو
۱۹ گنجینه
۲۰ چو
۲۱ گنجینه
۲۲ چو
۲۳ گنجینه
۲۴ چو
۲۵ گنجینه
۲۶ چو
۲۷ گنجینه
۲۸ چو
۲۹ گنجینه
۳۰ چو
۳۱ گنجینه
۳۲ چو
۳۳ گنجینه
۳۴ چو
۳۵ گنجینه
۳۶ چو
۳۷ گنجینه
۳۸ چو
۳۹ گنجینه
۴۰ چو
۴۱ گنجینه
۴۲ چو
۴۳ گنجینه
۴۴ چو
۴۵ گنجینه
۴۶ چو
۴۷ گنجینه
۴۸ چو
۴۹ گنجینه
۵۰ چو
۵۱ گنجینه
۵۲ چو
۵۳ گنجینه
۵۴ چو
۵۵ گنجینه
۵۶ چو
۵۷ گنجینه
۵۸ چو
۵۹ گنجینه
۶۰ چو
۶۱ گنجینه
۶۲ چو
۶۳ گنجینه
۶۴ چو
۶۵ گنجینه
۶۶ چو
۶۷ گنجینه
۶۸ چو
۶۹ گنجینه
۷۰ چو
۷۱ گنجینه
۷۲ چو
۷۳ گنجینه
۷۴ چو
۷۵ گنجینه
۷۶ چو
۷۷ گنجینه
۷۸ چو
۷۹ گنجینه
۸۰ چو
۸۱ گنجینه
۸۲ چو
۸۳ گنجینه
۸۴ چو
۸۵ گنجینه
۸۶ چو
۸۷ گنجینه
۸۸ چو
۸۹ گنجینه
۹۰ چو
۹۱ گنجینه
۹۲ چو
۹۳ گنجینه
۹۴ چو
۹۵ گنجینه
۹۶ چو
۹۷ گنجینه
۹۸ چو
۹۹ گنجینه
۱۰۰ چو

جغرافیای اسپین

(۳) گنچس که ۷۵ میل راطی میکند که از انجمله ۵۰ میلش در اسپین جاری است، آنگاه اهل آلتنتیک میشود

(۴) گادینا که از جنوب و مشرق اسپین شروع میشود و چون ۴۴ میل راه را از بین فرمی نشیند آنگاه

در مغرب پدید میآید نمایان می شود و ۱۲ میل راطی کرده در میان اسپین و پرتوگال داخل

محیط آلتنتیک می شود و فقط ۱۴ میل آن قابل مسافرت است -

(۵) گادولکت و غیره که ۵۰ میل راطی کرده داخل محیط آلتنتیک میشود و سراسر در ملک اسپین

در جانب جنوب -

(۶) سگورا که ۶۰ میل راطی کرده داخل دریای مدیترنین می شود -

(۷) جوکار که ۲۲۰ میل مسافت راطی کرده داخل مدیترنین می شود -

(۸) اجیر که ۴۰ میل مسافت راطی نموده همه در اسپین آنگاه داخل مدیترنین میشود و آب

آن هم بسیار سخت و پر زور روان است و مسافت در آن هم مشکل است بواسطه پارچه ها

سنگ یا جالی که در طریق آن سد شده و آن تیره مدیترنین احاط می یابد -

ابگیرهای این ملک به هیچ وجه قابل تذکار نیست -

هوا - هوای این بنیونسول را اختلاف بسیار است در طرف شمال و مغرب بغایت مرطوب است

و در ساحل شمالی آن در سال ۱۰۰ اینچ بارش میبارد و در ساحل غربی آن ۱۱۸ اینچ ولی در وسط

بجلی خشک است و سردی و گرمی آن هر دو در غایت شدت است و فقط ۱۰ اینچ بارش میبارد

و تمام سال - در جانب جنوب و مشرق هواش اعتدال یافته است بواسطه نسیمی که از دریای

۲۰ اینچ بارش می بارد و در این سزمین - اعتدال هوا در شهر وادریه که پای تخت اسپین است

گنچس

گادولکت

سگورا

جوکار

اجیر

جغرافیای اسپین

در تمام سال ۵۹ درجه است و در لیزبان که پای تخت پرتو گال است ۶۲ درجه -
 خاک - خاک این ملک خشک است و ریگزار و لم یزرع در وسط و لیکن حاصل خیز و بسیار است
 در مغرب و جنوب و وسط جنوب مشرق - با بجمه با وجود قطعات سیقه لم یزرع و ریگستان بیش از
 نیم سطح و وسعت این ملک مزرع است و حاصل آن شتعل است این چنین که بدنبال می آید -
 (۱) حیوانات خانگی مثل گوسفند و مریه و شتر و قاطر و خرو و بز و قسمی از اسب -
 (۲) حیوانات وحشی مثل خرگوش چالین و بوزینه و گرگ و گربه و بکلی و خرگوش و گاو و گوسفند و خوک و
 (۳) کرگس و باز و بوم و کلای سیاه و کبک و تیه و ویکی و قسم طيور دیگر -
 (۴) کرم پدیه و زنبور و کچیل و چند قسم دیگر کرم و مار و چلپاسه و غیره -
 (۵) گندم و ذرت و برنج و جودا است -
 (۶) انگور و انجیر و خرمای و نارنج و نارنگی و زیتون و خرپوزه و بادام و پسته و فندق و غیره -
 (۷) چند قسم از درخت و فکس و همپ و تنباکو و زعفران و نیشکر -
 (۸) گزنت که قسمی از جواهرات است -
 (۹) طلا و نقره و زینق و آهن و مس و قلع و زینک و سرب و زغال نمک و سنگ مرمر و
 یشم و سنگ سماق و سنگ عمارت -
 تقسیم ملک اسپین (یعنی جزین پرتو گال) که چهار خنس این پنینسوله است به شش قسم است به شرح
 و اگر در جزیره بلیه یک و گنتری را هم شامل سازیم ۹ ضلع یا قسمت تمام این اقطاع مذکور فوق
 می شود بنام شهر عظیم با سواد عظمی که در آن واقع است - پای تخت این ملک مدبرید در سال ۱۸۶۴

این جزیره را بسیار
 بهر دو اشکال مختلف

حضرت امیر اہلبیت علیؑ

و معدنیات پانچاشرمین باشند مال التجاره داخله اش که حاصل ممالک غریبه و امریکایا باشد و پانچا
 بافته ریشمائی و ششیم و ششیزی و زغال و آهن و چوب -

طریق و شوارع - شاهراه های اسپین بغایت بدست و نادرست و طرق انها آن هم بسیار کم است و معدود اغلب بنیاده و فقط بقدر ... میل یلوی دارد و ... میل دیگر هم در تیرا سی واکتو کن شیده میشود و ... ۱۶ میل نیز سنگرات دارد -

حکومت و تربیت - از حکومت و وضع آن در اسپین چهری بر بنده معلوم نیست که از ابتدا چگونه بوده فقط اینقدر بر بنده معلوم است که در سال ۱۷۷۳ عیسوی ملکه آنیمک آمدی اتناج و خود را برادر و از آن زمان تا همین جلوس الفانسه ۱۲ در سال ۱۸۷۵ ملک اسپین بی حاکم دینی بنده بود مگر از این زمان مذکور مجدداً حکومت آن پادشاهی شد تا الی الآن هم آن حکومت را منتقل و انتظامی نیست - تربیت ملک اسپین چنان است که هر چند از این سنوات اخیر بسیار جد و جهد شده و می شود در آن باب مگر قریب صدی ۷۵ نفر از اهل اسپین را نه قدرت خواندن است نه قدرت نوشتن فقط از سال ۱۸۷۵ شروع شد امتحان معلمان یعنی معلمین هم خوبی استعدا و خوبی دانش اند -

تاسخ

ساکنان قیصریه که سیرت خیل از قوم سلت بودند که از کال آمد بودند و نیک معلوم بود بر اقامت قیصریه
 قریب هزار سال قبل از تاریخ عیسو و بعد از آن بر االی یونان و اناولی گرجی در میان چون دولت دین
 روی بزوال نهاد و قوم و لشکر گات ایجاری آل کریک صاحب نیک آمد و دند و این شخص من کو سلطنت سیرت اس
 نهاد. در اوایل صد سال هشتین عیسوی یعنی سال (۷۱۱) قوم موزان از قلیا آمد خود را صاحب مالک تقریباً تمام

تاریخ اسپین

ملک اسپین ساختند و در آن جاری شدند علم و کمالات و هنرهای عرب را معدوی که از ذوات گاهتا در آنجا بودند
 میخوشتند خود را از ادبی علم دارند بگوهرستانها استوار قرار کردند و در ولایام قدرت بهم رسانیده علمیه بزرگان
 افکندند مغلوبان غنایم گرفته و فتنه ملک از کف ایشان بر کردند و فرو گزشتند و اینتر ملکه این فتوحات اهل
 نمودند و در سال ۱۴۹۲ میلادی مویان را مجبور ساختند که تبرک ملک اسپین گویند که قومی بودند بغایت محنتی و کاری
 نیز دست زدند تصدیع و اندازی بر جوان که عمده دولت و تجارت ملک اسپین قبضه ایشان بود و چون ضلعی که
 اسپین یعنی آنچه که از این ملک با پیش عیسوی زندگانی مادی قبضه و تحت الرافعی این سلاطین بود و در آن چندین
 ایشان را اقتدار بود که مایه تقویت کلیت شد و بجهت پیدا کردن ملک امریکا و سلطنت میره ایشان چرخش
 (۱۵۱۶-۱۵۵۶) و تاریخ اسپین بهترین اوقات است که ملک کوبیا را محمود قوی بود - از این زمان به بعد
 وجود داشتن توهمات مذهبی عدم نظام ملک کویتزل یافت و در تنهیب محنت و اقتدار دولتی -
 و اوایل این صدها یعنی حال که در آن هستیم بنیارت با سپاه فرانس ملک اسپین افتخار نمود و برادر خود را بنیارت
 آن نشانید خلق ملک بنجید خاطر شد بایری سپاه کلیتیش تحت سرداری ولید بنکشان منظر شدند
 خصم و ملک خود را از قبضه اهل فرانس بر کردند و مجدداً پادشاه خود فرمودند و بنیارت را تحت نشانیدند
 در مرگ این پادشاه در سال ۱۸۳۳ مناعتی برپای خاست بر سر جانشینی و اسپین ادا کنند و فتنه که با اسباب
 وجهات دیگر دست بهم داده کلی ترقی و علای خلق را تباوه معدوم ساخت - کلیت های بسیار وسیع اسپین
 که در مسیکه بود جنوب امریکا و بین این صدها حال کلی از کف بشد و باشند گاه کلیت های مذکور و سعی
 اهتمام نمودند در استقلال عدم علاقه و بیگونی خود و خود را ولتی ساختند و بیگونی و در این زمانه و آخر
 یعنی قریب سال ۱۸۷۳-۱۸۷۴ اختلاف زیادی حالت ملک اسپین بهم رسیده است گاهی دولت

۱۵۱۶-۱۵۵۶

۱۵۱۶-۱۵۵۶

۱۵۱۶-۱۵۵۶

۱۵۱۶-۱۵۵۶

تاریخ اسپین

پادشاهی شده و گاهی دولت جمهوری بلکه ملوک الطوائف چنانچه از زمانیکه آمدیه اول سال ۱۸۷۳ تحت اسپین را کرد تا زمانیکه الفانسه ۱۲ پادشاه خوانند در واوله جزیری ۱۸۷۵ اسپین ملوک الطوائف بود و هر چند باز پادشاهی از خاندان سلاطین قدیم آن بر تخت نشست تا کنون صورت انتظامی نیافته است و عمده اموالک بقبضه اقتدار خستیا مجلس شوری است (در خط فیا ذکر و اشاره شد).

آثار قدیمه - از آثار و علامات بسیار قدیمه این ملک یک چند عمارت به صورت بد وضع هنوز موجود است و فقط چیزی که بسید و فور دارد و باقی مانده است از عهد کرجی بنیان سکله است ولیکن آثار و علامات رد میان بیشمار است و عظیم ترین و عجیب ترین آثار ایشان بلی است که ساخته اند در شهر سگویا که اکنون بیش از هزار و شصت سال است بحال خود باقی است و طول آن ۷۵۰ ذراع است و بر پایی ایستاده با داسطه ۱۶۱ طاق نما (یا کمان) بسیار متع - پادشاهان و پشکات بسیار کم آثاری باقی گذاشته اند نیز بعضی سکله های زرخ و حال آنکه زرعنی طلای احمد در آن زمان در سایر بلاد یورپ معلوم و معروف نبود. عمارات موریان در ملک اسپین هم متعدد است و هم عظیم ایشان و مجلل مگر مجلل و شکوه ترین عمارتی که بالفعل قسمتی اوان باقی است بارگاه یا دارالاماره الکبیره است در شهر گریتمدا (بند معنی و حقیقت لفظ الطمبره را نیا فتم مگر قیاسا کمان می گنم که انحر است زیرا که قصر پادشاهان مور بود و ایشان عرب بودند و بلغت عربی می گنم بودند).

که کرجی بنیان اول
 کرجی ای فتم
 سگویا
 سگویا

ملک پرتوگال

جغرافیا

پرتوگال فرگرفته است قریب شش یک فینسوله اسپین واقع است در جانب غربی زمین
و از شمال بجنوب طول آن ۵۰ میل و از شرق بغرب عرض آن از ۸۰ الی ۴۰ میل است و
مساحت آن مع جزایر آزوریل و مدیترانیه میل مربع ۳۷۹۳ میل است - این زمین
همه حالات مانند زمین اسپین است و جبال و انهار آن همان جبال و انهار است که
کشیده شده است اسپین جز معدودی که متعلق بخود آن است چندان قابل تدکاز نیست -
هواسی انیملک ملایم تر و یکسان تر و نباتش هم بهتر است از اسپین و حاصل این ملک
غالباً همان است که در آن ملک است و خلق آن قریب ۴ میلیون است و از همان نسل
و ذات که ساکنان اسپین اند - این ملک منقسم است به ۷ ضلع کوچک و دو منبع هم
مزید اینها شده است از دو جزیره که ذکر شد ابتدا و پای تحت آن شهر لیزبان است
مع ۷۵۲۸۶ نفس خلقت که بعضی عمارات بسیار عالی در آن نباشد -

مشاعل الی این ملک عهد کشتن تاک است و ساختن و کشیدن شراب انگور ولی سایر اعیان
بسیار قلیل است و بسیار تامل و آهستگی رودی بغزایش و ترقی دارد و مینو فکری چندان قلیت

از جزایر
مدیترانیه

جغرافیای پرتوگال

دارد که کفاف صرف خلق خود ملک را نمی کند و بکندن معادن بسیار کم توجه دارند و بیشتر
و تجارت این ملک در بین ده سال ماضی ابداع کیمی نداشت یکسان ایستاده بود و
عمده مال التجاره این ملک شراب انگور است و میوه و حیوان یا چهار پا و ششم و عمده مال التجاره
داخله اش قماش است و شمشینه و آلات آهنین و ظروف گلی و حبوب و غیره -

طرق و شوارع این ملک بسیار بدست و بقدر ۵۰۰ میل کامل و تمام ریلوی دارد و جنبه
میلی هم رود قابل مسافرت و حرکت سفاین و کمتر از ۲۰۰۰ میل تلگراف نیز دارد و
مذهب این ملک رمن کاتولیک است و هر ملت دیگر هم در مذاهب خود آزاد است و
ترتیب مردم این ملک چنان است که حکومت در آن مداخلت دارد و امورات آن
قبضه حکومت است مگر بسیار کم از اطفال و اسط و ادانی ناس تحصیل علم میکنند و بجز یک
دارالفنون در این ملک پیش نیست که فقط ۱۰۰ طالب العلم در آن حاضر می شود -

وضع حکومت این ملک پادشاهی است بر وفق اصول و این ملک را چهار حکومت است
بعبارة اخری اقتدار جریان احکام و اقتدار ابداع قوانین و اقتدار جریان احکام قضایا و اقتدار
اصلاح و تخفیف امور و این فقره اخیر و اگر است پادشاه و آن سه اقتدار دیگر اگر است
بمجلس شوری که یکی مجلس عالی است و دیگری مجلس ادانی -

متصرفات خارجیه پرتوگال

متصرفات پرتوگال در مالک اشیا و اقربا با آنکه تخفیف یافته است هنوز بسیار است
چنانچه پیش از ۱۳۰۰ میل مربع زمین دارد و بقدر ۸ میلیون خلقت -

تاریخ

پرتوگال در قدیم الایام در قبضه تصرف و تحت اختیار و اقتدار متعده و حکمروایان بود و چنانکه
ملک اسپین این هر دو ملک ظاهر و بویگشتند در سال ۱۴۹۱ و متکیه الفانسه پسر نری
برگندی غالب آمد در جنگ بیزوریان و سپاه خودش را خواندند پادشاه متین پرتوگال
در بین سلطنت خاندان برگندیها که طول کشید تا سال ۱۵۸۰ ملک پرتوگال با وج ترقی
و عظمت رسید هم در امور ملکی و هم در امور تجارتی - اول قومی که از االیالی یورپ طلی نمود
و ملاحظه کرد در سراسر سواحل غربی و جنوبی افریقا را اهل پرتوگال بود و نیز قوم مذکور را پیش
در پیدا کردن و یافتن ملک هند چنانچه کلنیهای متعده دی از این قوم سکونت گزیدند در
هر دو سواحل امریکا و ملک پرتوگال را در جنوب و چند جزیره دیگر را هم در دست این
که طرف شرقی مملکت مذکور یعنی امریکا باشند گرفتند -

در سال ۱۵۸۰

در سال ۱۵۸۰ اتفاق شد در خاندان سلطنت در اولاد و کورفلیپ ۲ اسپین
ملک پرتوگال را گرفت و متصرف شد مگر در ایام سلطنت هم او هم هر دو ملک را نکبت
آفت فرا گرفت - در سال ۱۶۴۰ یک فتنه و انقلاب عظیمی برپا گشت و تاج سلطنت این
ملک بخشیده شد به جهان دیوک پرتوگال که اولاد او تا کنون ملک مذکور را دارا هستند
از زمان دارائی این خاندان مذکور شروع می شود و قرن یازدهم تا تاریخ پرتوگال
که عظم واقعاتی که در آن صورت وقوع یافته آن واقعاتی است که در این صد سال اخیر

تاریخ پرتوگال

حال واقع شده - در حمله سپاه فرنج در سال ۱۸۰۶ تمام خاندان سلطنت این ملک نقل مکان نمودند ملک برزیل در امریکا و ملک مذکور را در سال ۱۸۱۵ ملک جداگانه ساختند تا آنکه در سال ۱۸۲۰ افتنه عظیمی در پرتوگال واقع شد مجلس شورای این ملک قاعده عجیبی جاری کرد که فقط یک مجلس خاص و مشورت دولتی همواره باید مجتمع شود و بوسیله با مضای عموم خلق و در قیضه اختیار و اقتدار آن باشد هم ابداع قوانین و هم جریان قوانین ملک - این اساس سه سال بعد از آن مهذب گشت و پس از مرگ جان ۷ در سال ۱۸۲۶ ملک برزیل دعوی استقلال و عدم بستگی نمود و ملک پرتوگال دوان پرتو که شاهنشاه پرتوگال بود پس از آنکه تمسک و نوشته و اشعار آنکه ملک پرتوگال حقیقتاً عادت و رسم قدیم مجده واد مجلس مقرر سازد تحت خود را برآورد و بدختر خود دوان پرتو را و گذار نمود و برادر خود را در زمان صغر سن و دختر خود نایب السلطنه قرار داد و مگر شاه را که تاج و تخت را غصب نموده قانون ملک را تغییر و تبدیل داد یعنی حکومت انبالیوت مقرر ساخت و بنا بر این ملک پرتوگال چند سالی را در افتاد و در افتاد و آشوب و خلق بر و فرقه مقرر شدند یکی را بنای اراده و اساس رای بر اصول و زاکان بود و دیگری را بر اختیار و استقلال عبارت از آخری سلسله می گفتند اساس سلطنت بر یک اصولی باید باشد و سلسله دیگر میگفتند پادشاه مختار کل است و در میان این هر دو جنگ و جدال جاری بود تا در سال ۱۸۳۳ که دوان پرتو پس از آنکه مجبور گشت که از تخت برزیل دست بردارد و تاخت بر پرتوگال آورد و ملک مذکور را بجهت دختر خود باز پس

دوان پرتو

دوان پرتو

دوان پرتو

دوان پرتو

تاریخ پرتوگال

گرفت و همان قانونی را که در سال ۱۸۲۶ نهاده بود مجدداً جاری نمود - ده سال پس
 از این مقدمه سپاه و سخطین شهر لیزبون با شتهار و منادی نمودن اصول سال
 ۱۸۲۰ را جاری کردند و ملکه خود را مجبور ساختند که آن امر را مضاداً رد بفرماید که
 دلخواه و مرضی مجلس شورای ملی ایشان باشد - از آن زمان تا بحال تحت پرتوگال
 بخوبی نگاهداری شده و ملک پرتوگال بغایت آرام و امن گشته است نسبت به مانعین
 آثار قدیمه - آثار و علامات قدیمه پرتوگال عمده مشتمل است از کارها و بناهای
 رومیان و معدودی هم از عمارات موریان در آن یافت می شود - در طرف شمال
 این ملک سلسله طویلی طاقما یا کمان است که متصل بوده است پلی را که رومیان
 ساخته بوده اند و معبد بسیار خوب و صورت عالی شانی هم از زمان گات با دیده
 که معروف است به معبد بتلیا و اساس آن نهاده شده است در سال ۱۳۸۶ عیسوی
 پرتوگیزان از همان دوده و اصل اند که ابلی اسپین اند و لغتی متکلم اند از رشته
 همان لغت مگر اند که ملایم تر و صاف تر - در میان این دو قوم دشمنی و خصومت
 سختی وجود دارد و یک وضع و خضالی هم در میان این دو قوم هست بکلی برخلاف
 یکدیگر که چنانچه پرتوگیزان مردمی هستند با جرات و تهور و ملائمت و صابر و قهار
 از ابل اسپین و به همین جهت با عزت و حرمت نیز هستند از ابل اسپین -

له بنیاد

عنه پرتوگیزان

ملک ایتالیا

جغرافیا

ملک ایتالی شش است بر یک بنینس که عظیم و چند جزیره که بزرگترین همه سیسیل و سر دینا است و این زمین دیده است در وسط دریای مدیترانه از شمال بجنوب و بیک جانب که بجنوب و مشرق باشد فاحت این ملک مع جزایر که سیسیل و سر دینا ۱۱۶۶۲۶ میل مربع است طول آن از جبال الپس تا پکیپ (یعنی راس) است پشرفش و شش ۵۰ میل است عرض آن مختلف است از ۵۵ الی ۳۰ میل -

در سیسیل جزایر

ایتالی متحد و دست در جانب شمال با اسوتیرلند و استریا و در جانب شمال و مشرق با اتریش و در جانب مشرق و جنوب مغرب آن واقع است دریای مدیترانه و در جانب شمال و غرب آن واقع شده است ملک فرانس -

جزایر ملک ایتالی بقدر شش یک تمام فاحت ملک مذکور است و غالباً در جانب غربی آن واقع شده و مخطات آنها اینها هستند که در ذیل مذکور است -

(۱) الپا - ۵۰ میل مربع است و ۲۲۰۰۰ خلقیت دارد و سطح آن کوهستان و هوشش ملائم سالم و خاکش بسیار حاصل خیز است حاصل آن انگور است میوه های بسیار خوب آهن و دیگر معدنیات

جغرافیای ایتالیا

- (۲) **سمر و پنیا** - ۴۰ میل در غرب ایتالیا واقع شده و ۶۰ میل طول و ۲۰ میل عرض و ۹۵۴۷ میل مساحت و ۵۷۳۱۱۵۰ خلقیت دارد و سطح آن غالباً کوهستان است که یکی از قلل آن تا ۸۰۰۰ فوت ارتفاع دارد. هوای این جزیره سالم است در میان کوهستان و لیکن در بادیه و دز مینهای پست چنین نیست. خاک این جزیره بسیار حاصل خیز است و حاصل آن خوب است و میوه و تاک و چوب و همه بحیاب و از معدنیات فولاد و مس و زغال آهن و مرمر دارد و لیکن بسیار کم از اینها را اکنون با استعمال در آورده اند و ماهی گیری سواحل آن نیز بسیار است و فایده مند و در این جزیره دو شهر بزرگ دارد و دو دار الفنون.
- (۳) **جزایر پشیرا** - این جزایر ۶ جزیره کوچک هستند همه مشتمل بر کوههای آتش فشان و بزرگترین همه جزیره پشیرا است که ۳۳۰۰ خلقیت دارد که همه مشغول به ماهی گیری اند.
- (۴) **جزیره آئینکیا** - این جزیره ۴۴ میل مربع زمین افرا گرفته و ۴۰۰۰ خلقیت از خاک حاصل خیز است و خوب و میوه های خوب و انگور ممتاز و آهن و گوگرد و زاج و نمک بسیار در آن خلق این جزیره مشغول اند بکار دریا نوردی و ساحل دریا و سائنس و طرقت مغالین و غیره.
- (۵) **کپرتی** این جزیره ۴ میل طول دارد و ۲ میل عرض و قریب ۳۰۰۰ خلقیت آن است.
- (۶) **سیسیلی** - اکبر و عظم جزایر دریای مدیترانه است و واقع گفته است در جانب جنوب و غرب ایتالیا - مساحت این جزیره ۵۱۰۰ میل مربع است طولش ۸۵ میل و عرضش ۲۲ میل و خلقیتش ۲۳۹۱۰۰۰ نفس - سطح این جزیره غالباً کوهستان است و هوای آن صاف و معتدل و سالم و خاکش بغایت حاصل خیز و حاصل آن بسیار مختلف است که از آن جمله است گندم

جغرافیای ایتالی

ملک ایتالی یعنی مابین جبال الپس و اپنینینز (انچه در ایتالی است)

اما جبال - (۱) جبال شرقی الپس - این جبال از زمین جغرافیای سوئیزرلند و جرمنی و آلمان
بیان نمودیم - ارفع قله جبال مذکوره که در این ملک واقع شده و آلا اولس که در آنجا
است که ۱۲۰۸۴ فوت رفیع است -

(۲) جبال غربی الپس است مثل برسه شعبه -
اول گرین الپس که ارفع قله آن گیرند پر و کس است ۱۳۳۰۰ فوت رفیع -
دوم کاتین که ارفع قله آن ولس است ۱۲۶۰۵ فوت رفیع -
سوم مریچیم الپس است که ارفع قله آن شینجا است ۱۰۴۴۳ فوت رفیع -
(۳) جبال اپنینینز است مثل برسه شعبه -

اول شمالی که ارفع قله آن شیمون است ۹۹۱۳ فوت رفیع -
دوم اوسط اپنینینز است که ارفع قله جبال آن کارن است ۹۵۹۳ فوت رفیع -
سوم جنوبی اپنینینز است که ارفع قله جبال آن مینا است ۸۸۴۰ فوت رفیع -
چند کوه دیگر هم است چندان ثانی بر آنها نیست و در آنجا کوههای آتش فشان بسیار است -
اما دشت - دشتهای آنجا مثل دشت که در آنجا دشت قرار اطباء میدهند -

انهار - ایتالی یکی از ممالک است در یورپ که آتش با فراط است چنانچه بعضی از آنها آن آب است -
اول تگلیمنیت - این رود بیش از ۱۰۰ میل مسافت را طی کرده داخل دریای ادریاتیک میشود و چون
میل از آن قابل مسافت است این رود بسیار عمده است یعنی با جینینیت که معبر الاین کشوده میشود یکبارگی

ملک اپنینینز
ملک در آنجا که در آنجا

ملک گرین الپس

ملک کاتین

ملک مریچیم الپس

ملک شینجا

ملک کارن

ملک مینا

ملک دشت

ملک انهار

جغرافیای ایتالی

دوم پرتو نشاء - ۹۰ میل - اطلی کرده داخل خلیج ونیس میشود -

سوم آدریج - این رود نیز داخل خلیج ونیس میشود بعد از آنکه ۲۰ میل مسافت اطلی منیایه و بسیار رود عمده و پر فایده است یعنی از حیثیت فواید لشکری -

چهارم پ - این رود ۳۰ میل مسافت اطلی نموده در دریای ادرینیک میریزد و از این طول مسافت ۲۰ میل قابل مسافت سفاین است و بجزیه مورچی حامل خیزی ایتالی بنامیت است مابقی آن حیثیت پنجم آرنج این نهر ۵۰ میل اطلی کرده و یکی آبادیهای بسیار حامل خیز ایتالی را آب داده و از چند شهر گذشته داخل دریای مدیترنن میشود -

ششم طپیر - این رود ۱۵۰ میل مسافت اطلی کرده از چند غلیم شهر هم گذشته و اطلی دریا طپیر منیایه میشود و آبگیر ایتالی متقدمست هر چه عظمت و بزرگی ندارد مگر حقیقت در صفا و خوبصورتی و تازگی و عذوبت آب در ربع سکون لاثانی اند و اینها هستند -

(۱) گلیار - طول و خوشنما ترین آبگیر باقی است -

(۲) گوکنج - واقع است در وسط جبال دقعد و آتش میریزد و در آبگیر گیار -

(۳) کم - این نیز بسیار خوبصورت و با صفاست -

(۴) گروا - ۳۰ میل گردا گرد آن است -

(۵) پروکیا - بزرگترین آبگیرهای ایتالی است و معروفست بواسطه آنکه آتش بسیار خوش رنگ است -

(۶) بلنسا - ۲۰ میل گردا گرد و بسیار خوش است و اطراف آن موجب ناخوشی و بیماری میشود -

(۷) برکشین - قریب شهر رم است و ۲۲ میل گردا گرد آن است -

در وینس

در آدریج

در طپیر

در آرنج

در گوکنج

در پروکیا

در بلنسا

در برکشین

در روم

جغرافیای ایتالی

(۸) آلبنج - ۶ میل گرد اگر دوار دو بسیار مفرح است -

(۹) آوژن - گرد اگر دوش همه بستان هفت گورستان ولیکن اطرافش بدبو است فصل تابستان و دویل گرد اگر دآن است -

هوا - هوای ملک ایتالی هر چند اختلاف یادی و در مختلف درجات ارض و مختلف نقاط سطح مگر کلیت بی نهایت خوش فرج انگیز است و جبال و بحار یک اطراف آنرا افراد از تنه ضعیف میدهند حرارت و صحت آفتاب تابستان و سردی زمستان اتفاقاً شدت بهم میرساند جنبه شمال انیمیک - در وسط ملک ایتالی برف و یخ خضوعیتی دارد بر رگس قتل حیوان حال آنکه در جنوب ایتالی نامی اذ آنها شنیده نمیشود بسیار اشجار و نباتات گرمسیری در کمال خوبی میروند مگر افسوس که این اعتدال فرحت هوا پرموی حار و صاف و کماز جانب فقر قیامی دزد و صصری سخت و تیز و دیگر بادهای تنیدی که از جانب جبال اپنینی می آید پایمال و منقبض میشود - خاک - دشت عظیم لانتیر دنی که ۸۰۰۰ میل مربع جایگاه را فرا گرفته مشتمل است بر خاک پر قوت و حاصل خیز - چند ضلع بسیار حاصل خیز دیگر هم در بایه های اوسط ملک ایتالی هست ولی در سوال در بای آن زمینی کشیده است ریگ دار و کوبیده مضر است سلامتی مزاج را و بهداشت را آلوده اوان بزراعت شده - با بجه بقدر دولت تمام ایتالی مزروع است بقیه لم مزروع افتاد و حاصل - اما حیوان انیمیک اباید دانت که گا و و قاطر و الاغ در آنجا کم نمیرد اسب است و ملک انگلند و کامیش و خرس جنگلی و بز کوهی و خاز پشت و چند قسم دیگر از حیواناتی که در ایران نیست جبال الپس و اپنینی نیز چند و بیشمار است - هوام و حشرات الارض و حیات و غیره و بعضی از

عنه آلبنج

عنه آوژن

عنه لانتیر دنی

۱۰۰

—

پیش رو

مؤید و انجمنی است



خلقیت و لغت - خلقیت ایتالی در سال ۱۷۲۱ شماره درآمد بود ۲۲۵۳۲۹۶۹ نفس
که اغلب آن باشندگان اصلی خود ایتالی بودند و بقیه جز من یونانی و غیره بودند - لغت ایتالی در
تمام این ملک متصل است و لیکن فی الجملة اختلاف دارد در الفاظ و اشتقاقات و بعضی از ضرایع
و فقط در تشکباتی باین لغت متکلم اند که صاف و خالص است مگر چنین میگویند که مردم رم و تلفظ
کردن بهتر از اهل همه جای این ملک اند - بقدر مسلمین از خلق ایتالی زبان جز منی البانی و یونانی متکلم اند
تقسیم ملک - در این زمان ملک ایتالی با شمال جزایر سیسیلی و سر دینیا منقسم است به
۱۳ ضلع که هر یک از آن خوانده میشود و بنام شهر که سواد اعظم آن است مگر قبل از این انقسام ملک
مذکور منقسم بود در ۸ ضلع بزرگ - شهرهای عظیم این ملک - (۱) شهر رم است که زمانی پایتخت
و عروس یک حدیه عظیم جهان قدیم بود اکنون پایتخت ملک ایتالی است و یکی از شهرهای عظیمه
مفیده جهان است یعنی بحسب نمایش آثار و علامات قدیمه که در آن هست و امروزه فقط
۴۴۵۴۴ خلقیت دارد - (۲) شهر نیپلس است (نپلی) که قریب ۵۰۰۰۰ خلقیت دارد

جغرافیای ایتالی

(۳) شهر میلان است (میلان) که ۶۲۰۰۰ خلقت دارد - (۴) طورین است (طورین) که ۲۰۸۰۰۰ خلقت دارد - (۵) جنوا است (جنوا) که ۳۰۰۰۰ خلقت دارد -
 (۶) ونیس است (ونیز یا) یکی از شهرهای غنی و معروف جهان است - این شهر کنار دریا واقع شده و قرار گرفته است بر فراز ۸۰ جزیره کوچک که بیکدیگر متصل اند با وساطت ۳۰۰ پل - خلقت این شهر ۲۸۹۰۰ نفس است -
 مشاغل - اکثر و اغلب اهل ایتالی مشغول اند بر راعت و دهنق و شبانی و زراعت و شبانی ایشان عمدتاً بجهت حصول جوب است روغن و شراب ابریشم و پرورش حیوانات مسکوکچری انگلیک مشتمل است بر بافتن مخمل و پارچه های ابریشمین و بعضی از پارچه های خوشبختین و جواهر آلات و بلور بافتن آلات و ساز و عطریات و دست کش و کمره های - تجارت سنگی مشتمل است بر مال التجاره خارج اش که ابریشم و شراب روغن و گوگرد و یوه و ششم و پوست و سنگ مرمر و غیره باشد و مال التجاره داخل اش که چای و قهوه و شکو و دیگر چیزهایی که در ملک دیگر حاصل میشود پارچه های شمیمه در بسمانی و ظروف -

طرق و شوارع - طرق و شوارع در ضلع لامبردی و در شمال ایتالی مخصوصاً غالباً بسیار خوب است لیکن در جانب جنوب ایتالی بسیار بد است - نهرهای بریده بشمار است در ملک ولیکن چندان بکار تجارت مفید نیستند - قریب ۲۵۰ میل یلوی است قریب ۱۰۰۰ میل تلگراف مذہب و تربیت - مردم ایتالی عیسوی اند مگر صد ۶-۹۹ رمن کتلیک اند و نیز اقبه ۴۰۰۰۰ پرستنت در این ملک است و ۲۰۰۰۰ یهود - تربیت در ملک ایتالی چنان است

۱- نام شهر میلان است
 ۲- برشال است که درست
 ۳- بیکستند از آرد بسیار است
 ۴- و سفید و خوشمزه و در شای
 ۵- است پند
 ۶- ۹۹-۱۰۰ از این عدد
 ۷- مراد از دود و دهنق یک است

جغرافیائی اہمیت

که با وصف کمال توجه و مدد یاری می که از جانب حکومت میشد و از این از منته متاخر علم و دانش و تربیت چندان در خمیض پستی و قلت است که از هر صدی از خلق ۵ نفر محرم و بی بهره است حتی از علوم مقدمات و ابتدائیه و بلکه تا این زمان اخیر اکثر اغلب از ادانی خلق الف بی هم نمی دانستند مگر از برای اواسط و اعلی ناس و علوم و تربیت درجه اعلی بند و بست و نظم و نسق بخوبی است و ۲۲ دار الفنون در این ملک است که اعلی ناس بخوبی در آنها تربیت میشوند و در ملک ایتالی از قدیم الایام هنر و کمال یدیه مثل نقاشی و مجاری بسیار و کمال بوده و اکنون هم هست و کتب خانه ها و میوزیم خانه های بسیار در این ملک میباشد مثل بر نشخ کتب قدیمه و بسیار نادره و نیز اسباب و اشیاء عمد و قابل دید -

حکومت - در ملک ایتالی پادشاهی است بر وفق اصول و کانتی تیوشن و اقتدار جریان احکام و اگر است پادشاه به بهدستی و معیت وزرانی که همه جواب ده ستند مصالح امور ملک را - امر جریان و ابداع قوانین ملکیه بدست پادشاه است بمعیت پرلمنت که مشتمل است از دو مجلس یکی مجلس خاص که اعالی و اعظم ملک اند اجزای آن ۲۷۰ استند در حد و که پادشاه ایشان را برگزینند و اجزای این مجلس مدامی ستند و دیگری مجلس عام یعنی نواب و دکهای خلق که اجزای آن مشتمل است از ۵۰۰ نفر و خلق ایشان را اختیار میکنند و مدت بودن ایشان در مجلس شوری پنج سال است -

نماز و صیامت و زکوة و حج و عمره و غیره

تاریخ

باید گفت که ایتالی در هر عهدی منقسم بوده است به سه قسمت - چنان گمان نموده است که باشندگان
بسیار قدیم جنوب این ملک اهل پلرینس^۱ است. نووندیکی از املاک ملک یونان باشندگان قدیم
وسط این ملک اهل اتر فوریا بودند که اصل ایشان از اهل لیبیا^۲ بوده و باشندگان شمال
اهل ایلیریا^۳ بوده اند و نیز از گاهای جزینی و دیگرانکه این ملک بغایت معمور و پر خلقت بوده و بخت
اهل آن با علم و تربیت بوده اند قبل از آنکه تمام قوت و سهیلای این ملک در قبضه رومیان در افتد
رومیان دارای تمام این ملک شوند لیکن چون رومیان خود را سکونت و استقرار دادند در این ملک
قریب ۵۰۰ سال قبل از تاریخ عیسوی امنه فتح نمودی و تخی خود را وسعت دادند فقط در تمام ملک
ایتالی یکدیگر به بیشترین حصه عالمی که در زمان ایشان بر خلق معلوم بود - در زمانی که رومیان اهل
استیلا بودند جنوب ایتالی را نامیدند گلتا^۴ گریشیا و بسیاری از باشندگان یونان را در آنجا سکونت
دادند و شمال این ملک را خواندند سیکسیپین^۵ گال و وسط آنرا نامیدند ایتالی^۶ پراپر^۷ و نمایی
ایتالی واقعی - در میان خیم عیسوی دولت و م روی به تنزل و انقراض نهاده و گاهها اندک زمانی
در سلطنت نمودند و این ملک پس از آن این ملک بملک شرقیه اسحاق یافت - سپس در سال ۱۰۰۰
اهل لاسریدی یکی از املاک ملک جزینی شمال این ملک را مسخر داشته سلطنت اقامت نمودی را اساس
نهادند و ملک مذکور در کت ایشان بود تا آنکه در سال ۱۰۲۴ ششمین ایشان را مغلوب نمود و ساخت
ملک را از کت ایشان گرفت - در زمان ضعف و انحلال جانشینان یعنی پس آیدگان ششمین
قسمت شمالی این ملک منقسم شد در میان ریاستهای متعدده که از آنجمله بود ریاستهای وینس^۸

[illegible]

اصلاحی پروگرام کیلئے

100

۱۵۰۰

۵۵

عبدالحکیم

تاریخ ایتالی

و چنانچه ویشنا و فلارنس و چند ریاستهای دیگر که همه یهودی بود چون حکم رانی
 پاپ های م شروع شد در سال ۱۲۵۲ که در ریاست مارتی بود ملایان رفته رفته استیلا ی غصبی
 بهم رسانیده اراضی بسیاری از ملک ایتالی را در قبضه در آورد و ریاستی شد قومی و سطلک ایتالی
 ریاست و حکومت نیکولس که اساس نهادگی از شاهزادگان نارمندی دو صد سال بعد از هم کم
 کم در تحت تصرف کونت های آشور و درآمد بعضی از جا های دیگر را پادشاهان انگلن و فرس
 گرفتند و آخر الامر محو شد بلکه سپین تادمت دو صد سال - بار دیگر ملکی شد جدا گانه و مستقل در دست
 یکی از سلاطین اسپین در سال ۱۷۳۴ - در این بین بار ریاستهای یهودی شمالی یکی بعد دیگری
 از استقلال و عدم بستگی خود افتاد و بعضی از آنها تصرف پادشاهان جرمنی در افتاد و بعضی دیگر مطیع
 بعضی از سلاطین یا شاهزادگان ضعیف خود ایتالی شد - با جمل ریاستهای ایتالی عاقبت چنین
 شد که نیکولس و سیسیلی یک ملک ریاست گشت و آنچه در قبضه پاپ با بود ملک در ریاست
 دیگر و شمال ملک منقسم شد در میان متعدد و شاهزادگان تا اینکه در اوایل این صد سال اخیر
 همه را ناپلین مغلوب ساخت و منقرض نمود و تمام ملک ایتالی بجز سر وینیا یک ملک در ریاست
 واحد گشت در تحت واری فرس و ملک نیکولس پادشاهی مقرر گشت که بنام مستقل بود ولی
 در واقع دست نشاند و مطیع نیکولین بود - پس از آنکه نیکولین را آفتاب جلال رو بزوال نهاد
 در سال ۱۸۱۴ آن ریاستهای مختلفه متعدده که بود مجدداً باز پس داده شد حکم روان
 در دوسای قدیمی آنها بغیر از وچی های میلان و ونیس که آنها را با ستر یا واکه خشنود
 آثار قدیمه - آثار و علامات رومیان در هر کجائی از این ملک موجود است متعدد

تاریخ ایتالی

و در ضلع تسکنی هنوز آثار و علامات تربیت و علم و دانش ظاهرست از زمان خلقی که
سالمای دراز بوده اند حتی قبل از بنا و اساس شهر رم -

ایالتی ملک ایتالی مخلوط و مزوج است از زبانه های بسیاری مثل یونانی و گالی و جرمی و گالی
و عرب و دیگر زبانه ها که در مختلف زمین هر یک از آنها نقل کرده از وطن اصلی خود آمده اند و ملک
سکونت گزیده و با ساکنان اصلی این ملک شامل شده و زبان ایشان یک شته صاف و
ملاطبی است از لغت پلینگی یعنی یونانی و لاتین مزوج لیکن همین جهت که ملک ایتالی از زبانه های
و زمانهای دراز منقسم بوده است باقسام ریاستهای متعدد و مختلفه و نیز بجای دیگر
الآن قریب بچهل زبان در میان اهل آن تکلم می شود و این زبانها چندان مخالف
یکدیگر اند که مردم یک ضلع بندرت و سختی می توانند درک کنند زبان مردم ضلع
و دیگر را و چنان معلوم شده است که زبان ایتالی تسکنی افسح و ابلاغ زبانهاست یعنی
از حیثیت محاوره و لیکن رمن با که باشندگان رمن باشند بهتر تلفظ میکنند -

اهل ایتالی مردمی هستند بسیار خوش صورت و زنده دل و بسیار و ذوق و صاحب
خیالات بدیع و دارای سلیقه نیک و کمال سرگرمی و شوق و استعداد دارند در هنر و لیکن
طبیعت و خصال فانیه این قوم همواره معروف و مشهور است بگرمی و حدت یعنی غضب
آلوده اند و بسیار خود بین و یک رازی و قتل نفس و مال یکدیگر یا مردم را بردن خوردن
بسیار است در میان ایشان و میتوان گفت که تمام قوم روی هم رفته در سفلی درجه تهی
یعنی بسیار اعمال قبیحه را بجای آورند -

ممالک روس

ممالک محروسه روس مشتمل است بر قریب بیست و شش یک حصه فسحت کرده ارض و مساحت سطح زمین آن و این ممالک غالباً منقسم است بر سه قسمت "روس در یورپ" "روس در آسیا" و "روس در اشیا" - مگر در اینجا این سه قسمت مذکوره را ما بر دو قسمت قرار میدیم یکم به سهولت و آسانی یعنی "روس در یورپ" و "روس در اشیا"

روس در یورپ

جغرافیا

آن حصه ملک روس که حصه غربی آن است و در مملکت یورپ واقع شده ابرهم و پراگندترین حصه ممالک روس است - فسحت آنرا تخمین کرده اند قریب ۱۰۰۰ میل مربع است و طول آن از شمال بجنوب بیش از ۲۰۰۰ میل و عرضش بیش از ۵۰۰ میل و محدود است در شمال به ناروی و محیط ارکتیک در مشرق به روس در اشیا و در جنوب به انگلستان و دریای اسود و ملک عثمانی و استریا و در جانب غرب به دریای بلتیک و ملک سویدن - این ملک را چهار دریا در چهار گوشه واقع است و لهذا تمام سواحل دریای آن ۵۰۰۰ میل است

۱- از گره مرز زمین
اب هر دو است -
عجمی از غیر انجلیان
و قس است خدای کلین
و بی جلیان نشانه ممالک
مملکت است هم چون
۲- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه
۳- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه
۴- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه
۵- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه
۶- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه
۷- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه
۸- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه
۹- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه
۱۰- ۱۰۰۰ میل مربع است
در روسیه

جغرافیای روس

سواحل محیط ارکتیک (که ... ۲۰۰ میل است) در بین ۸ و ۹ ماه از سال رایج باده منجمد است و سواحل بلتیک (۲۰۰ میل) در بین چهار ماه از سال رایج گرفته که بکلی طریق آمد و شد بهازات و غیره مسدود است.

بشمار و خلیج و غیره که در این ملک واقع است که داخل زمین آن دویده بنمیوجب است.
(۱) دریای ابیض - این دریا خلیج عظیمی است که از محیط ارکتیک جدا میشود و داخل میگردد سواحل شمالی ملک روس را قریب ۲۰۰ میل طول آن است و ۵۰۰ میل مربع وسعت دارد و بسیار عمیق و قابل مسافرت بهازات بسیار عظیم انجمنه است - این بایست از اقسام ماهی مانند کاد و پرنجنگند و غیره و با واسطه رودهای فولگا و وولگا و آن اتصال می یابد بدریای کاسپیان و دریای اسود که در میان نهر بریده واقع است و این دریا تا شش ماه یخبسته است و در سال و دو جهت تسمیه اش به سفید یا دبیض، نمائشی است که دارد در بین این موسم -

(۲) خلیج فنلند - این خلیج رشته ایست از دریای بلتیک و ۲۰۰ میل طول است و از ۲۵ الی ۹۰ میل عرض آن و غالباً هشت ماه یخبسته است -

(۳) دریای آزوف - این دریا با واسطه معبر یارگی اتصال می یابد بدریای اسود - نهایت طول آن ۲۵۰ میل است و نهایت عرضش ۱۰۰ میل و قریب ۱۳۰۰ میل مربع فضا آن است این دریا بسیار مفید است بجهت تجارت ملک روس و ماهی در این دریا بحساب است گراز ماه نومبر تا ماه مارچ یخبسته است -

جغرافیای روس

جزایر - جزایر ملک روس بدینویج است -

(۱) ویکاتور که واقع است در جانب شمال و مشرق روس ۹۵ میل و ۵۴ میل عرض آن است و تمام سنگلاخ و قریب بکلی خالی از نبات است مگر مملو است از ماهی و اقسام نوبخت پوست آن مانند سموم غیره بکار می آید - این جزیره اگر چه معدودی خلقت دارد و در موسم خاصی روسیان بیعت در آنجا آمد و شد دارند بجهت شکار جانور و ماهی -

(۲) - نوویا زملیا - این جزیره ۷۰ میل طول و ۵۶ میل عرض است و نباتش منحصر است به پنبه و دانه و حیوانات اقسام مختلفه در این جزیره یافت می شود و در این جزیره احدی سکونت ندارد و مگر در تابستان صیاد بسیاری در آن مدو شد میکنند - (۳) اسپیتس برگرن - این لفظ یا نام وضع شده است از برای یک دسته از جزایر که مشتمل است بر سه جزیره بزرگ و در واقع این نام نام بزرگترین ازان سه است و چند جزیره خرد دیگر هم مع است باین جزیره - باجمله این جزیره ۲۰ میل از ساحل ملک روس دور افتاده یعنی واقع شده در وسط ۷۹ و ۸۱ تنبیه شمالی یعنی از خط استوا

حواشی و سواحل این جزیره را کوه فرا گرفته و تمام سطح است و مشتمل است بر چند لنگرگاه بسیار خوبی و خود این جزیره سراسر کوهستان است و پوشیده شده است از یخ و یخ مانا و بسیار قلیل فساد در نباتی در آن میروید و سردار این جزیره بغایت شدت است و مدت ۱۰ ماه از سال را یخ دارد و ۴ ماه بکلی آفتاب از کنار افق برنی آید و دیده نمیشود و ۴ ماه پیوسته شب روز کیسان است یعنی روز است و گرمی هوا بغایت شدت و

و یکاتور

و نوویا زملیا

و اسپیتس برگرن

و سواحل

و در تابستان

و صیاد

و در آن

و مدو شد

و میکنند

و مشتمل

و چند

و لنگرگاه

و بسیار

جغرافیای روس

و غایت اعتدال بود و این جزیره در تمام سال ۱۵ درجه است - این جزیره را دریانوردی معروف از اهل ملک پوج پیدا کرد در سال ۱۵۹۶ -

(۴) جزایر متعدده دیگر هست (۲۰۰ در عدد) که مینا منداکسچ پلگه واقع در دریای بئیک در جاییکه داخل میشو غلیج بئیشیارا - قریب ۶۰ جزیره از اینها سکون هست و اما ۴۰۰ نفوس ساکن اند و آنها که اهل نشان از باشندگان سویدن بوده و این جزایر مذکوره بسیار مفید هستند اما تنگه چهارم و سفاین و این جزیره نخست قبضه سویدن بود و در سال ۱۸۰۰ روس گرفت -

(۵) دکه با.... اخلقیست و اسل با ۶۰۰۰۰ خلقیت و جزیره عظیم محمود آبادی واقع در خلیج ریچکا مگر تفصیلی بنظر نرسیده نرسیده است و مخصوص این جزایر مذکوره - سطح - سطح ملک روس شتمل است بر یک حصه عظیم یورپ و باستثنای بعضی جاها که حقیقت بکلی سطح است - در جانب جنوب و مشرق آن واقع است ارضی و ارتفاع جبل جبال که تمام یورپ راست و لیکن در وسط آن ارتفاع اضلاع یا ارضی از ۱۲۰۰ فوت مرتفع است و با جمله مطلقا زمین و در ملک یورپ شتمل است بر جنگلهای عظیمه و کوههای منجمد کهنه و دشتهای لم نریع وسیع - غایت ارتفاع ملک و سطح دریا ۵۸۴ فوت است و مابین شهر پتروزبرغ و سنکو چندان جنگل و چندان پرست از اشجار و غیره که میگویند امکان از طایری پرواز کند و از شهری شهری رود و چون آنکه آبی بر زمین نشیند -

جبال - جبال این ملک اینها است -

(۱) کاکس که کشیده است از جانب شمال و مغرب و جنوب و مشرق میرود از دکا

۱۵۹۶

۱۸۰۰

جغرافیای روس

اسود و تنه می شود برای اسود و ارتفاع قلل آن البرز است ۸۵۲۶ فوت رفیع -

این جبال را طول ۴۰۰ میل است قتل متعده ده است که هر یک ۵۰۰۰ فوت مرتفع است تماماً پوشیده ببارف و یخ انداز زمان خلقت عالم و در این جبال معادن بسیار خوب پز فایده هست و در محل وحش و وسط و کنار آنها بادیه بانی است همه سبز و خرم و حاصل خیز -

۱۵۰۰۰ پا
 ۱۵۰۰۰ پا

(۲) جبال یورال که کشیده شده است از شمال جنوب و حدی شده اند ما بین روس و پروس و روس و اشیاء و ارتفاع قلل آنها ۱۵۰۰۰ پا است ۵۵۴۰ فوت رفیع - این جبال مذکور مشتمل است بر چند قلّه که هر یک را بیش از ۵۰۰۰ فوت رفعت است -

جبال کاکس قریب ۴۰۰ میل طول اند و مشتمل است بر متعده قتل که هر یک ۵۰۰۰ فوت رفعت دارد و تماماً پوشیده شده اند از برف و یخ و اما در این جبال معادن متعده ده است همه پر دولت و زرغین و بادیه های گرد اگر در همه بغایت معمور و آباد است -

جبال یورال چنین گمان کرده اند که کشیده میشوند ما بین روس و آلتای و از کناره دریای خزر بجانب شمال میروند و مملکت یورپ را از مملکت اشیاء جدای سازند و مشتمل اند بر چند قلّه که هر یک بیش از ۵۰۰۰ فوت ارتفاع دارد و این جبال هم مشحون اند از معدنیات و فلزات بسیار - آنها را روس واقع شده است در وسط چهار نهر عظیم که هر چهار بطور سر شیب فرو میزنند در چهار بحر خاصی در شمال فرو میزنند در محیط آرکتیک در مغرب در بحر بالتیک در جنوب در بحر اسود و در جنوب و شرق در بحر خزر - آنها را مذکور اگر چه شعب میشود شعب متعده مگر شعب عمده آنها بموجب ذیل است -

جغرافیای روس

(۱) پتسچرا (یا پتسرا) - این دو بند میشود از جبال یورال پس از آنکه ۵۰ میل فاصله طی میکند که از آن ۲۰ میل قابل مسافرت سفاین است و اخل میشود و محیط ارکتیک با وسط و هینه که در آن و هینه جزایر متعدده واقع گشته -

(۲) ووتسنا - این رود پس از آنکه ۹۰ میل مسافت را طی کرده که تقریباً تمام قابل مسافرت فرود میریزد در بحر ابيض از وسط خلیج آزک انجلن -

(۳) لوتا - هر چند که این رود بیش از ۲۰ میل طول ندارد مگر یکی از جمله رودهای عمده مفیده ملک روس است زیرا که میگذرد از وسط پایتخت روس و بسیار مفیده است بواسطه تجارت و اعطای شمال ملک منکور و با واسطه رودهایی که دستی بریده اند این دو اتصال می یابد برود و ولگا -

(۴) نیشورسکی - این دو واقع است در جانب غربی روس مگر در واقع متعلق به ملک روس نیست زیرا که قبل از آنکه داخل شود دریای بلتیک را میگذرد از گوشه شمال مشرق ملک پروشیا - طول این رود ۷۰۰ میل است -

(۵) ولسنکول - این دو ۲۰ میل است آب ۲۰۰۰ میل مربع زمین را بخود میکشد و لیکن بندهای آن که چه مقدار از آن اخل ملک روس است تخمیناً شاید چهارم آن اخل در آن شود و میریزد در دریای بلتیک -

(۶) نیشور - این دو از رودهای عظیم یورپ سوین است که پس از طی ۱۰۰ میل فرود میریزد در دریای اسود و آب ۹۵۰۰ میل مربع زمین را بخود میکشد و چند رود دیگر نیز با این می یابد و اخل میشود و بقدر ۹۰ میل از آن قابل مسافرت سفاین است از دیابا واسطه

پتسچرا

ووتسنا

لوتا

نیشورسکی

وولگا

وولگا

جغرافیای روس

از دماغه مشرق

چندین دوبریده اتصال میابد به قفقاز و دویشتا و ملوستان ماهی -
(۷) دان در بزرگی عظمت ثانی تیسر است و چهارمین دوهای عظیم یورپ است و پس از آن
...میل مسافت را طی کرده داخل دریای آزوف میشود با دماغه چند دهنه و آب ۷۵۰۰ میل
مربع زمین را بنحو میکشد و از دریای آزوف ۵۰۰ میل آن قابل مسافت چهار ذرات است و لیکن در سوم
تابستان آب آن کم است و حرکت سفاین در آن مشکل -

(۸) وولگا عظم تمام انهار مالک یورپ است و طی میکند ۱۹۲۰ میل مسافت از انچه داخل
دریای کسپیان (افضر) میشود قریب بشهر استرخان با دماغه ۷۰ یا ۷۵ دهنه - این د
آب ۲۱۰۰۰ میل مربع زمین را بنحو میکشد و عمده آبی که داخل این د میشود آب چند رود است
و سراسر این د و قابل مسافت است تا به ۹۰۰ میل مسافت مانده لبخیر شمش این د و اتصال
میدهد دریای بلتیک و محیط اکتیک و دریای اسود و دریای افضر با دماغه انهار یک بریده اند
و این رود شاه راه عظیمی است بجهت تجارت روس و تیسر است از ماهی و بخصوصه و قسم ماهی
که میخوانند سلمان و استرخیان بسیار قیمتی و پر مصرف اند -

(۹) یوکرا بلند میشود (یعنی سرشیده آن واقع شده است) از کوستان یوکرا
مسافت را طی کرده آن نیز داخل دریای افضر میشود و جدا میسازد مملکت یورپ از آسیا
و آب ۵۰۰۰ میل مربع زمین را بنحو میکشد -

اگبیر - آگبیرای عظیم ملک روس اینها است -
(۱۰) که گلا - این آگبیر عظیم ترین آگبیرای روس است و یورپ کتاب آن غلب شیرین است -

جغرافیای دس

غایت طول این آبگیر از شمال و مشرق تا جنوب مغرب قریب ۲۵ میل است غایت عرض آن ۷۰ میل و ۵۰ میل مربع زمین افرا گرفته دارد و ۴۹ فوت از دریا مرتفع است آب ۶۰ رُود داخل آن میشود و چندان مشحون است از جزایر و سنگلاخ و اتلال و حبال و نیز محل طوفان و تلاطم واقع است که مسافت در آن خطرناک است و نهری در آن دیده اند ۷۰ میل طول و ۷۰ فوت عرض -

(۲۶) **انگکا** - این آبگیر دومین است در آبگیری یورپا و حیثیت عظمت و واقع گشته مابین دریای هفیس و آبگیر لنگا - طول این آبگیر ۴۴ میل است و عرض از ۳۰ الی ۴۰ میل و مساحت ۳۸۰۰ میل مربع و ۲۳۷۰ فوت بر فراز است از دریا و آب ۱۰ رُود داخل آن میشود و مثل است بر چند جزیره چندان عمیق نیست لهذا مسافت سفاین در آن مشکل است و ملو است از ماهی

(۳۷) **پوچی پونس** - این آبگیر ۷۰ میل طول است و ۳۲ میل عرض ۱۴ میل مربع و مساحت ۹۵۰۰ فوت مربع از سطح دریا و آب چند رُود داخل آن میشود و آب خودش میریزد و در خلیج فنلند گریز بخلاف دور و دسبای عمیق است و مسافتش بسیار آسان مابین یادی ازان حاصل میشود -

هوا - ملک دس بواسطه وسعت و عظمتیکه دارد و هوایش بغایت مختلف است مگر با وصف کمال سردی غالباً هوایش ناسازگار و ناملائیم نیست - دشتهاییکه واقع است از این ملک و کنار محوطه اگر کتیک سردترین اراضی آن ملک است چنانچه تقریباً اکثر اوقات اعتدال هوای آنها را دون درجه انجماد است یعنی درجه که در آن آب یخ میکند - بادیه ای که از دس واقع است در جنوب و مشرق هم کمال گرمی دارند و هم کمال سردی را چنانچه در تابستان درجه هوای آنها میرسد به ۱۰۰ و حال آنکه در زمستان غالباً میرسد به ۳۶ - یک نطاتی یا زمین باریکی چون کمر بند واقع است در میان این دو آبگیر

در پیچ

جغرافیای روس

درفوق ذکر شده این زمین اقل اعتدال هوا در سال از ۳۲ درجه شمالی ۴۰ درجه - بارش بخیل
بسیار کم است یعنی وی هم از ۱۵ الی ۲۰ اینچ بیشتر نمی بارد -

خاک - ملک دس مشتمل است بر اقسام مختلف خاک چنانچه زمینهای بسیار وسیع دارد و کلی
بخت و دلم نیز ع افتاده و از انطرف زمین هم دارد که بغایت حاصل خیز است که گندم نمی از
بازار تمام ممالک یورپ را کفایت میکند -

حاصل - حاصل طبیعی ملک دس هم بغایت مختلف و بغایت قیمتی و اہم است - حیواناتش علاوه
بر آنچه در تمام ممالک دیگر یورپ است اسبی است بغایت سخت جان و قوی که اسب قاتی ش
میخوانند و درین دیر و بز کوهی و بیشان - حیواناتش مشتمل است از یک ذات طیری که میخوانند
خروس جنگلی که نام دیگری هم دارد و یک ذات دیگری که پیکین میگویند - ماهی اہم یک تنہا
سفید است و چند قسم ماهی دیگر که منحصر ہند ہمہ بانہیک - نباتاتش مشتمل است بموجب دچوب
فلکس و ہب و پنبہ و غیرہ - معدنیاتش طلا و مس و آہن و زغال سنگ بسیار است و پنبہ و غیرہ -
خلقیات - خلق روس بموجب یک جغرافیا در سال ۱۸۶۷ عیسوی ۴۳۶۵۸۹۳۴ نفس بود
و بموجب جغرافیای دیگر که تاریخ تخمین بشمارہ آنرا محبت کرده خبری کم از نفس بود
العلم عند اللہ - و هیچ مملکی از ممالک یورپ چندان فرق و ذاتہای مختلفہ نیست کہ در ملک روس
مگر تمام را برہ ذات قرار داده اند -

۱) ذات اسکا کوئیک که مشتمل است از روسیان واقعی یعنی ذاتی که ایشان را روسی حقیقی میخوانند
و ساکن اند در وسط این ملک و قوم دیگری کہ باشندہ لیٹوا انیا ہند و نیز فرقہ کہ ایشان را لیتوان
میخوانند

۲) زمینان
۳) جوانی است بحد کجایش
۴) گندم بسیار است یعنی بارش
۵) پشم بسیار است یعنی بارش
۶) بسیار زیاد است
۷) اسب کوهی بسیار است
۸) چمن قاف و کوه و دریا
۹) خاک و زمین بسیار است
۱۰) زمین بسیار است
۱۱) زمین بسیار است
۱۲) زمین بسیار است
۱۳) زمین بسیار است
۱۴) زمین بسیار است
۱۵) زمین بسیار است
۱۶) زمین بسیار است
۱۷) زمین بسیار است
۱۸) زمین بسیار است
۱۹) زمین بسیار است
۲۰) زمین بسیار است

جغرافیای روس

گپیش میخوانند یعنی باشند پلند -

(۲) ذات فین است که فرا گرفته اند ارض شمالی و خلیج فنلند و اراضی جبال یورل را -

(۳) تاتاریانند که در اراضی جنوب مشرق سکونت دارند -

(۴) جرمن که مخلوط شده اند با روسیان و بعضی از اشخاص و اراضی معموره -

(۵) ذات گات است که مشتمل است بر اهل سویدن که اغلب و اکثر باشند گان و خلق جنوب

خلیج فنلند از این ذات است - علاوه بر این فرق غطیه فرق و ذاتها بسیار دیگر هم بیکجا این

ملک ساکن استند ولی عمده و شهرهای که در آنها تجارت بسیار میشود و از پنجه انگلیش است و

اسکاج و دین و یهود و ایرانی و هند و چند ذات دیگر - تا سال ۱۸۶۳ بیشترین خلق روس در

یعنی بنده و برده پادشاه و امرا و دیگر صاحبان دولت و مکتب - در روز عرّه ماه مارچ ۱۸۶۱

فرمان و حکم پادشاه روس رفت و در سال ۱۸۶۳ فرمان مذکور جریان یافت و فرمان مذکور مشعر بود

بر آزادی این بردگان که با واسطه آن پیش از مدعیان خلق از عبودیت آزادی و خلاصی یافت -

لغت و علم - لغت املی روس یک شته است از لغت اسکولونیک که بغایت مشکل است و

حروف تهجی آن مشکل است بر ۳۶ حرف که بعضی از آنها یونانی است و بعضی دیگر خاص است بر زبان

لغت - نویسندگان قدیم آنرا شکر بوده اند یا مؤرخین و قصص نویسندگان نوین کان شرح حال شهرها

مکرد این نامه اخیر بهترین نویسندگان روس زبان جرمنی را بسیار در استعمال دارند و علمای ایشان را

جدید را بسیار استعمال میکنند و نوشته های این مان شرح سیاحت سیاحان است -

تقسیم ملک - بجهت انتظام و انساق حکومتی ملک روس اکنون تقسیم است به ۶۱ حکومت

له سرت بنده و
یکجهت بنده

جغرافیای روس

و سه ملک که غالباً خوانده میشوند بنا سبب هر یک از شهرهای غطیمی که در هر یک از آنها واقع است و نیز
 روی هم رفته در تحت ده و سه با عقد درآمده که تفصیل هر یک را اراده نمائست که در این کتاب
 روس در یورپ مشتمل است بر ده شهر که بدینسان انفر خلقیت دارند پیطرز برغ و مسکو
 و زنا رگجا و اوسنا - ده شهر که از ... الی خلقیت آنهاست و ده شهر که از
 خلقیت دارند الی ده شهر که از ... الی خلقیت هر یک از آنهاست -
 پیطرز برغ - این شهر را بنام خوانده اند بنا سبب نام پیطرز بزرگ که اساس آنرا بنا و دو
 ۸۰۳ عیسوی - این شهر پای تخت امروزه ملک دس است یکی از شهرهای بسیار عظیمه با شکوه
 ملک یورپ است مشتمل بر بناها و عمارات بسیار عالی و خلقیت آن ۶۶۷۹۲۶ نفس است -
 مسکو - این شهر و السلطنه قدیم روس است اگر چه در مرتبه ثانی پیطرز برغ است مگر اکثر
 خاندانهای عظیم الشان قدیم در این شهر سکونت دارند و در خصوص تجارت و مینو کجی و فتن
 پارچه های ابریشمین و ریشمینی و پشمین و قالیچه و جواهر آلات و دیگر چیزها مقدم و در وجه اول است
 نسبت بان شهر - و در علوم با و الفنون این شهر ۲۰۰ نفر همه روزه حاضر میشوند و بموجب یک
 جغرافیا ۳۷۰ و بموجب جغرافیائی دیگر ۶ کلیسا و معبد دارد و ناقوسی که در این شهر است بزرگترین ناقوسها
 جهان است چنانچه شصت و هفت پایافوت چهارانچ گرداگرد آنست ۴۴۳۷۲۷ پوند وزن آنست
 که شاید بدین از پنجاه هزار من سنگ شاه میشود - خلقیت این شهر ۳۹۹۳۲۱ نفس است بموجب
 یک جغرافیا و بموجب جغرافیائی دیگر بدینسان نفس و در این شهر کتاب خانه است که
 بنده هم جایگاه آن است -

جغرافیای روس

مشاغل - اکثر و اغلب خلق زراعت مشغول اند بخصوص زراعت جو و گندم و پنبه و کنوب
در پرورش موشی - مینوچکچری در نهایت سرعت وی بفرایش از درانیمک بسیار امر و شغل غنیست
بخصوص در ساختن بافتن شغیری و چرخ و آلات و پارچه های ریشمانی و پشمین و کتان و چین
و چین - کندن و ساختن و استعمال معدنیات و فلزات بغایت کثرت است -

ماهی گیری نیز کثرت دارد در انیمک و یک شعبه شغل غنیست اهل روس را - تجارت انیمک
هم بسیار است و مال التجاره خارج اش پیه است و چیم و جوب و مپ و پوست سم و چوب
و غیره که عمده و بیشتر آن بکک انکلند میرود و بعد از آن تبرکی و ندرلند و ایتالی و مینی
و یونیتد استیتس در امریکا و مال التجاره داخل اش پنبه است و ریشمان و نیل و کچنیل و صنایع
و شراب و سایر مسکرات و روغن بید انجیر و قهوه و بسیاری از انشای امریکا و چا و چسب
از چین داخل این ملک میشود با کاروان و نیز بعضی از پارچه های بافته -

طرق و شوارع - طرق و شوارع ملک روس در یورپ بغایت خوب و پاک و پاکیزه است
مگر راه های باریک آن بسیار بد است و معا بر و طرق انها و جدا اول آن بغایت مفید هستند
بجته ذهاب و ایاب در بلاد و امصار انیمک - ریلوی در همه جای انیمک و آن است و آن
قرار یک در یک جغرافیا نوشته ... ریل ریلوی دارد و تلگراف در تمام شهرهای این ملک جاری است
حکومت و تربیت و مذهب - حکومت و سن حکومتی است پادشاهی موروثی بالا اجاب یعنی
میل و خواهش پادشاه که آنرا امپراتور میخوانند و از نیز میگویند قانون ملک است و تمام
امور حکومتی در کف اختیار و اقتدار است بعبارة اخری ابلاغ قوانین و اجرای قوانین و

جغرافیای روس

احکام عدالت همه در اختیار اوست مگر بواسطه درانی که خود معین و مقرر میکند
مشتعل استند بر چهار صنف و جماعت -

(۱) کونسل ممالک محروسه که مهام امور ابداع قوانین نظم و نسق و مالیات ملک با ایشان است

(۲) مجلسی است که تمام امور احب رایه قوانین یا اختیار او است -

(۳) مجلسی است که تمام امور شرعی یعنی مذهبی با اختیار اوست در تمام ملک -

(۴) مجلس و دراء است که منقسم و منشعب است بپانزده قسمت و شعبه که نمینت

میگویند ولی معلوم نیست که حد و اجزای این مجالس مذکوره چند استند -

ترتیب بغایت نادرست و تحلیل یعنی ملاحظه عموم و اکثر و اغلب خلق که بشود و گویا تربیت

علم و دانش در این ملک وجود ندارد چنانچه در سال ۱۸۷۰ فقط صدی اثنیاز سپاهیان و

قدرت خواندن و نوشتن داشت مگر در این اوقات توجه زیادی شده است از جانب

حکومت در خصوص تربیت خلق و بخصوص مدرسه های لشکری بغایت تکمیل دارد و نیز در

مبست بجهت تربیت کرون و ریافوردان سپاهیان دریائی - مگر در ملک ما از افراد

سپاه هم صدی ۱۱ نفر خواندن و نوشتن نمی دانند -

مذهب - قریب پنج اشش قسمت ایلی ملک و من متعلق است بکلیسای یونان و قبطیه

عمده و مشتمل اند از من کتلیک و پرستنت و یهود و مسلمان و تقریباً همه بالتساوی اند یعنی

بیک حد اند این ذاتهای خمیر -

لشکر روس بسیار عظیم است و مشتمل است بر مرد و اعلا ترین درجاء مناصب عالی

تاریخ روس

میشود بجهت خدمت در سپاه و هرگز خطاب انعام و جایزه که بهر که داده میشود به خود وضع لشکری است. اگر چه سپاه دریائی و جهازات بحری بسیار دارد و روس در دریای بالتیک و دریای اسود و دریای کسپین مع ذلک کاهای چنانچه باید و شاید کاری نکرده اند و فقط و استیلاهای خود را ظاهر نساخته و جهازات تجارقی روس چپستان نیست و اغلب آنها را ممالک خارجه اش در جهازات تجارقی ممالک خارجه حمل و نقل بآن میشود.

تاریخ

باشندگان اصلی این ملک قبایل و طوایفی بودند باویشین و معروف و مشهور بودند به امانی سر متیلا و سوشپینیا. در صد سال خیم عیسوی و قرون دهم و بعد از آن آلمانی که قریب بروهای و نیوب و دان است بتدريج و پی در پی مورد تاخت و تار و حملات قبایل و فرقی شد که از ملک اشیا نقل مکان نموده رعل اقامت در اینجاها مذکور افکنند که از آنجمله بودند قوم فین و امانی اسکولنیا که چین می نماید اقامت شان با دوام نداد و سایر فرق و ذاتها بودند. فرقه و گیراز و زوان اسکندنیو یا آمده در صد سال نهم عیسوی و او ضلع این فرق ماقبل اند که را برهم زده موجب در دسر ایشان شد و در این سرزمین همان استیلار بهم رسانید که قوم دین یافت در ملک انگلستان و ریک نامی اولین شخصی که بر این فرقه پادشاه شد اساس سلطنتی نهاد در وسط این زمین در سال ۸۸۲ عیسوی و زمینی که او در آن کلخ سلطنت خود را عمارت کرد و فرقه زفته در چاشینان

در سر متیلا

در سوشپینیا

در زوان

و کسانی که بدنبال او آمدند و سخت بهم رسانید - یکی از کسانی که از پی انیرد آمده بودند
دارا شد و کد پیتر بود که در سال ۱۷۰۱ و خواهر شاهنشاه یونان را بجای آنکه کاح خود را
و مذہب عیسوی را در ملک خود جریان داد - پس از این زمان ملک روس منقسم
در میان ریاستهای متعدد و مکرر مغشوش و پرفتنه و آفت بود و پیوسته پایمال
در او آخر صد سال پانزدهم (۱۷۷۴) این خاندان حال موجود بر تخت نشست ملک
روس را و دولت و حکومت آن استقرار و استحکام پذیرفت و معروف گشت به
"گرنر وچی اوسکو" (یعنی دچی بزرگ مسکو) - در صد سال هفدهم عیسوی
دو نیمین معروف به "وئیت رشیا" یعنی روس سفید و "پتیل رشیا" یعنی روس
کوچک سفر گشت از ملک پلند و نیز گسکند گرفته شد از یوکرین که کلنیی بوساکانش
همه سپاهی پیشه که اعتراف نمودند مطاع بودن شاهنشاه روس را بر خود و این
بذکور شروع شد که دولت روس موجب خوف و هراس سایر دول یورپ گردید
جلوس پیتر بزرگ در سال ۱۷۱۲ از مانی بود در تاریخ روس بی نهایت عجیب زیرا که ملک
اقتدار و عظمت نهایت سانید و تیغ و سپاه روس در حدود شمال فتهای عظیم نمود و دولت
را منقرض ساخت و حدود و اراضی بسیار عظیمه وسیعه را در کنار دریای بلتیک چنگ آورد
پس طرد کورلیتی یعنی قطاری از جهادات جنگی آماده و جاری ساخت در دیابنای عثمان
نهاد موسوم بنام خودش (یعنی پیتر بزرگ) و جریان داد در میان ایالی ملک خود و هنرمندی
و تائیک اندازده هم علم و قانون و مراسم و بعضی چیزهای دیگر را که در ممالک گریو پاری بود

۱- در کتب
۲- در کتب
۳- در کتب
۴- در کتب
۵- در کتب
۶- در کتب
۷- در کتب
۸- در کتب
۹- در کتب
۱۰- در کتب

تاریخ روس

از زمان سلطنت این شاهنشاه تاریخ نهاده شده است و باید تاریخ نهاده آغاز شود
 ترقی و تربیت مردم روس را که از عالم حیوانیت روی تیریت و آدمیت نهاده
 و از آن زمان هم الی الآن پیوسته ملک روس روی بفرایش و تربیت و علم و دانش
 داشته - و عهد سلطنت کترین ۲ (در سال ۱۷۶۲) روس یک قطعه زمین بسیار
 عظیم را در تصرف آورد و در ملک پلند و در دریای اسو و که در انجانیز اکنون همان منتعلا
 را دارد که در دریای بشتیک دارد - در این صد سال اخیر تنازع می که واقع شده روس
 با نپلین و بعد از آن با دولت عثمانی بهمین وسیله فحمت بود و منظر گشت و گشتی
 اهل پلند در سال ۱۸۳۱ آخر شد با نیکه ملک ایشان شامل روس شد و در قبضه روس
 درآمد و تابع و منقاد شدند روسیان را - این دولت باین عظمت و قوت با سپاهی
 دار و نمیمی حیوان و نمیمی انسان کم کم خود را کشاید از ظرفی به مغرب و اقصای مملکت
 و از ظرفی بچین و از ظرفی قریب با فغانستان -

اما ر قدیمه - ادنا و علامات قدیمه در ملک و س بسیار کم چیرنی بنظر رسیده است خبر این که
 گاه گاهی بعضی از قبور کف و بت پرستان قدیم ظاهر شده از خاک بیرون آمده مع آلات جنگ
 زینت ها یکد سباب امتیاز و تشخیص ایشان است - قبور یک و شهر کمپو است که بعضی اولیاء
 یار بهمانان است خیلی تفریق از که هر سال جمعی کثیر از هر طرف ممالک یورپ عیسویان بریزند
 می آیند و آنجا و این مقابر و غار بانی واقع شده بغایت وسیع و عظیم و اگر چه چنان چنین نیست
 که این قبور در زمان بت پرستان ساخته شده مگر و این زمان محل عبادت عیسویان است -

مملکت عثمانی دریورپ

جغرافیا

ترکی یا مملکت عثمانی مشتمل است بر اراضی وسیع که واقع شده اند دریورپ و اشیا و فیرا
از این ممالک یا اراضی مذکوره آنچه دریورپ و اشیا واقع است آنست که میخوانند "ترکی
پراپر" (یعنی ترکی واقعی) و از این حصه آنچه دریورپ واقع گشته حصه بسیا کوچک است

ترکی دریورپ

در مینیا در زبان
بسی میخوانند
عنه که در زبان
مرب میخوانند

نویسندگان را اختلاف زیادی است در مساحت و فصاحت ترکی دریورپ مگر فصاحت این ملک
مع ریاستهای خارج گداز آن (که در مینیا و ستر و یا بوده باشد) ۳۸۴۴۳۸ میل مربع است
مگر باید دانست که بنده بکلی حالانی توانم نویسم فصاحت ملک ترکی را آنچه دریورپ است
زیر که از سه جغرافیائی که مذکور بنده است یکی اندکی گفته است و دو تای دیگر قبل از این
اخیر ترکی در روس چاپ شده بلکه همین محرکه بر سر ممالک ترکی در اشیا و دیگر جاهاست
بعلمت آنکه از قرار یک در اخبار دیده میشود و شده است در مصالح روس با ترکی کلی زمین آن
ملک ترکی خارج شده و بنده اکنون نه از آن حالا که کان خبر دارم و جغرافیای جدیدی در

۲۲۳ جغرافیای ترکی در یورپ

دست است و همین اشکال در حدت خلقت و آمدنی و حاصل و لشکر و قانون و اکثر امور دیگر این ملک هست و لهذا بنده چیری سرسری و بطور اجمال مینویسم -

سطح - سطح این ملک اکثر و اغلب کوستان است مگر جبال آن بجزی مرتفع نیست که همواره برف بزرگها باشد - زمین این ملک ۱۹۰۰ فوت از دریا مرتفع است - در این ملک ۹ سلسله از جبال هست که ارتفاع تمام قلل آنها هکده بر پله است ۹۸۴۲ فوت رفیع که در سلسله جبال **وینچیت** واقع است - از آنها رو آنگیر بای انیمیک نیز در این وقت چیری نمیتوان نوشت - **هوا** - غالباً در وی هم رفته بهوای ملک ترکی خوش و طایم است مگر بعضی از قطعات ارض این ملک بد آب و هوا و مضربا باشد و در مختلف ارضی هر دو حرارت و برودت بکمال است **اقل** اعتدال سالیان بهوای شهر قسطنطنیه ۵۹ و ۳ است -

خاک - خاک استنبول همواره معروف بوده است ب حاصل خیزی و بعضی فواید طبیعی که انیمیک است معدودی از سایر ممالک عالم راست - خاک بعضی از اراضی مسیه رینیا چندان پر قوت و حاصل خیز است که غالباً یک تخم سیصد تخم میشود و در بعضی جا های دیگر آن چنین است که در سال دو مرتبه برنج حاصل می شود از آنجا -

حاصل - حیوان خانگی و جنگلی انیمیک اکثر همان حیوانات داز همان اقسام و انواعی است که در ملک استریا یافت میشود ولی اسباب انیمیک خورد و خوراک است - کاه و میش و قاطر و الاغ بسیار است در انیمیک - گوسفند بچه و حسابی در انیمیک پرورش میدهند بجهت پشم آن و بز و خوک بسیاری نیز پرورش میدهند بجهت گوشت شان - نباتات این ملک خوب است و میوه و چوب همه

۱- رنج
۲- وینچیت
۳- مسیه رینیا
۴- مسیه رینیا

۲۴۴
جغرافیای ترکی در یورپ

بسیار خوب ممتاز و نیز تنباکو و ابریشم و پنبه و تریاک و صمغ و اصل السوس و روئاس و ماز و نخود -
گل سرخ در این ملک بی نهایت زراعت میشود و بجهت کشیدن عطر آن - معدنیات این ملک امیگوئید
بی نهایت است مگر سعی و جهد چندانی بکار نرفته است تاکنون که این دولت عظیم و خزاین گران از زیر
خاک بیرون نشود -

خلقیّت - خلقت ترکی در یورپ را در سال ۸۵۶ تخمین کرده بودند ۱۵ میلیون نفوس بود
چنانچه ابراهیم قندی هم در تاریخ خود در سال ۱۲۷۸ هجری برابر همین عدد را مینویسد -

ولیکن تخمین که یک ثلث از این خلقت کم شده است در این جنگ اخیر باره و من بنده سخنی آگاه
نیستم چنانچه قبل از این نوشته مگر انتشار داده و ریافت کرده و منتخب التواریخ شاپوری تفصیل
خواهم نمود - باجمعه خلق ترکی کم از ۱۴۰۰۰۰۰۰ نیست و زبان شان عمده لغت االی بلغاریه است
و سربویا و آلبانیا و مالدیا و آلبانیا و لغت ترکی -

تقسیم ترکی

کامسطنطینپول که قسطنطنین و قسطنطنیه و استنبولش منجانبند که از انجمله لفظ یا نام اخیر تحریف
شده است از لغت یونانیان و نامی است که خود ترکان آنرا استعمال میکنند پای تخت و در آن
این ملک است و فردوس االی مشرق زمین - در زمان یونانیان و در میان این شهر مشهور
بود به پیرنئس ^{تیم} و موس و بانی بنای آن االی مغربیا (یا مگربیا) شدند و کلنی دادند
روان ساختند و سکونت دادند از االی ملک و زمین خود در سنوات ۶۶۷ و ۶۲۸ قبل از

جغرافیای ترکی در یورپ

تاریخ عیسوی - نامیکه اکنون این شهر است بناسبت نام پادشاه کاشتین بنین بزرگ است که در روز ۱۲ ماهی ۳۳۰ عیسوی اساس این شهر را مجدد آنها و زیر که در جنگ و جدال چندی قبل از تاریخ عیسوی این شهر پایمال شده بود و این شهری که اکنون بر پاست بجا آن نیز بنیم است - شکی نیست که بسیار شهر عظیم الشانی است و صاحب جغرافیا هم نوشته است مجلل و باشکوه ترین بلاد و امصار یورپ است و حیثیت مکانیت یعنی چنان مرتفع واقع شده است که از هر طرفی که ناظر نظر کند اطراف آن را بر نشیب می بیند و همین سبب فرج انگیز است و نیز خنای نقشه است در وسط ممالک و وحشی بجا که بغایت بجهت تجارت خوب است مگر عیب و چون بگفتی هنرش نیز بگو در همین جغرافیای نویسی که نمایش ظاهر این شهر از بلتش بهتر است زیرا که طرق و شوارع آن همه تنگ است و کشیف و پراز گلاب و خلقت آن بموجب یک جغرافیا که است و بموجب جغرافیای دیگر مالک -

مشاغل - در این زمان ملک عثمانی ملکی را عت فلاحت شده مگر باوصف این عت و ش چندان فزایش و ترقی ندارد و عمده مقصود از زراعت حصول جوب است و میوه و آبشیرین و پنجه و فلکس و مپ - مینو کچری که پیش ازین فی الجمله بود اکنون کلی معدوم شده و فقط در بعضی جاها به پارچه های ابریشمین و شپمین و لیسمانی و قالی و چرمینه و غلیان و خطرات - عمده ال التجه خارجا شلشیم است و چرم و جوب و پنجه و میوه و اسب و عت و ال التجه داخله شلشیم و چرم لیسمانی است مثل چلپاری و امثال آن و شپمین و کارد و چاقو و انگونه و ته و ظروف آلای و شپیری طرق و شوارع - طرق و شوارع این ملک بغایت بد است و طرقیکه از برای عبور و مرور و کار

جغرافیای بنین

۲۴۶ تاریخ ترکی در یورپ

باشد که بجای یافت نمی شود و این ملک معیار آبی یعنی انهار و جداول و غیره هم بسیار ناکام و مهمل
و محل نقل متعه و مال التجاره همواره با قاطر است و دیگر چهار پایان با کشتن با چوبها سیکه میکنند
بسته و راهها جاری دارند - تمام بلوچی که اکنون در ملک ترکی جاریست ... مهمل است و بقدر
... مهمل هم اکنون در مدارک تیاری و جریا نیست و نیز بقدر ۵۰ مهمل تلگراف هم دارد -

تاریخ

این ملک در میان قدما معروف و موسوم بود باین نامها و سیدنی و ترسیا و درسیا
و درسیا و آلپریا و تسلیا و غیره که در صد سال و م قبل از تاریخ عیسوی رومیان همه
ساختند - در ۳۲۶ محل حکومت و پای تحت سلطنت نقل شد از شهر روم به شهر بیزنتیم که از آنوقت
موسوم گشت به کانتستینین (استمبول) بنام پادشاهی که در ایام سلطنت او اساس آنرا نهادند
و این را فنی که اکنون میگویند و یاد گرفت و وسط ممالک شرقیه یونان بود و از مانیکه ترکان
مسخر ساختند آنها را (سال ۱۳۵۳) - ترکان عثمانی را ذات منتهی میشد با لالی سبت یعنی
قوم تاتار و سکون بودند و رانی که واقع است در وسط تبیت و سپهر پادشاه و وارل -
این قوم غالباً لشکر خلفای نبی عباس شتغال داشتند و از ایشان آموختند جهان تعصب تبی
و جهان علم جنگ جوئی را و رفته رفته قوت یافته بر ایشان استیلا بهم رسانیدند و آخر آنها را
از تحت فرود آورده خویش شدند - یکی از سران و رؤسای این قوم عثمان نام بسیار فاج
و منصو گشت در گرفتن بعضی از ممالک اشیامینا یعنی ارقنه الروم و خطاب سلطان بنحو

۲۴۷ تاریخ ترکی در یورپ

و جانشین پلوی او ملک خود را وسعت دادند و در اواسط صد سال چهارم عیسوی دخیل شدند
در ملک یورپ **آوگوستین** را گرفتند و تابع خود ساختند و مدنی و البشیا و نمروپ را در
سال ۱۱۵۳ عیسوی بود که بهداری محمد ثانی مالک گشتند قسطنطنیه را و دولت یونان را
ساختند و این فتح جهانگیر پیوسته و بنو دی بقیه این ملک را تابع خویش نمود و آنیکه دولت عثمان
موجب خوف و هراس عیسویان گشت - در صد سال شانزدهم عیسوی تمام ممالک یونان فتح
نمود و مالک گشت و نیز قسمتی از ملک هنگاری و کربنیا و سواحل دریای اسود و نیز ممالکی را
که اکنون معروف است به ممالک ترکی در اشیا را و حجاز و مصر و تریپلی و تونس و الجزیره را هم فتح
نمودند و این فتحی که ترکان را و آمد در جنگ **لپسنته** بود در سال ۱۵۷۱ اباد دولت استریاک
و **ان چان** پادشاه استریاکشتی با جمعی ایشان را پایمال کرد - تا یکصد سال دولت عثمان
روی مقبول داشت و کمین از قریب سال ۱۶۷۰ مجدداً روی ترقی گداشت و وسعت بهم
استریاکان را از ملک هنگاری براند و روس از کف ایشان گرفت و ترنس **کاکاشیا**
و آن اراغی را که واقع است در وسط رود دنیوب و کاکس در یورپ یونانیان هم
دولتی شدند بدون علاقه از ترکان و آنچه در رانیز ترنس مقبوض داشت - **گلک ویا** و
وکلینا و تحت استیلا و اختیار روس درآمد مگر بنام رعیت دولت عثمانی اند همچنین اقتدار
دولت مذکور بسیار کم است در ملک عربستان و شمال افریقا و بسیاری از جاهای ایشیا منیه
مگر در این جنگ اخیر (۱۸۷۷) باروس زمینهای بسیاری از چنگ دولت عثمانی بدر شد
که ضرور به تفصیل نیست -

سده او و سی و پنجم

سده شصت و یکم

سده شصت و دوم

سده شصت و سوم

سده شصت و چهارم

سده شصت و پنجم

سده شصت و ششم

سده شصت و هفتم

سده شصت و هشتم

۲۳۳ تاریخ ترکی دیوچ

آثار و علامات قدیمه این سرزمین یعنی ملک عثمانی دیوچ مشهور منوج است با آثار و
علامات قدیمه یونانیان - چنانچه در استنبول یک عمارتی است که امپراطور حبشست
در صد سال ششم عیسوی خاص گردانیده بجهت خدا یعنی آنرا معبد قرار داد که غالباً منجوس
کلیسای سنت سفیا که تا این زمان هم برپاست مگر مسلمانان آنرا مسجد کرده اند مشاب
در آن ساخته اند و دیگر زینت با آن داده اند و دیگر در این شهر کاریزها و مجاری آبها
بسیار و بیشمار است که بسیار قدیمی اند - مسجدی در استنبول هست که ستونها و آرائش
از خرابیهای شرابی میباشد و در خارج مسجد گبری یک ستونی برپا ایستاده است
برنج که مانند طناب بهم چیده است میگویند همان است که وقتی از اوقات در معبد
بود که محل موعظه کردن یعنی منبر بالای آن ساخته بودند - قریب جاییکه میخواست
وید و پن واقع است پل بسیار معروف تر جز آن که بالای رود و نیوب کشیده شده
و گمان رفته است که ابتدا مشتمل بوده است از عیسیت ستون سنگی بزرگ که مشتمل بوده
عمارتی چوبین را که بیش از ۳۳۰۰ فوت طول آن عمارت بوده -

خلق که حکمرانی میکنند در این ملک چنانچه قبل ازین اشاره شد عثمان کو هستند یعنی ترکان
عثمانی که شعبه هستند از ترکان وسط ایشیا که مردم ترکستان را تا بار باشند و هر چند که فریاد
سر سر ملک را فر گرفته اند نسبت بان ذاتهای که تابع ایشانند بسیار معدود اند -

از جمله ذاتی که از همه ذاتها پیش است اهل اسکونیاست که سکونت دارد در شرق و غرب
و بلغاریه - یکی از ذاتهای دیگر پلنکی است که باشندگان یونان اهل و گلیا و اهل البانیا

لغت حبشست
عنه شراب
این لفظ برای است
شرابی بکله ترابی
عنه و غیره

تاریخ ترکی دیورپ

از ان فرات هستند - یونان و این ملک بسیار است و قوم پیشی در این ملک پیش از هر ملی و ملک
 یورپ است - در میان این فراتها و فرق مختلفه ترکان حکومتی میزنند مانند رسم فیودل که چند
 فرق ندارد با آنچه ذکر کردیم نسبت به ملک بهکاری یعنی که گاهی با ایشان مخلوط نمی شود و هر
 از آنها جدا هستند و بسیار بهریت بر آنها نظر میکنند و غالباً دام میگذارند و زراعت و دیگر کارها
 هنرهای مفیده را با آنها یعنی اکثر کارهای مفیده اقوامهای دیگر یا نصارت میکنند بسیار است
 تشخیص و تعیین اندازه و حد و هر یک از این فراتهای مختلفه نسبت بیکدیگر و لیکن بتعیین
 که آنهاست که اصل شان اسکلتونی است مساوی اند و عدد و اتمام دیگر و آنهاست که ساکنین این
 ملک و کمال بدبختی است از برای دولت عثمانی که این مقدار عظیم از خردش در اصل و مذہب باید
 متحده باشند با خصم قوی با زوی آن دولت روس -

لغت ترکان یکی از لغت و شیاست که نه شیرینی دارد و نه ملاحیت و نه خوش اچو خوش نیست
 ولی یکی از لغات بسیار آسان است مرا با لی یورپ را - و آنهاست مختلفه که رعیت این قوم از همه
 بلغات مخصوصه خود متکلم اند مگر عربی که لغت دین مذہب است بسیار مروج و مستعمل است
 در میان اعالی و اشراف این قوم بدون آنکه اغلب بفهمند معنی آن را -

حکومت و مذہب - حکومت شرع و عرف در این ملک هر دو مخلوط و منبرج اند و اثر
 و استیلای عظیمی دارند بر حالات و رسوم و عادات خلق - پادشاه که اورا سلطان میخوانند
 خلیفه الله نیز است لهذا جمیع دارد و در خود هم بحال شرع و هم غلظت سلطنت را و اختیاری
 و اقتدارش را هیچ چیزی سد و مانع راه نمی شود و مختار کل است بر هر امری از امور و میل

تأیید ترکی دیورپ

و خواهش نمودن هر چه را که میخواهد و میتواند که هر روز چهار ده نفر را بکشند که گویا بموجب
 الهامی است که او را می شود و این بدون آن است که قصوری از ایشان نبظرد آورد -
 بنده نمیدانم صدق این مقال را و این ترجمه است از کتابی که بمسیت سال قبل از این نوشته شده
 شاید قبل از این چنین بوده حالا چنین نباشند یا آنکه حالا نیز چنین باشد العلم عند الله -
 سلطان دوم لاچار است که بموجب قرآن عمل کند که حاکم آن احکام و بفعل آورنده آن دستگیر
 شخصی است که آنرا مفتی میگویند و چون که قرآن مشتمل است هم بر امور شرع و هم بر امور عرفیه و اطلاعی
 که در معبد عبادت و عظمت میکنند و آنکه قوانین ملک را جاری میدارد یکی است یا از یک صنف اند
 بدرجات مختلفه همه در تحت مفتی و این سلسله و هفتاد و نه باین تناسل و تشکیلی که یکدیگر
 دارند و بدرجات عالی و اقتدار و اختیار یک دارند و اختلاط داده اند امارت و حکمرانی را با پیشه
 و حرفه خود در کمال استواری و انضباط و بسا باشد که سلطان در هیچ امر عظیمی اقدام نمیکند
 یا مفسد فتوی مفتی و مجلس و که آن عمل یا امر بر وفق شرع است و مکرراتفاق افتاده که یکی از
 او باشد یافته انگیزان فتوایی گرفته است از مفتی در مخالفت و خصومت سلطان با واسطه
 فتوی آن سرکشی و مخالفت بر وفق شرع شده - جریان احکام سلطان همه بدست وزیر عظم
 او و اگر است که در تحت حکم و واقع اند حکام متعددی دیگر که در مقام خود و در جایگاه
 همه را حکم بر وفق و نخواهد بود و همه متقل و محتار اند هر چه نخواهند میکنند بطول و تعوی
 از برای نظام و بند و بست ملکی ملک منقسم کرده اند بچند قسمت که هر یک را یالتی میخوانند
 و هر یک از این یا آنها که بزرگتر است یکی از پادشایان عظیم الشان درجه اول و اگر است

۲۵۱ تایخ ترکی دیورپ

و کان ذلک ایالتهای درجه دوم پادشایان درجه دوم و ایالتهای درجه سوم پادشایان درجه سوم - این حکومت با غالباً به حکام فروخته می شود هر که زیاد تر بدین معنی پیشکش و ابد اخیا ن می کنند که آن زر چگونه وصول میشود -

عادات و رسوم ترکان عثمانی که بکلی مشرقی است و خلاف رسوم و عادات مردم یورپ است اغلب خوراک ترکان برنج و میوه است و قهوه - شراب ممنوع است در مذہب ایشان مگر در عوض آن خط و افری حاصل میکنند از اقیون - حمام و قهوه خانه جای تفریح و تفریح و داغ است این قوم را و بازی نرد و شطرنج بسیار پسندیده و مطبوع ایشان است - لاقیدی و نخوت و تن پروری از جمله اخلاق حسنه و تمهید است نزد ایشان معروف است که ترکان نه تنها دلیر اند بلکه در کلام خود ثابت اند و نه فقط نرد و نه خشمگین میشوند بلکه بسیار کینه و روئند مزاج اند چون برانگیخته شوند - لفظ ترک را بسیار خوار و فرومایه می شمارند و مطبوع طبع ایشان نیست که باین نام خوانده شوند زیرا که مراد از جنگی و بهیبه سیرت مگر ایشان را بنام عثمان خواندن بسیار مایه افتخار ایشان است یعنی بسیار مردم مہذبانی هستند - تا چند سال قبل از این مباح بود خون بہر مسلمانی که تغیر و دهند بہر طرف خود را مگر از سال ۱۸۴۴ عیسوی این رسم معدوم گشت و کہ کسی مختار نفس خود گشت در مذہب خود - سپاہ ترک چند سال قبل از این ۳۰ نفر بود مگر اکنون معلوم نیست چه باقی مانده است - مالیات این ملک نیز بخوبی معلوم نمیشود -

مملکت گریس یا یونان

جغرافیا

ملک گریس یعنی یونان اگرچه در این زمان آن فسحت قدیم را ندارد و مع ذلک هنوز بعضی از اضلاع و اراضی عظیم الشان آن مملکت نام آور باقی است و این ملک اکنون بر سه قسمت شمالی و جنوبی و قسمتی که جزایر است و مشتمل است از چند جزیره که متحد و متصل می باشند بخود زمین ملک مذکور -

قسمت و وضع محلّیت و وقوع این ملک - فسحت ملک یونان ۹۹۰ میل مربع و غایت طول آن ۲۰۰ میل و غایت عرضش ۰۰ میل (دگیری عرض آنرا ۴۵ میل نمونید) بواسطه آنکه بسیار نامساوی و نامنظم است سواحل گرداگرد این ملک بسیار از جاها و شکم زمین و دیده سواحل آن هم در مسافت بسیار است (۲۰۰۰ میل است) و هم صور اشکال مختلفه در آن هم رسیده بواسطه این سوله و خلیج متعددی که در آن صورت وجود یافته - جزایر - جزایر این ملک به حدّ بسیار هم عظیم الشان اند یعنی پر فواید هستند زیرا حاکیونی که مشتمل اند بر خوش زمین خود یونان کمتر از ثلث تعلّقیّت ملک خلّقیّت آنجا نیست و بهترین و بیشترین حاصل این ملک از این جزایر است و مشتمل هستند بر بهترین

جغرافیای یونان

نمایشگاه با خوشترین هوای ملک یونان این جزایر بر چهار دسته و یا جمله مقسومند است
 (۱) جزایر ایونیا - (۲) جزایر سیکلاد - (۳) وسترین اسپارند -
 (۴) ریونیای و ناز ورن اسپارند -

جزایر ایونیا واقع است در دریای ایونیا و متصل است بر اهل مربع زمین و
 تماماکوستان و سنگلاخ است و جزیره است بزرگ و چند جزیره خرد هم دارد -
 هوای این جزیره خوب است ولی مختلف است و همچنین خاک آنها حاصل این جزیره بسیار
 و انگور و خلق آنها ۱۸۸۷۹ نفوس است -

جزایر سیکلاد اکثر سنگلاخ و کوستان است و در تنوع و حاصل خیز و سبز و خرم و در
 حد و میثمار اند - هوای اینها خوب و خاکشان مرغوب است و حاصلشان بسیار است
 و شراب میوه و ابریشم و سنگ مرمر و خلقیتشان بیش از ۳۲۹۹ نفوس است -

جزایر وسترین اسپارند چندین جزیره است که غالباً کوستان و سنگلاخ است و
 لم بزاع و بعضی از جایهای آنها نیز سرسبز است و روغن ساقی و شراب پنبه هم از آنها حاصل میشود
 و یکی از جزایران اسپارند نام دارد که بحسب خوب صورتی زنان آن جزیره معروف اند -

جزایر ریونیای و ناز ورن اسپارند - (۱) ایوبیا ۵ ایل طویل ۵ ایل عرض
 و ۷۰۰ ایل مربع فضا دارد و ۷۲۰۰۰ خلقیت - این جزیره کوستان است و بعضی

از جایهای آن بغایت حاصل خیز است و خوب و شراب و مواشی و گوسفند و بز و پشم
 زرد و الو و روغن ترپین بسیار عمده حاصل این جزیره است -

ایونیا

سیکلاد

وسترین اسپارند

ایونیا

ناز ورن اسپارند

سیکلاد

وسترین اسپارند

روغن ساقی و شراب

پنبه

۲۵۴
جغرافیای یونان

سطح - سطح این ملک کوستان و شگلانخ ذنا هواریست و نیز بادیه های وادیهای عمیق و پیوسته و اتلا لے دارد و جنگل دارد -

جبال - جبال که سر اسر انیک را فرا گرفته و منشعب به شعب بی شمار است و یک چندان رفعت ندارد که مدام برف بر قله آن ایستد و ارتفاع قلل جبال این ملک قله جبل اثنا است که ۸۲۳۹ فوت رفعت دارد -

انحمار و آبگیر - هر چند که یونان ملکی است که پر آب و انهار است مگر ملکی نیست که زنجیری آب یابد و زنجیری آب خورد و گذشته از این بعضی جنگلها و دشتها را در این و آنرا پیاپی کرده اند و بنا بر این منابع انحمار چشمه با بسیار قلت یافته و با بحاله آب این ملک کم است و چندان انهار آن هم قابل مسافرت نیستند -

هوا - یونان را هوایی است ملایم و معتدل و سالم و کوستان آن سرد است و سخت و لیکن در آشنای غالباً هوا بشدت گرم است -

تابستان این ملک سه ماه است در ایام سال که در بین آن آفتاب بغایت روشن و درخشنده و هوا صاف است و آسمان نیز مصفا و روشن است -

بهار و خزان هوای این ملک مرطوب است و غالباً طوفان است - زمستان در این منحصراً بد و ماه و هر چند که برف می افتد ولی نیمانند و آبل اعتدال هوا را راضی است این ملک در جاست

خاک - خاک این ملک سرد حاصل خیز است و لے زراعت آن بسیار میشود و فقط هفت یک این ملک زراعت می شود -

جغرافیای یونان

تاکنون - در این زمان حلق این شهر ۳۰۰۰ نفر است -

مشاغل عمده مشاغل یونان تجارت آن است که جمع کثیری از خلق را مشغول داشته

و عمده مال التجاره خارج از کشور است و قلع و روغن بیدانجیه و مال التجاره داخله را پرچم

پنبه و شمشیر است و زغال و آهن و مس که در این ملک مشغول زراعت اند مخصوص

زراعت انگور و خشک بیدانجیه و پنبه و تنباکو - مینو کچری بسیار کم است و لیکن چندان هم نیست -

طرق و شوارع - اکثر اغلب مال التجاره این ملک حمل میشود از دریا و لیکن تجارت بری

بکثرت غیر ممکن است و این ملک زیر اکثر طرق و شوارع بری آن خوب و بسیار نیست و یونانی

که در این ملک است تماماً ۱۳۶ میل است مگر تلگرافات این ملک خوب است -

حکومت و تربیت و مذہب - در قانون و هول ملک یونان اقتدار ابداع قوانین

و اگر است فقط بکف اختیار یک مجلس که اجزای آن اختیار میشوند بجهت مدت خاصی و این حکومت

مینخوانند "لیمیت یانرگی" و جریان حکومت و قوانین و اگر است پادشاه جیت و زراکی که

مشتمل استند از اعظم مفت و پر تمنت یعنی ضلع عظیم ملک - ملک یونان از سال ۱۸۳۰ تا سال

۱۸۲۱ در تحت حکومت دولت عثمانی بود و عاقبت در سال اخیر یعنی ۱۸۲۱ اسکرشی آواز نو و با

در عهد سلطنت آتش پسر پادشاه ملک بوریاد و سال ۱۸۳۲ با مدو و یاری و غلیمه یورپ

استقلال خود را باز حاصل کرد و از ملک عثمانی جدا گشت -

تربیت این ملک بقویت دولت و ی تبرقی دارد و بد نیست -

مذہب اهالی این ملک عیسوی اغلب تقریباً تمام خلق متعلق اند بکلیسای یونان -

شهر شمشیر

بیدانجیه و پنبه

بسیار کم و لیکن

چندان هم نیست

طرق و شوارع

بکثرت غیر ممکن

است و این ملک

زیر اکثر طرق

و شوارع بری آن

خوب و بسیار

نیست و یونانی

که در این ملک

است تماماً ۱۳۶

میل است مگر

تاسیخ

یونان چنانچه در کثرت نشتی بوزار ممالک محروسه عثمانی و در نتیجه عذاب کان سال ۱۸۲۱ ع که خلق آن بجا
آمده شورش کردند و سرکشی آغاز نمود تا اینکه پس از دو خود جنگ جدال حیات از دشمنی بگفتند
در وسط میان افتاده است جو و بعدتی کان از گریبان یونانیان کوتاه ساخته اند و انقراض استقلال
کردند در ملک و سال ۱۸۲۹ و ملک گودر آمد در حمایت مصر است ول توتیه یوپ - پادشاه نخست
پادشاه بویار تخت بر شد سال ۱۸۳۲ و در بدست اقتدارش قریب بحال استقلال سید خلق آفرید
در سال ۱۸۴۲ و قانونی در ملک جاری ساختند و سال بعد از آن حکومتی برپا کردند شبیه حکومت انگلستان - سال
۱۸۳۵ شهرت پاپی تخت تقرر کردند و در این پاپال خیر تمام ملک اسبجه نظم و نسق و بند و بست است
ساختند بزرگه مفرکی یعنی حکومت یا صوبه تعیین تقرر تمام و محل وقوع نهی منبت یا دی کشیدند که همان
نام تقسیم که در ایام از منته قدیم بود بجهت هر یک معین شود - کسانیکه حکومت است یا استانی نامی آن
که اقتضای مسکنند از اولاد یونانیان قیام کند که انیک با علم و دانش پهلوانی خوب و عاجل و برتری معمولی
لغت یونانیان این مان باند که تفاوت همان لغت قیام است این قوم خطاط زیاده ای فیه اند با کمال
مگر در حد و مشرق وسط ملک این خطاط بسیار کمتر است از سایر ارضی انیک و سایر بلادی انیک اکثر اهل
البنیا هستند و بعضی از ذاته های دیگر - مذمب این خاندانی که اکنون بر تخت یونان نشسته اند -
رین کنلیک است و لیکن عمده و اغلب خلق متعلق اند کلیسای یونان - این کلیسا پادشاه است و
قانون ملک و حکومت آن با جمعی است که هر سال یکبار اجزای آنرا میگزینند و به هیچ وجه اعتقادی ندارد
پیشین اعظمی که در قسطنطنیه است حکمت های بسیاری بهر سبب و جهت و رحمت اهل تربیت

تاریخ یونان

علم و دانش در طین زمان پنج مدرسه چیمتریا است و یک مدرسه ریاضی و یک مدرسه دارالعلوم
 و یک مدرسه لشکری و یکی هم مدرسه که در آن علم دریا نوردی آموخته میشود و از آن
 مدرسه دارالعلوم بزرگی است در اثن و قریب ۲۰۰ مدرسه کوچک دیگر هم هست
 مبتدیان - مردم این ملک بسیار اختلاف و اقراق دارند از یکدیگر در عادات و
 مختلف جا های این ملک چنانچه بعضی مایل اند بکار بافی که خالی از فتنه و غوغا بوده باشد
 و برخی دیگر بخصوص کوهستانها و صحرائشان بی نهایت بی صبر و کم حوصله اند که تحت
 اطاعت حکومت باشند و عمده پیشه ایشان زراعت است و چیز بافی که از دست
 میسازند یا با چرخ و کارخانه درست میکنند منحصراست با نچه که در ملک خودشان
 میشود و مستعمل است و عمده دولت خلق این ملک همواره حاصل شده است از تجارت
 دریائی و اینکه مدت های مدید ممنوع آمده بود بواسطه جنگ و جدالی که میکردند بچهار
 خود اکنون مجدداً جریان بهم رسانیده - بنا و عظیمه این ملک این شهر است
 اشن پترش **ثاچلیا** **سپرا گلش** **نورثیه** که در آنها تجارت
 بحساب می شود نه فقط با تمام جا های بحریه پتریا بلکه با بسیار جا های دیگر
 و دیگر و بعد هم وجه ازاات این ملک میرسد به ۴۰۰۰۰ عدد -

میشود
 میان این انداز
 در این مدرسه
 پترش
 و این
 و این

مملکت ایشیا

جغرافیای اشیا

اشیا بزرگترین هفت قسمتهای کره ارض است و مثل است نبی از خلقیت تمام عالم - در طرف شمال محدود است
 بحد اکتیک در طرف مشرق بحد کسپیک و جنوب بحد هند و در غربت یا می محدود دریا مدیترانه
 و دریای سو - و معتدلین بین قریب ۵۰۰۰ میل مربع است - غایت طول این زمین ۳۰۰ میل و عرض
 ۵۰۰ میل است - هوای مملکت اشیا بسیار آسود و از چنانچه قریب است و سیاه میکند پوست را
 و در نزدیکی قطب شمالی چندین باره بکشد شاید تمام سال آسود باشد و در وسط این دو حد نیز اختلاف مملکت
 درجه بحد جنوب نشیب و فرازین - و هر چند که در اشیا زمینهای سرسبز و خرم و حاصل خیزی است که تمام زمین
 مانند آنها یافت نمیشود مگر زمینهای سرسبز آن در جنوب است و زمین خشک و گستان است و تحقیقی ندارد و ولی زمین
 نباتات اشیا و فو که عالم از اشیا حاصل میشود و هر چند که بعضی از آنها را مردم یونان و روم و بزرگان و ملوک و بعضی
 دیگر است که بر آن آنها امکان را یعنی خاکهای گوناگون میدهند و عمل نمی آید - از ازمینه بسیار قوی و معدنی
 اشیا معروف بوده است که بیشتر لی بسیار کم از آنها ظاهر شده و نیز آن از آنجا است بعضی سنگهای قیمتی و
 فلزات بسیار مفیده اغلب فلزات سیمانی که یافت شده است ملک سیمیرا و کوسها یونان یافت شده است
 که درست است و دیگر آنکه هر گونه جانوریکه در عالم است ملک اشیا یافت میشود بطور کلی و کمال
 بجز جانور و بسیار از جانور انیکه نوع انسان نیست که در آن سائر ممالک عالم یافت میشود از اشیا
 که از آنجا برده اند مثل سب خرد و شر و گاو و گوسفند و بز و همه را اشیا بوجه خلقیت اشیا نامیده اند -
 ۹۴ نفس هستند بسیار بیش از عدد از خلقیتی که سائر ممالک عالم حصه نمی خورند و هستند

جغرافیای ایشیا

این حد و قوس متصل باشد بر تمام ذاتها و قبایل عظیمه بنی نوع انسان مگر از اینها عمده و ذات اندکی است
 کاکاشین که قریب به خمس تمام این خلقت اند و در این امت متضمن این خلقی که فرا گرفته اند از کنار دریا
 اسودراتا و دریای بنگال که شامل میشود از ساکنان کرهستان ارمنیه و عربستان ایران و هندوستان
 و قوم ذات سنگلیان است و مغول که خمس دیگر این دیویده باشد که فرا گرفته است از رضی شمالی و مطهر
 و جنوب شرقی ایشیا که داخل آن است مغول تاتار و ترک چینی و ماچینی و تبتی و منخائی و غیره
 اگر چه در ملک ایشیا با انواع قسم لغات تکلم میکنند مگر بیک وضع مادرستی این لغات مختلفه را بر سره قرار داده اند
 (۱) آن صنفی که بآن تکلم میکنند در عربستان ایران و اهل کشا (۲) آن صنفی که بآن تکلم میکنند اهل چین و ماچینی و تبت و اهل چین
 (۳) آن صنفی که بآن تکلم میکنند قوم فین و تنگس و کلک و دیگران -

مذهب مروج ایشیا اینهاست اسلام و مذهب برابره و مذاهب دها و کافشیین -
 تربیت و علم و دانش مروج ایشیا در این هزار سال اخیر بیک تیره مانده است کم و بیش نشده اکنون همچنانند
 که هزار سال قبل بودند و سایر امور معیشت زندگی و تجارت و غیر ذلک نیز همان است مانند باقی اند مردم
 ایشیا عموماً لباسی پیوسته فراخ و کشا و دراز بالا آن وانی می کنند و عمامه بر سر می گذارند و کفش می پوشند و بر پا
 می کشند چون خلعتا و مساجد خود و شیون و خیالات مردم پیک کلاه خود را بر میدارند اینها کفش خود را
 پاید میکنند و وقت غذا خوردن چهارانویا و نانو می نشینند بالاسی مین و همه دست خود را در یک طرف طعام
 می برند که بجهت صرف همه نهاده شده است و عموم وقاعت از آنکه با گشتان خود و چیرتی طعام بدان
 و اوقات بکار نمی درازند و غلبه این کشید و فو و نج و می کنند و در می کشند بالاسی ایچ یا کوچی سر خود را می ترا
 و در عوض لیش خود را را می کنند که بسیار بد نشود و اغلب طالب بکاری تن پروری اند -

ملک سپهریا

جغرافیا

اگر چه این قسمت ملک و س هیل مرغ زمین از گرفته مع ذلک خلقیت آن هیلین پیش
و از نیمه نمی برون شدگان گنه گارانی هستند که از آن قسمت ملک و س آمدند که در ملک یورپ واقع است
هوای نیک بخت است چنانچه زمستان آن ماه طول میکشد و زمین وادایق مان مری هوای
میکشد که زیق منجم میماند - آما تابستان آن هر چند اندک مانی پیش نیست مع ذلک بغایت گرم است
و قدرت آبی نباتات چنان بسعوت میریزد که جای تعجب است - و بعضی جاها چنان است که نام نبات
بندست شنیده میشود ولی برخلاف این قلت و نابودی نبات خوراک حیوانی چندان است که بوصف نمی آید
و تلاقی نبات را میکنند و چیزی است که در چنان هوای سرد و ضرورت هم بسیار دارد - ملک سپهریا بر ملک
از مالک دنیای قدیم از حیثیت معادن فوقیت از دوازده معدنیات فواید آن مس آهن از همه کمتر
عمل می کند مگر طلا و نقره و سایر فلزاتی که بعمل می آید و زرد و سارال پنج کرواد آنها عاید حاصل میشود و یکی از
کوهها عجیب و غریب است که سرانگهرین بابت الماس و دیگر جواهرات هم در نمیکند بسیار است یکی از جملات نمیکند که
باشد معروف است که حاصل بصوتی بنی نوع انسان یافت میشود و صاحب و طراحت جا هست ختم است بآن ضلع - زبان
مرد نمیکند مختلف است بعضی متکلم اند بعضی که از یک شیه لغت و سی است بنی زبان شکم آمد که اصل آن لغت است
مشتمل از لغت ای مخلوقات و گستران غیر و لغات بی حد است هم هست عمل از لغات قشوق شده اند و بهینها است

مختصری بطور تاریخ

سیریا بمالک و سالحاق یافت در بین صد سال شانزدهم عیسوی و پادشاهان و س از جهان
زمان خود را خوانند زار یا شاهنشاه ملک سیریا و در سال ۱۸۲۵ عیسوی این بین منقسم شد چچا
حکومت تابلنسک و تاننسک و ونپی سپسک و اپرکن تسک و صناع
یکونوسک و اٹحسک و کم چچکا - عمده خلقت این سرزمین از قبایل طوایف خود
آن مرز و بوم اند که کم و زیاد در تحت حکومت و اطاعت و س هستند و بعضی از این طوایف مانند
گیرگی و تنگو مردم سحر نشین هستند که پیوسته در جنگها در حرکت اند که از وقت به بانه بیجهت حیوانات
خود یا اینکه دشت های جنوبی و شمال و شرق را می پیمایند که شکاری کنند - قریب ۲۰۰۰۰ نفر
از مخلوق انبیا مشغول اند بکنن معاون و کسانیکه کارهای دستکاری را میکنند اغلب از ملک یارپند
که در این زمین سکونت دارند - تجارت این ملک غالباً منحصرست به شعبه کی حل و نقل فلزات
و پوست و دیگری تجارت خاصی است که از خشکی است بمالک چین - مذهب اهالی مغولستان
لنا است و مذهب عیسوی بموجب طریقه کلیسای یونان که اکنون فی الجمله بریان فیه - این چند شهر می
در فوق ذکر کردیم سکون اند عمده از خود و میان و قزاق ها و شهر تابلسک با تپنت
سراسر این ملک است و قریب ۲۰۰۰۰ خلقت دارد و آن دیگر شهرها بنور از این هم
کوچکتر و کم خلقت تراند مگر در این حصه زمین اینها بزرگترین بلاد اند و محل سفقتن
جواهرات قیمتی اند -

۱۸۲۵ عیسوی

۱۸۲۵ عیسوی

۱۸۲۵ عیسوی

۱۸۲۵ عیسوی

۱۸۲۵ عیسوی

۱۸۲۵ عیسوی

۱۸۲۵ عیسوی

مملکت عثمانی در شیا

جغرافیا

عرض طول این ملک تحقیق معلوم نیست مگر آنکه از قناری که در جغرافیای یونان معلوم میشود تا اقصای
هم و خل این زمین محسوب شده اند بر خلاف عربستان که آنرا جداگانه ذکر کرده اند بهر حال این زمین
۲۰۰۰ میل طول دارد و ۷۰۰ میل عرض و مثلث است بر ۴۰۰۰ میل مربع و خلقت آنرا چنین
کرده اند ۱۷۵۰۰۰ نفوس است - هوای این سرزمین بسیار لطیف است در حد و شمالی مگر در حد
جنوبی بسیار گرم است در تابستان باوای می وزد که با و ساش میگویند بسیار سخت و مهلک - تا حد
فراط و در جلله این سرزمین بسیار سرسبز و آباد و نباتات خیر است و لکن باید فراموش نکرد که در بعضی
چندان خلقتش غافل میشوند که در این زمین چنانچه بسیاری از بهترین ارضی این سرزمین غیر سرسبز و آباد
حاصل طبیعی نیک حساب بی قیمت است هر گونه جانور و نباتی در این ملک حاصل میشود و از فلزات نقره
و مس و قلع و آهن نیز غافل نمک و مرمر و سنگ چاق یافت میشود و این ملک خلقت این زمین بیش از
میلیون است زبان مردم آنچنین در با حکومتها و در امور ملکی نوشته استعمال اوست که است لکن لغات
بسیاری گیریم در این زمین متصل است - مذہب کان اعراب الهی که در آن زمان اسلام است مذہب است
شیان و یونانی و الهی که با عیسویت الهی که در آن مختلف اند مذہب علی و مسلم و یهود و آتش پرستی و حتی سبک و غیره

تاریخ ممالک عثمانی و راشیا

تاریخ قدیم این قسمت مملکت عثمانی مشحون است ملفوف برواقعات و کیفیات بسیار مفیده و بلکه از پیش
فوقانی یعنی کوهستان طرف شمال مشرق این ملک جائی بود که محل نزول و جبوط و پیدایش نبی نوح بشر
واقع گشت نقطه دایره اتفاق افتاد یعنی زمین مذکور که پس از طوفان نوح احوال و انواع قبایل و
طوائف خلق از آن برخیز شدند در وی صفحه غبره در انصافی که فرات و حلب آب میخورد واقع بود و ممالک
سلطنت های بسیار عظیمه بابل و آسیه یا - اشیامینار (از هنته الرم) جهان زمینی است که پس از آل
و دولت بابل و آسیه یا شامل و استایلین شدند از آن پس شامل و استایلین نامی که گشت که متضمن است حکایت
و واقعات بیشمار می آید از آنکه ممالک و میان انقسام یافت این سرزمین در تصرف یونانیان و رومیان
تا آنکه در سال یازدهم ع شرکان عثمانی آنرا مستحضر و مقبوض نمودند - و مشق که در آن ایالی آسیه یا و یونان
در میان اهل یونان و یونانیان و مسلمانان و مختلف زمین کوششها کردند و فتنه ها انگیزند و بجهت خیر و
تصرف آن در سال و از ده و نیردهم محضر عطا بود آن سرسبز آن میدان جنگ و معرکه جدال و
و محال و شد ایالی یورپ بود بامید آنکه بیت المقدس از چنگ مسلمانان بیرون کنند و لیکن تمام این سرزمین
نیز در سال ۱۵۱۵ اتفاقا و در چنگ ترکان - در بین این چند سال اخیر این سرزمین بجال خود ماند و است
دول مظهر یورپ و الا ابراهیم پاشا از چنگ عثمانیان گرفته بود -

تمام مملکت عثمانی که در زمین اشیاست متقسم است بهفت ایالت که هر یک بدست پاشائی است مگر
قبایل صحرائی و کوهستان نشین بسیاری هم هستند در هر گوشه که بعضی از آنها غیر متقل هستند و خبری

۲۶۶
 "تاسخ ممالک عثمانی و ایشیا"

و دیگر کلی متقل و خود مختار اند یعنی در اطاعت سلطان عثمانی نیستند -

این سرزمین قتی از اوقات قطب ایره تربیت و علم و هنر بود و همچنین عین استیلا و قوت در
 دیر و مشحون بود بر آثار و علامات بحید و حصری - از انجمله فلسطین مثل است بر بسیار جاهای غطیه و
 ایهه که در تورات ذکر آنها شده است و در این سرزمین مشاهد میشود آثار و علامات معجزات
 حواریین حضرت مسیح - مسجدی واقع شده است در محل عبادت بهیو که در آن هیچ سنگی بالا نمی آید
 عمارت نشده و از جمله عمارات عمده که تا کنون آثاری از آن باقی است پل پیر است که در وسط
 صحرائی لم نریع ایستاده است - عمایل در شمال و مشرق دمشق که از بناهای حضرت سلیمان نبی است
 و در بلبک که در قدیم الایام آنرا پل پل پیر میخوانند معبدی است که گمان نموده اند که بنی
 آفتاب ساخته اند آفتاب پرستان - در این سنوات اخیر سعی و کوشش مردم یورپ بنیوا
 پیدا و کشف ساخت که در کنار و جبهه واقع است و نیز بعضی از شهرهای دیگر آسیا و بابل را
 سوامی ترکان عثمانی که بی حساب اند در ایشیا منیار ترکان هم بسیار اند که یک فته دیگری
 از ذات ترک که در صحاری و براری بسیر میزند و خیمه ها و سیه چادر را در ایام تابستان و در
 و قری میبایند در ایام زمستان - ابالی یونان بسیار اند در این سرزمین که غالباً در شهرها
 سواحل دریا سکونت دارند - ارامنه که یکی از جمله قدیمی ترین طوایف عالم اند ساکنان قسطنطنیه
 ارمنی و زند و لکین الان فقط هفت یک خلقت اینجا هستند و فخر قایل گرد سکونت دارند که در
 و دیگر ارضی حول حوش آن تمام عادات و رسوم ایشان در وی زبانی است همچنانکه عادات اعراب است که
 در ارضی و ضلع جنوبی سکونت دارند لغت عربی در تمام این سرزمین مروج است -

تایید

عنه

عربستان

جغرافیا و غیره

عربستان کاهی در جهان تابع و در تحت فرمان یک فرمان روا نبوده است بلکه اکثر و غالب خلق این ملک تابع مختلف امام بوده و هستند باینکه امام مسقط و امام یمن و امثال اینها - اضلاع حجاز و جانی که کوه سینا در آن واقع است تابع دولت عثمانی است آن هم فقط بنام صحرانشینان عرب غالباً بلکه تمام متقل و خود مختار اند و اطاعت می کنند شیوخ خود را و پس -

عرض و طول این زمین میل مرتفع است دگر بنده را در این تخیل تخمین اشکی است العلم عند الله) - آنچه در این ملک حاصل می شود از حیوان اسب و الاغ است که در تمام ارض ثانی ندارند و از سایر حیوانات هر دو چرند و پرنده بعضی اقسام می شود در این زمین - نبات این ملک عمده خرما و قهوه است و بعضی دیگر چیزهای نایب است قابل ذکر نیست و اغلب ارضی این ملک خشک و لم یزرع افتاده -

عرب را دعوی این است که رشتۀ نژادش با برابری منتهی میشود و بعضی که تخم می کنند معلوم می شود صدق قول ایشان زیرا که شعبه ایست از لغت شمن پیک یعنی لغتی که اولاد او

جغرافیای عربستان

ابن فوخ بدان متکلم اند تا ما که نسبت و قرابت تمامی اردو بلفط عبرانی و یگونی پنداشتگان
 کوستان و محرانشینان این قوم و اتحاد بالاصاله از اولاد اسمعیل اند و بسیار کم و
 بندرت مخلوط با دیگر قبایل شده و میشوند و اینها خود را نامیده اند بدو معنی یگانگان
 بادیه که تمام عمرشان را در صحرا یا بصری بزند و در میان چادرها و منقسم اند باقسام مختلف
 قبایل و طوایف که هر یک از ایشان جداست از قبیله دیگری و فقط مطیع است شیخ
 خود را و غالباً مشغول ایشان رهنرانی و دزدی است و بسیاری از ایشان فقط شکار
 شتران خود بکسر میکنند - و گاهی بی هیچ یک از سلاطین و پادشاهان عالم از ابتدا عالم
 الی الآن باین ملک حمله نیاورده - مردم سواد حل این ملک چنین می نمایند که وصل
 از ذات دیگری بوده اند و در میان ایشان فی الجمله حکومت و بندوبستی بوده است
 و بعضی از ایشان هم اکنون ب عظمت و سروری دولت عثمانی مقرراً است یعنی
 کردن با طاعت آن نهاده دارند -

مذهب اهل انبیک اسلام است که در همین ملک اساس آن نهاده شد در صد سال منقلم عیسوی
 که نه فقط در اندک زمانی مذہب اهل سبا و مذہب یہود که قدیمی مذہب این ملک بود
 از میان برداشت و بجای آنها مقیم گشت بلکه در اندک زمانی بزور شمشیر پیرویش
 مملکت و سیعی را بنیان نهاده و متسل بر امور دینی و دنیوی در تمام بلاد عربی اشیا
 و شمال افریقا و جنوب یورپ و این مذہب متفهم بود بر تمام علم و ادب و فضل و
 کمالی که در آن زمن در میان اهل عالم معروف و مشهور بود و لغت عربی فخرن علوم

و حکم بود و حالگونی که ممالک عیسویان در او اسطر زمان یعنی در وسط تاسیخ عیسوی و تاریکی
 جهل و حیوان صفتی در بودند - درین زمانی که عربها در ملک اسپین حکومت داشتند اهل یورپ
 از ایشان آموختند علم کیمیاگری و حساب ریاضی را و نوشتجات عرب شیرین ترین و فصیح
 ترین نوشتجات همه طوایف ممالک شرقیه است و بخصوصه شعر و حکایات در میان ایشان
 بغایت ملج و لطیف است و با وجود آن که این قوم همیشه تنوع ذلک و تحصیل علم و فنون
 مختلف نمی ورزند حتی این که ادانی خلق می توانند خوانند و نوشت و در دارالعلوم ایشان
 اغلب بنجوم و نیکه علم استرلاب و حکمت و ادویه و غیره می آموزند و سواي علم قرآن و تدبیر -
 زبان اهل این ملک غالباً عربی است مگر عربی بی پایه و سری و آن عربی که در قرآن نوشته شده
 اکنون مختصر است بابل حجاز و اعرابی که صاحب علم اند -
 خلق این ملک تخمین شده اند و نقل کنند که خمس ایشان بدوی هستند -
 مشاغل اهل این ملک عمدتاً کشتن و زراعت خرمات و جوهه است اگر چه بیدترین و جوی و نیز
 صحرا نوردی و ماهی گیری و بیرون آوردن مروارید و این و شغل اخیر جاری است در میان
 آن فرقی که در کنار بای دریاسکونیت دارند -
 کاربای دستکاری مختصر است بجمان - در تجارت عرب معروف است و بسیاری از این
 قوم هم در این شغل مشغول اند -

ممالک محروسه ایران

جغرافیا

پرتشیا یا ایران یکی از جمله ممالک عظیم الشان و قابل الذکر صغیر ارض است (یعنی بود و گذشت حالا خاکش سرست) زیرا که یکی از جمله گوارای فرزند آدم است و یکی از سلطنت های بسیار قوی جهان است - این سرزمین سرزمینی است که برپا خاستند و دو گرفتند در آن سلاطینی که جاری شدند احکام خدا را - این مرز بوم مرز بومی است که محل مهبود مذہب پاک و خالص تشریف و این اقلیم قلمبی است که صغیر دیوان روزگار بزرگداشت اشعار و لر بای سعدی فقط (سر اسرار این عبارت از انگریزی ترجمه شده است) -

فصاحت - باید دانست که در تجدید تخمین وسعت ایران اختلاف بسیاری است و هیچ من الوجوه بنده نمی توانم گفت عرض طول این ملک چیست مگر در یکی از کتب نوشته است (دوبال ۸۶۵ ع) که از شمال جنوب .. مایل است و از مشرق مغرب .. مایل و فصاحت آن ۶۴۸۰۰۰ مایل مربع است العلم عند الله و محدوده است در جانب شمال مغرب با ترکستان و در شمال مغرب با روس و در مغرب با ترکی و در جانب مشرق با افغانستان بلوچستان و در جنوب با خلیج فارس - ایران را .. مایل ساحل دریائی است و خلیج فارس و دریای خزر کمربان فایده بر نی گیر و از آن دیر که غالباً اهلش از دریای خائف اند چنانچه یکی از شعری آن

جغرافیای ایران

دیعنی سعدی، گفته است " بدریا در منافع بی شمار است و اگر خواهی سلامت بختیاریست " سطح - سطح ایران مثل است بر یک زمین وسیع مرفعی که از ۴۰۰۰ الی ۶۰۰۰ پا از سطح دریای قفقاز که گرداگرد آن قطعاتی کشیده است از اراضی پست و در وسط این دوازده جانی سلسله انجبال واقع و در اواسط آن زمین وسیع فیهی که عوض شده مانند میز است فرو نشسته است و شتهای بخت لم زیری که نمکات و رطوبت و همچنین صحراهای سرسبز حاصل خیز بسیاری از این کشور اشکال طبیعی انچه قابل ذکر است اینها است

اما جبال

(۱) البرز است که بخط تطیل میگذرد و حاشیه جنوبی یاخی ضر و پوشیده است با جنگلهای بسیار -

ارتفاع قلل این جبال قلعه کوه آتش فشان مافند است که ۲۱۵۲۰ فوت رفعت آن است -

(۲) سفید کوه است که واقع شده است در حاشیه شرقی دریای خضر مگر چیر دیگری در جغرافیای نوشته است منسوب بر رفعت و غیره این کوه -

(۳) جبال زگرس است که بخط تطیل میروند و بجهت بغداد و سلاسل هند از جبال که قرین ۲ میل عرض آنها است و مثل هند بر چند رؤس و قلل پوشیده از برف که ارتفاع همه الوند است -

دشتهای غنی معمور

(۱) دشت عظیم مکنزاری است که منسوب است بخراسان واقع گشته در دل این ملک که در بعضی از جایهای آن فی اجمله سنبری و خصیب است -

(۲) دشت کرمان که آن هم کویر و دیگر است و اسحاق دار و باد دشت اولین و بعضی از جایهای آن سنگلاخی هم است -

جغرافیای ایران

میدانهای ایران

- (۱) آن است که واقع است در سواحل جنوبی دریا خلیج فارس که مشتمل است بر قطعه اراضی سیستان و بم و بومادران بقایت سرسبز و حاصل خیز قریب ۲۰۰ میل طول و از ۵۰ الی ۳۰ میل عرض -
- (۲) آن است که واقع است ساحل خلیج فارس که مشتمل است بر قطعه زمینی سیستان که گاهی گاهی درخت نمرائی در آن یافت می شود و موسوم است به سیستان که قریب ۲۰۰ میل عرض است -
- میا - آب در ملک ایران بمنزله سراب میوه نایاب است حتی جوی جداول هم بسیار معدود است انهم و بعضی از اراضی و هیچ یک از آنها آن قابل مسافت سفایر نیست چندی از آنها در دهنه که داخل دریا میشوند و اکثری از آنها هم فقط آبی که بجزراند که دریا هم تابستان پاییز آب آنها خشک می شود و بسیاری از آنها گاهی به ریا هم نمیرسد و یا آنکه آب شان در آبگیری ریخته می شود یا در بیکزاری فرو میرود - با بجملة آب های ایران بموجب ذیل است -

انهار

- (۱) آترک که سرچشمه اش در امتد جبال و اتمال شمالی هند اسان است و داخل میشود در گوشه جنوب و شرقی دریای کسپا -
- (۲) قزل اوژن یعنی سفید رود که بلند می شود از اراضی غربی و از میان البرز گذشته داخل همان دریا می شود -
- (۳) کرُون که رشته ایست از خط العرب از کوهستان زکرس جاری میشود -
- (۴) کرخاب که رشته دیگریست از خط العرب که آن نیز از کوهستان فوق بلندی می شود -

جغرافیای ایران

(۵) مرغاب که چنانچه شش واقع است سرش به شمال سفیدکوه درشت خیزه یا خوارزم در مل فرو میریزد

آبگسی

(۱) اورومیه که واقع است در جانب شمال مغرب ایران و آب نمکین و سببی است
۱۲۳۵ میل مربع و ۴۰۰۰ فوت بلندتر از سطح دریا -

(۲) نمینر نیز که واقع است در وسط جبال جنوب ایران که آب بسیار نازکی است
رو و بند امیر هم داخل آن می شود -

هوا - هوای ایران بغایت مختلف است و مختلف اضلاع و محال - در جنوب گرمی تابستان
و در شمال سردی زمستان هر دو بغایت سخت است و لیکن گرمی تابستان و در شمال بجزیت
که صحرائش بیابان و دامنه جبال و اقلال و در سیه چادرها بسری برند - حد و غرب جنوب
غرب که اکثر کوستان است هوا بکمال اعتدال است و بارش هم بخوبی میبارد -
خاک این ملک در بادیه های که قریب رود و بارهاست بی نهایت سبزه و خرم و حاصل خیز است
مگر بیشتر حصه زمین این ملک خشک و لم نیرع است و بی آب و چیت ران آب دستی هم لازم است
بجهت زراعت در این زمینها که عمده و اہم شغل زارعین ایران جاری داشتن آب است
و کنند قنوات و چاه و غبیره -

انچه پید او حاصل میشود در ایران علاوه بر آنچه در یورپ پیدا میشود مثل است بر شیرینگی
و یوز و بزکوبی و گور و اسب و شتر و قاطر و الاغ و هر گونه میوه و نباتی و انغوزه و صنغ و غیره
و ترنجبین و ابریشم و پنبه و تنباکو و شکر و غیر اینها -

جغرافیای ایران

معنیای ایران بسیار معدود است و عمده آن فیروزه است و کبریت و نمک و نلفظ -

اگرچه چند سال است که پیوسته شنیده میشود که معادن متعده طلا و نقره هم پیدا شده است مگر معلوم نشود همه کذب و لاف بوده خدا کند راست باشد که قدری زرد در ایران قزایش یابد و مایه چارگان ملک خود را را بنحسب و یا نسیم باین ملکهها -

خلقیات ایران - در قضا و خلق ایران اختلاف زیادی است در جغرافیائی که قریب است
گفته است ۸۰۰۰۰۰ مینویسد خلقت ایران را و در جغرافیای دیگری ۶۰۰۰۰۰ و در کتاب
دیگری که معتبر است می نویسد - "از قرار یک مستوفی الپچی انگلیز بطور تحقیق تخمین نموده بود
حد و خلق ایران در سال ۱۸۶۸ عیسوی بموجب تعداد ذیل بوده -"

۱۰۰۰۰۰۰

شهر نشینان

۱۷۰۰۰۰۰

صحرا نشینان

۱۲۰۰۰۰۰

الهی دهاات و قری

کلاً ۴۴۰۰۰۰۰

از انجمله (هر چه بوده باشد) قریب نیمی ایرانی الاصل است و بقیه ترک است که دو عرب
و یهود - زبان مردم ایران غالباً پارسی است و ترکی -

تقسیم حکومتی - بجهت جریان حکومت و انتظام و انشاق ملک ایران منقسم
شده است بچندین صوبه که هر یک در تحت حکومت خاکی است و این ملک بواسطه
آنکه بخوبی صوبه جات و اضلاعش محدود و محین نیست لهذا نمیتوان بطور صحت آنجا

خبرانیای ایران

داد بخوانندگان و لے عمدہ صوبجاتش اینها است۔

جانب	صوبہ	حاکم نشین	سایر شہرهای عظیمہ
جانب خنجر	۱۔ استرآباد	استرآباد	بارفروش۔ آمل
	۲۔ مازندران	ساری	لاهیجان۔ آمل
	۳۔ گیلان	رشت	اردبیل۔ امار۔ خنیاخوی
جانب ترکی	۴۔ آذربایجان	تبریز	اصفہان۔ قم۔ ہمدان
	۵۔ عراق عجم	طهران	اہواز
	۶۔ خوزستان	وہذفول	پوشہر۔ مرغاب
جانب بلخ فارس	۷۔ فارس	شیراز	تارم
	۸۔ لارستان	لار	بندرعباس۔ بجم
	۹۔ کرمان	کرمان	یزد۔ نیشاپور
جانب شرق	۱۰۔ خراسان	مشہد	

پادشاہ با حاکم اینکیندہ

شہرهای عظیمہ

تبریز۔ یکی از شہرهای عظیمہ ایران است در وسط آذربایجان کہ بموجب یک حبس افیا
 ۱۱۰۰۰۰ خلقتیت دارد و بموجب کتاب وگیری ۲۱۰۰۰۰ و ہر چند کہ تباہ است مگر نہر لول است
 و تجارت زیر کہ تمام مال التجار ہند و روس و ترکی داخل آن می شود۔

طهران۔ دار السلطنۃ ایران است کہ واقع شدہ در پایان دشتی ۱۲ میل در جنوب الیزر میل
 گرداگرد آن است و ۵۰۰۰۰ خلقتیت دارد۔ عظیم الشان ترین عمارات این شہر از کٹ پادشاہ آ
 درایام تابستان و سنگاہ سلطنت ایران را نشین گاہ در میان اتمال و جبال قریب طهران است
 جانی کہ میخوانندش "چمن سلطانیہ"۔

مشہد۔ واقع شدہ است بجانب شمال مشرق خراسان یکی از اماکن مقدسہ ایران است۔

جغرافیای ایران

اعظم عمارات این شهر مسجدی است که در آن واقع است قبر امام رضا که هر ساله هزاران زیارت کننده
 این شهر تجارت گاه خوبی است و پارچه های ریشمائی و پشمین و ابریشمین بسیار خوب در آن فایده
 می شود - خلقت این شهر از هشتاد هزارالی صد هزار نفس است -

اصفهان - دارالسلطنه ایران بود تا سال ۱۲۹۸ عیسوی واقع است برکنار فواره
 خلقت این شهر ۴۰۰۰۰ نفس است یکی از شهرهای عظیم الشان ایران بود - در ایامی که نقطه
 اوج معموریت بود ۲۴۰۰۰۰ میل گرداگرد آن بود و ۵۰۰ مسجد داشت و متعدد حمام و سراها و غیره
 اگر چه اکنون ویران و تباها نظری آید هنوز در کارهای دستکاری امتیادی دارد مثل
 ظروف طلا و نقره و آتش خانه و شمشیر و ظرف سفالین و شیشه و غیره و تجارت آن
 هم خوب است با هند وستان و ترکی و افغانستان -

یزد - یکی از شهرهای است که بسیار عظمت دارد و بسبب بافتن پارچه های ریشمائی و
 پشمین و ابریشمین و خلقت آن ۴۰۰۰۰۰ نفس است -

شیراز - مسقط الرأس و منبع پاک تابناک سعدی و حافظ است که از ازمه قدیمه معروف است
 بحسب مکانیت و محل وقوع آن چنانچه در وصفش گفته اند "شیراز آب رکنی آن با دوش
 نسیم و عیش کن که خال رخ هفت کشور است" واقع شده است در میان کوستان پارس
 و میل گرداگرد آن است و مشتمل است بر بهترین بازارهای ایران - خلقت این شهر از ۳۵۰۰۰۰
 الی ۴۰۰۰۰۰ نفس است - شراب و گلاب شیراز معروف جهان است - شیراز پای تخت خلفا بود
 و در اوج بندگی و معموریت ایستاده بود و در حدود سال ۱۴۰۰ ع - خرابهای عظیم الشان پیر شلیس

جغرافیای ایران

(تخت جمشید) پای تخت قدیم ممالک ایران واقع است چند میلی رادر جانب شمال شیراز -
 طرق و شوارع - ایران راندها قابل مسافرت است نه یلوی نه (اگر چیکویند لا پیشتر میگو
 کشیده اند العبهه علی الراوی و شاهراه آن هم بسیار معدود است و مال التجاره آن فقط باوا^{سطه}
 کاروان حمل و نقل می شود -

این فقرات بعد بوجوب کتاب بسیار معتبر جدید است

فرمانروای حال ایران و اولاد

ناصرالدین - شاه ایران بزاد در روز ۴ ماه سپتمبر ۱۸۲۹ عیسوی و پسر ارشد شاه محمد

(محمد شاه) است که بر تخت پدر بر شد ۱۰ سپتمبر ۱۸۴۸ عیسوی -

اولاد شاه مذکور ۱، مظفرالدین است ولی عهد که بزاد در سال ۱۸۵۰ عیسوی -

۲، جلال الدوله است که بزاد در سال ۱۸۵۳ عیسوی -

شاه ایران که مقرب است به - شاهنشاه - در ممالک محروسه خود پادشاه مستقل کل مختار است ملک

جان مال رعیت خود است - و علاوه بر این این پادشاه راجع آن است که ولی عهد

جانشین خود را خود مقرر و تعیین سازد -

چون تمام مدنی و خراج ملک بدست ایشان بوده است بر این این سلاطین اخیر یعنی خاندان عالی

قدرت آن بوده است که دولت کزانی از برای خود برکنار گذارند چنانچه میگویند پادشاه خود

۴ میلیون استرلینگ که ۶۰ کرویراق بوده باشد موجود دارد که نمی ازان الماس است که بزرگترین

جغرافیای ایران

همه دریای نورست و دیگر جوابهائی که بر تاج (یا جغت) اولصب است -

پادشاه حال ایران چهارمین پادشاه است از خاندان قاجار که متصرف دشت تاج ایران را پس از آنکه جنگی خانگی واقع شد در ایران که بیش از ۱۵ سال طول کشید از ۱۲۹۶ الی ۱۳۰۴ تا پنج جلوس هر یک از این خاندان با نیموجیب است -

آقا محمدخان (۱۲۹۴ عیسوی) محمدشاه (۱۸۳۵ عیسوی)

فتح علی شاه (۱۲۹۶ عیسوی) ناصرالدین شاه (۱۸۴۸ عیسوی)

پادشاه ایران را قدرت و اختیار آن است که تغییر و تبدیل دهد رسم حال ایران ادبنا استقرار تعیین جانشین و تاج خود را بنفشه بهر یک از اولاد خود که بخواهد -

حکومت و تربیت

وضع حکومت ایران بعینه وضع حکومت ترکی است یعنی دولت عثمانی - اساس تمام قوانین بر احکام قرآن نهاده و هر چند که اقتدار پادشاه را حد و غایتی نیست مگر تا اندازه ایست که خلافت شرایع مذہب اسلام نیست که درج افتاده است در کتاب مقدس سول خدا و احادیث و اخبار او و تأویلات و تفاسیر - اولاد و جانشین او و علمای ملک -

شاه بمنزله مایب پنجم بر سر تاج بهیچن اسطه است دعوی استحقاق حرمت میکند از رعیت خود -

در تحت او جرین حکومت و اگذار است بیک وزاری که قبل از این مشتمل بود بر دو وزیر پیا بزرگ که یکی وزیر اعظم بود و دیگری امین الدوله یعنی خزینہ دارد دولت مگر در این ایام بسیار کم

جغرافیای ایران

یعنی نازکی متقسم شد به هفت شعبه و دبایس وضع ایالتی یورپ - ولی تا کمترین هم آن و وزیر
تختین در وجه و پایتختین اند و وزیر ملک قاپس و قنصل تمام مهابام امور خارج سلطنت است
و سپهسالار سپاه ملک است بر نیابت سلطان در غیاب سلطان و وزیر مالیه یا امین الدوله را قنصل
و فائق است تمام امور داخله ملک و مالیات آنرا -

اکثر و اغلب خلق ایران مسلمان اند و تمام خوارج از اسلام در این ملک ... ما نفس می شناسد
که مشتمل است بر ارمنی و لفرانی و یهود و گبر یا پارسی - ارامنه ایران تخمین شده ۶۶۰ خانوار
که ۶۰۳۵۰۰ نفس بوده باشند و لفرانی ها که هم از قزاق و ترمن و کتیک شامل اند و هم از ذات پند
که اولین ۳۵۰۰ خانوار است و دومین ۶۰۰ خانوار روی هم رفته ۱۰۰ خانوار یا ۳۵۰۰۰۰
نفس اند - یهود این ملک ۱۶۰۰۰ نفس است و پارسی این ملک ۱۲۰۰ خانوار یا ۱۹۰۰۰۰ نفس -
مسلمانان ایران شیعیه هستند که بعضی امور مذموبیه افراق و اختلاف دارند با سکنای ملک
عثمانی که آنها را میخوانند سنی - علمای ایران مشتمل اند بر چند ذات و صنف که عمده همه را شیعه
مجتهد است که در تمام ملک چهار پنج نفر پیش نیست از آن مگر تعیین و استقرار مسند نشینی این صنف
با کسانی است که از همین صنف باشند و پادشاه را دخل و تصرفی در این باب نیست -
پس از این صنف در وجه شیخ الاسلام است که در هر شهری یکی است و از حکومت مبرا
و در تحت حکومت اینها سه صنف از عمال و کار گزاران مذموب هستند یکی متولی مساجد و مقامات
زیارت است دیگری مؤذن مساجد و دیگری مکتب - (باید دانست که البته هیچ قومی نیست که از
ادحالات دیگران بخوبی آگاه شود و اختلاف زیادی در این بیانات هست ویرا که این نویسنده

جغرافیای ایران

پرسیده یا شنیده اند و نوشته اند - ارامنه را در پیشاپ (کشیش) هست و هر دو صفهان
و ارامنه را هیچ و چه کسی نمیتواند متعرق شود چرا که حامی دارند بر خلاف یهود و گیکه
بکلی خوار و ذلیل و در شکنجه اند -

ترسیت در ملک ایران فی الجمله ترقی دارد بخصوص در میان عالی ناس و مدرسه های متعدد و دوم
در ملک هست که مخارج آنها باز عموم خلق است و عمده تحصیل اهل ایران تحصیل علوم دینی و تاری
و عربی است و چیز بسیار کمی هم علوم حکمت و غیره و از آن طرف ترسیت خانگی و خفیه عجم است
و باجمله سواى ملک چین هیچ ملکی در ملکات اشیا در ترسیت بر تبه و پاییه ایران نمیرسد -

مالیات و شکر

آمدنی و مخارج این ملک بطور تخمین هست زیرا که کاهی جمع و خرجی از مالیات و مخارج این ملک
چاپ نشده است که معلوم گردد - باجمله از قراریکه در سال ۱۸۶۸ حساب کرده بودند از روی
رسیدات یا اسناد آمدنی ایران ۴۳۶۱۶۶۰ تومان بوده است که بعبارة آسنری
۱۲۴۴۶۱۲ پوند و زراگریزی بوده باشد نقد علاوه بر آنچه جنس داده می شود که کل است
بر جو و گندم و برنج و ابریشم و غیره که روی هم ۵۵۰۸۰۰ تومان می شود یا ۲۳۰۳۴۶۱۲ پوند
جمله این هر دو میشود ۴۹۱۲۵۰۰ تومان یا ۱۹۶۵۰۰۰ پوند - و مالیاتی که جنس است غالباً
نکاه بسته می شود بجهت لشکر و مخارج خود پادشاه و تمام این مالیات و اگذا هست بفضای
و عمال که بطور جمعین و مبلغ خاصی از هر یک از شهرها و ولایات و محالات یا ضلعا میگیرند

جغرافیای ایران

با کمال تشدد و سختی و احجاف و قریب تمام این بارگران برگردن فقرا و اصناف خرد
یعنی کارکنان رعیت پادشاه است و بخصوص آنها که مسلمان اند و آن مبلغی که از
نصارا و یهود و گبر می گیرند بسیار کم قدر است -

هر چند که مایات ایران بسیار کم است مع ذلک زیاده می آید از مخارج آن از قریب

نوشته بودند در سال ۱۸۶۸ بدین موجب بوده تومان پوند

مخارج لشکری و ملازمات آن $3\frac{1}{4}$ کرو - ۷۰۰۰۰۰

مواجب شاهزادگان و اراکین و سایر چاکران و بوان $1\frac{1}{4}$ - ۳۰۰۰۰۰۰

و تطایف علما و غیرهم مطلقاً $\frac{1}{4}$ - ۱۰۰۰۰۰۰

مخارج خاصه پادشاهی ۱ - ۲۰۰۰۰۰۰

مخارج متفرقه ۱ - ۲۰۰۰۰۰۰

بقیه که داخل خزانه پادشاهی می شود ۱ - ۲۰۰۰۰۰۰

کلاً $8\frac{1}{4}$ کرو - ۷۰۰۰۰۰۰ پوند

حکومت ایران را قرض نیست و زری که از سالهای دراز شاه ایران مقروض می داد
بود بروس از بابت مخارج جنگ سال ۱۸۲۸ که مبلغ آن ۲۰۰۰۰۰۰ پوند (یک ق)

بود امپراطور حال معاف کرد در سال ۱۸۵۶ -

لشکر ایران بموجب فهرست وزیر لشکر ۱۰۵۵۰۰ عدد است که از آن ۵۰۰۰۰ تن پانجا

و ۷۰۰۰۰ سرباز پیاده و ۳۰۵۰۰ سوار با نظام و بی نظام - از اینجمله فقط ثلثی مشغول

جغرافیای ایران

خدمت پادشاه اند و با بکله در خدمت این عساکر ذیل مشغول و تیار اند -

توپخانه	۱۵۰۰	سوار بی نظام	۱۰۰۰۰
سرباز	۱۸۰۰۰	با نظام	۵۰۰
کلاً ۳۰۰۰۰			

بقیه این سپاه (۱۰۵۵۰۰) فقط نگار داشته شده است برای وقتی که بکار آید و سرباز و غیره که باین نحو بسری برند مأذون اند که در دولت و قرای خود بمانند و مشغول در ااعت و دیگر کارها باشند و هیچ وجه مشق بهم نهند و دیگر خدمات لشکری را هم بجای نیارند و همه این سپاه مامور اند که در زمان طلبیدن زیر لشکر حاضر باشند و جمع آوری و ترتیب این سپاه چنین است که آنها را میگیرند از صنایع و محلات و میان قبایل - مثلاً هر ضلعی باید چند فوج سرباز به و در هر سبیل یک فوج و کاهنی فوج و هر ضلعی باید یک دسته از فوج را به و و سرداران سپاه را غالباً از ردسای قبایل اختیار و انتخاب می کنند یا از صنایع یعنی از هانجا های که سربازان میگیرند - یهود و نصارا و مجوس معاف استند از بودن سپاه و چاکری پادشاه -

مشاغل و تجارت

تکلیف خلق ایران مشغول اند بر ااعت و محو اگر دی - کارهای دستکاری مثل است بر فتن رسانفتن پارچه های ایشمین و نخل و قالین و پارچه های ریسمانی و بشمین و شال و چیت

جغرافیای ایران

و اسباب آلتخان و تیغه شمشیر و گنجر و دکاند و شیشه و ظروف سنگی و جواهر آلات و اسباب چرمینه - عمده تجارت این ملک باروس است و استمبول و ترکستان و هندوستان -
 امتعه که از ممالک یورپ و هند می آرند در این ملک قماش است و پارچه های ابریشم و ریشمان و قمری و شکر و چای و جواهرات و گنجر و ظروف چینی و بلور آلات و آهن و برنج و مس و نخل و دکاند و اسباب آتش خانه و اسنچ اذین ملک خارج می شود
 ابریشم خام است و پنبه و تنباکو و ترپاک و گندم و مازوج و پشم و کرک و روغن و خشکبار و شال بعضی از قسمهای چیت بجهت روس و ترکی - غایت تجارت ایران را میتوان سرسری تخمین کرد به ۴۰۰۰۰۰۰ پوند - (۶۰۰۰۰۰۰ ریال) در سال که از ۱۵۰۰۰۰۰ پوند بایگفت قیمت مال التجاره داخله آن است و ۱۵۰۰۰۰۰ پوند دیگر قیمت مال التجاره خارج آن است و در این چند سال اخیر بقدر ۱۰۰۰۰۰۰ نقصان وار آمده است و فقره خبر یعنی خارج ملک مذکور بواسطه تباهی حاصل ابریشم (بکس حاصل آن زیاد بود این نقصان هم بر آن وارد آمد) - اکثر مال التجاره ایران داخل می شود و فرومی آید در شهر تبریز که تجارت گاه عمده عظیمی است مال التجاره شمال هندوستان و بمقصد و بخارا و کابل و بلوچستان را - در یک از ریپرت های فرنج نوشته است که در سال ۱۸۶۸ مال التجاره داخله ایران که از ممالک یورپ آمده بود داخل تبریز برفت
 ۶۰۰۰۰۰۰ فرنس بود یعنی ۲۴۰۰۰۰۰ پوند و حال آنکه در سال ۱۸۶۰ فقط ۴۰۰۰۰۰۰ فرنس بود یعنی ۱۶۰۰۰۰۰ پوند - تمام مال التجاره یورپ که داخل تبریز

لکه گنجر و شمشیر و دکاند و شیشه و ظروف سنگی و جواهر آلات و اسباب چرمینه - عمده تجارت این ملک باروس است و استمبول و ترکستان و هندوستان - امتعه که از ممالک یورپ و هند می آرند در این ملک قماش است و پارچه های ابریشم و ریشمان و قمری و شکر و چای و جواهرات و گنجر و ظروف چینی و بلور آلات و آهن و برنج و مس و نخل و دکاند و اسباب آتش خانه و اسنچ اذین ملک خارج می شود ابریشم خام است و پنبه و تنباکو و ترپاک و گندم و مازوج و پشم و کرک و روغن و خشکبار و شال بعضی از قسمهای چیت بجهت روس و ترکی - غایت تجارت ایران را میتوان سرسری تخمین کرد به ۴۰۰۰۰۰۰ پوند - (۶۰۰۰۰۰۰ ریال) در سال که از ۱۵۰۰۰۰۰ پوند بایگفت قیمت مال التجاره داخله آن است و ۱۵۰۰۰۰۰ پوند دیگر قیمت مال التجاره خارج آن است و در این چند سال اخیر بقدر ۱۰۰۰۰۰۰ نقصان وار آمده است و فقره خبر یعنی خارج ملک مذکور بواسطه تباهی حاصل ابریشم (بکس حاصل آن زیاد بود این نقصان هم بر آن وارد آمد) - اکثر مال التجاره ایران داخل می شود و فرومی آید در شهر تبریز که تجارت گاه عمده عظیمی است مال التجاره شمال هندوستان و بمقصد و بخارا و کابل و بلوچستان را - در یک از ریپرت های فرنج نوشته است که در سال ۱۸۶۸ مال التجاره داخله ایران که از ممالک یورپ آمده بود داخل تبریز برفت ۶۰۰۰۰۰۰ فرنس بود یعنی ۲۴۰۰۰۰۰ پوند و حال آنکه در سال ۱۸۶۰ فقط ۴۰۰۰۰۰۰ فرنس بود یعنی ۱۶۰۰۰۰۰ پوند - تمام مال التجاره یورپ که داخل تبریز

جغرافیای ایران

می شود و از استمبول می آید و از طبرستان میگذرد و از انجا با کاروان حمل و نقل میشود.
 در شهر تبریز چند خانه از االی یورپ هم هست که از انجمله کارخانه است یعنی جایی که تجارت
 میکنند شخصی موسوم "رالی" از االی روس که در سال ۱۸۳۶ عیسوی اساس نهاده شد
 و در سال ۱۸۴۱ او ضاعش برهم خورد و چونکه این کارخانه مدتی را در قفقاز در مقابل
 نه داشت تقریباً تمام تجارت ایران با یورپ بدست آن بود و تجارت ایران با انگلستان
 انچه بنحط مستقیم است بسیار اندک است چنانچه در هر یک از این پنج سال ۱۸۶۹ الی
 ۱۸۷۳ قیمت مال التجاره ایران با انگلند و مال التجاره انگلند بایران بوجهی میل بود.

مال التجاره ایران با انگلند	مال التجاره انگلند بایران	
پوند	پوند	
۱۶۹۸۵		۱۸۶۹
۱۵۵۵۶	۱۳۵۷۹	۱۸۷۰
۸۸۴۸	۴۰۸۶۳	۱۸۷۱
۲۳۸۱۱	۴۶۶۷	۱۸۷۲
۴۶۸۵۳	۱۰۹۹۱	۱۸۷۳

و مال التجاره ایران با انگلند در سال ۱۸۷۳ اکثر مازوج بود که قیمت آن ۱۰۵۹۷ پوند
 شد و مال التجاره انگلند بایران چهپواری بود و قیمت ۳۹۱۸۰ پوند —

تاریخ ایران

تاریخ

مملکت ایران که در این زمان بکلی گمنام است بنسبت سایر ممالک و بی زمین و قبی از اوقات حکومت
 و دارائی و ثروت و بسیار از ممالک و طوایف جهان - باید دانست که هر چند در میان سلطنت
 ایران بسیار قدیمی است و اعم از این که بوده یا نبوده هر چه بود شک نیست که تاریخ بسیار قدیم ایران
 مشحون است بر بعضی بلکه بسیاری از واقعات آمیخته با افسانه و شک نیست که سلطنت هر یکی در آغاز
 جهان با آنکه بسیار نامی بوده مثل نبوده است بر مملکت بسیار وسیعی دولت بسیار کزانی بلکه بنسبه
 بآن زمن بسیار عظمت داشته اند چنانچه یعنی نوشته از خارج در دست ما نیست که تقویت کند
 دعوی ما و ولی نوشتهجات خارج که تقویت میکند ما را در تاریخ قدیم ایران یعنی نه زمان مهابادیان یا
 پیشدادیان بلکه عهد کسان نوشتهجات یونانیان و تورات است - باجمله ذاکتر اهمیت (جغرافیای
 قدیم خود از بابت تاریخ مدیانه نویسد که "تاریخ مدیانه بسیار مهم و در پرده خفاست و یکی از
 نویسندگان یونان موسوم به تیسفیل داده است از نام متعذر سلاطین قبل از سیمیروس
 (یعنی کخیمر) که اولین آنها آربس نام داشته مگر یکی دیگر از نویسندگان بسیار معروف که نام
 او پروتس است فقط چهار نفر از سلاطین را ذکر کرده نخستین ایشان دیسوس بوده است
 (یعنی کیقباد) که آغاز سلطنت او در سال ۸۰۸ قبل از مسیح بود پس می نویسد که تاریخ معتبره شروع
 میشود از زمان سلطنت سیارزس (یعنی کیکاؤس) ۴۳۴ ق م که واقعات عظیمه ایام سلطنتش
 شایع با اهالی توران بود و بعضی از توابع اشیا مینا را که در آنوقت داخل مملکتی محسوب بود موسوم به
 زگروس و گرفتن مینا و غیره و سعی نمیکند که حاصل آرد و دارائی و تقویتی را که سلطنت اسیریار

ساده و بسیار از دیگران
 مراد است -

تاریخ ایران

نو بر ممالک غربی اسیا - با بجمه در عهد سلطنت کیخسرو بود در سال ۵۸۱ هـ قبل از مسیح که پارس یعنی ایران
 و مدیایکی شد و تحت امرانی یک پادشاه بالاستقلال درآمد و از این زمان مورخین یونان و روم
 نوشته اند و اکنون بدریافت یادی نویسندگان فرنگ را هم عقیده این است که در این زمان که
 مملکت ایران در نقطه حقیقی اوج و بلندی رسیده بود و مختصر این است که واکتر اهمیت که معتبر
 ترین نویسندگان انگلستان است در جغرافیای قدیم خود این اراضی و ممالک فیل ادران ^{فصل}
 نوشته و شامل کرده است که حد و حدود ایران را نوشته و باین نحو مینویسد "اضلاع یا صوبجات
 ممالک ایران" (۱) فارس (۲) سوسیان یعنی خوزستان (۳) مدیا (۴) اریانه یعنی
 هرات و در این صوبه شامل است کرمان و تمام خراسان و افغانستان و کابل و غنیه و -
 (۵) اضلاع شمالی که مشتمل است بر مازندران و استرآباد و بلخ و بخارا و ترکستان و مرقند
 و خجند و بعد از آن هندوستان و تبت و تاتار و قسمت بسیاری از سیبری را هم در ایران
 شامل کرده است یعنی در همان فصل نوشته و تارسخی که ما از آن نوشته ایم مختصری
 می نویسد که چون کیخسرو بر تخت برآمد اتحاد و ادایرانیان قدیم و اصلی ایران را که
 در حد و دشرقی ملک مذکور سکونت داشتند با اهل مدیا که کمان رفته است از
 جانب و لگا آمده بودند و بغایت ترقی کرده بودند در علم و دانش و کمال و بهتر و نخبه
 لشکر کشی و جنگ جوئی و لبر واری این دو قوم و دد و لشکر تمام ممالک مغرب اسیا را
 ساخته سوای ملک عربستان که از انهم فی الجمله را در اطاعت خود آورده بودند -
 بانشینان او یعنی کسانی که پس از او آمدند سخن ساختند قسمتی از شمال افریقا و جنوب یورپ را

تاریخ ایران

وروز گاری در زد و خورد بودند با یونانیان مگر فتحید و منصور نشدند و ملک قدیم ایران
آخر شد و انقراض یافت در عهد سلطنت دارا که اسکندر رومی او را مغلوب سخت
در سال ۳۳۱ قبل از مسیح - سلطنت دیگری برپا شد و مملکت دیگری اساس نهادند
از نو قریب یکصد سال بعد از آن موسوم به دولت پارتی یا که مملکت عظیمی را در تصرف
داشت - در بین صد سال بنفتم عیسوی این ملک بدست اعراب در افتاد و در تحت
حکومت خلفای عرب درآمد و در صد سال چهاردهم عیسوی امپراتور تاتاری بر آن
تاخت آورد و در سال ۱۷۲۲ افغانان حمله بر آن آوردند و لیکن ۱۴ سال بعد از آن
نادر شاه افغانان را تباہ ساخت و وحشت و هراس انداخت از تیغ خود تا بمکه
هند و ستان - چون مرگ او رسید در سال ۱۷۰۹ یکی از سران سپاهش حکومت
افغانستان را اساس نهاد و در طرف مشرق حاکمونی که دیگری حد و مغربی را گرفت
و برپای نمود این سلطنت حال ایران را و لیکن حد و این ملک بدست و کجا کان معین
و مشخص نیست و لهذا فی الجمله بی نظم و نسق می باشد و بستم مگر این تاریخ تا سی سال
قبل نوشته و در این بین حد و حدی مقرر کرد نداده برای ایران چنانچه
جنگ افغانستان و غیره که واقع شد حد و ایران معین گشت - نام قدیم این مملکت
و سیم راموسی علیه السلام نهاد را کم چنانچه در تورات ذکر شده و یونانیان نامیدند
پارتیا ولی ساکنان خودش از زمانه قدیم الی الآن ایرانیان میخوانند -

آنها را قدیمه - از جمله آثار قدیمه ایران یکی خوابهای تخت جمشید است که یونانیان

عنه پارتیا بقا عاید
مرا از ساکنان باشند
عنه را کم و معنی دارد
یکه جوان خواه مرد باشد
و خواه زن و دیگری بکر -

|

,

|

تاریخ ایران

میخوانندش پیرس پلپس و یکی از شهرهای خطیمه و پای تخت سلاطین ایران زمین بود.
 این عمارت قریب سی میل دور در جانب شمال شیراز در پایان دشت وسیعی واقع گشته
 دیگر بعضی مخروبه ها هست در دشت مرغاب که گمان رفته است که از بقایای شهر
 پستگردی است که کیخسرو ساخته است و مدفن او هم در آنجا واقع است و معروفست
 که این شهر را ساخت بایدگار ظفری که یافته بود بر املالی مدیا - بهمان احتمال
 کلی میرود که همان اکثمتا است که در تورات ذکر شده که در آنجا قبور همدوشیا
 و الپستر واقع است و نیز ویرانه های شوشا دسوس هست در خوزستان که یکی
 از آنها البته باید قصر شوشا باشد که در تورات هست ذکر آن -

سید پلپس
 جایی است که مخروبه ها
 دیده اند
 سید اکثمتا

تمام شد کتاب جغرافیای عالم بطور اجمال

یعنی چند مملکت یورپ و ایران بترجیمه و تصحیح

میرزا اسمعیل المتخلص به درویشی تبارنجی

شهر رمضان المبارک ۱۲۹۰ هجری

با هتمین مرتبه ازین العاشقین

دروار الطبع سرکار عالی

بزیو طبع

آرست گردید

نقطه

